

15000

افغانستان اکاډمۍ

نمبر نشرات: ۹۰



انجمن تاریخ

نمبر نشرات: ۱۰۳

تاریخ خط و نوشته های کهن

افغانستان

از عصر قبل التاريخ تا کنون

تألیف: پوهاند عبدالحی حبیبی

متمم: عبدالله رفیع

نشر کرده:

انجمن تاریخ و ادب

افغانستان آکادیمی

کابل ۱۳۵۰

A short History of
Calligraphy
And
Epigraphy
in AFGHANISTAN

By

Prof. ABD-AL-HAYY HABIBI

published By the
Historical and Literary Society
of
AFGHANISTAN Academy

KABUL

1971

Government Printing House

تاریخ خط و نوشته های کهن افغانستان

پوهاند عبدالحمی حبیب

۱	۰۰
۱۳	۶۶



تاریخ خط و نوشته های کهن

افغانستان

از عصر قبل تاریخ تا کنون

تألیف

پوهاند عبدالحی حبیبی

نشر کرده

انجمن تاریخ و ادب افغانستان اکادمی

کابل ۱۳۵۰

افغانستان اکادمي

نمبر نشرات: ۹



انجمن تاريخ

نمبر نشرات: ۱۰۳

تاريخ خط و نوشته های کهن

افغانستان

از عصر قبل التاريخ تا کنون

تأليف

پوهاند عبدالحي حبيبي

نشر کرده

انجمن تاريخ و ادب

افغانستان اکادمي

کابل ۱۳۵۰

مہتمم: حبيب الله رفيع

تعداد طبع: هزار نسخه

سریزه

له ډیره وخته داسی غوښتل کیده چی به افغانستان کی دخط دیداکیدلو اوسره اوښتلو یو مستند اومصور تاریخ ولیکل سی ،چی دتاریخ پلټونکی هم دخطونو دیداکیدلو په واقعاتو او عواملو او اوقاتو خبر سی اوسم دډول ډول خطونو شکلونه اوانخورونه وگوری .

داکار له دی سببه گرانو، چی علمی پلټنی لاگرده نه وی بشپړی سوی، اود مخکی له لاندی څخه دپخوانو خطونو ډیر لیکونه اوپتی نه وی ژا ایستل سوی .

په دی وروستنی پیری کی داکار دغربی پوهانو له خوا ښه پرمخ ولاړ، اوډیر کښل سوی سندونه په لاس راغله چی دخط تاریخ ښه ځنی څرگندیری .

خط دانسانی تاریخ اود مدنیت لمر څرک دی ، او که انسان دا ښیکنه نه درلودای، ډیر څه به نی کمو، اود علم نوم به هم نهو. نو له دی جهته دافغانستان په تاریخ کی دخط پخوانیو پلټنه او څرگندو نه دتاریخ ټولنی یوه مهمه وظیفه ده .

دا کتاب لومړی پلا د اجتماعی تاریخ مهم پلوشه ناڅه ښکاره کوی . اوله تاریخه دمخنی زمانی څخه تاسی تردی وخته رازسوی .

دا کتاب دافغانستان دگردوخطونو یوه لنډه اما جامعه تاریخچه ده، چی د ډیرو انخو زونو او عکسونو سره دافغانستان اکاډیمی د تاریخ اودب ټولنی له خواتاسی ته وړاندی کیری .

(حبیبی)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	اقراً وربك الاكرم الذى علم بالقلم
۲	مدخل
۴	دوره قبل از اسلام
۴	قد یمترین کتیبه های قبل التاریخ
۷	قد یمترین خطافغانستان در دوره تاریخی
۷	خط آرا می
۸	سنگ نبشته های آرا می ...
۱۲	نوشته های خط پراهمی
۱۴	کتیبه های زبان ورسم الخط یونانی
۲۱	سنگ نبشته های خروشتی
۵۰	کتیبه های خروشتی در ترکستان شرقی
۵۲	سنگ نوشته های شناخته نشده موزه کابل
۵۳	نوشته های زبان تخاری برسم الخط یونانی
۶۱	کتیبه های شاره دا- ناگری سنسکریت
۶۳	کتیبه های شاره دا- ناگری سنسکریت
۶۵	رسم الخط پهلوی و دین دبیره
۶۸	دوره سه رسم الخط
۷۱	خط سفدی
۷۳	خط و کتاب دوره اسلام
۷۴	سوابق کتاب نویسی
۸۱	خط و کتاب در عصر اسلام
۹۰	افزایش جنبه هنری و تزئینی در خط
۱۰۴	دوره عروج خطوط
۱۱۴	خوشنویسان متاخر
۱۱۶	رسم الخط پنبتو
۱۲۳	عکسها
۲۵۲	نمونه های خطوط استاد عزیزالدین پولزایی ۳۵ قطعه

تصحیح

از مطالعین محترم خواهش میشود تا قبل از مطالعه اغلاط و پریدگی های ذیل طباعتی را تصحیح نمایند و هم پریدگی های جزوی دیگری نیز هست که عندالمطالبه تصحیح میتوان شد .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴	۱۱	منسکر	منکسر
۵	۲۰	سرتیز	سرتیز
۱۶	۲۵	قبل المیلاد	قبل المیلاد
۲۳	۹	-	ایاسه
۳۰	۸	(۲)	(۳)
۳۱	۲	نعايد	نماند
۳۳	۹	ساختند	ساختند،،
۳۹	۱	سراووه	سراووه
۴۰	۱	بران	بران
۵۵	۲۱	ابن	این
۸۶	۱۴	منشور	منشور
۸۸	۱۰	لیت	لیت
۹۸	۲	زیبای	زیبای
۹۸	۱۵	عز	عن
۱۲۰	۲۱	بیست	بیست

اقراً وربك الاكرم الذی علم بالقلم

مسئله خط ونگاشتن در تار یخ مدنیت و فرهنگ افغانستان از مباحث بسیار مهم است، که تاکنون بدان به تفصیل وارد نشده ایم .
درین کتاب خواستم که این موضوع دشوار را تا جایکه ممکن است، به استناد آثاریکه تاکنون بدست آمده ، مورد مطالعه قرار دهم .

در آغاز مباحث از پیدایش خطوط تاریخی و ریشه های باستانی آن و صورت رواج آنها در افغانستان قدیم صحبت شده، و بعد از آن در مکتشفه و سنگ نبشته های خطوط قدیم را که در افغانستان یا ممالک مجاور کشف شده اند بر شمرده ایم ، ولی بهر صورت مرکز کاوش و کنجکاو یهای ما خا ک افغانستان قدیم (آریانه) بوده است .

این جستجوی ما از قدیمترین ادوار زندگانی اسلاف آغاز و بسا پیدایش و رواج خط اوایل دوره اسلامی خاتمه می یابد ، و تا یخ تحول و انشعاب خطوط دوره اسلامی و تحلیل ارزش های هنری آن خود موضوع مهم جداگانه بیست ، که در قسمت دوم این کتاب شرح داده شده است. و تاریخچه خط و کتابت را از عصر قبل تاریخ تا قرن حاضر می رساند .

امید است که با این جستجوی ابتدایی یک پهلوی تاریخ هنر مملکت را قدری روشن ساخته باشم .

کابل ، جمال مینه ۳۰ عقرب ۱۳۴۹

عبدالتی حبیبی

مدخل

افغانستان از نظر جغرافیایی سرچهارراه وسط آسیا واقع است ، همچنان که خصایص اقلیمی گرم و سرد و معتدل در آن پدیدار است . در طول تاریخ از نگاه بیدایش افکار و اوضاع مدنی و پرورش کلتور و هنر نیز اهمیتی دارد ، که در تاریخ تمدن آسیای میانه همواره سهم عظیم مردم آن فرا موش شده نمی‌نماید .

سر زمین افغانستان دراز است قدیم بنام آریانه ARIYANA

پرورشگاه مردمی بود ، که از زادگاه قدیم خود آریانه و یسجه با صفحات باختر و دامنه های ARYANA-VAEGO هندوکش هجرت کرده بودند . و از همین جا سرفا به هند شمالی و غربی به سرزمین کنونی ایران وارو یافتند . که آنان را نژاد هندواروپایی INDO-EUROPEAN گویند .

مردم آریایی که در سرزمین بین‌دجله و کنکاسکونت کردند ، در تاریخ تمدن بشری از مدت ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد سهم عظیمی دارند که مخصوصاً مظاهر تمدن ایشان در کتابهای ویدا و اوستا نمایانند ، و ازین دو کتاب قدیم به افکار و کلتور و تمام مظاهر مدنی زندگانی ایشان پی‌می‌بریم .

مردم افغانستان قدیم یعنی آریانه از نظر کلتور و مدنیت و تحولات فکری و دینی دارای دو گونه موازیت قدیم فرهنگی اند :

اول: آنچه در بین خود با تکامل مراتب حیات مدنی دارای ذخایر فرهنگی و مدنی و فکری شده اند . امثال ترتیب قوانین دینی و آغاز به شمیرنشمینی و بنای بلاد و ترویج هنر و صنایع و آغاز به تفکر فلسفی و مبادی اخلاقی که در بقایای کتاب اوستا مظاهر آن بوجه احسن پدیدار است زه و رخان یونان قدیم هم بآن اشارها دارند .

دوم: چون افغانستان بین هندوستان و چین و پارس و سفد افتاده بود ، و این ممالک دارای مدنیت و مبادی دینی و فکری بودند ، و با یکدیگر روابط تجارتهی و سیاسی و اجتماعی داشته‌اند بنابراین این سر زمین همواره

گذرگاه انتقالات فکری و مدنی و مرکز قوی و منتقای مدنیت های متعدد گشته بود. و گاهی هم فاتحان ازین راه به هند و ماوراءالنهر میگذشتند که آثار مدنیت ایشان هم در یمن سرزمین باقی میماند و باین طور مبادی مدنی شرق و غرب بموروزمان با همواریت بومی این مردم می آمیخت و رنگ خاص مقامی را میگرفت ، که در تاریخ مدنیت افغانستان فصول خاصی را بخود اختصاص داده است مانند آمیزش مدنیت کریک و بودیک در دو قرن قبل و بعد از میلاد ، و امتزاج مدنیت اسلامی با مبادی خراسانی در قرن هفتم و بعد از آن.

فراموش نباید کرد: که مطالعه و تحقیق در تمام شعب تاریخ مدنیت افغانستان ، متلازم با جستجو و تعیین عناصر بومی و مقامی مدنیت و اثر پذیر یهای آن از مبادی و فرآورده های دیگرانست ، که در هر عصر و زمان ، این آمیزش های فرهنگی ، اندرین سرزمین فرهنگی های خاص افغانی را بوجود آورد و صبغه بخصوص خود را نگهداری کرده است ، که در تاریخ فرهنگ آسیای میانه اهمیت خاصی دارد ، و جزو مهم تاریخ کلتور بشریست.

ما در اینجا مخصوصاً با مسئله خط نویسی و کتاب سازی سروکار داریم ، که هنر خاص نوشتن و ساختن کتاب است ، و بحث و کاوش ما هم یک جزو «تاریخ هنر» بشمار میرود. چون تاریخ هنر شعب و فصول زیادی دارد، بنابراین ما تنها در اینجا را جمع به خط و کتاب صحبت میکنیم.

دوره قبل از اسلام

قدیمترین کتیبه های قبل تاریخ

در دره الی شنک لغمان در سلسله کوه ساریکه راههای دره های آن شرقاً به دره های شمالی مجرای دریای کنر میگذرد. در سنه ۱۳۲۹ هـ = ۱۹۱۱ م نزدیک يك مغاره بین جبل بر صخره کوهی کتیبه یسی کشف شده، که در آنوقت امیر حبیب الله خان بدیدن آن رفت و عکس نخستین آن در جریده سراج الاخبار افغانیه شماره (۱۶) سال (۶) مورخ ۵ حمل ۱۲۹۶ ش = ۲۵ مارچ ۱۹۱۷ م طبع کابل نشر شد. (۱)

تا کنون در آن باره مطالعات علمی بعمل نیامده، و تمام آن عبارت از خطوط مستقیم یا منسکر بهم پیوسته است که بروی يك صخره کوهی کنده شده و بسیار واضح و روشن است که با هیچ یکی از خطوط مکشوفه دوره تاریخی افغانستان تشابهی ندارد. و اگر آنرا با خطوط

(۱) بامر امیر حبیب الله خان در بهلولی این کتیبه قبل تاریخ این مضمون را در سنگ نوشته اند:

«بیادگار تشریف آوری اعلی حضرت سراج المله والدین امیر حبیب الله خان درانی بارکزا ئی محمد زایسی پادشاه دولت علیه خدا داد افغانستان اینکه در تاریخ ۲۱ ربیع الاول سنه یک هزار و سه صد و بیست و نه هجری بود، که درین موضع، سنگهای نوشته را ملاحظه فرمودیم. چون خطهای آنها درین زمان مروج نبود خوانده و دانسته مانشد، که نقش سنگها برای چیست؟ و آثار کیست؟ لهذا نقل خطهای آنها را بذریعه عکس بحضور خود برداشتیم و بجهت ترجمه کردن در ولایات بعیده ارسال داشتیم. تا زمانیکه معلوم نشود. چند کلمه را در سنگ هذرا حکم نقش فرموده بیادگار گذاشتیم»

از دانشمند علی اکبر شهرستانی استاد پوهنخی ادبیات و علوم بشری که نقل این کتیبه را با داد تشکر میکنیم، وی گفت: که درین جاهشت سنگ نوشته موجود است.

وعلامه منقوشه مواهیر و مجسمه‌های وادی سند و موهن جودیر و (که در حدود ۵ تا ۶ هزار سال عمر دارد) مقایسه کنیم، تناسب و هم‌آهنگی و هندسیتی که در خطوط موهن جودیر دیده میشود، درین کتیبه مشهود نیست و بنا برین آنرا بدوره‌های بسیار ابتدایی مدنیت انسانی که قبل ازین عصر بود نسبت توان داد.

ناگفته نماند: که در مغارهای هزار سم ۱۶ کیلو متری غرب سمنگان در نشیب‌های شمالی هندوکش با ارتفاع ۳۳۰۰ فوت آثار زیاد قبل‌التاریخی موجود است، که در آنجا بر دیوارهای مغاره‌های سنگی نیز اشکال و رسم‌های منقوره در گچ‌کاری دیده میشود، که باستان‌شناسان بعضی از آن را با خطوط قبل‌التاریخ اروپای غربی در اسپانیا و ایتالیا و سویس و آیرلیند مشابه یافته‌اند. و در آثار هزار سم اشکال انسانی و دست‌ها و اشکال حیوانی و خطوط معوج شکسته‌ی دیده میشود، که خطوط منقوره لغمان یک صورت متکامل، و مهذب شده خطوط هزار سم پنله‌اشته می‌توانیم.

چون عمر آثار هزار سم را در حدود ۵۰۰۰ سال قبل در عصر قدیم سنگ طبقه میانه (چقماق) (۱) تخمین کرده‌اند (۲) و تشابهی هم بین خطوط منقوره لغمان و هزار سم دیده میشود، ولی قدری مهذب شده. بنا برین توان گفت: که نقوش سنگی لغمان، مربوط به عصر بعد از دوره هزار سم خواهد بود. زیرا کردن چنین خطوط و اشکال در سنگ خارا، محتاج به استعمال فلز سر نیز نیست که لابد در دوره استعمال فلز یعنی حدود پنج هزار سال قبل ازین، نقر آن واقع شده باشد.

(۱) MIDDLE PALAEO-LITHIC

(۲) برای شرح آثار قبل‌التاریخ هزار سم به مجله ایست‌ایندویست‌طبع روما ۱۹۶۳ مقاله EDITTA CASTALDI رجوع کنید و نیز دیده شود: مقاله دوره قبل‌التاریخ افغانستان از لویس دوپری - مجله آریانا طبع کابل شماره ۲۷۱ جوزا ۱۳۴۶ ش

THE PREHISTORIC PERIOD OF AFGHANISTAN BY LOUIS
DUPREE JOURNAL. AFGHANISTAN. NO. 3. 1967.

بهر صورت تاکنون کلیدی برای خوانش چنین نقوش مبهم بدست نیامده، و موسیو فوشه (۱) هم متردد است که آیا این نقوش مربوط به دوره های قبل تاریخ خواهد بود یا نه؟

ناگفته نماند که برخی اشکال حیوانی یا انسانی در دوره های بسیار مابعد بر سبیل هوس و تفریح بر برخی کتیبه های قدیم کنده شده اند (مانند نقش های جدیدیکه بر خرسنگ های جغتو و غیره نقش شده) ولی کندن چنین خطوط مثل منقورات دره لغمان نمیتواند برای هوس زانی باشد، و حتما مطالبی در آن بوده است که ما اکنون کلیدی برای دریافت آن نداریم و بنابرین زیاد ازین درباره آن چیزی نتوان گفت: و ما درینجا تنها به عکس نقوش دره الی شنگ لغمان و هزار سم سمنگان اکتفا میکنیم. (شکل ۱-۲)

قدیمترین خط افغانستان در دوره تاریخی خط آرامی

مردم آرامی (۱) از حوالی قرن ۱۵ ق.م در وادیهای شمال غربستان تمکن داشته و دولت‌هایی را تا شمال سوریه تشکیل داده بودند. از نوشته های میخی قرن چهارم قبل المیلاد ثابت می‌آید، که جمعی از مردم سو تی (۲) آرامی در سوریه و حوالی دمشق میزیستند. در حالیکه برخی قبایل آرامی در مناطق جنوب فرات تا کرانه های خلیج فارس پراکنده شده بودند. (تاریخ اللغات السامیه ۱۱۵) که در حدود ۵۸۶ ق.م بعد از انحطاط قدرت فنیقیان، امور تجارت راه خشکه بدست آرا میان افتاد، و در وادی دجله و فرات رسم الخط آرامی، جای خط آشوری را گرفت که از هند تا مصر پهنا نی یافت و حتی در عصر عروج آشوریان نیز از زبان آرامی با آشوری یکجای زبان تحریر و دفتر بود، چنانچه بر حواشی الواح مکشوفه آشوری، زبان آرامی هم دیده می‌شود. (تاریخ فن تحریر ۱۹۴)

قدیمترین سنگ نوشته های آرامی که تاکنون کشف شده، از قرن هشتم قبل المیلاد است که از تل سنجرلی (۳) شمال سوریه بدست آمده و با هر برزکب ملك شمال ۷۴۵ تا ۷۴۵ ق.م تقریباً است (۴) و لی بعد از قرن ۵ ق.م خط آرامی بدین ترتیب شکل خاصی را بخود میگیرد، که سر و پهلوی حروف آرامی کشاده و زاویه های آن گرد می‌شود. که این تبدیل اشکال در عصر هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ ق.م) در آن واقع میگردد. (۵)

در نقشه ۳ انشعاب خطوط متعدد آسیایی را از رسم - الخط آرامی با مطابقت قرون قبل و بعد از میلاد ملاحظه میفرمایید، که آنچه بتاریخ افغانستان قدیم و ممالک مجاور آن ربطی دارد بعلامت × نشانی شده است. (شکل ۳)

ARAMEANS (۱)

SUTK (۲)

SINJIRLI (۳)

(۴) تاریخ اللغات ۱۲۲

(۵) فن تحریر ۱۹۴

سنگ نبشته های آرامی یا قدیمترین آثار خط در افغانستان تاریخی

تاکنون در خاک افغانستان نوشته‌هایی که قدیمتر از آثار رسم الخط و زبان آرامی در دوره تاریخی باشد کشف نشده است. اگر چه این نوشته‌های آرامی مقارن رسم الخطیو نانی است و به اواسط قرن سوم قبل‌المیلاد تعلق می‌گیرد، ولی چون مبداء و ریشه آن در تار یخ تمدن و هنر آسیا قدیمتر است بنابراین باید گفت: که رواج خط آرامی درین سرزمین سابق تر از خط یونانی و خرو شتهی است و خرو شتهی هم از خط آرامی برآمده از راست بچپ نوشته می‌شود.

بابسط فتوحات کوروش (۱) بزرگ (۵۲۹-۵۰۰ ق.م) و بعد از آن در شهر یاری داریوش (۲) (۵۲۲ و ۴۶۶ ق.م) آثار مدنیته هخامنشی تاماورای دریای سند شرقاً رسیده بود و در آن جمله خط و زبان آرامی نیز شامل است، که بقول شیدر (۳) در یکی از لجه‌های آرامی شرقی بود، و آنرا «خط شاهنشاهی» هم می‌گفته‌اند.

ولی تاکنون کتیبه‌ای مر بو ط بدوره هخامنشیان در افغانستان کشف نشده است. از طرف شرق نیز خط آرامی در حدود قرن ۷ ق.م بوسیله دریانوردان فنیقی و بابلی به جنوب هند رسیده بود که در آنجا مبداء رسم الخط دیوه ناگری (۴) (یعنی رسم الخط خدایی یا شاه‌ی) زبان سنسکریت گردید، و گویا اثر رسم الخط آرامی بر سر زمین افغانستان هم از شرق و هم از غرب بود. و بنابراین قدیمترین لوحه سنگی که بخط آرامی از تکسیلا برآمده و تاریخ آنرا بحدود ۵۰۰ ق.م نسبت می‌دهند، کهنترین آثار این رسم الخط در سرزمین شرقی دریای سند باید شمرد. این کتیبه قراریکه چون مارشل گوید: در نهایت اهمیت است و بر یک سنگ مرمر سپید مثنی نقر شده و چون جای پیدا یس آن در بقا یا آبادیهای عصر از یس اول (۵) بوده بنابراین باید گفت که باهمین وضع شکسته و آسیب دیده خود پیش از آغاز قرون میلادی درینجا دفن شده باشد، حروف آن با زبان آرامی مشابه آثار قرن چهارم قبل‌المیلاد است، ولی معنی متن

(1) CYRUS
(3) SCHEDER
(5) AZES

(2) DARIUS
(4) DEVA-NAGHRI

آن تاکنون روشن نیست د کتوربرنیت (۱) و پروفیسر کو لی (۲) آنرا راجع به بنای قصری دانسته اند . ولی برخی گویند که درباره جزای شخصی که آنرا بشکناند بوده است (رجوع به عکس نمبر ۴)

بقول جون مارشل : کشف این کتیبه میرساند که خط خرو شتهی از آرامی که بوسیله هخامنشیا ندر حدود ۵۰۰ ق م بدین سرزمین رسیده بود برآمده است و تکسیلا هم بعد از آن مرکز سرزمین رواج خرو شتهی بود . (زعنمای تکسیلا ۷۸ کلکته ۱۹۲۱) (۳)

دوقرن بعد هنگامیکه آشوکا پادشاه بزرگ خاندان موریان از هند برخاست (۲۷۳ - ۲۳۲ ق م) و در مدت چهل سال سلطنت خود در افغانستان شرقی تا وادی ارغنداب هم دست یافت و دیانت بودایی را هم انتشار داد، در عصر او هنو ز رسم الخط و زبان آرامی باقی بود . و سه سنگ نبشته مهم از او در این سرزمین باقیست .

اول : سنگ نوشته یونانی و آرامی که در مدخل شهر قدیم قندهار بر کنار جاده بر صخره کوه کنده شده و در سنه ۱۹۵۸ م از زیر خاک برآمد ، که طول آن ۵۵ سانتی و عرض ۴۵ تا ۵۰ سانتی است . متن یونانی بالای کتیبه شامل ۱۳ و نیم سطر و متن آرامی بائین هفت و نیم سطر است که شیوه خط آرامی آن با خطوط پاپیروس یا چرم مشابه است و همچنین کتیبه دیگر به رسم الخط یونانی در سنه ۱۹۶۳ م در همین قندهار کهنه بدست آمد که درموزه کا بل محفوظست .

موضوع این دو سنگ نوشته همان مطالب اخلاقی است که در فرامین آشوکا در سر تاسر هند به السنه و رسم الخط های مختلف نقر گردیده ، و کتیبه قندهار در سال دهم بودایی شدن آشوکا ۲۵۰ ق م نوشته شده است .

(1) BARNET

(2) COWLEY

(3) JOHN MARSHAL'S GUIDE TO TAXILA. p 78.

این کتیبه رواج خط و زبان آرامی رادر وادی از غن‌داب در حدود ۲۵۰ ق.م ثابت می‌سازد و واضح می‌گرداند ، که سلطه آشور کا تا قندهار هم رسیده بود و درین جا علاوه بر خط آرامی رسم الخط و زبان یونانی هم باقی بود . (عکس نمبر ۵)

ترجمه تحت اللفظی مضمون یونانی کتیبه اینست :

در پایان ده سال پیاده سی (۱) (آشوکا) پادشاه ، به انسا نسا اصول دیانت رانسان دادو از آن وقت انسانها رادر تمام روی زمین متدین تر و مسعودتر ساخت . و پادشاه از کشتن زندگان خودداری کرد و سایر انسانها و تمام شکاریان و ماهیگیران از شکار و ماهیگیری دست گرفتند و کسانی که در عقبه راسخ نبودند در حدود ضعف خود منحرف شدند. و انسانان، خلاف گذشته مطیع پدر و مادر و پیران شدند. و بعد ازین بارفتاری چنین بهتر زندگانی خواهند کرد، و بیشتر مستفید خواهند شد . (از روی ترجمه فرانسوی شلوم برژه (۲) رئیس باستان شناسی فرانسه . آریانا ۸ ر ۱۶ سنه ۱۳۲۷ ش)

دوم : کتیبه مهم دیگر که فقط چند سطر آن باقیست در گذرگاه درونته بین وادی لغمان و ننگرهار در شرق کابل بر سنگ مثلث نما بی بدست آمده، که درموزه کابل موجود است و خط آن آرامی و زبان پراکریت است ، مشتمل بر نصایح احتراز از قتل حیوانات ، که یکی از فرامین اخلاقی آشور کا باشد . (عکس نمبر ۶)

در حدود کو هپایهای شما لسی جلال آباد درجاییکه اکنون بند درونته است ، زایر چینی سونگ یون (۳) در سال ۵۲۱ م از کتیبه بی ذکر میکند ، که مردم همان وقت می‌گفتند که آنرا بودا نوشته بود، و حروف بیگانه آن روشن و خوانا بنظر می‌آمد .

(سی - یو - کی) (۴) ۷۳۱ طبع کلکته ۱۹۶۳ م) چون این کتیبه آرامی را از حدود درونته آورده اند و با همین جاییکه سونگ - یون گوید مطابقت دارد ممکن است مراد همین کتیبه بوده و حروف بیگانه

(1) PIYADASI=SAN: PRIYADAR'S IN

(2) D. SCHLUMBERGER

(3) SUNG-YUN

(4) SI-UY-KI

آن هم شاید همین رسم الخط آرامی (که برای چینیان بیکانه بود) باشد.

سوم - درنومبر ۱۹۶۹م بناغلی دابیل بورکویس بلژیکی، در شله نك قرغی بی سه کیلو متری مهتر لام لغمان کتیبه سوم آرامی را کشف و عکاسی نمود، که بر صخره دا من کوهی در (۶) سطر کنده شده، و این جای در شمال غربی جلال آبا دبرکنار شمالی دریای کابل دروادی لغمان نزدیک مزاری بنا م مهتر لک یا مهتر لام واقع است، و مردم باین قبری که در حدود ده متر طول دارد عقیدت تام دارند، و حتی برخی آنرا کوریکی از انبیاء قدیم شمارند.

هیون - تسنگ زایر چینی که بتاريخ ۱۵ اگست ۱۹۳۰م از راه کاپیسا بدینجا رسیده و مدت سه روز توقف کرده بود (۱) گوید: که درینجا در حدود ده سنگها را مه (معبد) واقع است، که اکثر آن به مذهب کبیر بودایی تعلق دارد، در حالیکه برخی از معابد دیوا های مختلف هم موجود است. (۲)

نام این وادی در چینی لان-پو، و در سنسکریت لمپاکه بود، و در همین حدود دو کتیبه دیگر بخط دیوه ناگری نیز موجود است که در یکی از آن (سطر سوم) کلمه لمک.. دیده میشود، و ممکن است با نام اینجا بی تعلق نباشد و مادر مبحث خط دیوه ناگری شرح خواهم داد.

اما اصل کتیبه آرامی شش سطری محتاج خوانش و تحقیق دانشمندان آرامی شناس است که بگمان اغلب یکی از فرامین اخلاقی اشو کا خواهد بود، زیرا در سطر اول کلمه اول آن مانند کتیبه آرامی فندهار (اشو کا) بنظر می آید، که مضمون کتیبه مثلث نمای درونته هم بخط آرامی عبارت از همان نصایح اخلاقی بودایی است در حفظ جانوران و احتراز از کشتن جاندار.

این کتیبه مکشوفه جدید چون بسیار روشن و واضح است و جز یک حرف سطر چهارم آن آسیب ندیده، بنا برین در خوانش آن هم مشکلی نخواهد بود.

چون مضمون این کتیبه تاکنون خوانده و تحلیل نشده، بنا برین درینجا فقط به آوردن عکس آن اکتفا میکنیم. (عکس A V)

(۱) جغرافیای قدیم هند از کنگم ۷۵۱

(۲) سی - یو - کی ۱۴۴۲

نوشته های خط براهمی

خط براهمی (۱) نیز از خطوط قدیم هنداست که بقول بعضی ریشه قدیم هندی دارد و نام آن به برهما منسوبست. و جمعی از علماء آنرا مانند خرو شتمهی از مبدا آرامی - مورد اشاره در تمام هندوسیلون (۲) - عمومیت داشت و شباهت آنرا بخط صوتی (۳) که برکتیبه میسج (۴) - بر کموش پادشاه موآب (۵) (۸۵۰ ق م) کشف شده میدانند، که بو سیله تاجران و دربانان با بلی بهند غربی رسیده بود، و مبدا تمام الفباها ی کنونی هندی گردید، و از چپ بر راست نوشته میشود.

بسا کتیبه های قرن ۴ قبل المیلاد و بعد آن در هند موجود اند، که از جمله سنگ نوشته های متعدد آشوکا بدین رسم الخط اند. و یک کتیبه کرنول ضلع مدراس (مکتشف ۱۹۲۹ م) نصف سطور از راست بچپ هم دارد، ولی از کتیبه آرامی و یونانی قندهار و کتیبه آرامی لغمان ثابت می آید، که نفوذ خط براهمی در عصر

آشوکا (حدود ۲۵۰ ق م) به آنجا رسیده بود، و درازمنه قبل المیلاد تنهادر شمال غرب هند و وادی اندوس رواج داشت. چنانچه بر مسکوکات شاهان یونانی با ختر دران وادی دیده میشود، و ملکه اگاتهو کلیس (۶) و انتی ماکو سی (۷) (حدود ۲۵۰ تا ۱۴۰ ق م) بجای خرو شتمهی بر یکطرف مسکوکات خود، خط براهمی را هم نوشته اند. (کیمبرج هستری آف اندیا) (۸) رواج رسم الخط براهمی، در سرزمین های شرقی افغانستان، در مدت هفت قرن متواتر مفران باخرو شتمهی و یونانی و پهلوی و دیوه ناگری دیده میشود. چنانچه

-
- | | | |
|-----------------|----------------|---------------|
| (1) Brahmi. | (2) Celon | (3) Phonetic. |
| (4) Mesh'a. | (5) Moab. | |
| (6) Agathocles. | (7) Antimachus | |

(8) Cambridge History of India. I.P. 62/449.

در قرن چهارم میلادی هنکا میکه کوشانیان کو چک درین سرز مین
 حاکم میراندند، جای خر و شتیمی راهمین رسم الخط براهمی گرفته
 بود، و بر مسکوکات کیداره (۱) بختی براهمی کیداره کوشانه شا (۲)
 نوشته است. و همچنان بر مسکوکات شاهان دیگر این خاندان
 مانند پیر و (۳) - و ا ر شاهمی (۴) - و رهران (۵) - بود
 ها بله (۶) - بهاسه (۷) تاریکه (۸) - سد هنی (۹)
 نوشته های براهمی و گاهی مقارن با پهلوی هم دیده میشود (مجله
 مسکوکات) (۱۰) و ازین برمی آید که در قرن ۴م رواج خط براهمی
 و پهلوی در عصر کیداریان بدرجه بی بود که بر مسکوکات خویش، خط
 یونانی و خرو شتیمی و ناکسری راننو شته اند (رجوع به عکس ۷)
 ولی بعد از آنکه در قرن پنجم هونان هفتلی سلطه کیداریان را
 خاتمه دادند، این رسم الخط کمتر بنظر می آید.

مطالعه و کشف اسرار خط براهمی بوسیله جیمس پرنسیپ (۱۱)
 در سالهای ۱۸۳۴ تا ۳۸ م انجام گرفت که آنرا از روی کتیبه های
 متعدد ستونهای معبد سانیچی هند و منار اشوکا در دهلی خوانند.
 و الفبای آنرا ترتیب داد و اکنون آنرا از روی همان قواعد مرتبه
 بسوالت میخوانند.

- | | |
|----------------------------|-----------------------|
| (1) Kidara. | (2) Kidara Kushanasha |
| (3) Piro | (4) Varashahi. |
| (5) Varahran. | (6) Buddha Bala. |
| (7) Bhasa. | (8) Tarika. |
| (9) Sadhni. | |
| (10) Numismatic Supplement | 1937 Culcutta. |
| (11) James Prinsep. | |

کتیبه های زبان و رسم الخط یونانی

رسم الخط یونانی با مجموعۀ افکار و رسوم و فرهنگ یونان که آنرا هیلینسم (۱) گویند، با فتح اسکندر در حوالی سال ۳۳۰ ق. م بدسرزمین افغانستان آمد، اگر چه اسکندر درین سرزمین از سیستان ناسفدیانه با مقاومت شدید مردم مواجه گردید، و مدت چهار سال درینجا مشغول ماند، ولی در آخر توانست در ماه می ۳۲۶ ق. م بکنار جیلم برسد. وی از راه کنار غربی دریای سند به ملتان هم رسید، و در جولایی ۳۲۵ ق. م از راه های جنوب افغانستان و گدرو زیا به سوی پاریس نشست، تا که در شب ۱۳ جون ۳۲۳ ق. م بعمر ۳۲ سالگی در بابل چشم از جهان بست.

در باختر و تمام ولایات افغانستان و هندوستان شمال غربی حکمرانان مقرر کرده اسکندر بابرخسی از یونانیان باقی ماندند، تا که در حدود ۳۵۶ ق. م دیو دوتوس (۲) حکمران باختر، سلاله شاهان یونانی باختر را اساس نهاد و اعلان شاهی داد و سکه زد، و ازین شاهان یونانی نژاد باختری شده در مدت د و نیم صدسال بعد سی و شش پادشاه و یک ملکه حکم راندند. تا که در نصف اول قرن نخستین میلادی با ظهور قبایل ساکه و سیتی از سمت شمال مملکت، سلطه یونانیان باختر پایان رسید.

سلطه اسکندر و اخلاف او در سرزمین آریانه مصدر بسط فرهنگ جدیدی شد، که از ناحیت دین، فکر، هنر، زبان، رسم الخط و تمام مظاهر فرهنگی ارزش های خاص تاریخی دارد، و درینجا مطالعات ماتنها با رسم الخط یونانی و رواج آن درین سرزمین تا قرن هشتم

(1) Hellenism

(2) Diodotos

میلادیسست و مامی بینیم که در مرد تده قرن این رسم الخط مور د استعمال مردم بود.

اثر رسم الخط یونانی از همان وقتج اسکندر تا شمال غربی هند رسید ، اگر چه برخی مسکو کات بنام اسکندر بخط یونانی در هند شمال غربی بدست آمده ، و لسی تا کنون یقینی نیست که آنرا در هند ضرب کرده باشد . اما مسکو کی از پادشاه معاصر اسکندر در شمال غرب هند ، سلیقه یونانی دار د و بر یکطرف آن شکل پادشاه و بر طرف دیگر آن خروسی بانام پادشاه سوفیتیس (۱) دیده میشود که شکل یونانی شده نام سابھو تی (۲) هندیست که آریین (۳) و سترابو (۴) هر دو آنرا ذکر کرده اند ، و این سکه در ۳۲۰ ق.م ضرب شد . باشد. (۵)

هیون تسنگ زایر چینی در ۶۳۰ م این سرزمین را از با ختر تا کرانهای سند دیده وی رسم الخطی را که دارای ۲۵ حرف بود در اینجا ذکر مینماید . و این خط بلا شبهت یو نانیست که (۲۴) حرف داشت و یک صوت (پس) که در یونانی نبود و در السنه مقامی وجود داشت بشکل

شخ \overline{px} یعنی مجموعه ش + خ بران افزوده شد ، که در کتیبه سرخ

کوئل هم دیده میشود ، و مادر قسمت رسم الخط تخاری یونانی شرح خواهیم داد .

این رسم الخط در آغاز سلطه یونانی ، موافق آنچه در اصل بود نوشته میشد ولی بارواج آن در محیط جدید موافق ضروریات مردم آن تحول رنگ و شکل داد ، و یکنوع خطیونانی شکسته (۶) از آن بوجود آمد مثلا :

۱- اشکال حروف آن در کتیبه آرامی قندهار و نوشته های آی خانم و مسکوکات شاهان باختری یونانی خوش خط و عیناً به تقلید نگارش اصیل یونانیست ، ولی در کتیبه های متأخر آنقدر شکستگی و انحراف در آن راه یافته که تشخیص آن مشکل است .

۲- تعیین و ادخال برخی از ضروریات محیطی در آن مشهود

- | | |
|--|--------------|
| (1) Sophytes | (2) Saubhuti |
| (3) Arrian | (4) Strabo |
| (5) Cambridge History of India 61 /388 | |
| (6) Cursive Writing | |

است، مثلاً صوت ش و صوت س و فواصل و خوانم کلمات بساز (۱) و تعیین برخی اصوات مقامی به نقاط عمل:

$$\text{ث} = \text{غ} \text{ و } \text{ث} = \text{خ} \text{ و } \text{ح}$$

که در کتیبه های متأخر روز گان و توجی مشهود است .
 ۳- گاهی تغییر سمت نکا رشی خط نیز مانند آراعی ، خروشمی و پهلوی است یعنی رسم الخط یونانی را از سمت راست نوشته اند . اگر چه رسم الخط قدیم یونانی تا قرن ۱ ق، م از راست بچپ بود ولی در قرن ۴ ق، م نوشتن از چپ بر راست آغاز شد . و اشکال حروف را هم مطابق به آن باز گردانیدند ، و رسم الخط یونانی که با اسکندر با افغانستان آمد نیز بر همین وتیره بود . ولی چون رسم نوشتن از راست بچپ در عهد یونانی هم سابقه داشت ، و رسم الخط های آراعی و خروشمی و پهلوی نیز از سمت راست آغاز می یافت . بنابراین در آسیای میانه هم گاهی رسم الخط یونانی را از راست بچپ نوشته اند . که یک نمونه این خط در تنگی تایغان (۱) المانته قزاقستان ، از جمهوری ت های آسیای میانه - اتحاد شوروی در سنه ۱۸۹۷ م کشف شده ، که بر صخره کوهی در سه سطر خط تبتی و دوسطر خط یونانی نوشته شده ، و مضمون تبتی آن عبارت از شکل تبتی تری رتنه (۲) یعنی سه جو هر بو دا بی است که آنرا بزبان سنسکریت و خط یونانی در کتیبه جفتوی غزنی هم در سه سطر می بینیم .

در سطر اول تنگی تایغان کلمه بزرگ یایسک (۳) را با سا کسی نخاری و ساکیا سنسکریت (بو دا) یاساکه فرس قدیم که سنکستان بنام آنهاست تطبیق کرده اند ، که شاید نام نثار این نوشته باشد . در سطر دوم حروف الفا + گامارا بحساب ابجدی یونانی سال ۱۰۳۸ عهد سیلتو کید (۴) شمرده اند ، که مطابق با سال ۷۶۹ و ۷۷۰ م باشد (۵) .

۴- در نوشته های زبان یونانی قبل المیلاد و مسکوکات او لیس شاهان یونانی باختری در بین کلمات و باخاتمه آن علامه فاصله (۶) دیده میشود ، ولی در قرن نخستین میلادی از مسکوکات شهنشاه گوندو - فریس (۷) (۱۹ ر ۴۸ م) بعد يك دایره كوچك بشکل (n) انگلیسی

(1) TAYGAN

(2) TRIRATNA

(3) ISZAG

(4) SELEUCID ERA

(5) ARCHIV ORIENTALNI 35, PRAGUE

(6) WORD DIVIDERS

(7) GONDOPHARES

یامربع کوچک در بین کلمات یا درخاتمه آن آمده، که در تمام مسکوکات و نوشته های زبان تخاری رسم الخط یونانی تا اوایل دوره اسلامی مستعمل است. و این علامه فاصله مولود احتیاج مردم این سرزمین در رسم الخط یونانیست تا ابو سیله آن کلمات جمل را از یکدیگر تفکیک کنند و حتی بقایای این علامت را در تفکیک آیات قرآنی بعد ها در رسم الخط کوفی شرقی هم می بینیم که در نسخ غربی قرآن رواج نداشت.

خط یونانی در تمام دوره شان یارتهپی از حدود ۳۰۰ تا ۲۰۰ ق. م. و عهد یونانیان باختر و کوشانیان بر مسکوکات نوشته میشود، و مسکوکاتی نیز دیده میشود، که بخط یونانی باختری و کمی پهلوی ضرب شده، و ازین برمی آید که ساسانیان هم در ولایات شرقی خود بدین رسم الخط سکه زده اند و ما مسکوکاتی را که از یگرم شمال کابل بدست آمده می بینیم، که برانجا ساسانی و آتشکده با نام شاپور برسم الخط یونانی منقوش است (۱) و حتی مسکوکات سورا شترین (۲) گجرات هند در حدود قرن ۷ م خط یونانی دارد. (۳)

اما از کتیبه های زبان و رسم الخط یونانی در افغانستان تاکنون سه کتیبه مهم کشف شده است:

اول: سنگ نوشته یونانی و آرامی قندهار که یکی از آن بر قسمت بالای ۱۳ و نیم سطر زبان یونانی دارد و مادر شرح سنگ - نبشته های آرامی شرح دادیم.

این نوشته یونانی در سال دهم بودایی شدن اشوکا پادشاه خاندان موریان در ۲۵۰ ق. م بر یک صخره کوه مدخل خرابه های شهر قندیم قندهار بدست راست طاق چهل زینه بابر کنده شده و عبارت از نصایح و اندرز های اخلاقی دین بوداست که در سر تا سر هند کتیبه های متعدد آن بچندین زبان از طرف اشوکا نوشته شده است. بقول دانیل شلوم برژه (۴) مدیر هیئت - باستان شناسی فرانسه که کاشف سرخ کوتل و شهر یونانی آی خانم است «در کتیبه های اشوکا بسا نقاط تاریک موجود است ازین جهت داشتن ترجمه یونانی این متون چه کامل با شد چه ناقص بسیار ارزش دارد و زبان

(1) ARIANA ANTIQUA 296/403 (2) SAURASHTRAN

(3) A. AN 412

(4) D. SCHLUMBERGER

یونانی این کتیبه میرا از تمام اثرهای لهجه های منطقی و و لاتی است . طوریکه علمای یونان شناسی این متن یونانی را قطعات متناهی ادبی یونانی خوانده اند که از نگاه ساختمان زبان، همپایه زمان فلاسفه و نطقان یونانی از قبیل افلاطون و ارسطو و ایز و قراطیس است . می بینیم که زبان تفکر و تحریر در قندهار قرن سوم ق. م همان زبان نیست که به آتن یا به شهر میلیت (۱) مروج بوده و حتی طرز کندن و نوشتن این کتیبه ها و وحدت کلتور یونانی را تایید میکند . و مای فهمیم که در حوالی ۲۵۰ ق. م در قندهار زبان و اصطلاحات فلسفی یونانی در بیان افکار اخلاقی و دایمی بکار رفته است (مجله آریانا ۲۶۳ ص ۲۸ طبع کا بل ۱۳۴۴ ش) .

سنگ نبشته های قندها ر می رساند : که بقایای مدنیت دوزخه هخامنشی و رسم الخط و زبان آرامی درینجا بامدنیت یونانی خلط یافته ، در حالیکه از نظر فکر و فلسفه و آیین ، مبدأ آن کاملاً بودایی است . پس ازین روست که ما بسطیک مدنیت و هنر و رسم الخط آرامی و یونانی که هر دو از غرب آمده اند در وادی ارغنداب بامدنیت هندوی مطالعه میکنیم ، در حالیکه این فرهنگ بودایی از همین وادی بطرف غرب سیر نکرده ، و آثار آن در قسمت غربی مجرای هلمند دیده نشده است .

چون در خرابه زار شهر قدیم قندهار و حوالی آن در ماشور (مها = بزرگ + شور = شهرستان) و اشوغه (شاید اشوکا) و غیره تا کنون حفاریات باستان شناسی صورت نگرفته بنا برین ممکن است در اثنای حفاریات علمی آن در آینده آثار گزیده تری بدست آید .

دوم . در سال ۱۹۶۳ م در ولایت تخار شمال شرقی افغانستان در منتقای دریای آمو و کوچه برنقطه مرزی افغانستان و شوروی که آی - خانم نام دارد ، آثار یک شهر عظیم یونانیان باختری بابالا حصار و کوچه ها و مبانی بزرگ و حصار ها و جاده ها و خندق ها و بقایای پایه های سنگی منقوش و خشت ها و تیکرهای مزین و ستونهای سنگی و برخی ابزار فلزی و ظروف سفالی و مجسمه های هیرکلیس (۲) و بازارها و عمارات ورزشگاه (چمنازیم) یونانی ، با مجسمه هرمس (۳) (قهرمان زور و پهلوانی پسری ژوئوس) که آنرا بقرار کتیبه مکشوفه

(1) MILET

(2) HERACLES

(3) ERMAI = HERMES

چهار سطری ، مردی بنام تریبالوس ولد سترانون (۱) به هر مس و هیرکلیس (۲) وقف کرده بود. از زیر خاک برآورده شد و ایس کتیبه یونانی در چهار سطر برسنکی منقور است : (عکس ۸) در یکی از اطاقهای مکشوف این شهر که ۶ × ۷ مترساحه دارد ، در نزدیکی دروازه ، کتیبه پنج سطری یونانی با چهار سطر دیگر طرف چپ برآمده ، که در داخل اطاق چهار رقبور بود و استخوانهای مردگان از آن کشف شد ، و دو تابوت فرسود چوبی که در بین آن استخوانهای پیوسیده بود بدست آمد ، و با این تابوتها همین کتیبه نصب است که بران بخط وزبان یونانی چنین نوشته اند (۳) :

« این کلمات حکیمانۀ مردان گذشته و گفتار رجال مشهور در پیتهو مقدس (۴) محفوظ بود. و از آنجا کلی ازخوس (۵) آنرا برداشته و نادقت درینجا نقل نمود. تا از دور بر گورکی نه ویسو (۶) بتابد :

در کو چکی خوب تربیه بگیر!

در جوانی خواهش های خود را ضبط کن !

در پخته سالی راستکار باش !

در پیوری اند رز دهند خوب باش !

و در روزهای باز پسین زندگانی بدان ، که چگونه بدون فسوس پی

میری ! (۷) (شکل ۹)

(1) TRIBALLOS SON OF STRATON STRATONOS

(2) HRAKLEI=HERACLES

(۳) این ترجمۀ تخمینی از ترجمۀ فرانسوی متن یونانیست که معنای آن بدون ترجمۀ تحت اللفظ در نظر گرفته شده .

(۴) PYTHES نام شهر مقدس دلف DELPH است که نخست بنام

PYTHO پس DELPHOS یکی از قهرمانان باستانی یونان شهرت

داشت و بعد از آن آنرا دلف نامیدند منسوب بخود دلفوس (فرهنگ

اساطیر یونان و روم از پیر گریمال ۲۴۴-۶۸۵ طبع تهران ۱۳۳۹

ش.۰)

(5) KLEARXOS

(6) KINEU=KINEAS.

(7) INSCRIPTIONS GRECQUES NOUVELLES DE LA BACTRIANE PAR M. LOUIS ROBERT PARIS 1968.

لویس روبرت در شرح این کتیبه‌های یونانی می‌نویسد: که کلی
از خوس از مکتب تلامذ ارسطو بوده، که برای مطالعه فلسفه هندی
و بودایی به باختر افتاده و در زمان بعد از سکندر بدین شهر یونانی
باختر آمده، و این گفتارهای حکیمانۀ اسلاف یونانی را بر سر
گوریکی از یونانیان نوشته باشد.

چون اثر فکری و فرهنگی یونانیان، مقارن با سلطه سیاسی
تا اوایل قرون میلادی در سرزمین جریان داشت. و رنگ مقامی
باختری را گرفته بود، و در حدود ۲۵۰ ق.م آثار آنرا در کتیبه قندهار
هم می‌یابیم. پس این نوشته حکیمانۀ رابیک قرن بعد از اسکندر
یعنی پس از ۳۲۳ ق.م منسوب کرده می‌توانیم. و در تاریخ هنر خط
هم یکی از قدیمترین آثار خط یونانی در افغانستان کهن است.

سنگ نبشته های خروشته‌پی

خروشته‌پی فقط نام رسم الخط است نه زبان . و این رسم الخط در افغانستان شرقی از قرن ۳ ق ،م تا قرن ۵ م مدت هشت قرن دوام داشته . و کتیبه‌های سنسکریت و پراکریت بدان نوشته شده ، و بر مسکوات شاهان موری و شاهیونانی باختر و کوشانیان هم بنظر می‌آید. و چون پیدا یسگاه آن سرزمین آریانه (افغانستان قدیم) است ، بنابراین ویلسون (۱) در کتاب آریانه انتیکوا (۲) (طبع لندن ۱۸۴۱ م) آنرا الفبای آریانه (۳) نامیده است ، که کتیبه‌های متعدد آن از ختن تا افغانستان و هند شمالی باقیست ، و بر مسکوات و کتیبه‌ها هم نوشتن آن مقارن رسم الخط های یونانی ، آرامی ، براهمی ، رواج تام داشت .

رسم الخط خروشته‌پی (۴) مانند آرامی از راست به چپ نوشته میشد ، و آثار آن در افغانستان از جنوب آمو تا وادی ارغنداب میرسد ، که از ستوبه‌ها و معابد و اوقاف بودا یس درهیه و بگرام و بلخ و جلال آباد و بامیان و وردک غرب کابل و غزنه و وادی ماورای خیبر آمده است .

بقول بیو هلر (۵) از برخی مشخصات الفبای خروشته‌پی ما نند حروف علت (مصوتة) و حروف فصیح (مصنثة) مرکب برمی‌آید. که به کمک رسم الخط براهمی تکمیل شده ، و بنابراین براهمی چند ی بیشتر ازان وجود داشته است. ولی خروشته‌پی در نتیجه آمیزش ساتراپها و سلطه موقتی دولت‌خامنشی با مردم محلی و روسای شرقی افغانستان کنونی و پنجا ب وجود آمد، که بمرور زمان در رسم الخط آرامی تعدیلاتی وارد شده و الفبای خروشته‌پی از آن برآمد . ولی تکامل آن تدریجی بود و ما میبینیم که در اواسط قرن سوم، م

(1) H.H. Wilson

(2) Ariyana-Antiqua

(3) Arianian-Alphabet

(4) Kharoshthi

(5) Buhler

در فرا مین شهباز کپی هسی و مانسیهیره انوکا در حالی استعمال شده، که در همین عصر ز سم الحط آرامی نیز وجود داشت، که در نکسیلا شرقاً و در قند هار جنوباً کشف گردیده است. و آخرین نوشته های خروشتی تا قرن ۵ میلادی هم میرسد و منطنه نفوذ آن شمالاً تا ختن هم بوده که نوشته های متعدد و نسخه خطی دهامه پده (۱) در قرن ۲ م بدین خط و یک پراکریت شمال غربی هند از نزدیکهای ختن بدست آمده است. در حالیکه انتهای شرقی استعمال خروشتی در پنجاب تا کرنال و مانای کیاله (۲) بوده، و از کانکره (بیم نکر العسبی) دو کتیبه خروشتی و برهمی و همچنین از ما تورای کنار دریای جمنا نیز کتیبه های آن کشف گردیده است. اما در باره کتیبه دیگر مکشوف از مقام پتنه هند گویند که آنرا از شمال غربی هند بدانجا آورده باشند.

در جنوب غرب مسکو کاتبی بخط خروشتی، از سیستان و قند هار هم بدست آورده اند، و کتیبه خروشتی و برهمی در تهل وادی ژوب و هم آثار این خط در وادی سوات و لداخ و جنوباً در پارچه های مکشوفه از موهن جو دیرو وادی لار کانه سند میرسانند، که منطقه نفوذ خروشتی مخصوصاً از حدود ۶۹ درجه تا ۷۳ درجه و سید قیقه طول شرقی و از هندو کش تا حدود ۳۳ درجه عرض شمالی و سعت داشته که مبدأ آن بلا شبهت همان ولایت گندهاره تا تکسیلا بود است.

اگرچه نوشته های متعدد د خروشتی از ختن بدست آمده، ولی انتقال آنرا به دست مهاجرین هندی بنسزمین ترکستان چینی میدانند. زیرا این نوشته ها از قرن ۲ میلادی قدیمتر نیستند، در حالیکه استعمال خروشتی در هند شمال غربی تا قرن ۳ قبل-المیلاد بالا میرود، و از همان خط آرامی برآمده که در دفاتر هخامنشی، ساتراپهای شمال غربی هند استعمال میکردند. و درین اوقات وجود هندیان در ترکستان شرقی ثابت نیست (۳) و ظاهر آدی متر یوس (۴) و ادشاه یونانی باختری در حد و ۱۹۰۵ ق.م و بعد از یوگراتیدیس (۵) در حدود ۱۸۱ ق.م از یونانیان باختری برخاست و بار اول سکه های

(1) Dhama Pada

(2) Mani Kiala

(3) Kharoshthi inscriptions. By Sten Konow. Calcutta 1929. Vol. 2 Part

(4) Demetrius

(5) Eukratides

مربع مسی خود را بدو رسم الخط یونانی و خروشتی نشر داد .
 و درین رسم الخط کلمه مهاراجه سه (۱) هندی را در مقابل بازیو ز (۲) یونانی نوشت که به معنی پادشاه باشد (۳) . همچنین مسکو کاتی از ارا کوزیا (وادی ار غنداب) به دست آمده، که روی سکه نام شهنشاه مهرداد دوم پارتی (۱۲۳ - ۸۸ ق.م) به خط یونانی نوشته شده. و پشت سکه نام شهرزاده بخط خروشتی است (۴) و این گونه مسکوکات یونانی و خروشتی در پنجاب هم یافته شده، منسوب به اژس (۵) پادشاه پارتی قرن اول مسیحی که نامش را در خروشتی آبی (۶) نوشته اند. و این رسم مسکوکات دوزبانه (۷) تا عصر هر مایوس (۸) در حدود ۳۰ ق.م در افغانستان دوام داشت، و بعد از آن در عصر کوجوله کره کد فیزیس (۹) او لیس پادشاه کوشانی در حدود ۴۰ م هم بر مسکوکات طلا و نقره و مسی کلمات مهاراجه سه کوجوله کسه سکوسه کیه ده سه (۱۰) و غیره به همین رسم الخط دیده میشود. ولی بعد از قرن اول بنظر نمی آید. (۱۱) قراریکه ستین کونواز نظر گرامر مطالعه نموده، زبان تمام این کتیبه ها با وضاحت هم شکل بوده و ثابت می آید که زبان محلی مروج این سرزمین پیش از آغاز قرون میلادی بود، که یک پراکریت هند است ایرانی .

اما آثار سنسکریت هم در خروشتی بدین سبب نمایان است که پانی نی (۱۲) گرامر نویس مشهور سنسکریت، ازین سرزمین بود، و تکسیلا بحیث دارالعلم قدیم درینجا وقوع داشت، و فرقه بودایی سرو استیو ادین (۱۳) که استعمال کنندگان سنسکریت بودند، مکرراً در کتیبه های وردک و پشاور و غیره ذکر شده اند، و حتی جملات مکمل سنسکریت هم در کتیبه پشاور دیده میشود، و زبان آنها را توردهیری هم سنسکریت خالص است. امکان دارد که یک مجموعه

- | | |
|---|----------------------------|
| (1) Maharajasa | (2) Bazileuz |
| (3) Ariana Antiqua. By H.H. Wilson p. 245 London 1841 | |
| (4) S.K. p43 | (5) Azes |
| (6) Ayasa | (7) Bilingual |
| (8) Hermaeus | (9) Kujula-Kara-kadphises. |
| (10) Maharajasa Kujula Kasa | Sakusa Kayadaphis |
| (11) A. Ant. 357 | (12) Panini |
| (13) Sarvastivadin | |

دواین بودایی در عصر کنیشکا به سنسکریت فراهم آمده باشد، در حالیکه زبان معابد شمال غربی هند بر اکریت قدیم و خط خروشتی بوده، ولی سنسکریت هم در مناطق نفوذ خروشتی رواج یافته بود. وحتى جملات سنسکریت در کتیبه های خروشتی ترکستان صرفی به الفبای براهمی دید میسرود، و از آن برمی آید که خط براهمی با سنسکریت یکجا جای خروشتی را گرفته بود.

نماینکه کنیشکا تسلط یافت، آهسته آهسته رسم الخط خروشتی در امپراطوری یویه، چي از رواج اعماد، وحتى در تکسیلا نوشته - های خروشتی بایک پوست درخت بلك با نوشته براهمی به سنسکریت بدست آمده، که نشو و نما خط براهمی را نشان میدهد (۱).

غالباً اخلاف کنیشکا بسبب سکونت در هند، بعد از واسود یوه (۲) کاملاً هندی مآب شدند و سنسکریت و کلتور هندی، خروشتی را در شمال غرب هند از بین برد و بر اکریت هم مقاومت خود را از دست داد. و در زمان هو ویشکه (۳) رونق خط خروشتی به پایان رسید و سنسکریت بودن نوشته های لوزلابی که بزمان واسود یوه و حتی بعد از آن هم تعلق دارد رواج سنسکریت را در عصر اخلاف کنیشکا نشان میدهد (۴) و بدین حساب رواج خروشتی از قرن ۳ ق.م آغاز شده و تا مدت ۸۰۰ سال بقرن ۵ م میرسد که هم رسم الخط دفاتر و مسکو کا - و هم خط کتب و آثار دینی بود. (۵)

تحقیقات علمارا جمع به رسم الخط خروشتی در حدود ۱۸۳۰ م وقتی آغاز شد، که بک عده مسکو کا ت زیاد از افغانستان و شمال غرب هند، بدو رسم الخط خروشتی و یونانی بدست آمده، و رسم الخط یونانی آن کلید خوانش کلمات خروشتی گردید. و جیمس پرنسپ (۶) عضو انجمن شاهسی آسیایی بنگال ۷-۸ کلمه را از آن مسکوکات خوانده توانست، و در تکمیل این کار کتیبه خروشتی

(1) S.K.173 (2) Vasudeva (3) Hoveshka (4) S.K. 181

(۵) مخفی نماید که خط خروشتی در اواخر آنقدر زیر الخط براهمی هند آمده، که گاهی مانند براهمی از چپ بر راست هم نوشته شده است
(6) Jams Princep

كمك کرده در چندسطر بر يك ظرفی از بلخ بدست آمده بود، و در
 جولای ۱۸۳۸ در مجله آسیا یسی بنکال مطالعات پرنسیپ در آن باره
 انتشار یافت. و مقارن آن از معبد، مانی کیاله پنجاب هم برخی نوشته-
 های خر و شتهی بوسیله جنرال کورت (۱) بدست آمد. و لسی
 چون پرنسیپ در ۱۸۳۸ در گذشت مستر میسون (۲) در افغانستان
 مشغول کنجکاو یسها بود. وی از میان و هدیه نوشته های زوی ظروف
 کشف کرد، که بر اساس مطالعات ایشان پرو فیسر ولسون مو فوق
 گردید. که در کتاب آریانه انتیکو و اطبع ۱۸۴۱ جسد و ل حر و ف
 خروشتهی زابا انواع آن تر تیب داده. و آنرا رسم الخط آریانه بخواند.
 و این تحقیقات وقتی مکمل تر گردید که ستین کونو در کتاب مهم
 خود جدول ۲۶۶ شکل حروف با اعداد آنرا از روی تمام کتیبه های
 مکتوبه تر تیب کرد. (عکس نمبر ۱۰)

در باب تسمیه خر و شتهی يك نظر اینست که در اصل خر و تهی
 بوده، که قبيله یی تاکنون بنام خروتهی افغانی موجود است. و
 بیوهلر گوید: که خروشته (۳) نام مخترع آنست. و یاد زبانه
 آزامی خروشته به معنی نو شتن بود، که بعد هادر سنسکریت هم رواج
 یافته باشد. ولی برخی از علما گویند: که از کلمه آروتهه (۴)
 آزامی به معنی «حرف» آمده است.

اکنون ذکر تمام کتیبه های خروشتهی را که تا سنه ۱۹۲۹ مطالعه
 و یا کشف شده می آوریم. کتاب نوشته های خروشتهی در دو جلد.
 ضخیم در همین سال از طرف اداره نشرات مرکزی حکومت
 هند در کلکته طبع شده، که حصه اول جلد دوم تألیف دکتور
 ستین کونو پروفیسر یونیورسیتی اوسلو باشد. و در آن (۱۰۱) کتیبه
 خر و شتهی که در افغانستان تا اواسط هند و لداخ بدست آمده،
 مورد تحلیل و ترجمه قرار گرفته است، و در جلد دوم متون
 خروشتهی ۷۶۴ کتیبه موجود است که حصه اول کتابرا (بویر) (۵) و
 (رایسون) (۶) و (سینارت) (۷) فراهم آورده، و حصه دوم کتابرا
 (رایسون) و (نوبل) (۸) ترتیب داده اند، که طبع آکسفورد ۱۹۲۹
 باشد. (نام کتاب در انگلیسی خروشتهی انسکر پشنز (۹) است

- | | |
|------------------------------|-----------------|
| (1) Court | (2) Masson |
| (3) Kharoshta | (4) Karottha |
| (5) A. M. Boyer | (6) E.J. Rapson |
| (7) E. Senart | (8) P.S. Noble |
| (9) Kharoshtthi inscriptions | |

و مادر خویشی مخفف آنرا بنام دهلف آن ایس - کی (۱) اساز -
کرده ایم .

۱- کتیبه خوات :

از مهم ترین متون خرو ششمی کتیبه ایست زوی طرف بز ز کس
سنکی که در حدود ۱۸۲۸م میسون آنرا از خوات وردک ۳۰ میلی غریب
آبل به موزة برتانیه لندن انتقال داد. (عکس نمبر ۱۱)
این کتیبه ، سه سطر بردورادور طرف و یک سطر هم در پایین دارد.
که حروف آن جدا جدا ووا صیح و روشن است که بنام مپا را جا -
هوویسکه پسرکیشکا (۱۶۹-۱۸۲م) نوشته شده و ترجمه تخمینی آن
تخمین است :

«در سال ۵۱ بتاریخ ۱۵ ما دارتمی سیوس (۲) که کو لیه (۳)
خلف و کره مریکه (۴) ساکن خوات گردید و بنا ی یاد کار حضرات
ساکیا مونی را در و بهاره و کره مریکه در یک ستو به گذاشت
درین بنیان سعادت و خوشی ، سه بزرگ از مپا راجه هو ویشکه باد!
نواب آن برای مادر و پدرم و برادرم هشتم و نه مریکه باد. (۵) و به تمام
مسوومین و دوستان و وابستگان و بخود من و کره مریکه باد ! نفع
آن بصحت تمام موجودات و افتخار همگان برسد! آنانیکه درین جهانند
از زیر زمین تا آسمان ، از تخم برآمده کان (برندگان) و از شکم
برآمده کان (آدمیان و چهار پا یان) تا موجودات بدون شکل (حیوانات
تیر مرنی) (همچنین نواب آن) به اخلاف من و آنانیکه گمراه نیستند برسد!
و همچنین از ساختمان کردا گرد آن، بهره برداری کامل شود ! و
مردیکه عقیده کاذب دارد نیز از آن سهم داشته باشد . این و مپا رد
در قبول معلمان مپاسانکریکه (۶) است » (۷) در رین کتیبه
سال ۱۵ سلطنت مقارن حدود ۱۸۰م باشد ، و ماه ازتمی سیوس یونانی
ماه پنجم سال یونانی است که در آثار الباقیه البیرونی (ص ۷۱)
ارطاماسا وس ضبط شده ، و مقارن دهه می است . و استعمال گاه شماری

(1) S.K.
(3) Kamagulya
(5) Hashthuna Marega
(7) S.K. 2/170

(2) Artemisios
(4) Vagra Marega
(6) Mahasanghika

پسرنانی در رسم الخط خروشتی دلالت دارد. برینکه اثر
 نرهنک یونانی در اواخر قرن ۲م با همان استواری سابق خود باقی
 بود. و ۱۵ ماه ارتعی سیوس سال ۵۱ = ۲۵ اپریل ۱۷۹م باشد.
 درین کتیبه نامهای دو برادر بنام فامیلی مازیکه یا مریکه مذکور است
 کدهمین نام باملای مازیک (۱) در کتیبه زبان تخاری و رسم الخط
 یونانی سرخ کوتل یا رئیس هیئت ترمیم معبد بغلان هم آمده. و معلوم
 است که مریکه نام یک دودمان عهد کنیشکاو پسرش هویشکه بود.
 و افراد این خاندان در بنا و ترمیم معابد دستی داشته اند. و لسی
 استعمال زبان تخاری و رسم الخط یونانی در معبد بغلان و خط
 خروشتی و زبان پراگرت در معبدخوات که بین هر دو فاصله ۲۰ ساله
 است خلط و وجود نرهنک مقامی را با یونانی میرساند. و اینکه در آثار
 معبد بغلان، علایم آتش مقدس، و درخوات یک معبد بودایی دیده میشود.
 که بنام سا کیامونی وقف شده این مطلب را تأیید میکند: که در عصر
 کوشانی آزادی مذاهب و مدارای عقاید دینی به تمام و کمال موجود
 بوده و بر مسکوکات این شاهان هم یک مجموعه ارباب انواع مقامی
 و یونانی و هندی دیده میشود.

مضمون کتیبه خوات وسعت نظر و شفقت بر تمام موجودات حیه را نیز
 حاویست که با بستگی با مضا مین فرامین اشوکا و قوانین دیانت بودایی
 دارد. و تسامح تام مذهبی از آن نمایان است.
 اما ذکر معلمان مها سا نکمبیکه ثابت میسازد که این فرقه در
 افغانستان هم موجود بود و این نام فرقه ایست که سا که ها حین کمال
 مشغولی خود با بودیزم، فرقه سرواستیو ادین را برخلاف آنها
 حمایت میکردند (۲) و ذکر این فرقه در کتیبه متور را و غیره هم
 آمده است.

۲- نوشته هابر پوست درخت:

در سنه ۱۹۳۰ در یکی از سموچهای بامیان نزدیک بت ۳۵ متری
 نوشته های خروشتی و بر همی بر پوست نازک درخت کشف شد، که
 پارچه کلانتر آن ۲۵ × ۱۰ سانتی سطح دارد. و آنرا در ۱۹۳۲ در
 مجله آسیایی پاریس بانوشته های مشابه آن که از کشمیر و گلگت
 خریداری شده بود، مورد مطالعه قرار دادند که به قرن ۳ تا قرن ۸ م

(1) Mareg (2) The Dynastic art of Kushana, p134. By Rosenfield.
 California 1967

معلق دارد. وبقایای يك كتابخانه معبد است که برخی از آن مضامین
 کتب ایهی دهرمه (۱) بیروان مذعب بزرگ بودایی بود و کتبه
 بودی ستوا (۲) در آن دیده میشود که ارتباط به مذعب بزرگ بودایی
 دارد. و نیز پارچه های کتاب وینا (۳) یکی از آثار مذعب او چنان
 بودایی نیز بزبان سنسکریت و خط پراهمی و خروشتی در آن موجود
 است و از آن پدید می آید که تا حدود قرن ۸م هم این رسم الخط های
 خروشتی و پراهمی با زبان سنسکریت درین حوالی رواج داشت
 تا که نثر دین اسلام آثار آنرا از بین برد.

۳- نوشته بر طرف کلی هده :

آثار هده پنج میلی جنوب جلال آباد و مسکو کات و بتانیکه ازین مقام درصد
 سال اخیر بدست آمده در ذریع بودیزم و دوزخ کوشانی اهمیت تام
 دارد. و این ولایت ننکر هار جزو مهم کوشان شهر بود و آثار نقاشی
 بودا در حوض آب ماهیان که از تیه اشتر هده اکنون کشف شده
 بهترین مظهر نقاشی کندها است و معبد بزرگ استخوان بودا هم
 درینجا بود. که نام هده از آن آمده و در پشتو هده (۴) بمعنی استخوان
 است.

در حدود صد سال قبل مستر میسون یک ظرف کلی را با دو سطح
 نوشته خروشتی بدست آورد. که در سنه ۲۸ ساخته شده و به یک بودی
 ستوا اهدا گردیده و ثواب آن به باد شاهی بخشیده میشود. که نام
 وی مذکور نیست و شاید یکی از کوشانیان باشد (کتبه های
 خروشتی ستین کونو) نقل خطی این کتبه را ویلسون در کتاب
 آریانا نتیکوا و بعد از آن کونو در کتبه های خروشتی (۱۵۷۲) نشر
 نموده اند. ترجمه آن: «در سال ۲۸ دهم ماه اپی لایوس (۵) بنای یادگاری
 در باغ شاهی (۶) در یک ستو پادست معمار سنگه میتره (۷)

- | | |
|---------------------------|-----------------|
| (1) Abhidharmakosa-Sastra | (2) Bodhisattva |
| (3) Vinaya | (4) HADD |
| (5) Apellaios | |

(۶) در اصل RAMNAMMI بود که آنرا به KING'S GROVE

ترجمه کرده اند ولی نام باغ شاهی تاکنون در جلال آباد موجود
 است.

(7) SANGHAMITRA

نداشته شد. این بنیاد برکت یادگار بودهی ستوا باد! جلو گیری
 از فساد دهرمه (۱) در هر جا باد! آمادگی برای نروانای (۲) همگان
 باد! واجر جزیل برای شاه باد. (کتاب مذکور ۱۵۸۲) درین کتیبه
 تاریخ ۱۰ ماه ابی لایوس یونانی سال ۲۸ مساویست با ۲۴ نو مبر
 ۱۵۵ م که عصر کوشانیان بزرگ باشد.

۴- کتیبه آرا: (۳)

بفاصله ده میل جنوب غربی انک نزدیک گذرگاه نیلاب بر کنار جنوبی
 دریای سند بعرض ۳۳ درجه ۴۶ دقیقه و طول ۷۲ درجه ۱۲ دقیقه
 واقع است. کتیبه سنگی آن ۲ فوت ۸ اینچ از طرف سر او در ستین
 به موزه لاهور اهدا شده (نمبر ۱-۱۳۳) مشتمل بر ۶ سطر خروشتی
 عصر کوشانی و دارای تاریخ ۲۵ جیی شته (۴) سان ۴۱ = ۲۴ ابریل
 ۱۶۹ م مضمون: «در عصر مهاراجه جاتیراجه دیوه پتره کیسره
 کنیشکه پسر و جیشکه (۵) در سال ۴۱ و روز ۲۵ ماه جیی شته، این
 چاه از طرف دشه و هره خلیفه پشاوریان (۶) به افتخار مادر و پدز و نو اب
 خودش و همسر و پسرش، برای رفاه تمام مخلوقات کنده شد. (۷)
 درینجا لقب رومی کیسره = قیصر و نوشتن نام پدر او را مشخص
 میسازد. که همان فوشکه (۸) مذکور در راجه تر نکینی کلپنه
 است. که در کتیبه سال ۵۱ خوات و زدگ بعنوان مهاراجه (امپراتور)
 یاد میشود. (۹)

۵- کتیبه مهر باجور:

در سنه ۱۸۸۹ م از میان کلی باجور شمال شرقی جلال آباد، چندین
 سنگ نوشته بدست آمد که بر یکی از آن به خط خروشتی کلمات:
 سوتپیو ده مهسه (۱۰) نوشته شده و کلمه اول را همان شاو (۱۱) زبان ساکه
 بمعنی (KING) دانسته اند = شادر کتیبه های کوشانی (ولی نام این
 حکمران بسلا شبیهت یونانی است، و از حکمرانان وادی کابل

(۱) عدالت، تقوی، راستی DHARMA

(۲) NIRVANA فنای مطلق در عالم خیر

(3) ARA

(4) JYASHTHA

(5) MAHARAJATIRAJA DEVAPUTRA KAISARA VAJH-
 ESHKA PUTRA KANISHKA

(6) Dashavhara'of the Peshawarian Scions

(7) S.K. 2/165

(8) Fushka

(9) S.K. 2/179

(10) Su-Theudamasa

(11) Shav

در عصری میزیسته ، که منظم-یونانیان باختر از طرف میا یس
سینتھی و کوشا سی ختمه است (۱).

۶- کتیبه ایتردان مسی :

در سنه ۱۹۲۰ م طرف دیگر دان مسی از قریه بیدادی (۲) ۱۲ عیبی
شمال غربی مانسیمپره واقع کنار دریای سیران بدست آمد، که بموزه
پنساور اهدا شد و ۹۰ انس فرا خسی و ۲۰۷ ر صل وزن دارد و بر آن به
خط خروشنهی پیش از دوره کوشانی نوشته اند :

« ارمغان سنگپره کشینه (۲) به جماعت روحانیون چهارمقام (۳)
در مملکت پوره شما (۵) از معلمان کشینه بیه (۶) .
شیاعت کلمات این کتیبه را با برخی از نوشته های تکسیلا و موز
پنساور خاطر نشان کرده اند ، و فرقه آموز کران کشینه بیه نیس
ربطی با فرقه های مذهبی تکسیلا ندارد . (۷)

۷- کوزه قریه بیماران جلال آباد.

این دیه در حدود هفت میلی شمال غرب جلال آباد واقع است و بین
سنوت ۱۸۵۲ - ۲۷ مستر میسون تکلیسی درستو بسای بزرگت و
کوچک مرکز این قریه حفاریات نمود ، و در اطاق یادگار مقدس آنجا
کوزه بزرگی که از خاک روغنی ساخته شده بود ، با خط خروشنهی یافت که
در آن دانه های گوهر و سیخه و جویب طلاین مزین و چهارسکه مسی ازیس (۸)
بود و از آن استدلال میکنند که این ظرف متعلق به عصر پیش از
ازیس و پیش از (حدود ۵۰ ق.م) نیست و بر مسکو کات آن بخط
خروشنهی نوشته اند :

« مهاراجه سه مهاتسه دهره میکشمه راجه نیسره جدهسه ایاسه » (۹)
ترجمه کتیبه اول : « ارمغان نمیوه ر کشینه خلیفه موجهوت ها (۱۰)
بمقریب نیابت اوبطور یادگار حضرت (بودا) بافتخار همه بوداها » (۱۱)

(1) S.K.2/6

(2) Bedadi

(3) Sangharakshita

(4) Four Quarters

(5) Urasa

(6) Kasyapiya

(7) S.K. 2/88

(8) Azes

(9) Maharajasa Mahatasa Dhramakasa Rajatirajasa Ayasa

نام اباز که در ادبیات دری بشکن ایاس هم آمده ، آیاربطی با این ایاس

Ayasa شکل خروشنهی از یس نخواهد داشت ؟

(10) Sivarakshita The Mujavat Scion

(11) S.K. 2/51

کتیبه سرپوش ظرف « شیوه زکشیه خلیفه موجه وت . بطور
 بدداز حضرت (بود) » (۱) مخفی نماید: که کلمه موجه وت (۲) را
 نام ذبیله بی بداشنه اند، که درانهر واوید' مغازن اسمای بلپیکه
 رکندهازی شمال غرب هند مذکوراست . (۳)

۸- کتیبه سرپوش جعبه :

درین آثار باستانی که مستر میسون از افغانستان فرستاده بود.
 سرپوش يك جعبه برنجی، نوشته خروشتی در دوسطر دارد . که
 نظر محققان را جلب کرده است . تاریخ آن مانند کتیبه مانی کیال
 ۱۰ + ۴ + ۱۸ نوشته شده و ترجمه متن آن چنین است :
 « در سال ۱۸ دهم ماه ازتی مسیوس (۴) یادگار شرامانه کوتاه (۵) در
 عهد نهاده شد . »

تاریخ دهم ماه ازتی مسیوس سال ۱۸ مساویست با ۲۰ اپریل
 ۱۴۶ م که عصر نوشتن این کتیبه را به اوایل دوره کوشانیان بزرگ
 برساند . (۶)

۹- کتیبه امب :

دیوی (۷) فلعت کوچکی است در سرزمین امب در دامنه های شرقی
 کوه مهابن که در آن آثار ابنیه قدیمه وجود است و کتیبه سنگی در آنجا
 بود که به موزیم لا هور انتقال یافت . بر سطح ۹ × ۵ اینج آن سه سطر
 نوشته خروشتی دیده میشود . که حروف آن به عصر کنیشکا و کتیبه
 سیمین تکسیلا مشابه است، و ترجمه مضمون خروشتی آن چنین
 است:

«در سال ۲۰۰ هشتم ماه وای شناکبه (۸) يك آبدان از مغان
 ترجمند هیمه است (۹) .»

تاریخ این کتیبه ۸ ماه وای شناکبه سال ۲۰۰ مساویست با ۲۴ مارچ
 ۱۱۶ م . (۱۰)

۱۰- سنگ نبشته فتح جنگ :

در سمت شرقی اتک بر راه آهراولیندی و کوهات فتح جنگ،
 واقعست که ۵ میل در جنوب آن دیهی بنام ماهجیه (۱۱) در ۳۳ درجه و ۲۹

(1) S. K. 2/52

(3) S.K. 2/51

(5) Sramana-Gotama

(7) Dewai

(8) Worthy Hima

(11) Mahjia

(2) Mujavat

(4) Artemisios

(6) S. K. 2/152

(8) Vaisakha

(10) S.K. 2/104

دقیقه شمالی و ۷۲ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی افتاده و ازینجا سگدوشنه خروشتی در يك سطر كسف و به موزه لاهور اعدا شد . است. خط خروشتی آن بدور ساسا كه می ماند.

ترجمه آن: «در سال ۶۸ شانزدهم، به بروشنه پده (۱) ارمغان اصحاب ودعی تیره (۲)، ۱۶ ماه بروشنه پده سال ۶۸ مساویست با ۱۸ جولای سال ۱۷ ق.م (۳)

۱۱- کتیبه پایه مجسمه مكشوفه ز غزدهیری :

اشنغروادی شمال شرقی پشا و ركه بسیار آسیب دیده و اكثر حروف آن از بین رفته است (۴) .

۱۲- کتیبه مجسمه اشغرو:

در فاصله ده میلی شمال شرقی پشاور در جایكه دریای سوات ر نابل باهم می آمیزد و شهر مشهور تاریخی پشگلوه تی درین وادی بود، یکی از مراکز مهم بودایی بشمار میرفت . در قریه راجر از نپه خاکی مجسمه بودا با سه نفر بدست آمد كه در معبد هندوان آنجا نهاده شد و در سنه ۱۸۸۳ كتیبه خروشتی پایین مجسمه را دیدند ، كه فقط تاریخ آنرا چنین نوشته اند «در سال ۳۸۴ پنجم ماه بروشنه پده» كه این تاریخ مساویست با ۷ جون ۳۰۰ م. (۵)

۱۳- کتیبه های جمال گرهی:

جمال گرهی دینی است در دامنه جنوبی كوهمپایه باجا كه از مر دان شمالا هشت میل فاصله دارد و در ۳۵ درجه ۲۰ دقیقه شمالی و ۷۲ درجه ۵ دقیقه طول شرقی واقع است درینجا كتیبه های متعدد خروشتی زاعم یافته اند كه از آن جمله است :

الف : سنگ نوشته اول ماه اشوه بوج (۶) سال ۳۵۹ = ۲۴ اگست ۲۷۵ م در باره تاسیس يك دارالمساکین دینی درین باغ (بیشه) از طرف شر او كه پونه كه (۷) برای متابعمان یودیلیا كه (۸)

ب: كتیبه پایین يك مجسمه بی تاریخ ، ارمغان مادروهمسرواستمنه به ثواب تمام مخلوقات و ثواب وصحت آقا. (۹)

ج: كتیبه هاله يك مجسمه كه بر آن « وقت سفا » (۱۰) نوشته اند. (۱۱)

(1) Praushthpada

(3) S.K. 2/22

(5) S.K. 2/119

(7) Sravakapotaka

(9) S.K. 2/114

(2) Vadhitira

(4) S.K. 2/123

(6) Asvavauj

(8) Uddiliaka

(11) S.K. 2/114

(10) Sapha

د: کتیبه بنیاد يك ستون : «يكمنار ارمغان بودا ورمه » (۱)
 ه: نوشته بريك چراغ سنگی که در حفريات ۱۹۲۱ م کشف شده
 فقط «درستو په ايده» (۲) بر آن خوانده میشود. (۳)
 و: سنگ نوشته مکشوف ۱۹۱۲ م که بر آن نوشته اند: ارمغان بودا
 هزاره کشيته (۴) «(۵)

۱۴- سنگ نوشته قلعه سنگ:

دامنه کوه مهابن مربوط خود وخیل مرز قبیله یوسفزایی که در
 موزه لا هور است (نمبر ۱، ۵۹) مضمون آن: «درسنه ۱۰۰ متابعان
 پیپه له کهه (۶) چاهی ساختند. خوانش عدد صد مشکو کست و
 سال صدم = ۱۶-۱۷ است (۷)

۱۵- سنگ نوشته کالدره :

نزدیک درگنی جنو ب کوتل مله کند درسوات که اکنون درموزه
 لاهور است ۲۷ × ۹ انچ. تاریخ این کتیبه ۲۰ ماه شراونه (۸) سال
 ۱۱۳ = ۵ جولایی ۲۹ م است.
 مضمون آن: «این حوض از طرف نمایدوره پسر داتیا (۹) برای
 استفاده تمام مخلوقات در سال ۱۱۳ بیستم ماه شر وانه ساخته شد.»
 قراریکه تحقیق کرده اند ناموقف کننده این حوض تهاید و ر ه
 یکصورت مصحف تهیودوروس (۱۰) یونانیست که بريك کتیبه ظرف
 سوات میرید رخ تهیو دوره (۱۱) آمده، وشاید این تهاید وره کالدره
 از اخلاف میرید رخ باشد. (۱۲)

۱۶- کتیبه هفت حر فی کانیزه:

دهیری واقع عمر زیی چار سده پشاور (پشاور موزیم) (۱۳)

۱۷- کتیبه بنای حوضی د رگرنال هفت میلی جمنا :

(موزه لاهور) از طرف کر یسه توی (۱۴)

(1) Buddhauarma

(3) S.K. 2/116

(5) S.K. 2/116

(7) S.K.2/52

(9) Datiaputra-Thaidora

(11) Meridarkh Theudora

(13) S.K. 2,172

(2) Aida

(4) Buddharakshita

(6) Pipalakra

(8) Saravana

(10) Theodoros

(12) S.K. 2/65

(14) S.K. 2,179 Krisakavi

۱۸- کتیبه کومه هار (۱) پته:

(هند) مکشوف ۱۹۱۴ که آنرا دورترین کتیبه خروشمی بیرون از منطقه نفوذ این رسم الخط شمرده اند «کار سنگه داسه کوتهومه» (۲)

۱۹- کتیبه صنلو قچه کورم:

وادی کورم در جنوب سپین غریب خط مرزی شرقی افغانستان واقع و چون گذرگاه فاتحان و کاروانهای هند بطرف زابل و کابل بود، همواره در تاریخ اهمیت بسیار داشت، و این صنلو قچه مسی دارای شکل ستوپاست که ۴ سطر کتیبه بردورادور خود دارد، و یکی از نوشتههای مفصل خروشمی است بدین مضمون:

«در سال ۲۰ و بیستم ماه اوه دونه که (۳) شویده ورمه پسریاشه (۴) بنای یادگار حضرت ساکیا مون را درین باغ خودش در نیو ویهاره، به موافقت معلمان سر و استیوا ده (۵) دریک ستوپه برای ثواب تمام مخلوقات نهاد. آنحضرت گفته بود: در دوام جهل به آیین، در پنداشت آیین اساسی (۶) (تصور مادیات) در ادراک نام و پیکر در نام و پیکرشش وسیله (۷) در تماس این شش وسیله (بامحسوسات) در علاقه با احساس - در تشنگی احساس (اشتها مادیات) - در تشنگی و لغ - در حرص حیات در زایمان زندگانی - در پیری - مرگ - مصیبت - پراگندگی درد افسردگی و نومیدی. چنین است اصل مجموعه رنج برای تمام موجودات.

و این پره تیت یا سه موت یاده (۸) از طرف ماهی فیه تیه (۹) به تعظیم همه مخلوقات نوشته شد. «درین کتیبه ماه اوه دونه که عبارت از ماه یونانی اودو نایوس (۱۰) است که مطابق باشد با ۲ جنوری ۱۴۸ م (۱۱)

(1) Kumrahar (2) Sanghadasa Kauthuma. S.K. 2,178

(3) Avadunaka

(4) Svedauarma-yasa Putra

(5) Sarvastivada

(6) Sanskaras

(۷) مراد پنج حس و عقل است.

(8) Pratityasamutpada.

(9) Mahi Phatia

(10) Audunaios

(9) S.K. 2,152

۲۰- نوشته بر هاله يك مجسمه بودا در موزه لاهور هديه بو سه
ورمن، (۱)

۲۱- نوشته بريك تخته موز يم لاهور (..... سنسكاره (۲))
۲۲- پنج سنك نوشته لو ريان ننگي سوات سفلي نزديك قرية پيلايه
كه در سنه ۱۸۹۶م كشف و در موزه كلكته محفوظ اند:
نوشته يك سنك : در سال ۳۱۸ بيست وهفتم پروشته پده (۳) تحفه
بودها گوشه (۴) پير وسنگهاورمه (۵) (مطابق ۲۷ اگست ۲۷۵م) (۶)
نوشته ديگر : تحفه بودها ور مه (۷) در ستويه كهنه وه (۸)
نوشته ديگر : تحفه بود هاميترا (۹) پير وبودهار كشيته (۱۰)
نوشته ديگر : تحفه اكشه بيكه (۱۱) پير وشرمه نه سد هر مه نه
نه (۱۲)

نوشته ديگر : تحفه سينه اميتره (۱۳) پير و سي هي ليكه (۱۴)
۲۳- كتيبه مايره (۱۵) نام يك قرية در كو هپايه نمك ضلع چيلم
(پنجاب) در صد ميلو جنو ب تكسيلا سال ۵۸ = ۲۷ ق، م (۱۶)
۲۴- كتيبه ممانى دهيري (۱۷) در چار سده شمال شرقى پشاو ر
كه در همان پشكلا وتى تاريخى واقع است (نمبر ۵۱ موزه پشاو ر) تاريخ
اين كتيبه ۵ ماه مارگه شيراس (۱۸) سال ۸۵ = اول نومبر ۲۱۶ م
است كه بريك مجسمه بو دا چنين نوشته اند:

«در سال ۸۵ پنجم ماه مار گه شيراس اين تحفه دينى از طرف
شرمه نه دهرمه پرى يه (۱۹) باعزاز... و آموزگار او بوده پرى يه (۲۰)
و براى صحت بخشى مريدان او .» (۲۱)

۲۵- مانى كياله (۲۲) مجموعه خرابه هاى قديم بين حسن ابدان

-
- (1) S.K. 2/115 - Bosavarman (2) S.K. 2/131 Sanskara
(3) Praushthapada (4) Buddha Ghosha (5) Sangha Varma
(6) S.K. 2/107 (7) Buddha Varma (8) S.K. 2/108 Khandavana
(9) Buddha Mitra (10) S.K. 2/109 Buddha Rakshita
(11) Akshayika (12) S.K. 2/110. 'Sramana-Saddh armarata
(13) Sinha Mitra (14) S.K. 2/110. Sihilika (15) Maira
(16) S.K. 2/11 (17) Mamane Dheri (18) Margasiras
(19) Sramana Dharmapriya (20) Buddha Priya (21) S.K. 2/172
(22) Mani Kiala

وجیلم در ۲۳ درجه و ۲۷ د فیفہ شمالی و ۷۲ درجه و ۱۷ د فیفہ شرقی
واقعست و درینجا کتیبہ های ذیل کشف شده :

الف: طرف حفظ خاکستر (بطور نندان) که بیرونی آن مسی بود
و در آن طرف نقره جای داشت و در داخل آن طرف طلائی خاکستر بود،
و بریک سنگ چنین نوشته دارد، نه هفت سطر در بین و دو سطر
پدست راست و سه سطر بدست چپ آنست مورخ سال ۱۸ بیسم
کارتیکه = ۹ اکتوبر ۱۴۵ م.

«در سال ۱۸ روز بیستم ماه کارتیکه (۱) در عصر شامی
مہاراجہ کنیشک جنرال لئه (۲) از نژاد کوشانہ و آمر اوقاف کشرہ بہ
ویشپاسی (۳) وقف کنندہ درویمہارہ خودش، کہ یادگار های متعدد
حضرت بودا را با سه نفر ذیسمی سازد: ویشپاسیہ و خودہچہ (۴)
و بوریتہ (۵) معمار و بہارہ و تمام جمعیت را ہبان. ثواب این
بنای خیر با بودا ہا و شرابو کہ ہا (۶) بہ برادرم سوزہ بودہی (۷)
و بوریتہ معمار ترمیم کنندہ رسیدہ باد. «(۸)

(1) Karttika

(2) Lala

(۳) Kshatrapa-Vespasi ویشپاسی نام کشتراپ و حکمران است.

(۴) Khudacha این کلمہ در کتیبہ موزہ پشاور سال ۱۶۸ م خودہ چہ
است کہ شاید نام جایی باشد، و ہم این کلمہ را اصل قدیم خواجہ میتوان
بنداشت کہ در پہلوی خواتای چک بود تصغیر خواتای = خدای و کوہ
خواجہ در سیستان نزد زردشتیان مقدس است و خواجہ در فارسی بہ
معنی رئیس و معظم و حاکم و کد خدا بود کہ معرب آن خواجاست (حواشی
برہان ۷۷۹) در کتیبہ بغلان کلمہ خوادى Xoadē دوبار آمدہ

کہ آنرا معادل Outokrator و خدیو دانستہ اند و در انجا بمعنی
Khuduwayaka بادشاہ و امپراتور است، و خودوہ بہ کہ

نام یکی از کابلشاهان بسو (مادر زبان دری ۸۶ ر ۱۳۵) پس
خوادى (بغلان) خودہ بیہ (خروشتمی) خواتای چک (پہلوی) خواجہ
(مستعمل کنونی) باید با ہم ربطی داشته باشند.

(5) Burita

(6) Sravakas

(7) Svarabuddhi

(8) S.K. 2/150

درمانی کتیبه کیاله کتیبه های مختصر دیگری هم بدست آمده، که از انجمله برمیزك سیمین «تحفه کومنه (۱) معمار» و بریک جعبه مفرغی موزه برناییه «تحفه کاپیشا (۲) نشتر په پسر کره نهو هر یه که» (۳) نوشته شده است. (۴)

۲۶- کتیبه تخته سنگی مانسیپره واقع شمال ایبت آباد، که در انجا کتیبه فرامین اشو کا هم بر کو ه بچه پی موجود است. این تخته سنگ دوپار چه دارد و بموزه کلکنه در ۱۸۹۸ م انتقال یافته که در سال ۱۷-۱۶ ق.م نوشته اند، و ده سطر است. چون آسیب زیاد دیده مضمون آن مبهم است: «درسا ۶۸... قوت شاهی (۵) بحکم فرمان.. برای هشت سال لغو گردید....» (۵)

۲۷- کتیبه مار گوس (۶) واقع سوایی دومیلی دریای سند درسا ل ۱۱۷ (۴) = حدود ۲۳ یا ۲۴ ق.م درباره تاریخ یک چاه. (۷)

۲۸- کتیبه بر شکل یک فیل کنده برسنگ، درموزه متورای هند که بران نوشته اند «یا دگاز استخوان کردن آنحضرت» (۸)

۲۹- نوشته های ستون سرشیردار متوراکه (۱۶) سطر درپارچه های متعدد از دو بسط خط خروشته پی راتا اواسط هند میرساند (۹) این کتیبه در تاریخ هند و ساکه ها خیلی مهم است زیرا آنرا با مرملکه بزرگ ایاسیه که مو پی (۱۰) بنت یووه راجه خره وسته (۱۱) همسر مهاکشر په رجوله (۱۲) و مادرنده دپاکه (۱۳) نوشته اند. و را جع به وقف معبد و تصدیق موقعیت های رسمی رجال و افراد خاندانهای مقتدران عصر است و این رجوله را یکی از حکمرانان ساکه در اوایل قرن اول میلادی دانسته اند. (۱۴)

(1) Gomana

(2) Ka'pisa'

(3) G (R) Ana Vhrayaka

(4) S.K. 2/151

(5) S.K. 2/20

(6) Margus

(7) S.K. 2/66

(8) S.K. 2/50

(9) S.K. 2/48

(10) Ayasiakamuie

(11) Yuva Raja Kharaosta

(12) Rajula

(13) Nada Diaka

(14) S.K. 2/34

۳۰- کتیبه چند حرفی میر زیارت در شهر ناپرسان اشغر شمال شرقی پشاور و کتیبه موزه لاهور از همین شهر ناپرسان بر پایه یک بود می ستواد در دو سطر راجع به و قف برای سلامتی بوده ورمه (۱)
 ۳۱- کتیبه تخته سنگ مو زه لاهور که از کوه پنج (۲) سلسله مهابن مجاری دریای سند علیا بدست آمده و بسال ۱۰۲ = ۱۸-۱۹ م تاریخ ساختن یک چاه است (۳)

۳۱- کتیبه تخته سنگ مو زه لاهور که از موچای اراضی یوسفزایی شرقی پشاور بدست آمده و در سال ۸۱ = ۴-۲ ق، م در ساختن چاه هی از طرف تبعه وشی شوگه (۴) نوشته شده است . (۵)
 ۳۳- کتیبه سنگی ناو گرام واقع خود وخیل شمال شرقی دریای سند علیا در موزه لاهور در بسازه یک وقفیه دریک سطر .
 ۳۴- کتیبه ۳ کلمه مکشوف از نو شمیره شرقی پشاور بریک پایه مجسمه که دران کلمه کریده (۶) به معنی ساخته و بنا آمد است . (۷)

۳۵- کتیبه دوسطری سنگی که از یاجا بین جمالکرمی و تخت باهی شمال شرقی پشاور بدست آمده و در موزه لاهور است . و تاریخ آن سال ۱۱۱ روز پانزدهم شراونه مساویست با ۲۳ جون ۲۷ م و مضمون آن چنین است: در سال ۱۱۱ روز پانزد هم ماه شراونه (۸) این چاه از طرف سنگه میشره (۹) پسر آنده (۱۰) به تعظیم مادر و پدرش برای فایده و خوشی تمام مخلوقات ساخته شد (۱۱)
 ۳۶- سه سطر نوشته بر پارچه های ظروف موزه پشاور که از پاتود هیری پشاور بدست آمد و همه راجع به وقف و ایصال ثواب آن به اشخاص است . (۱۲)
 ۷- کتیبه سالم پور پنجتار: در دامنه های مهابن که در ۷۳ درجه و ۳۱ دقیقه شرقی و ۳۴ درجه و ۱۴ دقیقه شمالی واقع است . نوشته

(1) S.K. 2/124
 (3) S.K. 2/57
 (5) S.K. 2/30
 (7) S.K. 2/134
 (9) Sanghamitra
 (11) S.K. 2/65

(2) Banj
 (4) Vashi suga
 (6) Karide
 (8) Sravana
 (10) Ananda
 (12) S.K. 2/122

سنگی سال ۱۲۲- اول ماه سرا ونه = ۷ چون ۲۸ م عهد سا که بمضمون ذیل بدست آمده .

«در سال ۱۲۲ اول ماه سرا ونه در عهد کوشانه مهاراچه سر ز مین شرقی کسوه (۱) از طرف مویکه (۲) خلف او رو موجه (۳) منطقه فرخنده گردید . و درانجا دو با غ از طرف من وقف شد. با این اقدام قابل تمجید ... منبج جا ویدا ن خیر . (۴)

۳۸- بريك پارچه عقیق که در پاریس است باتصویر يك شخص ایستاده دارای دستار و لباس برزو و پیراهن درشت کلمه پونیه- مته (۵) نوشته شده است و آنرا از عهد یونانیان باختر دانسته اند (۶)

۳۹- کتیبه سنگی پاتمپا ر واقع يك میلی کانگرا (پنجاب) در د و سطر که خارج از منطقه نفوذ خروشته می است و بران نوشته اند : تالاب راتهی تره (۷)

۴۰- کتیبه برتخته سنگی که از خود و خیل غربی مهاین در دوسطر بدست آمده : «متولی و بهاره ... این ستوپه را ساخت . » (۸)

۴۱- کتیبه سنگ کو چک مو زه بشاور در يك سطر از عهد قدیم ساکه : که ره وید (سا خت) مایتره (۹) ،

۴۲- کتیبه دوسطری بشاور زموزیم از عهد قدیم ساکه ، که از خود و خیل غربی مهاین یافته شده : «بنای یادگار بهکه وت (۱۰) ... وقف ، (۱۱)

۴۳- کتیبه بريك سنگ بنا در بشاور زموزیم نمبر ۵ که چند حرف دارد از عهد قدیم ساکه (۱۲)

۴۴- کتیبه سنگ کو چک موزه بشاور نمبر ۷ دارای چند حرف از عهد قدیم ساکه . (۱۳)

۴۵- کتیبه بريك هیکل حجا ری شده دو پهلوان در موزه بشاور که

(1) Kasua

(3) Urumuja

(5) Punyamata

(7) Rathitara, S.K. 2/178

(9) S.K. 2/133 Karavide maltreya

(11) S.K. 2/128

(13) S.K. 2/133

(2) Moika

(4) S.K. 2/70

(6) S.K. 2/7

(8) S.K. 2/12

(10) Bhagavat

(12) S.K. 2/133

بران فقط نام میناندره (۱) نوشته که شکل خروشتی نام یونا نسی
میناندروس (۲) باشد. از عهد قدیم ساکه (۳).

۴۶- بريك پایه مجسمه سنگی که در کلب افسران پشاور بود
در يك سطر مربوط به عهد قدیم ساکه نوشته شده : وقف دیپانکه
ره (۴) ساخته تا کتیبه (۵)

۴۷- کتیبه سنگی موزه پشاور نمبر ۲۰ (عهد قدیم ساکه) که
تاریخ خروشتی آن مساویست با ۱۲۴ اپریل ۸۴ م. در سال ۱۶۸ پانزدهم
ماه جیای شتبه (۶) این چاه بطور وقف بهمت تره و شه کوره (۷)
مربوط خوده چه و بهاره کند ه شد. (۷)
درینجا کلمه خوده چه باعقایسه کتیبه مانی کیاله در خور تو جه
است .

۴۸- کتیبه نمبر ۲۱ موزه پشاور ررسنگی (۱۶×۹×۶ انچ) که
در سنه ۱۹۱۶ م از طرف اورلستین به موزه داده شده و به عهد کوشانیان
متعلق است . درین کتیبه نام مهاراجه و تاریخ آن ساییده شده
و خوانده نمیشود و درباره کند ن چاهی است از طرف برهمن واسو-
دیوه (۹) پسراینده دیوه (۱۰) ساکن او بهاره (۱۱)

۴۹- کتیبه نمبر ۳۴۷ موز ڈپشاور بريك هیکل حجازی شده
بودهی ستوه نشسته که تخته نوشتن در دامن دارد و بران چنیز
نوشته اند : «درگیتی که نوشتنی های خدایان و مرد مان آنجاست .»
این کتیبه به عهد قدیم ساکه متعلق است (۱۲)

۵۰- کتیبه راول نزدیک متهوره برکنار شرقی جمناکه در موزه
متهوره موجود است دارای چهار سطر متعلق به عصر کوشا نیان
سال ۴۱ = ۱۶۸ م (۱۳)

۵۱- کتیبه سد و واقع کنار شرقی دریای پنجکوره در غرب
کوئل کتگله (۱۴) بر راه سوات بريك خرسنگ کوهی در چهار سطر که
خوانش آن کاملاً صورت نگرفته است (۱۵)

(1) Mirandra

(3) S.K. 2/134

(5) Takhtidra

(7) Travasakura

(9) Brahman-Vasudeva

(11) S.K. 2/157 Obhara

(13) S.K. 2/129

(15) S.K. 2/9

(2) Menandros

(4) Dipankara

(6) Jyaishta

(8) S.K. 2/79

(10) Indra Deva

(12) S.K. 2/129

(14) Katgala

۵۲- چند پارچه ظروف گلی شهر بهلول (۱) شمال شرقی پشاور که دارای حروف و کلمات خروشته‌ای است ولی به تحقیق خوانده نشده متعلق به عصر قدیم ساکه (۲)

۵۳- کتیبه شاه داور (۳) واقع وادی اگرور ضلع هزاره ، ۳۴ درجه ۳۰ دقیقه شمالی و ۷۳ درجه ۴ دقیقه شرقی ، بريك خر سنگ کوهی . متعلق عصر قدیم سا که سال ۶۰ = ۲۵-۲۴ ق.م : «از راجن دامیجه ده (۴) در سال ۶۰ ساکه ، بابهاپو (۵) و پدر او وله وردهه (۶) برای ثواب پسرش میتره وردهنه (۷) ... بر همین . و مادر و برادرش (۸)

۵۴ در شاه داور کتیبه دیگری بسیار آسیب دیده هم در ۵ سطر موجود است متعلق به عصر قدیم ساکه در عصر ازیس (۹) در باره وقف يك شخص متمول مشهور شیوه رکس کیته (۱۰) نوشته شده و املاي نام ازیس در خرو شته‌ای ایاسه (۱۱) است و بدو خط یونانی و خرو شته‌ای مسکو کات سیمین اوهم یافته اند . که زمان این کتیبه بین ۸۰-۱۰۲ ساکه باشد . (حدود ۶۴ م) (۱۲) .

۵۵- کتیبه های صندوق کنشکا : در شاهجی پھیری بیرون دروازه گنج شهر پشاور . در سنه ۱۹۰۹ م در جای ستوپه بزرگ کنشکا که زایران چینی ذکر کرده اند ، بقایای يك ستوپه بزرگ از خاک برآورده شده ، که در بین آن جعبه منقش مسی به بلندی ۴-۵ انچ و قطر ۵ انچ با سر پوش محکمی موجود بود ، و هیكل های بودای نشسته هم دارد ، و هیكل کنشکا بین ارباب انواع مهر و ماه واقع است و بر سر پوش جعبه اشکال بودا - برهما - ایندرا (۱۳) دیده میشود ، و در بین این جعبه برخی از یادگار های بودا محفوظ بود ، که آنرا لارد کرزن (۱۴) و ایسرای دهم هند به بودا تیان بر ما داد ، تا آنرا در معبد (مندلای) (۱۵)

(1) Shahr-i-Bahlol

(3) Shahdaur

(5) Bhadu

(7) Mitravardhana

(9) Azes

(11) Ayasa

(13) Buddha-Brahma-indra

(15) Mandlay

(2) S.K. 2/122

(4) Rajan Damijada

(6) Valavardha

(8) S.K. 2/16

(10) Sivarakskita

(12) S.K. 2/17

(14) Lord Curzon

گذاشتند . (۱)

تعیین سال اول این کتیبه (مطابق ۱۲۸ م) مشکو کست و در ذکر نام کنیشکا نیز مراد کنیشکای اول نباشد، بلکه کنیشکای دوم مذکور در کتیبه آرا خواهد بود، که مورخ است بسال ۴۱ (۱۶۹م) و بالاخر تاریخ این کتیبه وجعبه را بین سنه ۷۸-۳۲۵ م تعیین کرده اند، و روزن فیلد باجان مارشل هم عقیده است که همان حدود سال ۴۱ باشد (۲). درین کتیبه نام اگی شله (۳) را هم ما خود از اگی سیلوس (۴) یونانی پنداشته و اورایک هنرمند یونانی گفته بودند ، ولی بعد از ستین کونو این عقیده از طرف (بورو) (۵) رد گردید و گفت که این نام با اگی سال (۶) زبانی شبیه است که در خرو شتهی و برهمی هم آمده است. بورو این کلمه را لقب ماموری شمرده است که بکار تعمیر و بهاره مامور بود و بنا برین این بنا وجعبه تقدیمی کدام امپراتوری نیست ، بلکه مانند سایر کتیبه های متهوره تنها به عصر شهزادگان کوشانی ربط دارد (۷) .

ترجمه مضمون کتیبه : در سال اول (۹) کنیشکادر شهر اما ... این وقف دینی باقصر ... ضمیمه شد. دران خیر و سعادت همه مخلوقات باد ا معمار آن بنده اگی شله در و بهاره کنیشکادر سنگاراما مها سینه (۸) بموافقت معلم سره واستیوادین . (۹) همچنین درین تبه شاهی متصل بشاور پارچه های خشتی زیبا دی بدست آمده ، که بران کلمات و حروف خرو شتهی منقوش و در موزه بشاور محفوظند .

۵۶- کتیبه شکر دره گیمبل پورماورای اتک ، در موزه لا هور متعلق به عهد کنیشکا ، دارای چهار سطر نوشته و یک شکل خرو. یک گلدان که تاریخ خرو شتهی آن مطابق است با ۲۷ جولای ۱۶۸ م .

(۱) بشاور ، تألیف جعفر ۲۲

(۲) آرت خاندان کوشان ۲۶۰

(3) Agisala

(4) Agesilaos

(5) Burow

(6) Aggisala

(۷) آرت کوشان ۲۵۹

(8) Mahasena's Sangharama

(9) S.K. 2/137

در سال ۴۰ روز ۲۰ ماه پراوشته پده این چاه در معبر شا لا (۱) بطور تحفه اصحاب درو نی په زره (۲) ،
 ۵۷ - کتیه مهر مسی یکی از کشته های دوره قدیم ساکه در وادی هزاره تا چیناب بنام شیوه سینه کشته په شهر ابی ساره پرسته (۳)

۵۸ - کتیه سکاره بهیری (تپه زغال) درهشت میلی شمال چا ر - سده پشاور بریک مجسمه موزه لاهور مورخ ۱۰ می ۲۱۵ م : در سطر « در سال چار صدم یک کم (۳۹۹) روز ۲۲ ماه آشاد ه (۴) . درجنت (روز دهم) او (زن) باد ! من نگهداری اطفال رامیخواهم . (۵) ستین کونو عقیده دارد که اصل این کتیه یک نوع منظومه (۶) است که هر مصرع آن ۶ + ۴ + ۳ سلا بیل دارد ، و بنا برین در تاریخ اوزان عروضی اهمیت خواهد داشت .

۵۹ - کتیه سوی و بهار (۷) در ۱۶ میلی شمال غرب بهاو لیور بریک تخته مسی دارای چهار رونیم سطر که تاریخ خرو شتهی آن مقارنت با ۷ جون ۱۳۹ م : در زمان شاهی مهاراجه دیوه پتر . کنشکا در سال ۱۱ روز ۱۸ ماه دایسیوس (۸) هنگامیکه راهب ناگه دته (۹) مبلغ دستورو مرید مبلغ دمترتا ته (۱۰) مرید مریدان مبلغ بهاوه (۱۱) درینجا درد منه (۱۲) سکونت نمود، پس متولی و بهاره زاهد بلا نندی (۱۳) و مادرش کدبانو بله جیا (۱۴) علاوه بر بنای این مسکن دیوار دورا دور آنرا هم بعداً ساخت . برای همه مخلوقات وسیله خیر و خوشی بادا (۱۵)
 ۶۰ - کتیه طرف خاک رو غنی که از سوات بدست آمده و به یکی

-
- | | |
|---|----------------------------|
| (1) Sala | (2) S.K. 2/160. Dronipadra |
| (3) Sivasena, the Kshatrapa of Abhisaraparastha. S.K. 2/103 | |
| (4) Ashadha | (5) S.K. 2/127 |
| (6) Doha | (7) Sui-Vihar |
| (8) Daisios | (9) Magadatta |
| (10) Damatrata | (11) Bhava |
| (12) Damana | (13) Balanandi |
| (14) Balajaya | (15) S.K. 2/141 |

از حکمرانان یونانی منسوب و برجه نسیبه دورادور ظرف چنین است: «ازتهیو دو روس میریدرخ (۱) این یادگار های حضرت ساکیا مونی بمقصد محافظت همه مردمان بنامند . (۲)»
 کلمه میریدرخ درین کتیبه یک لقب یونانی میرید رکوس (۳) دوره یونانیان ورومن است که معنی آن حکمران یک ناحیه است و او در نابل یا اراکوز یا یاکندههاراموریت داشته است . (۴)
 ۶۱ - کتیبه تجه ضلع پشاور که شرح و تصویر آن بدست نیامده (۵).

۶۲ - کتیبه های تخت با هی که دارای آثار یک شهر بزرگ قدیم است و یک کتیبه از انجا بدست آمده دارای ۶ سطر و تاریخ خروشتی آن مطابق است با ۱۰ مارچ ۱۹ م : «در سال ۲۶ شا هی مهاراجه گود وهره (۶) سال ۱۰۳ روز اول ماه ویشا که (۷) این معبد وقف دینی بله سه می (۸) منجی وپسر و دختر اوست به تعظیم میره (۹) منجی و شمشرا ده که (۱۰) به تعظیم مادر و پدر . (۱۱)»
 کتیبه دیگر تخت باهی در موزه پشاور است که بران (تحفه هوزره شده (۱۲) نوشته شده و نیز یک پارچه ظرف سیاه از تخت باهی در موزه پشاور افتاده که چند کلمه خروشتی دارد (۱۳)

۶۳ - کتیبه های خروشتی تکسیلا:

این شهر تاریخی به آسازمکشوفه وبقایای یک شهر عظیم شهرت دارد. و مرکز بزرگ فرهنگ و مدنیت دور های متعدد موریان یونانیان باختر - و کوشانیان تا حلول اسلام بود. ازین جا در حفاریات این شهر کتیبه های متعدد کوچک و بزرگ برآمده است :

- ۱ - کتیبه دوسطری و قفیه دهرم داسه (۱۴) بربک چراغ. (۱۵)
- ۲ - کتیبه یک پارچه پشمی دریک سطر که به تعظیم اقارب و هم خونان و متعلقین شخصی نوشته شده . (۱۶)

(1) Theodoros Meridarkh	(2) S.K. 2/4
(3) Meridarkus	(4) S.K. 2/2
(5) S.K. 2/173	(6) Guduvhara
(7) Vaisakha	(8) Balasami
(9) Mira	(10) Kapa
(11) S.K. 2/62	(12) Horashada
(13) S.K. 2/63	(14) Dharmadasa
(15) S.K. 2/90	(16) S.K. 2/91

- ۲- کتیبه يك پارچه سنگ دريك سطر: «میترا (۱) زوجه ایندره سینه (۲)
 ۳- کتیبه يك پارچه پشمی دريك سطر: از زوجه ایندره سینه .
 ۴- يك حرف بر يك يك پارچه .
 ۵- کتیبه تخته زرین تکسیلا له از سرکپ پیدا شده ، درسه سطر متعلق به دوره ساکه تا کوشانیان ، که آنرا يك منظومه دارای ۷ + ۶ سلابیل شمرده اند: «شیرا (۳) يك یاد کار آنحضرت را برای شادمانی مادر و پدر خود وقف کرد» (۴) .
 ۶- کتیبه بر يك طرف کلی موزه پشاور که از تکسیلا برآمده : «این ستوپه از طرف سی هاره کنسپته (۵) برادران ، به تعظیم بو دا ها در تشه شیدا بنا نهاده شد. (۶)
 ۷- کتیبه های متعددی از بقایای معبد جاولیا (۷) تکسیلا برآمده و این معبد از قرن سوم تا پنجم آباد بود. عدد این کتیبه های کوچک که نامهای وقف کنندگان یادکارها و تحفه های بو دا پی بران نوشته شده به (۱۴) پارچه میرسد مربوط به عصر قدیم ساکه (۸)
 ۸- کتیبه های کوچک بر چیزهای مختلف که از سرکپ (۹) تکسیلا بدست آمده و مربوط به عصر قدیم ساکه است عدد آن به ۲۱ میرسد ، که از آنجمله بریکی همان نام تسپیو د و روس بن تمواره (۱۰) نوشته ، که این نام یونانی در کتیبه سوات و کالدره هم آمده است و برچند کتیبه دیگر کلمات ستاتیر (۱۱) و درخم (۱۲) دیده میشود، که رواج این کلمات یونانی رادر نقود میرساند . تمام این کتیبه هانیز درباره موقوفات اشخاص است (۱۳)
 ۹- از خرابه های ستوپه قدیم قریه شاه پور تکسیلا يك قاب مسی برآمده که دران نام همان میرید رخ کتیبه سوات آمده است : «این ستوپه از طرف میرید رخ و همسر او به تعظیم مادر و پدرش برای تقدیم تحیات احترا مکا را نه بناشد ، از روی نام میرید رخ این کتیبه مربوط عصر یونانیان با ختر خواهد بود. (۱۴)

(1) Mitra Wife of Indrasena	(2) S.K. 2/91
(3) Sira	(4) S.K. 2/86
(5) Siharakshita	(6) S.K. 2/87
(7) Jaulia	(8) S.K. 2/92
(9) Sirkap	(10) Thavara
(11) Stater	(12) Drakhm
(13) S.K. 2/97	(14) S.K. 2/5

۱۱- کتیبه آبگردان مسی نکسیلا نصفه ایشموه ره که (۱) از عصر قدیم ساکه (۲)

۱۲- کتیبه قاب مسی که از خرابه های تکسیلا یافته شده و بحروف حروشتی طرز عهد ساکه است و تاریخ حروشتی آن مطابق با شد باماه چون سال ۱۶ ق.م و شاه موله را درین کتیبه همان (مویس) (۳) دانسته اند. که یکی از شاهان ساکه حدود ۷۰ ق.م باشد. (۴)

«در سال ۷۸ در عصر مهاراجه موکه (۵) شاه بزرگ، روز پنجم ماه پانیموس (۶) کشته به چوکسه (چچ) (۷) که نام اولیا که کوسولوکه (۸) است و هم پسرش پتیکه (۹) در شهر تکشه شیلا (۱۰) در شمال ناحیت شرقی بنام کشیمی (۱۱) در بنج پتیکه بنای ابتدایی یادگار حضرت ساکیا مونی و سنگها را مه را بوسیله روهی نی میتره (۱۲) ناظر این بنا نهاد. تاداران تمام بوداها و مادر و پدرش پرستش نمایند. و موجب برکت زندگانی و قوت کشتیبه و فرزند و همسرش باشد. و تمام برادران و متعلقان او پرستش نمایند. بحکم رئیس بزرگ اوقاف: پتیکه» (۱۳)

۱۳- کتیبه طومار سیمین تکسیلا که چون مارشل در سنه ۱۹۱۴ کشف کرده (موزه تکسیلا) و تاریخ حروشتی آن مقارن با ۱۷ می ۵۲ م باشد: «در سال ۱۳۶ روز ۱۵ ماه اشاده یادگار آنحضرت از طرف پوره سه که (۱۴) یکی از فرزندان اینته و هریا (۱۵) باکتری ساکسن شهر نوه چه (۱۶) در معبد بودهی ستوای خودش، در میدان دهر مه راجیکای (۱۷) تکشه شیلا برای اعطای صحت به مهاراجه شاه شاهان پسر آسمان کهوشانه (۱۸) و به تعظیم تمام بوداها و تعظیم پرت پی که بودها (۱۹) و تعظیم ارهت ها و تعظیم همه مخلوقات و مادر و پدر و دوستان و وزیران و متعلقان و رسته داران و برای اعطای صحت بخودش. این بذل و اکرام، رهنمای نروانه (مقام راحت ابدی) او باد!» (۲۰)

- (1) Ishvarakha
- (3) Maues
- (5) Moga
- (7) Chukhsa
- (9) Patika
- (11) Ksheme
- (13) S.K. 2/29
- (15) Intavhria
- (17) Dharmarajika
- (19) Pratyekabuddhas

- (2) S.K. 2/86
- (4) Cambridge H.I. 1-57
- (6) Panemos
- (8) Liaka Kusuluka
- (10) Taksha Sila
- (12) Rohini Mitra
- (14) Urasaka
- (16) Noacha
- (18) Khushana
- (20) S.K. 2/77

درین کتیبه کلمه به همه لینه (۱) از طرف چون مارشل با (بالی کینه) یعنی بلخی سنسکریت مقارنت داده شده، و ما از کتاب بریست سمپیتا (۳) تالیف ورا هه میپیره (۷۱۰) هم میدانیم که بلخیان با تکسیلا روابطی داشته اند (۵)

۱۴- کتیبه ظرف سیمین سرکپ تکسیلا که بر گردن آن نوشته خروشته می دارد و تاریخ (۱۹۱) آن به عهد قدیم ساکه مربو طست که مطابق ۱۰۸-۱۰۷ م باشد در سال ۱۹۱ عصرشاهی جی هونی که (۶) کشتیره چو کهسه پسر مانی گوله (۷) برادر مهاراجه (۸) است

ستین کونو گوید از کتیبه سال ۱۸۷ خلتنسی باین فکر میرسیم که این مهاراجه عبارت از ویمه کدنیسس باشد (۹) جی هونی که را بازو نیسس (۱۰) تطبیق کرده اند که کشتیره چو کهسه (چچ) یعنی مملکت تکسیلا بود و بعد از آن حکمران مستقل این سرزمین گردید.

۱۶- کتیبه تیر تم واقع مرز کوهستان سوات، بریک خرسنگ کوهی که طرز خط آن قدیمتر است و مشابهتی به نوشته های عصر اشوکا و ساکه هادارد. درینجا زیر نشانه دو پای مقابل انگشتان دو پا نوشته شده: و نشانه قدمهای بوده ساکیامونی (۱۱)

۱۷- کتیبه توردهیری واقع تحصیل دوکی وادی تهل نور لای بلوچستان که ازینجا در حدود پنجاه پارچه ظروف گلی با نوشته های مدادی بدست آمده، و از آن جمله ۵ پارچه خط برامی دارد و زبان این کتیبه ها بسیار بطرف سنسکریت متمایل شده است، و اشکال حروف آن هم تنوع دارد و مشابهت زیاد آن با کتیبه وردک بنظر می آید، که تاریخ آن بعد از ۲۰۰ م خواهد بود. از ارتباط پارچه های متعدد میتوان کتیبه ذیل را بدست آورد:

از طرف شاهی یوله میره (۱۲) رئیس و بهاره، این دالان آب، در یوله میره شاهی و بهاره خودش به موافقت معلمان سر و استیوا دین، دینا وقف گردید.

- (1) Bahaliēna
- (3) Brihat Samhita
- (5) S.K. 2/74
- (7) Mani Gula
- (9) S.K. 2/82
- (11) S.K. 2/9

- (2) Balhikēna
- (4) Varaha Mihira
- (6) Jihonika
- (8) S.K. 2/82
- (10) Zeionises
- (12) Shahi Yola Mira

وازی ن وقف را ستین همواره ثواب آینه، نصیب مادر و پدر و عمه مخلوقات باد !

وزندگانی دراز نصیب ر نیس دین باد !» (۱)

۶۶- کتیبه هند واقع ۱۵ میلی بالای اتک برکنار غربی دریا ی سند در ۳۴ درجه ۲ دقیقه شما لی و ۷۲ درجه ۲۷ دقیقه شرقی که همان ویند دوره اسلامی با شد و پایتخت ثانی کابلشاهان بود. در سنه ۱۸۴۸ یک کتیبه سنگی از آنجا بدست آمد، که به گاه شماری عهد کنیشکا تعلق دارد در وسط. و تاریخ خروشتی آن مطابق است با ۲۶ فروری ۱۸۹ م .

در سال ۶۱ روز هشتم ما چایتره (۲) چاه سه ویرا ها (۳) در پور و اشاده (۴) کنده شد. (۵)

۶۷- کتیبه یا کوبی واقع سوا بی شرقی پشاور. بربیک سنگ تصویر دراز (موزه پشاور) که معجزه شر اوستی (۶) رامی نماید، و بوسیله او بودا بر رؤسای شش فرقه ر قیب خود غالب شده بود.

«تحفه ... جوان مرد جینه (۷) بین آنانیکه در راستی مشوش شده بودند، و از طرف رئیس قریه هده (۸) سیاست شدند .» (۹)

۶۸- کتیبه زیده نزدیک هند در ۳۴ درجه ۳ دقیقه شمالی و ۷۲ درجه ۳۲ دقیقه شرقی بربیک پارچه خرسنگ مدخل این دیه، که اکنون در موزه لاهور است و تاریخ خروشتی آن مطابق است با ۱۹ جون ۱۳۹ م . در سال ۱۱ روز ۲۰ ماه اشاده - در اثره فل گونه (۱۰) چاهی کنده شد درز مان شاهی با دار مهاراجه کنیشکه . و علاوه از آن یک آبدان هم از طرف هیبه دهیه (۱۱) وقف شد. برای برکت سرواستی واده (۱۲) به تعظیم کستر به لیاکه (۱۳) برای نفع مادرش .

وقف شد به توجه مرشد سنگه میتره راجه (۱۴)

۶۹- کتیبه لداخ : قریه خلت سی (۱۵) ۵۲ میلی لیه در لداخ واقعست و کتیبه های متعدد براهمی از آن برآمده که برخی خروشتی اند، و مهم تر

(1) S.K. 2/176

(3) Saviras

(5) S.K. 2/17

(7) Jina

(9) S.K. 2/133

(11) Hipea Dhia

(13) Liaka

(15) Khalatse

(2) Chaitra

(4) Purvashadha

(6) Sravasti

(8) Hida

(10) Uttaraphalguna

(12) Sarvasti vada

(14) Sanghamitra Raja, S.K. 2/145

همه نوشته دو سطر است که تاریخ آنرا ۱۸۷ یا ۱۸۴ = حدود ۱۰۳-۱۰۴ م خوانده اند و بر این چنین نوشته است: «در سال ۱۸۷- یا ۱۸۴ در عصر شاهی مها را چه ویما کوتهی سه (۱) که این نام راستین کونو شکلی از نام کد فیسیس دوم میدانند (۲) و ما میدانیم که ویما کد فیسیس دوم بعد از مرگ کد فیسیس اول در حدود ۷۸ م به سلطنت رسیده است که مرگ او در حدود ۱۱۰ م باشد.

این کتیبه ازین رو مهم است که نفوذ شمالی خط خروشتی را تا مناطق لداخ و وسعت سلطنت کوشانیان بزرگ را تا آنجا میرساند.

۷۰- کتیبه های سنگی نمبر ۵-۶ موزه لاهور که هر یکی از آن يك دو کلمه خط خروشتی دارد. (۳)

۷۱- کتیبه های پالاتو هیری (شرق پشاور) بر ظروف گلی موزه پشاور که سه نوشته دارای چند کلمه دارد مربوط به عصر قدیم ساکه، وهم بریک پایه مجسمه (موزه پشاور) چند حرف نوشته شده است. (۴)

۷۲ کتیبه های موهن جودیر و واقع لارکانه سند که در آنجا آثار یک شهر قبل التاريخ در ۱۹۲۱ م مکشوف گردیده و آثار آخرین آن بدوره کنیشکا میرسد، و سه قطعه ظروف خاکی ملمع خط خروشتی هم از آن بدست آمده که در موزی ذلکته است و حروف آن به نوشته های عصر بعد از کنیشکا شبیه است و جز چند کلمه نوشته دیگری ندارد (۵)

۷۳- کتیبه کانپاره (۶) ناحیه کانگرا (پنجاب) در دو سطر که بران باغ کرش یا شسه (۷) نوشته است (۸).

۷۴- کتیبه بتکره (۹) سوات: بر ظرف گلی شکسته در حفريات ۱۹۶۰ م بدست آمده که در دو سطر دوزادور آن نوشته خروشتی شبیه یکی از کتیبه های تکسیلا بدین مضمون دارد:
«تحفه ... درستویه دهرمه راجیکه (۱۰) به تعظیم ... (۱۱)»

(1) Uvima Kavthisa

(3) S.K. 2/115

(5) S.K. 2/173

(7) Krishaya'sasa

(9) Butkara

(11) East and West. P. 81, March 1966

(2) S.K. 2/80

(4) S.K. 2/120

(6) Kanhiara

(8) S.K. 2/179

(10) Dharmarajika

کتیبه های خروشتی در ترکستان شرقی

این تمام کتیبه هادرسنه ۱۹۰۰م ازطرف سر اورل ستین (۱) درآنا ر اینیه قدیم مخروب ماورای دریای نیه(۲) (ترکستان شرقی کشف گردید، که در کتاب او ختن قدیم(۳) طبع اکسفورد ۱۹۰۷م شرح داده شده است .

همچنین همین محقق درسنه ۱۹۰۶-۸م در همین سرزمین کشفیات دیگری نمود. که آنرا درسنه ۱۹۲۱م از آکسفورد بنام (سرندیا) (۴) نشر داد . عدد تمام این کتیبه های خروشتی در ترکستان شرقی به ۷۶۴ میرسد و در آخر کتاب کتیبه های خروشتی ترکستان چینی (۵) شرح مبسوطی بر تنوع الفبای خروشتی در این سرزمین داده شده و پدید می آید، که این هنر خط نویسی خروشتی در شمال کشور کوشانی مطابقت احتیاجات مردم آن سرزمین تنوع یافته بود. ولی نفوذ و افزایش آن از همین کتیبه های فراوان ثابت است. در اخیر این جلد نویسندگان این کتاب یک تابلوی (۲۶۶) علامات مختلف حروف خروشتی را هم ترتیب داده اند که از روی تمام کتیبه های مکشوفه از خاک افغانستان و هند و ترکستان تکمیل شده و ما آنرا درین کتاب عیناً تصویر گرفته ایم . (عکس نمبر ۱۰)

در تمام این ۷۶۴ کتیبه ترکستان شرقی نامهای شش پادشاه آمده که یکی از ایشان اوی چیته سنه (۶) مخصوصاً شاه ختن (۷) یاد شده است (کتیبه عدد ۶۶۱) ولی درباره پنج نفر دیگر معلومات مستند و مستقیمی در دست نیست . (۸)

درین نوشته ها سالهای عهدهای شاهای از سال اول تا ۲۸ ضبط شده که بقول اورل ستین زما ن بین ۲۳۹ تا ۲۶۵ باشد . زیرا در همین توده های خاکی یک لوحه چینی هم بدست آمده که تاریخ آن ۲۶۹ م است (۹)

-
- | | |
|--|----------------------|
| (1) Sir Aural Stein | (2) Niya |
| (3) Ancient Khotan | (4) Serindia |
| (5) Kharosthi inscriptions in Chinese Turkestan, Oxford 1929 | |
| (6) Avijita-sinha | (7) Khotana-Maharaya |
| (8) Kh-ins p. 323 | (9) Kh-ins, P. 335 |

بهر صورت وجود این کتیبه هادرترکستان شرقی نفوذ مدنیت و فرهنگ رازوشن میسازد که در اوایل قرون میلادی بو سیله کوشانیان شرقا تامتوره و جنو باناوادى پشین وموهن جود پرو سند وشمالا تاترکستان چینی و ختن یمن شده بود، وحدود غربی آنرا با نفوذ رسم الخط خروشتهی مجاری دریای هلمند تحدید کرد .
• میتوانیم •

سنگ نوشته‌های شناخته‌نشده موزه کابل

در موزه کابل چند یسن سنگ نوشته كوچك و بزرگ موجود است كه بران نوشته های خروشته‌ی دیده میشود .
تحقیق و خوانش این سنگ ها تاکنون صورت نگرفته و اگر عکاسی هم شده باشند، تاکنون از خوا نشر و مطالب آن چیزی نشر نشده و یا بدست مانرسیده است .
کتیبه‌هایی هم دیده شده، كه تشخیص خط آن مشکل است و در خو ر مطالعه دقیق علمای خط شنا سادوار قد یمه است ، كه ما درینجا عكس یکی از یسن سنگ نوشته همارا بطور نمونه آورده ایم (عكس ۱۲) و خط آن به خروشته‌ی میماند .

نوشته های زبان تخاری برسم الخط یونانی

علاوه بر نوشته های یونانی که برسم الخط یونانی از حدود ۳۰۰ ق.م در افغانستان بر مسکوکات و یاسنگ ها دیده میشود، و بر تمام مسکوکات شاهان یونانی باختر و پارتیان استعمال شده، رسم الخط یونانی در زبان مقامی افغانستان در عصر لوشانیان از قرن اول میلادی نیز دیده میشود.

زبان عصر کوشانی که کتیبه های متعدد آن باقیست و آنرا زبان تخاری یا باختری یا کوشانی گفته اند، یک لهجه شرقی زبان های ایرانی است که مقارن با پستودریز و کلاسیک لسانی بین مجاری هلند و دریای سند، زبان کتابت و مسکوکات و سنگ نبشته ها بوده، و از قرن دوم تا دهم میلادی در مدت ۸۰۰ سال آثار آن موجود است، که برخی عناصر آن با پختو و پهلوی و سنسکریت و ترکی مشترکست و آنرا با تمام معانی زبان یک ایزو کلاس (۱) فرهنگی توان گفت که عناصر مقامی را با قبول اثر های شرقی و غربی و شمالی در خود فراهم آورده است، و حتی این اثر ها در رسم الخط یونانی آن هم مشهود است که مادر سابق به آن اشارت کردیم.

حروف این رسم الخط قراریکه در کتیبه بغلان اواسط قرن ۲م آمده و بعد ازان شکسته شده و تغییر شکل داده است (در شکل نمبر ۱۳ دیده شود.)

بدین منوال مطابق قول هیون تسنگ در زبان تخاری (۲۵) حرف وجود داشت که در کتیبه بغلان هم آمده است. و چنانچه گفتیم در کتیبه های متأخر دوره اسلامی برخی حروف را به نقاط هم امتیاز داده اند. اکنون ما تمام کتیبه های مکشوفه این رسم الخط را در افغانستان و سرزمین های متصل آن درینجا شرح میدهم، و این شرح مطابق خوانش و مطالعه و رای خود نویسنده این سطور است، که امکان هر گونه نصیح از روی مطالعات دقیق تر آینه دارد. ولی من اکنون رای خود را بطور مطالعه ابتدا می نویسم، و تمام این کتیبه ها را بمدد ادبیات دری و پختو قابل تحلیل میدانم، که این زبان یک لهجه شرقی زبان دری بوده، و در خود ریشه و تطبیق با ادبیات قدیم زبان

(1) I-so-Glass

دری است . ولی چون این لهجه در ایزو کلاسی بین سرعنت و روایات ادبی و لسانی شرق و غرب رسماً واقع بوده ، البته عما صر سنسکریت و پهلوی و ترکی و پراکریت های هندی در آن مشهود است . که شما آنرا در شرح این کتیبه ها خوا هید دید . ولی چون در اینجا کاوش و تدقیق ما تنها راجع به هنر خط نویسی است . بنابراین تنها وجود و اهمیت رسم الخط یونانی شکسته راد رین قسمت سرفی آریانه مورد مطالعه قرار میدهم . و از تحلیلات دقیق لسانی آن میکدریم . و درباره تفصیل آن به دو کتاب من مادر زبان دری و عمق کتیبه قدیم طبع کابل رجوع فرمایید .

۱- کتیبه سرخ کوتل بغلان:

بقایای یک آتشکده بزرگ بالای به های ۱۵ کیلو متری پل حموی در ولایت تاریخی بغلان شمال افغانستان در ۱۹۵۷ کشف گردید . که در آنجا سه نسخه از یک کتیبه قرن دوم میلادی زیانمند .

نسخه بسیار مهم این کتیبه بزرگ سنگ ۱۲۲ × ۱۲۵ سانتی بخت یونانی و زبان تخاری برآمده که ۲۵۴ سطر و ۹۴۷ حرف یونانی با دو نشان خاص عصر کوشانی دارد ، و من در سال ۱۳۴۲ ش آنرا در کتابی نام «مادر زبان دری ، تحلیل و خوانده ام .

دو نسخه دیگر عین همین کتیبه با اختلاف املاوی جزوی ولی بخت بدو ناپخته بی در همین معبد از سنگ کاری داخل چاهی کشف شده ، که یکی ۲۱ پارچه سنگ و دیگری ۳۲ قطعه دارد که این پارچه ها ی سنگی راد داخل بنای چاهی بکار برده بودند .

از روی این کتیبه بانی اصلی بک لنگ (بغلان) بک شا کنیشکی نامو برک بود ، که بعد از آن در بهار سال ۳۱ عهد کانیشکا (حدود ۱۶۰ م) بفرض تعمیر مجدد ، چاهی راد رانجا کردند .

این بنا را که آثار آتش مقدس (ایر = اور پستو) در آن یافته اند به لغت هندی مندر یعنی معبد و مالیز یعنی مهادر و حصار بزرگ و نوشال = نوشاد نامیده اند . و متن کتیبه متضمن فواید بزرگ تاریخی و لسانیست که در آن ۱۵۵ کلمه زبان تخاری مورد استعمال است . (رجوع به عکس نمبر ۱۴)

ترجمه متن کتیبه :

« اینست مهادر کانیشکه بهره ور: بغلان . که (آنرا) شاه بزرگ

کانیسه که تعمیر کرد (ساخت). چون بزودی این مهادژ تمام کرده شد، پس آب این معبد نیست شده، چنین (این) مهادژ بی آب (خشک) ایستاد (شد) و (چون) رب النوع یکوی مقدس آتش معطل ماند، پس خداپرستان نوشاد تبا ه شد (رفتند) چون جویهای آب ایستادند (خشک شدند پس) آب اندک شد و مهادژ پدرود گشت .

تا که نو کونزوک کنارنک فراخدای (مقرر از طرف شهنشا .) فریستار آب شاه بکیور (شاهزاده) لویک بوسر (بن) شیزو کرک اروا بنیاد (شاد روان) که همواره نامور باد با اراده میا (قوی) به سی و یکم سال سلطنت هنگام نسیان ماه به بغلان آمد، این مهادژ را برورید . تا که یک چاه کند و از آن آب برآورد . و آنرا به تهداب سنگی استوار کرد. چنین آب مهادژ زیاد شد و نه کاغید . و چون رب النوع یکوی مقدس آتش وجود داشت باشد ، پس خدا پرستان نوشاد تبا ه نخواهند شد. (نخواهند رفت) و مهادژ پدرود نخواهد شد . چون آن چاه خام کوب را خشک تریز کرد بنیاد و ریاست داده شد. بدین چاه (و) بدین خشک تریز هم مهادژ نیک پرورده شد، و یک چاه و سخن بزرگ کرد (ساخت) .

منم برزمهر - منم کوزکاشکی پور - منم رئیس گانسیمیم (؟) -
 نو کونزیک کناننک مریک، بفرمان خدای و (بفرمان) ایمن نوبخت -
 منم مبره من - منم برزمهر پور، امیره من ،
 بر دیوار های این معبد آتش د ه بارچه دیگر سنگی هم یافته اند ، که به همین رسم الخط کلمات مختلفی بران دیده میشود ، و تاکنون این کتیبه مهادژ بغلان مفصل تر یس نوشته ایست که بدین زبان و رسم - الخط در دنیا کشف شده است. و اوضاع امپراتوری چهارم بزرگ دیبارا در آن عصر روشن میسازد.

۴

۲- سنگ نیشته های روزگان:

روزگان در کو هساران شمال شرقی با فاصله دوصد میلی از شهر فندهار در نشیب های جنوب غور واقع است . و آثار باستانی زیادی دارد و از آن جمله در دره شالی ده میلی مرکز روزگان دو کتیبه رسم - الخط شکسته یونانی بزبان تخاری عصر هفتالیان بعد از قرن ۵-۶ م موجود است.

این عردو کتیبه در بدخطی و اشکال حروف باهمدیگر بسیار

مشابه و غالباً به يك قلم نوشته شده و حروف آن برخلاف کتیبه بغلان بهمدیگر پیوسته و شکسته است. ولی غلام فاصله حروف (۵) مانند کتیبه بغلان در آن دیده میشود. و بالای حرف % در یک کلمه در هر دو کتیبه سه نقطه هم نوشته شده است.

خوانش نوشته اول: بکه-شاه-خوی-مهر-ماه-زمیک .
یا: بکه - شاه - زاول- مهر-ماه- زمیک .
یعنی: بکه-شاه، شاهزاده مهر، ماه زمین. یا: بزرگ شاه زا بن مهر، ماه زمین.

خوانش نوشته دوم: بکه-شاه-خوی-مهر-زمی ...
یا: بکه-شاه-زاول-مهر-زمی ...
(برای شرح رجوع شود به کتاب هفت کتیبه قدیم از عبدالحی حبیبی)
(عکس نمبر ۱۵)

۳- کتیبه های جفتو:

در شمال غربی غزنه فاصله ۲۰ کیلومتری در کوه برکول بر خرسنگ - غای کوهسار راه کاروانی دو نوشته خطی یونانی بزبان تخاری دیده میشود. که یکی در سه سطر بسیار روشن و خوانا و هم، حروف خوشخط پیوسته باهمدیگر است و متن آن احترام به سه جوهر بودایی تری رتنه (۱) یعنی دانایی - تقوی - اتحاد است، و چنانچه گذشت همین مطالب بر یک کتیبه تبتی در تنگی نایغان قزاقستان هم نوشته شده است.

خوانش این کتیبه:

- (۱) نمو - بد (احترام به بودا)
 - (۲) نمو - دهر مه (احترام به دهرمه)
 - (۳) نمو - سنگه (احترام به سنگه)
- اما کتیبه دوم جفتو در پنج سطر بر صخره بزرگی است که مطالب زیرین آن محو شده و فقط مطالب ذیل از آن خوانده میشود:
- ۱- بکه
 - ۲- که که تی شا +
 - ۳- پور

۴- ویشا .

۵- الخ

یعنی : خداوند کار جغتوشاهپورویما شاه بزرگ . (برای شرح رجوع شود بکتاب هفت کتیبه قدیم) (عکس نمبر ۱۶)

۴- کتیبه دشت ناور:

دشت ناور بر سطح مرتفع غربی غزنه در غرب جغتو واقع و یکی از مراتع معروف کویان افغانی است که در ایام تابستان با مویشی خود بدانجا روند.

درینجا نیز سنگ نوشته طویل و مفصلی بخط یونانی مشابه کتیبه سرخ کوتل بفلان با حروف کلان و غیر متصل غالباً بهمین زبان نخاری و دری قدیم موجود است. ولی باشکست هایی که در داخل سطح سنگی آن واقع گردیده ، آسب های زیادی دیده است ، و از روی عکس های ناقص آن که بدست نویسنده رسیده خواندن آن مشکل است . و یک حصه این نوشته ها خروشته می است.

از روی طرز خط و حروف یونانی توان گفت که پیش از عصر کتیبه های روزگان و جغتو و توچی باشد که مطالعه و تحقیق آن با وسایل موجوده برای من ممکن نشد. ولی با طول و عرضی که این کتیبه دارد، اهمیت آن کمتر از کتیبه سرخ کوتل بفلان نخواهد بود ، و من اکنون بیش ازین دران باره چیزی گفته نمیتوانم.

(عکس يك حصه روشن این کتیبه نمبر ۱۷)

۵- کتیبه های وادی توچی وزیرستان :

وادی توچی وزیرستان و گومل برشاهراه قدیم غزنه بهندوستان ۸-۹ میلادی حکم میراندند .

در وادی توچی بین ایدک و سپین و ام بسمت غربی بنون آثار ابنیه کهن در مواقع متعدد نمایان است و غالباً نفر کوت مذکور در کتاب - الهند و تیمور نامه و بابر نامه هم درینجا واقع بود، که بقول البیرونی نسب نامه کابلشاهان برد یبایی نوشته در آنجا بود. (۱)

(۱) کتاب الهند ۳۴۹

ازین وادی سه سنگ کتیبه مهم به رسم الخط عربی - هند ی - یونانی بدست آمده که در مورد ذینساور محفوظند . اما آنچه برسم - الخط یونانی و زبان تخاری است :

۱- سنگ نوشته بر سطح سنگی 8×25 انچ که بطرف چپ آن خط سنسکریت و بر راست نخاری نوشته شده و طرف راست آن کتیبه آسیب دیده پنج سطر است . که خط آن شباهت زیاد با نوشته های روزگان دارد، و بنابراین از روی تاریخ های این کتیبه ها تاریخ کتیبه های روزگان را هم تخمین یوان کرد .

کتیبه های توچی چون وضع سیاسی و فرهنگی این گوشه شرقی آریانه را در اوایل قرون اسلامی روشن میگرداند ، و اینکه خط شماره داناگری و زبان سنسکریت با خط یونانی و زبان تخاری در آنجا موجود است آثار خلط عربی را در قسمت شرقی آن و - کلاس تهذیبی بین هلمند و سند امایندی میکند ، و از نظر لسانی کلمات مشترکی را بین این کتیبه و نوشته سرخ کوتل بغلان می یابیم مانند خسون - کلد - فرو مان - مالیز - اد - در حالیکه املاهای برخی آلمات فرق دارد مانند: (شکل ۱۸)

اینک ترجمه فارسی متن کتیبه اول توچی قرار خوانش من:

- ۱- از سال ۶۳۲ سلطنت ، ماه هشتم - ماه شاه م ... نی بخت .
- ۲- گوئل بغیور یکتا پرست ، کومان (ازخاندان کو) درین وقت .
- ۳- گسترانیدم کرد گل رانیدن مادژ ، و نوبخت +
- ۴- بیها ربزرگ گسترانید ، به فرمان گوکد (گودودمان)
- ۵- ستاره - یاستر (اعلی) (۱)

درین کتیبه که بنای مادژ و نوبخت بهار را در ماه هشتم سال ۶۳۲ سلطنت گفته مطابق است با ۸۶۲ م = ۲۴۹ قمری و ۳۹۳۸ لوك كاله سموت و هفتم ماه بهادره هندی که در متن سنسکریت همین کتیبه توضیح شده . ولی حصه اول نام ... نی بخت متناسفانه در هر دو متن سنسکریت و تخاری ناپدید است و کلمه نویسه (۲) متن سنسکریت مطابق است بانو = نی تخاری . و بعد از آن چندره بهو په (۳)

(۱) برای تفصیل رجوع بر رساله هفت کتیبه قدیم تألیف حبیبی طبع انجمن تاریخ کابل .

(2) Navima

(3) Chandra-Bhupa

سنسکریت عین ترجمه (ماه شاه) بخار بست که چندره = ماه و بهو به درسنسکریت شاه و سلطان با شد. و این ماه شاه ... نی بخت گو مل بغپور خود را در متن سنسکریت، بهو چنه پتره (۱) یعنی کوشان زاده خوانده و بدین و سیله مابقیای شمهزادگان کوشانی زادین سرزمین در حدود قرن نهم میلادی می شناسیم (عکس ۱۹)

۲- کتیبه دوم وا دی تو چی بدو زبان و رسم الخط عربی- تخاری است که بر دو پارچه سنگ از شیرنلا و افح وادی کوچی وزیرستان به موزه پشاور آورده شده، و بر حصة بالایی آن بخط بسیار ناپخته و مغلق بهم پیچیده کوفی عبارات عربی رادر چهار سطر بهم آمیخته نوشته اند، که خوانده نمیشود، و تنها کلمه الله در آن واضح است. (عکس نمبر ۲۰)

این کتیبه خلط اوا خر فرهنگ و رسم الخط یونانی رادر زمان بسط رسم الخط عربی درین سرزمین نشان میدهد و عینا در طرز خط یونانی با کتیبه نمبر اول سابق الذ کرشبیه است مانند کلمه بغپور که بالای حرف دوم سه نقطه دارد. و همچنین در کلمه کوشان شین و نون مانند رسم الخط عربی نقاط دارد، که شاید اثر فرهنگ عربی باشد. و نیز رسم الخط برخی کلمات مشترک آن با کتیبه اول مطابق است مانند: ماه-ویگک-اد-ستر-شاه-بو ستر انید-گومل-

درینجا من خوانش خود را بحروف لاتین (عکس نمبر ۲۰) آورده ام. اکنون ترجمه کتیبه تخاری (عکس نمبر ۲۰) را بدری بخوانید:

- ۱- از سال ۶۳۵ سلطنت
- ۲- در ماه اول (فرور دین ماه)
- ۳- (روزهای) ورمزد و مهر (اول و شانزدهم)
- ۴- درینوقت کرد (ساخت) کوشان
- ۵- گومل بغپور بزرگ (ستاره)
- ۶- از خاندان گو (پهلوان) (گو) دودمان . شاه.
- ۷- بوسر ... خاقان +
- ۸- خیل-خان قزل
- ۹- ساهو سرای (سودا گرسرای)

۱۰- بو سترانید (به) فرمان

۱۱- ستر (اعلی) یا ستار .

تاریخ این کتیبه بنای سرای تجارتی سنه ۶۳۵ سلطنت باشد ،
که سه سال بعد از کتیبه سا بق الذکر اول نقر شده است . و این
سال مصادفت با ۳۹۴۱ سموت = ۸۶۵ م = ۲۵۱ قمری ماه
فروردین و روزهای ورمزد (اول) تاروزمهر (۱۶ ماه شمسی) :

۲- پارچه نخاری سنگ دوم که از همان کتیبه بالا شکسته و جدا
شده ولی حروف و سطح منقو رسنگ بسیار آسیب دیده و خوانش
آن دشوار است .

درین کتیبه هم در پنج سطر ارقام عدد X-I-E که همان سال
۶۳۵ خسون باشد با کلمات خسون - نید - کو - شا - اد - کرد . بنظر
می آید که تلفیق و تفسیر آن ممکن نشد (عکس نمبر ۲۱)

کتیبه‌های شماره دا- ناگری سنسکریت

ناگری (۱) رسم الخط قدیم و عمومی هنداست که تاکنون بحیث رسم خط ملی آنجا باقیست و منسوبست به نگر یعنی « خط شهری » که کلمه دیوه در آغاز نام آن در قرن ۱۸ اضافه شده و قدیم نیست و دیوه + ناگری بمعنی خط شهری خدایی باشد. که از خط قدیمی براهمی برآمده و تا قرن یازدهم میلادی در اکثر اراضی شمالی هند رواج و تعمیم یافته است .

درین رسم الخط ، خطوط عمودی نیز نینی و خطوط افقی بالایی را بط حروف اضافه شده، و ۳۴ حروف صحیح و ۱۴ حروف علت دارد، که قدیمترین کتیبه های آن در هند مربوط به قرن ۷-۸ م است .

اما رسم الخط دیگر بنام شماره دا (۲) نیز در قرن ۸م بین هندو از شمیر رایج و مقارن با زبان و رسم الخط ناگری سنسکریت بود، که با ناگری شباهت و نزدیکی داشت و گویند که از خط گوپته (۳) و شعبه غربی آن در قرن ۸م پیمان آمده بود، و در ادبیات شمال غربی هند بکار میرفت ، و هر صوت و حرف نماینده آن ، نام جداگانه بی هم داشت . (فن تحریر ۳۴۰)

دو کتیبه لغمان

در حدود سه میلی غربی مهتر لام (لمک) وادی لغمان ، نزدیک قرینه شله نك حکومتی قرغی ، در دامنه کوهی سه کتیبه موجود است ، و طوریکه در مبحث کتیبه های آرامی شرح دادیم ، یکی ازان بزبان و رسم الخط آرامی است ، که منسوب به عصر اشوکا باشد .

در همین جادو کتیبه دیگر به خطی موجود است ، که اشکال حروف آن بزمانه پیش از خط ناگری از قرن اول تا دهم میلادی تعلق دارد، و خطوط واصله حروف در آن دیده نمیشود، و حتی برخی از حروف آن به کتیبه های غار متورا در هند شبیه است که در قرن اول میلادی باشد .

چون هر دو کتیبه در سال ۱۲۴۸ش کشف و عکاسی شده، بنا برین تاکنون تحت نظر و تحلیل متخصصان قرار نگرفته و حل نشده است .

(1) Nagari
(3) Gupta

(2) Sarada

با احتمال نخستین ، سطر چهارم کتیبه نمره (۲۲) کلمات امکان جتی (۱) دارد، که جتی در سنسکریت بمعنی مخلص و مرید و مطیع دینی (۲) است و این میرساند که کلمه امکان (لغمان کنونی) هم تاریخی کهن دارد، و ممکن است تحلیل علمی این دو کتیبه ، مطالبی را در تاریخ قدیم این سرزمین روشن سازد. (رجوع به عکس نمبر ۲۲ر۲۳)

(1) Lemekan Jati

(۲) قاموس هندو ستانی به انگلیسی از دنکن فوربس .

کتیبه‌های شماره دا- ناگری سنسکریت

رسم الخط هندی شماره دا و دیوه ناگری قدیم در شمال غربی هند با هم آمیخت ، و اثر آن با روابط قوی کلتوری که بین مردم وادیهای شرقی و غربی دریای سند موجود بود ، تا قرن سوم هجری و دوره اسلام هم رسید . و مسکوکات برخی از کابلشاهان متأخر که بدست آمده نیز برسم الخط ناگری است و برخی کتیبه ها هم بخط ناگری موجود اند .

مهم ترین سنگ نبشته دو خطی و دوز با نه درسنه ۱۹۰۷ م ازوادی توجی بین ایدک و سپین وام بر لوحه سنگی ۲۴ × ۱۲ انچ به موزه پشاور آورده شد ، که بالای آن نوشته عربی نسخی و در پایین همان مطلب به سنسکریت و خط مخلوط شماره دا و ناگری در ۵ سطر موجود است (عکس ۲۴)

درین کتیبه سال ۳۲ سموت ماه کارتیکه بروز دوم نصف تاریک مساویست با جمعه ۷ ستمبر ۸۵۷ م = ۱۳ جمادی الاولی ۲۴۳ قمری . (۱)

نمونه دوم این رسم الخط در بریکوت سوات درسنه ۱۸۹۷ م بر یک تخته سنگی بدست آمده که اکنون در موزیم لاهور افتاده است که زبان آن سنسکریت و رسم الخط شماره دا است .

برین کتیبه نام جیه پاله دیوا (۲) دیده میشود که بقرار ذکر مورخان دوره غزنوی دوبار با سبکتگین حرب کرد ، و از لغمان بطرف شرق پس رفت و درسنه ۹۹۱ م ۳۸۱ قمری لاهور را هم گرفت و بقول العتبی در اوایل سنه ۳۹۳ قمری خود را بسوخت و از جهان رفت (تاریخ یمنی ۱۵۹) وی در ادبیات در عصر غزنویان و فتوحات سلطان محمود شهرت دارد .

برین کتیبه نام اورا چنین نوشته اند :

«درشاهی مهاراجه بزرگتر یسن شاه از شاهان بزرگ و ملک بزرگ شری جیه پاله دیوه»

(بتهانان سراولف کیرو ۱۱۲) (۳)

(1) Ancient Pakistan 1/130 (2) Jayapala-Deva

(3) The Pathans. P. 112. By Olaf Caroe. London. 1953

دو کتیبه دیگری که بزبان سنسکریت و رسم الخط دیوه ناگری از همان ویهند تاریخی (هند کنونی) کنار آنک در سنه ۱۸۳۶ م بوسیلهٔ برنس (۱) به موزیم ایشیا تکسوسائشی بنکال انتقال داده شده نیز در خور یادآور است و بر نسیب آنرا مربوط بقرن ۷-۸ م میداند. کتیبه اول بربیک قطعه مرمر سپید در ۱۳ سطر است که برخی از آن سخت آسیب دیده و خوانده نمیشود و بنابراین ربط و تلفیق مطالب آن روشن نیست و فقط از هجوم مردم گوشت خوار نیرومند نوزشکه (۲) ذکر می دارد که مراد همان هونان یفتلی باشد و هم نامی از سری نیله- که بر همین (۴) بران دیده میشود.

کتیبهٔ دیگر سنسکریت بر رسم الخط دیوه ناگری هم زیر یک بت شکستهٔ ویهند در ۵ سطر است که اکثر سطح آن ساییده شده و بر آوردن مطلب آن مشکل است. (عکس ۲۵)

(کابل تالیف سر الکسندر برنس ۱۲۰ - لندن ۱۸۴۲ م) (۵)

(1) Burnes

(2) Prinsep

(3) Turushcas

(4) Seri Tillaka Brahmin

(5) Cabool. By Alexander Burnes, P. 120 London 1842

رسم الخط پهلوی و دین دبیره

نام پهلوی اصلاً منسوبست به یازت (خراسان) که در کنیه های هخامنشیان پرتسوه (۱) ذکر شده. و چون اشکا نیان یکی از اقوام یازت (۲۴۷ ق. م. ۲۲۴ م) دولت بز رگی را از شمال ایران کنونی تا دامنه های همالیا تشکیل دادند، در اوایل رسم الخط ایشان یونانی و خرو شتهبی بود. چنانچه بنیاد گزار خاندان اشکانی ارساس (۲) = ارشک = اشک بلخی که در حدود ۲۵۰ ق. م. مسکه زد، بر مسکوکات او که در وادی هلمند پیدا شده، رسم الخط یونانی و خرو شتهبی هر دو دیده میشود (تاریخ افغانستان ۱۱۶) و بر مسکوکات مهر داد دوم پس از ارتبان (۷۶۱-۷۷۴ ق. م) نیز رسم الخط یونانی مشهود است (کوین ۴۳) ولی در قرن اول مسیحی استعمال خط پهلوی با یونانی بر مسکوکات اشکانی و بعد از آن در اوایل عصر ساسانی آغاز شد (۳)

خط پهلوی که از آزامی برآمده بود، در دربارهای اشکانی و ساسانی از ۲۵۰ ق. م. بعد تا ۶۵۱ م (۳۱ هـ) مدت نه صد سال دارای رسمیت بود. زلی پهلوی شمالی دربار اشکانی با پهلوی جنوبی دربار ساسانی، در رسم الخط و لهجه تفاوتی داشت که رواج خط عربی آنرا از بین برد.

اگرچه در قسمت شرقی مجرای هلمند، زبان تخاری با رسم الخط یونانی در همین عصرها رواج داشت ولی در سرزمین غربی آنجا وجود زردشتیان در وادی هریرود و سیستان، بودن زبان و رسم الخط پهلوی نیز مسلم است، و با زهنگامیکه اثر دولت ساسانی تا مجاری سند رسیده، نفوذ رسم الخط پهلوی نیز تا هند وسعت یافت، و مسکوکاتی رامی بینیم که در دور ساسانی، بخط یونانی تخاری و پهلوی یاناگری و پهلوی درین قسمت شرقی فلات ضرب شده اند. (۴) و چون خسرو دوم ساسانی خراسان را از هفتالیان در حدود ۶۱۳ م بگرفت، وی پیادگار این فتح مسکو کی را که دارای هائنه نور به دور چهره او بود ضرب کرد. و ما بر مسکوکات عصر هفتالی نیز

(1) Parthva

(2) Arsaces

(3) L'Iran Sous les Sassanides. P. 57

(4) Ariyana Antiqua. P. 396/400

کلمات خراسان خواناو، و نکیس خراسان شاه، و خوره ایزوت و
 عینل خواناو و مران شاه را برسم الخط پهلوی می بینیم که در ربع
 اول قرن هفتم میلادی هنوز از پهلوی را در زابلستان تادامنه های
 هندو کش ثابت میسازد و پیش از ایشان هم کیدار یان (کوشانیان
 کوچک) که در قرن چهارم میلادی بین هرات و دریای سند حکمرانی
 داشتند و در بلخ هم سکه زده اند، سه رسم الخط پهلوی - یونانی
 و برهمی را بر مسکوکات خود نوشته اند. مثلاً بربیک سکه پیرو (۱)
 (حدود ۳۷۸ م) خط برهمی و پهلوی و بربیک سکه ورهران (۲)
 آنها پهلوی (حدود ۴۰۰ م) و بربیک سکه پیرو ج (۳) همین نام به پهلوی
 و بربیک سکه بهاسه (۴) هم برهمی و پهلوی و نیز برسکیک ستراپ
 نامعلوم شاپور سوم حروف پهلوی میبهمی دیده میشود (مجله سکه
 شناسی ۱۹۲۸ م ص ۲۹) (۵)

چنین بنظر می آید که با قطع سلطه ساسانیان در حدود ۴۰۰ م و اشغال
 این سرزمین از طرف هونان سپیدپهلی، نفوذ خط پهلوی هم کمی یافته
 و بجای آن طوریکه در سنگ نوشته هادیده میشود، زبان تخاری و خط
 شکسته یونانی باقی مانده باشد. ولی همین هفتلیان که در غرب
 مجرای هلمند بوده اند با زهم خط پهلوی را چنانچه گفتیم بر
 مسکوکات خود نوشته اند.

باید خاطر نشان کرد که تا کنون هیچ کتیبه بی جز مسکوکات
 پهلوی در افغانستان بدست نیامده است که علت آن هم نفوذ طویل
 رسم الخط های آرامی - هندی - یونانی درین سرزمین باشد که توأم
 با سلطه سیاسی و حکمرانی بوده است، و ما می بینیم که اکثر کتیبه هارا
 شاهان و ارباب اقتدار می نوشتند، و چون این مردم با آداب
 و فرهنگ غیر پهلوی مانوس بوده اند، و سلطه سیاسی و مستقیم
 ساسانیان هم مدت کمی دوام کرده، بنابراین تا کنون سنگ نوشته
 پهلوی را درین دیار سراغ نداریم.

خط پهلوی که مانند آرامی از راست بچپ نوشته میشود، بسبب
 محدودیت ۲۵ شکل حروف و نداشتن اعراب و حروف مصوت

(1) Piro

(3) Piroch

(5) Numismatic Supplement

(2) Varahran

(4) Bhasa

1937-38, p 39

حرکی ناقص بود، و هم يك شکل به چندین صوت خوانده میشود. و بسا نغمات آرامی از ا لسنه سا می نیز در آن بطور هزوارش دخیل شده بودند ، بنابراین برای ضبط صحیح کلمات و الفاظ کتاب دینی اوستا . رسم الخطی را که دارای اعرا ب بود، بنام «دین دبیره ، در قرن ششم میلادی درست کردند، و کتاب اوستا را که درازمنه قدیم شاید بخطوط میخی و آرامی و پهلوی نوشته میشود ، برسم الخط دین دبیره نوشتند ، که قدیمترین نسخه خطی مکشوفارستا بهمین الفبا ، اکنون در کوینهاک دنمارک موجود است ، که آنرا در سنه ۱۳۲۳ م نوشته اند .

(گاتها ۴۹) (۱)

چون پیروان کیش زردشت و مومنین بکتاب اوستا در قسمت غربی آریانه تاحلول اسلام بوده اند ، و خط دین دبیره هم وسیله نگارش کتاب مقدس ایشان بود ، بنابراین وجود رسم الخط اوستایی دین دبیره هم درین سرزمین ، بعید نیست ، که جمله (۴۴) حرف و نشانه های صوتی داشت ، و بخوبی از عهد ضبط حرکات و اعرا ب کلمات برآمده میتواندست .

این رسم الخط از الفبا های آرامی - پارسی - پهلوی - یونانی که در محیط رواج اوستا سوا بقی داشت ، ترتیب شده بود ، و از راست بچپ نوشته میشود . (شکل ۲۶)

دوره سه رسم الخط

دوره اخیر رسم الخط مغرب‌ظهور سلام را از روی اسناد مکتوب سه زمان رواج سه خط گوئیم. زیرا در سه قرن اول اسلامی آنرا رو غلام سه خط را در قسمت شرقی آریانه می‌بینیم، یعنی یونانی شکسته و دوم شماره دانا و ناگری مخلوط و سوم خط عربی ابتدایی نازیبا می‌باشد.

از سوابق و نوشته های یونانی و شماره داناگری در مباحث گذشته مابا مختصر صحبت کردیم، این دوره سه رسم الخط تا فتح یعقوب بیست صفاری و سبکتگین و نهایتاً قرن سوم هجری دوام کرد، و بعد از آنکه کابل شاهان به وینندوسوات پس نشستند، و شهرزادان حیر کوشانی هم در کردیز و کومل وزیر ستان به سلطه غزنویان خاضع و مسلمان شدند، لهجه تخاری با رسم الخط یونانی و آثار زبان سنسکریت با رسم الخط شماره دانا و ناگری نیز جای خود را رسماً به خط و زبان عربی و دزی گذاشت.

جای تعجب است: که در نیمه قرن سوم هجری هنگامیکه یعقوب بیست صفاری از زرنج برخاست و زبان آنجا بشهادت تاریخ سیستان پارسی بود (ص ۲۰۹) و این پارسی برای ما اکنون هم روشن و مفهوم است، در گویشاران وزیرستان لهجه تخاری باحالی که در کتیبه‌ها مشهود است موجود بود. و صدسال بعد در عصر سلطان محمود بکلی مفقود و نابود گردید، و جای آنرا دری فصیح دربارسا ما نیان و زبان دقیقی و رو دکسی گرفت، و اثری از لهجه شرقی تخاری و رسم الخط آن نماند!

بهر صورت رسم الخط های هندی-یونانی - پهلوی جای خود را بر رسم الخط عربی ماند، که دکتور اسرائیل و لفتسون در تاریخ لغات سامی آنرا ماخوذ از خط نبطی متأخر دانند و قدیمترین کتیبه این خط در جبل دروز حران (شام) بر سنگی بالای دروازه کلیسایی بزبان عربی و یونانی موجود است، که در سنه ۵۶۸ م نوشته اند. و لی در دوره اسلامی لوحه قبر یکی از حجا زبان عبدالله بن جبر در سنه ۳۱ ه (موزه مصر شکل ۲۷) و نوشته صخره بیت المقدس ۷۲ ه قدیمتر از

سنت نوشته عای عمین خط عربی است. (۱) (تاریخ اللغات السامیه ۲۰۱)

در شمال و غرب افغانستان نفوذ خط عربی از قرن اول اسلامی ظاهر است. بدین معنی که اکثر حکمرانان عربی در بلخ و مرو و هرات و زرنج به همین رسم الخط سکه زده اند. به از ان جمله در کرمان در سنه ۹۰ هـ و در مرو در سنه ۹۰ هـ در بلخ در سنه ۱۱۷ و ۱۲۲ هـ و ۱۸۲ هـ و ۱۸۵ هـ و ۱۸۷ هـ و در هرات در سنه ۱۹۳ و ۲۰۶ در زرنج سیستان در ۱۸۶ هـ سکه زده شده. که ایران در موزه کابل و برتانیه و غیره موجود است و ظاهر یان پوشنکی هم در نیشاپور در حدود ۲۰۵ تا ۲۴۰ سکه های عربی دارند و یعقوب لیث صفاری در حدود ۲۵۰ هـ و امیر ابو نصر احمد بن محمد فریغونی جوزجان در حدود ۳۹۰ هـ و داود بن الیاس از آل بانیچور تخارستان در سنه ۲۳۲ هـ و مکنوم بن حرب امیر اندراب در حدود ۳۵۹ هـ و امیر اسپتکین در غزنه در سال ۳۵۹ هـ و امیر سبکتکین در پروان در حدود ۳۶۶ هـ به همین رسم الخط عربی (نسخی یا کوفی) سکه زده اند.

ولی در قسمت شرقی آسیا نه نفوذ خط عربی ازدو کتیبه مکشوفه (نمبر ۲۰ و ۲۴) سالهای ۲۴۳ و ۲۵۱ هجری که از وادی توچی بدست آمده اند نمایان است. اگرچه فتوح عربی در وادی هلمند و ارغنداب و دریای کابل در قرن نخستین اسلامی تکمیل شده بود، زبا این پیروزیهای سیاسی عرب، دین اسلام و رسم الخط قرآن نیز بدینجا رسیده بود ولی نفوذ آن در کوهساران شرقی افغانستان خیلی

(۱) این کتیبه هارا از نمونه های اقدم خط کوفی دانسته اند، ولی در عمین عصر مقلان با کوفی، رسم خط نسخی عربی هم رواج داشت، چنانچه يك نامه شخصی که در مصر در سنه ۴۰ هـ نوشته شده، و دو ورق را هداری مصری (پاسپورت) سال ۱۳۲ هـ بدین رسم الخط است (فن تحریر از محمد اسحاق صدیقی ۲۰۹ طبع علی گره ۱۹۶۲) از کتیبه های مکشوفه و سکه کات شرقی فلات ایران بر می آید، که اثر هر دو خط عربی نسخی و کوفی در قرن اول هجری بدین سرزمین رسیده بود، و دو نمونه شکل ۲۴ مربوط به عصریست که هنوز اصطلاح کوفی و نسخی نبود.

بعد تر مینماید . زیرا ما در کتیبه مکشوفه از مسجد بمپور حوالی لاهی (عالم دیبل تاریخی) که در سنه ۱۰۷ هجری ۷۲۵ م به امر مروان بن محمد مولی امیر المو متین از طرف علی بن موسی نوشته شده ۱۸ سال بعد از فتح محمد بن قاسم سپه سالار اموی دران بلا داست، می بینیم که رسم الخط آن زیبا و مهذب متمایل بکو فیست (تاریخ افغانستان بعد از اسلام از ۷۱۲) و این سخن بر نضج کلتور و رسم الخط عربی درانجا دلالت دارد (عکس نمبر ۲۸)

ولی خطوط هر دو کتیبه مکشوفه وادی نوچی مربوط اواسط قرن سوم هجری آنقدر ناپخته و ابتدایی است که ناآشنایی کامل خط و آغاز خوانش و خط نویسی نسخی عربی را درانجا میرساند. چون ازین دو کتیبه تنها یکی با دو متن عربی و سنسکریت خود خواناست، مامضمون آنرا که در ۶ سطر و ۴۲ کلمه است باعکس آن (نمبر ۲۴) آورده ایم و مضمون عربی آن چنین است (۲۴۳ هـ)

«هذا ما امر عقد هذا التلاح حیی بن عمار تقبل الله منه صالح عمله و غفر له سوء عمله . قد كتب يوم الجمعة لثلاثة عشرة خلون من جمادی الاولى . سنة ثلثة و اربعین و مائتین . صلی الله علی محمد و آل محمد الطاهرین)» .

ترجمه متن سنسکریت این کتیبه در شرح نوشته های سنسکریت داده شد. چون خط مخلوط شماره دانگری درین دوره سه رسم الخط رواج داشت، مانمونه حروف آنرا درینجا از مجله پاکستان قدیم نقل میکنیم، و در حقیقت بنا ریخ خاک پښتونستان کنونی ربط دارد، که ساحه شرقی آریانه باشد. (شکل ۲۹)

خط سفدی

در تاریخ آریانا ی کهن-مخصوصاً سرزمین های شمالی آن - خط سفدی نیز جای دارد، که مرکز سفدیانه شهر سمرقند بود، و زبان سفدی هم یکی از زبانهای آریایی آسیای میانه است، که با بعضی السنه مروجه این سرزمین نزدیکی ها دارد.

زبان و خط سفدی بافتوح اسلامی و رواج خط عربی متروک گردید، ولی نویسندگان دوره اسلامی آنرا می شناختند، چنانچه بوریحان بیرونی در آثار الباقیه و کتبا بالتفهیم (۱) نامهای شهر سفدی را ضبط کرده، برخی فر هنگ نویسان هم زبان سفدی را یکی از السنه متروک نوشته اند.

میان اوراقی که در آغاز قرن بیستم در ترکستان چین کشف شد، اسناد متعددی نیز به زبانهای ناشناخته وجود داشت، که به خطوط مختلف نوشته شده بود. یک سنگ نوشته سه زبانی نیز، به ترکی باستان و چینی و یک زبان دیگر در ویرانه های قره بلغسون (مغولستان شمالی) بدست آمده بود، که بعد معلوم شد، زبان سومی همانست که در بعضی اوراق مکشوف در ترکستان چین نیز بکار رفته است.

در حدود سال ۱۹۳۱م در ویرانه های قلعه یی بر کوه مغ (در پنج کنت ۱۲۰ کیلو متری سمرقند) مجموعه یی از نوشته ها که روی چرم و کاغذ چینی و چوب بود بدست آمد، که در آن نام «دیواشتیج» شاه سفد و سمرقند نوشته شده و ذکر این شاه در منابع عربی نیز هست که در مقابل هجوم تازیان با بداری میکرد.

این اسناد بزبان و خط سفدیست که سکه های یی هم بدان خط یافته اند و در برخی از متون سفدی قطعات ادبی زیبا بازمانده، مانند قطعاتی از داستان رستم و قسمت هایی از کتاب کلیله و دمنه بزبان سفدی.

از جمله این متون نوشته بیست از کوه مغ (شکل ۳۰) در نسطر که ترجمه آن چنین است:

(۱) آثار، ص ۷۰ - التفهیم ۲۳۰

۱- خداوند پنج ۲- دیوا شتیچ را ۳- هشت سال است ۴- ماه
نیسان ۵- روز خوز روز ۶- وگرم اغو شمريك ۷- از فرماندار ۸- اوت
۹- پوست ونیز واریاک (۱).

این خط سفدی ازیک شیو تحریری خط آرا می مشتق است ،
ونیز احتمال می توان داد ، که اصل خط مزبور ، خط پهلوی کهن
باشد. در خط سفدی نیز مانند پهلوی برای مصو تهای کوتاه ، نشانه
خاصی وجود ندارد ، تنها سه حرف برای وا کهای مصوت (فونیم) بلند
هست (۱- و - ی) . (۲)

مادر شکل سوم پیدا یش خطوط نشان داده ایم، که چگونه الفبای
آرامی منبع خطوط دیگر بوده است اکنون در (شکل ۳۱) که مقتبس از
تاریخ زبان فارسی است ، اختلاف اشکال حروف رادر خطوط مختلف
متفرع از آرا می ملاحظه فرمایید .

(۱) یعنی : پادشاه سر زمین پنج: بوا شتیچ در سال هشتم فرمانروایی
خود ، در ماه نیسان و یازدهم روز ...
درسطور دیگر اغو شمريك و اوت را اسم خاص شمرده اند ، و
واریاک رایکنوع پوست برداخته .
(۲) دکتر پرویز ناتل خانلری در تاریخ زبان فارسی ۲۷۵ تا ۲۹۴
طبع تهران ۱۳۴۸

۳

خط و کتاب دورہ اسلامی

سوابق کتاب نویسی

مردمان قدیم پیش از اختراع کاغذ که در سنه ۱۰۵ م در چین روی داده، خطوط خود را بر مواظیبی مستعد نگارش مانند الواح سنگ و الواح زر و سیم و بر گها و پوستهای درختان و الواح گلی بخته و استخوانهای حیوانات و صخره های کوهی و دیوارهای ابنیه بر مواد آهکی و گچی و چرمهای حیوانات می نوشتند و قدیمترین نوشته خط چینی مربوط بدوره شاهان یین (۱) است که در قرن ۱۲ ق م باشد، و بعد از آن اختراع قلم مو مطابق سنت های چینی در عصر منگ - لین (۲) پادشاه سازنده دیوار چین بوده، که در حدود ۲۱۰ ق م مرده است. (۳)

مرکز دوم مدنیت قدیم وادی نیل مصر است، که در آن هم آثار خط و کتاب نویسی قدیم انسانی بدست آمده و کهن ترین لفاظیه بردی آن متعلق بسال ۲۴۰۰ ق م و خط هیر و غلیفی است که آنرا با قلم Calamus تراشیده از ساقه پردر حدود قرن سوم ق م می نوشتند، و سیاهی را از زغال آمیخته با آب و صمغ می ساختند، و بر اوراق بردی کتابت میکردند. و همچنین در بقایای مدنیت آشور و بابل، الواح گلی نوشته شده مربوط ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق م بدست آمده، و بیست و دو هزار لوحه مکتوبه گلی از کتابخانه آشور - بانیا (۴) متعلق به قرن هفتم ق م است. و آثار مکتوبه اوراق بردی (بابیروس) یونان قدیم هم به قرن چهارم ق م میرسند، و نخستین اختراع کاغذ بوسیله تسای - لون (۵) چینی در سنه ۱۰۵ م بود است. (۶)

در هند و ایران و سفد شمال افغانستان، نیز آثار نوشته های قدیم قبل و بعد از میلاد فراوان یافته شده، و در افغانستان نیز سنت کتابت بوده است، و مانمونه های کتیبه نویسی قدیم رادر فصول سابق نشان دادیم، و اینک دلایلی که وجود کتاب رادر ازمینه قدیم

(1) Yin

(2) Meng-L'ien.

(۳) مجله هنر و مردم طبع تهران شماره ۳۸ - آذر ماه ۱۳۴۴ ش

(4) Ashur Banipal.

(5) Tsai-Lun.

(۶) سوندال در تاریخ کتاب، ترجمه عربی ۴ تا ۳۳ طبع

قاهره ۱۹۵۸ م

در افغانستان و کشور های مجاور آن نشان میدهد:

پریک مجسمه او راها زیس بیستی در موزه وایکنان روم ، مطالبی نوشته است که داریوشی پادشاه هخامنشی این شخص را بمصر فرستاد ، تا به کتابخانه ها کتاب بدهد، و جوانان را بدانشا داخل کند. (۱)

لتزیاس (۲) که ۱۷ سال (۴۱۵-۳۶۸ ق م) طبیب دربار پارس بود در پرسیکا (۳) گوید:

لهوی کتاب خود را از روی دکنرهای چرمی کتابخانه شاهی (۴) ترتیب داده است .

در کتاب اردا ویراف نامه (۵) تا لیلیف (حدود قرن ۳ = قرن ۹م) میکویید :

« اوستا وزند بر پوست های گواراسته و به آب زرین نوشته بود . که اسکندر رومی پتیاره بد بخت بیدین بد کردار آنرا بر آورد و بسوخت ، (۶)

قراریکه در نامه تنسر (۷) (ص ۱۱) و مروج الذهب و کتاب التنبیه والا شراف مسعودی و تاریخ طبری آمده : این اوستای زرین خط بر دوازده هزار پوست گاو نگر و ش یافته بود، که فردوسی ۱۲۰۰ فصل نبشته برالواح زرین گوید . (۸) و ابو منصور ثعالبی (حدود ۴۱۰ هـ ۱۰۱۹ م) مینویسد : که کشتا سپ در بلخ بود و زردشت کتابی با و آورد، که آنرا بر پوست دوازده هزار گاو نوشتند ، و هر کلمه را در پوست کنده ، قشری را از طلا دران قرار دادند. (۹)

حمزه بن حسن اصفهانی (۳۵۰-۹۶۰م) در ایام ملوک اشکانی بعد از اسکندر هفتاد کتاب را ذکر میکند. که در علوم نجوم و طب و فلسفه و

(۱) مجله هنر ۴۴، خر داد ماه ۱۳۴۵ ش.

(2) Ctesias

(3) Persica

(4) Basilikai-Difterai

پور داود - یسنا ۸۱

(5) Arda Viraf Namah

(۶) ارداویرافنامه ۲۲ د کتیر رحیم عقیفی - تهران ۱۳۴۲ ش.

(7) Tansar's Epistle.

(۸) پور داود، کاتبا ۵۰

(۹) ترجمه فا رسی غرر اخبار ملوک الفرس و سیر هم از محمود

هدایت ۱۱۹ طبع تهران ۱۳۲۹ ش



تاریخ نجومی

حرالت (کشاورزی) بیوداسی و قبطی ترجمه شده بود (۱) و حکیم براجاوشی است
ری از کتب پمجاه عدل لثبی که بر پوستها (جلود) نوشته شده بود
در سنه (۱۵۰ هـ) جبرمید هد . که در داخل شهر جی از بنای قدیم سارویه
بندست آمد ، و خط ابرا مردم قبلاً ندیده بودند و نمی دانستند که
در چه هندیام این کتابها را در اینجا گذاشته اند (۲) و سی این ندیم
نوید :

که ابوالفضل بن عمید برحی ازین کتابها را در سنه ۲۴۰ و اندی
به بغداد فرستاد و من بچشم خود دیدم و چندی ازان پیش شیخ ما
ابوسلیمان اندرین وقت (۳۵۰ هـ) باقی بود . (۳)

همری بحواله کتاب اختلاف الزیجه مترجم ابو معشر منجم بلخی
(حدود ۲۵۰ هـ ۸۶۳ م) مینویسد : شاهان (فلات ایران) بصیانت عموم
و بقای آن توجهی تمام داشتند و بغرض نگهداری کتب از حوادث
جوی و زمینی ، اوراق پوست درخت خدنک که آنرا توز گفتند ، برای
نوشتن کتب برگزیدند ، که از معفن و پوسیدگی محفوظ باشند ، و در
مقابل حوادث پایداری و پابندگی دارند .

چنانچه همین وسیله نویسنده کی رادر هند و چین و ممالک مجاور دیگر
هم تقلید کردند (۴) . و محمد بن عبدوس جهشیاری گوید : که مردم
فارس برچرم ، ورق (پوست نازک) نوشتندی و گفتندی که کتابها
خود را بر چیزی که در بلاد ما پیدا نمی شود نمی نویسیم . (۵)

کتابها یی که زردشتیان در علم نجوم و طب و طبایع بفارسی (قدیم)
داشتند و یکی ازان کتابی بنام کشتج بود ، بعد از آنکه پامر سکندر بزبان
رومی و قبطی ترجمه کردند سوختانده شدند . ولی برخی ازان
کتب از ترس این فعل سکندر ، به هند و چین فرستاده شده بودند و
نجات یافتند . (۶) و ابن ندیم از تاریخ اسحاق راهب نقل مینماید
که یکی از ملوک اسکندر به شخصی را گماشت که این کتابهای علمی را باز

(۱) تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء ۳۰ طبع برلین ۱۳۴۰ ق

(۲) همین کتاب ۱۲۷

(۳) الفهرست ۳۳۶

(۴) سنی ملوک ۱۲۷ و الفهرست ۳۳۴

(۵) کتاب الوزراء و الكتاب ۱۲۸ قاهره ۱۹۳۸ م

(۶) الفهرست ۳۳۳ به نقل از کتاب النهمطان تألیف ابو صهل

بن نویخت .

فراهم سازد . وی پنجاه و چهار هزار و صد و بیست تنب جمع کرد و گفت
هنور هم تنبهای سند دهند و چین و کرکان وارمن و غیره باقی ماندند.
است. (۱)

این روایاتی بود درباره و وجود کتاب درازمنه بلستانی در رین
سرزمین ها، به از انجمله داستان اوستا و احراق آن با مرگند و اوظفر
علمی (بقول کیرشمن) (۲) منقول است. ولی اگر انرا جعلی و الحاق
هم بدانیم ، بازهم مفکوره ایجا د کتاب رادر ازمنه قدیم آ شکا ر
می سازد ، که برخی از اسناد مثبت تاریخی نیز موید آنست : مانند
اسناد دوره پارنهای آریایی بلخی نژاد که خراسانیان اصیل بودند
(۲۵۰ - ۷۶ ق، م) و این اسناد تحریری. بر چرم کاه و انواع سفلی
رتکین لعاب دار در نساو او رمان، بزیاق یارتی یعنی پهلوی. شامل
بدست آمده (۳) و بصورت واضح علمی وجود کتاب رادر خراسان
قدیم ثابت میسازد و ما میدانیم که بعد از اسکندر نخستین بلر کتا به
اوستا بفرمان ولخش (۴) یا بلا ش اول اشکانی پارتی (۵۱ - ۷۸ م)
فراهم آورده شد. (۵) چون این آثار دوره اشکانیان را بر چرمهای
گاو در نساو خراسان قدیم یا فته اند، پس داستان مورخان عرب - که
اوستا بر چرم گاو نوشته شده بود این فکر را تایید میکند، که اوستای
فراهم آورده عصر بلاش اول را نیز بر چرم گاو نوشته باشند.

درباره وجود کتاب در دور ه های قبلی از اسلام ، در سرزمین خراسان
دلیل بسیار محکم تاریخی اینست: که در عصر امویان و عباسیان صدها
جلد کتاب را از پهلوی و لسنه هندی به عربی ترجمه کرده اند ، و اکثر
این کتابها به خراسان و یا کتب خانهای خراسان تعلق داشته
است .

مثلا ابن ندیم درباره احوال سمنیه (بودائیسان) و پیشوای ایشان
بوذا سف از کتابی نقل نماید که آنها یکنفر خراسانی نوشته
بود. (۶).

(۱) الفهرست ۳۳۴

(۲) Ghirshman ایران از آغاز تا اسلام ۲۷۲ ترجمه دکتور معین - تهران

۱۳۳۶ ش .

(۴) Vologeses

(۳) اشکانیان، م دیاکونو

(۵) پورداود - گاتها ۵۱ بحواله دینکرت.

(۶) الفهرست ۴۸۴

در سنه ۲۰۷ هـ ۸۸۲ م راجه مهر وک کشمیر و پنجاب به حاکم منصوره امیر عبدالله نوشت که شخصی را بحضور م فرست که بزبان هندی احکام اسلامی را بما آموخته بتواند. وی بت مرد عوشیر و شاعر مسلمان خراسان را که چند زبان هندوستان دانستی بدر بار راجه فرستاد و بخوا هس او قرآن عظیم را بزبان هندی ترجمه کرد. (۱)

در دربار کابلشاهان نیز تا لیف کتاب رواج داشت ، چنانچه بقول البیرونی یکی از علمای دربار کابلشاه اخیر اند پاله بن جیه پاله که او کره بوت نامداشت و مودبشاه بود ، کتابی را در علوم نجوم بنام شکبه پرت تالیف کرده بود (۲) .

همین البیرونی می نویسد : که نسب نامه کابلشاهان که فر نها برین جا حکمرانده اند ، بر دیبایی نوشته شده و در قلعه نغر کوت محفوظ بود ، و من میخواستم آنرا ببینم ، ولی بنا بر عللی مرفق نشدم . (۳)

از کتابهای قدیمی که درین سر زمین خبر داریم کتابی بود نزد خیزر بن کاوس مشهور به افشین یکی از نجیب زادگان اسرو شنه ماوراء النهر قاید معروف لشکر ی عصر معتصم عباسی (۲۱۸-۲۲۷ هـ = ۸۲۳ - ۸۴۱ م) که در دربار بغداد قدرت و نفوذ فراوان یافته بود و عاقبت هدف دسایس در بازی و رقابت رجال آن عصر گردید و به تهمت بیدینی و زندقه محاکمه شد و او را در شعبان (۲۲۶ هـ = ۸۴۰ م) بکشتند و جسدش را سو زانیدند و بدجله افکندند .

در اثنای استنطاق و محاکمه ، یکی از علل اتهام او کتابی مذهب و مرصع گوهر نشان بود ، که در خانواده او از اجدادش باقی مانده بود و خواندن آنرا دلیل کفر و بی دینی او شمردند و حکم بقتل او دادند و طبری که صورت محاکمه و سوالهای هیئت محاکمه را به تفصیل آورده ،

(۱) عجایب الهند از بزرگ بن شهریار حدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲ م طبع لیدن

(۲) کتاب الهند ۱۰۵

(۳) کتاب الهند ۳۴۹

در باره این کتاب گوید: محمد بن عبدالملك زیات وزیر که رئیس این هیئت استنطاق بود از پرسید: این کتاب بیکه به طلا و جواهر و دیبا آراسته یی و حاوی کفر بخداست چیست؟ افشین جواب داد: این کتاب از پدر بمن میراث مانده و در آن برخی از ادبیات عجم ضبط گردیده است که من فقط از بهره ادبی آن تمتع می برم و غیر از آن بکلمات کفریه آن غرضی ندارم چون در سابق آراسته و پیراسته بود، حاجتی بدفع پیراستگی های آن نداشتم و برحالت سابق آنرا ماندم، مانند کتاب کلبله و دمنه و کتاب مزدک که درخانه تست و این دلیل خروج من از اسلام نیست (۱).

طبری گوید که در کتابخانه افشین کتابهای فراوان یافتند، که در آن کتاب مجوسی و پسا کتب دینی بود که وی داشت. این کتاب آراسته و پیراسته را در ادبیات دری «دترافشین» یا «گوهر افشین» گفته اند. مختاری غزنوی (حدود ۵۰۰ م ۱۱۰۶) گوید:

گر دیدی هنر بنده پرگوهر تو

گوهر دفتر خود بر فشاندی افشین (۲)

از آثار بسیار مستند نمونه قدیم کتاب در افغانستان، اوراق پوست درخت کتابیست که در بامیان در سنه ۱۹۳۰ م در حصص شرقی هیکل ۳۵ متری بود از طرف موسیو ها کن کشف شد و موسیو سیلون لوی آنرا در شماره مارچ ۱۹۳۲ م ژورنال از یاتیک نشر داد و آنرا رسم الخط عصر کوشانی قرن ۳-۴ و نوشته های عصر گوپتا قرن ۷-۸ م و برخی بخط ختنی شمرده، که زبان آن سنسکریت است و نوشته قدیمترین آن بقرن سوم تعلق دارد، که تا قرن ۸ م میرسد، و بعقیده موسیو سیلون لوی در کتابخانه این معبد قدیم بودانی این کتابهای پوست درخت موجود بود، که آنرا در خود بامیان نوشته و یا از کتابخانه های دیگر باین کتابخانه نقل داده باشند و برخی از این نوشته ها قطعات کوچک رساله های «ابهی دهر مه» متعلق به مذ هب

(۱) طبری ۱۰ ر ۳۶۵

(۲) دیوان مختاری ۴۳۷ طبع جلال همائی - تهران ۱۳۴۱ ش

بزرگ بودایی (۱) است که مانند آن از گلگت هم بدست آمده است ، ولی در بین این بارچه های کتب خطی برخی از صفحات کتاب وینایا (۲) نیز موجود است که بمنهبت کوچیک بودایی (۳) تعلق دارد برسم الخط گوپتا (۴) و سنسکریت باشد ، و چون از کتاب وینایا تنها ترجمه چینی باقی مانده و اصل سنسکریت آن در بین نیست ، بنابراین کشف این بارچه های سنسکریت ازین کتاب خیلی اهمیت دارد ، و اینک ما نمونه های خط این کتب قدیمه کتابخانه بامیانرا در پینجلی آوریم (عکس ۳۳) که اصل آن در موزه کابل موجود است .

در ماه حوت ۱۳۴۸ش هیئت باستان شناسی افغانی ضمن حفریات تپه شترهده (مرکز هنر گندهارا) در ننگرهار شرقی افغانستان ، در مجموعه ستوپه های قدیم بودایی مجسمه بودایی را یافت که سر آن شکسته است . بر پشت این مجسمه يك مجموعه کوچیک تمویذمانندی از پوست خرمای بهم پیچیده دیده میشود ، که باز کردن آن از همدیگر و کشف محتویات آن به توجه دقیق علمی نیازمند است و احتمال میرود نوشته یی در بین آن باشد .

-
- (1) Maha-Yana
 - (2) Vinaya
 - (3) Hina Yana
 - (4) Gupta

خط و کتاب در عصر اسلامی

سنت کتاب نویسی و تاسیس کتابخانه ، از ادوار قبل اسلام به عصر بعد از فتوح اسلامی نیز انتقال کرد، و از وجود کتابخانه - های بزرگ ازین وقت خبر هایی داریم . مثلا این طیفور احمد بن ظاهر که از سلاله ملوک خراسان بود (۲۰۴-۲۸۰ هـ = ۸۱۹-۸۹۳ م) یکی از مولفان قدیم خراسان بشمار میرود ، که ابن ندیم ۴۸ تالیف او را ذکر کرده است (۱) وی در تاریخ بغداد روایت میکند : که عتابی شاعر معروف دوره عباسی (متوفا ۲۰۸ هـ ۸۲۳ م) گفت : که برای نقل گرفتن کتب عجم در خزانه کتب مرو بودم و این خزانه از عصر یزد گرد تاکنون قایمست و در کتب عجم معانی موجود است . لغت از ما و معانی از یشانست (۲)

عتابی سه بار به بلاد عجم سفر کرد و کتب خزانه مرو و نشا پور را بخواند و در تالیفات خود از آن کتب سود برد ، و بدر بار عبدالله بن طاهر پوشنگی پرورده شد (۳) و این خبر بخوبی میرساند که کتابخانه های بلاد خراسان بوجود کتب فراوان قدیم غنی تر بوده اند.

در آغاز ورود اسلام (قرن هفتم میلادی) مردم ولایات شمالی و شرقی افغانستان بشمول بامیان- کاپیسا- کابل- لغمان- ننگرهار- گندهارا تا تکسیلادین بود ایی داشته و کتب دو مذهب کبیر و صغیر بود ایی رواج داشت و هنگامیکه هیون- تسنگ در سال ۶۳۰ م این ولایات را می دید ، وی از شش سلسله کتب دینی ذکر میکند ، که اگر کسی همین شش دوره کتب را میخواند آنوقت بمرتبه بلندتر علمی میرسید که برای سواری خود فیلی با بدرقه بر (۴) همراه داشت و محفلی را برای مباحثه تشکیل داده میتوانست (۵)

(۱) الفهرست ۱۴۶

(۲) ضحی الاسلام ۱۸۰ بحواله تاریخ بغداد ابن طیفور ۷ ر ۱۵۷

(۳) برو کلن در تاریخ ادبیات عرب آر ۳۶ .

(4) Surrounding Escort (5) Si-Yu-Ki 2/137 Calcutta 1958

پس مطابق بهمین روایات عربی و چینی میگوئیم : که سنت کتاب نویسی و کتابخانه در افغانستان غربی و شرقی از ازمئه قبل الاسلام بعصر اسلامی انتقال کرده بود و از کتب قدیمی که در خراسان تالیف شد، یکی اخبار ماوراء النهر است که مؤلف آن خراسانی بود و هم ابن ندیم کتاب اخبار خراسان قدیم را بخط مرد خراسانی دیده بود . ووی از کتاب دیگری که در شرح ملل و ادیان هند تالیف شده و نسخه آنرا در محرم ۲۴۹ هـ نوشته بودند خبر میدهد و گوید : که یحیی بن خالد برمکی بلخی شخصی را برای آوردن عقاقیر بهند فرستاد و ضمناً مراد : که درباره ادیان هند هم اطلاعاتی فراهم آورد و این مرد همین کتابرا نوشت . (۱)

چنانچه گفتیم در آغاز قرن هفتم در افغانستان رسم الخط های یونانی - شره دانا گری - براهمی و پهلوی مروج بود، ولی با آغاز فتوح اسلامی (نصف اخیر قرن هفتم) رسم الخط عربی که قرآن به آن نوشته میشود ، از طرف غرب به خراسان رسید و به مرور سه قرن تمام رسم الخط های سابقه و ادیان قدیم ، جای خود را بدین اسلام و خط عربی گذاشتند .

رسم الخط عربی:

مادر شکل ۷ نشان دادیم ، که خط عربی مأخوذ از خط نبطی متاخر و از ریشه آرامی است که در قرن پنجم رواج داشت و نمونه قدیمتر این خط بر لوحه بنای کلیسایی در مخروبه زبد بین قنسیرین و در پای فرات یافته شده، که تاریخ آن ۵۱۱ م باشد . و بزبان یونانی و سریانی نیز نامهای بانیا کلیسا نوشته شده است (شکل ۳۳) و در آغاز آن کلمه (الاله) عربی و نامهای شریحو - سعدو - سترو - شریحو دیده میشود .

اما خط بسیار شبیه به عربی در حران شمالی جبل دروز شام بر سنگی بالای درب کلیسا بزبان یونانی و عربی موجود است ، که تاریخ آن سنه ۵۶۸ م است (شکل ۳۴) و خوانشی آن چنین است : واناشر حیل بن ظلمو (ظالم) بنیت ذالمطول سنت (سنه) ۴۶۳ بعد مفسد خیبر بعم (بعام) ، این نوشته نزدیکترین خطی است به

خطوط عربی قرن اول هجری (۱) و روشن میسازد که خط عربی پنجاه سال پیش از هجرت چو نه بوده است .

چون کتیبه فدیمتری بنعم نبضی متأخر و شبیه به عربی برمدفن امری الفیس بن عمرو ملک حیره در شماره درسنه ۲۲۸م نوشته شده ، بنا برین مستشرقان ، زمان پیدایش خط عربی قدیم را بین سال ۲۲۸ و ۵۱۱ در قرن چهارم و پنجم میلادی در شبه جزیره طور سینا میدانند . (۲)

در عصر نبوی خط عربی با همان سادگی ابتدائی خود باقی بود ، که نمونه های کهن تر عصر اسلامی آن در فرامین حضور پیامبر بنام ملوک موجود است و از آن جمله نامه مبارک نبویست بنام نجاشی ملک حبشه که هم دنلوب مستشرق سکا تلندی اصل آنرا یافته و در مجله آسیایی شاهی انگلستان (جنوری ۱۹۴۰م) نشر داد (شکل ۳۵) نامه مبارک دوم به مقوقس عظیم قبط است که در کلیسای احمیم سعید مصر بدست آمده و در مجله الهلال قاهره در ۱۹۰۴م طبع شده (شکل ۳۶) - سوم نامه آنحضرت است به مندریس ساوی (شکل ۳۷) که از دمشق بدست آمده و در مجله مستشرقین آلمان ZDMG جلد ۱۷ سال ۱۸۶۲ انتشار یافته (۳) و علاوه از این دو کتیبه عربی در جنوب کوه سلع مدینه موجود است که بهمین نوع خط «انا علی بن ابوطالب» و نامهای پیامبر و ابو بکر و عمر نوشته شده و هم کتیبه یی از حضرت عمر در آنجا دیده میشود (۴) از نوشته های عصر نبوی قرآنی بود بخط حضرت علی ، که برخی از اوراق آن ضایع گشته و تا حدود قرن چهارم هجری در خاندان امام حسن باقی بود و خود این ندیم آنرا نزد ابویعلی حمزه حسنی دیده بود (۵) قدیمترین نوشته سنکی عربی که تاکنون بدست آمده ، لوحه سنگ مزار یس در موزه قاهره ، که درسنه ۳۱ هـ ۶۵۱ نقر شده ، و خط آن هم همان نسخی ممز و ج به کوفی نامزین است (شکل ۳۸) که آنرا چنین خوانده اند :

- (۱) تاریخ اللغات السامیه ۱۹۱- ۱۹۴ دکتور اسرائیل و لئوسون - قاهره ۱۹۲۹م
 (۲) همین کتاب ۲۰۱
 (۳) الوتایق السیاسیه از دکتور محمد حمیدالله حیدر آبادی طبع قاهره ۱۹۵۶م ص ۷۲-۸۱
 (۴) همین کتاب ، مقدمه و ۳۰۲ (۵) الفهرست ۴۲

سطراول : بسم الله الرحمن الرحيم هذا القبر
 سطر ۲ : لعبدالله بن خير (جبره) الحجري (الحجازي؟) اللهم اغفر له.
 سطر ۳ : وادخله في رحمة منك وآنمامه
 سطر ۴ : استغفرله اذا قراء هذا الكتاب (الكتاب)
 سطر ۵ : و قل امين وكتب هذا
 سطر ۶ : لكتب (الكتاب) في جمدي (جمادى) الا
 سطر ۷ : خر (الخره) من سنت (سنة) احدي و
 سطر ۸ : ثلثين (وثلاثين) (۱)
 كتيبه ديگر قديمتر در قبة صخره بيت المقدسي در سال ۷۲ هـ ۶۹۱ م
 كشف شده (۲) وهم بر اوراق بردى Papyri مصر نوشته هاى
 عربى باخط يوناني موجود است كه در عصر ابو العباس الوليد
 بن عبد الملك خليفه اموي (۸۶-۹۶ هـ = ۷۰۵-۷۱۵ م) بر پوست
 درخت بردى نوشته شده و عبارت از بسمله و كلمه توحيد است و بخط
 يوناني ترجمه آن بانام عبدالله الوليد امير المومنين
 Abdela Aloylit Amiral Moyminin

نوشته شده است (۳) و خط عربى آن مزوجى از كوفى و نسخى
 متمايل به توقيح است ، و از اين هم بر مى آيد كه در اواخر قرن
 اول هجرى (اوایل قرن ۸ م) همين شيوه مزوج نسخى و كوفى رواج
 داشته است (شكل ۳۹) و نمونه ديگر آن پرسنگك علامت قاصله
 ۱۰۹ ميلی دمشق موجود است كه در عصر
 Mile Stone

عبد الملك بن مروان (۶۵-۸۶ هـ) آنرا نوشته اند. (۴) (شكل ۴۰)
 از نوشته هاى خط عربى يكى آنست كه در خزانه المامون كتا بى
 بخط عبدالمطلب بن هاشم در جلد چرمى موجود بود. و خط آن به خط
 زنان مى ماند. و اين مطلب را ابن ندیم از كتاب مکه تالیف عمر بن
 شيبه Umar Bin Shabba متوفى ۲۶۲ هـ = ۸۷۶ م نقل
 کرده ، كه يك نسخه اين كتا برابخط همين مولف خود ابن ندیم

(۱) تاريخ اللغات الساميه ۲۰۳

(۲) همين كتاب ۲۰۴

(3) Arabic Papyri by Adolf Grohmann 1/11 Plate 1

(4) Muslem Calligraphy by M. Ziauddin Calcutta 1936.

تایید بود (۱) درین برمی آید که در قرن اول پیش از اسلام باقرن سوم نوشتن کتابها بهمین خط رواج داشت و مراد از خط روانه شاید تحریر بدو ابتدایی آن باشد (۲) و ما از قول ابی بلادری میدانیم که در آن عصر بیوت حنه می نوشتند و از آن جمله شفاء Shaffa بنت عبدالله عدویه از بینه عمر بن خطاب در عصر جا هلیت هم ثابت میگردد، و حقیقتاً روجه پیامبر ازو خط اموحت (۳).

نسخ خطی زیاد فراوان بخط کوفی قرن ۲-۳ ه منسوب به نامه اسلامی اند مثلاً: ۱- جزو قرآن منسوب به خط حضرت عثمان ۱- جزو قرآن منسوب به خط حضرت علی ۲- جزو قرآن منسوب به خط حضرت علی ۳- جزو قرآن منسوب به خط امام حسن (هرچهار در کتابخانه خطی دبل برچرم اهو) (شکل ۴۱-۴۲-۴۳-۴۴) ۵- جزو قرآن برچرم اهو برقم کتبه بن علی بن ابی طالب ۶- جزو قرآن دارای رقم کتبه حسن ابن علی ابن ابی طالب فی سنه احدی از بعین . ۷- جزو قرآن برقم کتبه حسین ابن علی ۸- جزو قرآن با رقم کتبه علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب ۹- جزو قرآن با رقم کتبه علی بن موسی (هر پنج در کتابخانه مشهد برچرم اهو) (شکل ۴۵)

اگرچه این نسخ قرآن در همین عصر به خط ائمه کرام منسوبند . ولی خط آن با اینای خطوطی که از قرن اول اسلامی باقیست مطابقتی ندارد ، و چنین نوشته های دیگر قدیم هم موجود بود ، چنانچه سبب این جوی گوید : که یهودیان نامه یی از حضرت محمد بخط حضرت علی نوشته سال ۶۲۸ ه بدر بار خلیفه بغداد آورده اند ، که مبنی بر معافی یهود از ادای جزیه بود (۴) و هم یک عهدنامه منسوب به حضرت علی بایهودیان ، در اصفهان موجود بود ، که مجعول بودن آن از روی خط کوفی و سطور نسخی نلثنا و هم از وضع انشاء سست و رکیک آن که غلطی های فراوان نحوی دارد ثابت است (۵) (شکل ۴۶)

(۱) الفهرست ۷-۱۶۳

(۲) سبک شناسی بهار ار ۹۵ طبع تهران ۱۳۳۷ش

(۳) فتوح البلدان ۵۸۰

(۴) سرری آرت پر شیا ۱۷۱۸ بحواله مرآة الزمان ۳۰۰ نسخه خطی موزه بر تانیا .

(۵) بیست مقاله قز وینی از ۱۳۱۷ طبع بمبئی ۱۳۰۷ش و مجله ایران شهر

۴۲۹۸ طبع برلین ۱۳۰۵ ش .

ابن ندیم گوید: که کاتبی بنام سعد ، مصاحف و شعر و اخبار را برای وید بن عبدالملک می نوشت (حدود ۶۰ هـ ۷۰۸ م) و عم اوست که نوشته های ایات سمت فینه مسجد نبوی را به خط زرین نوشته بود (۱)

در پرورش خط عربی دست مردم خراسان قدیم (افغانستان کنونی) نیز سهیم بوده است ، مثلاً خاندان برمکیان بلخی به سبب یب و پرورش خط و حفاظان توجیهی داشته اند ، وحسی ازیحیی بن خالد برمکی (متوفی ۱۹۰ هـ ۸۰۵ م) اوفالی در دساتیر خط نویسی مروی است (۲) و در عصر عباسیان یک فلم خاصی بنام (الر یاسی) شهرت یافت که پرورنده آن وزیر معروف خراسانی فضل بن سهل ذوالر یا ستین (حدود ۲۰۰ هـ ۸۱۵ م) بود ، که در همین سال بهمین خط در مرو سکه رده است . و این ندیم گوید: که خط ریاسی یکی از زیباترین خط ها بود ، و از آن اقلام دیگر بنام خط ریاسی کبیر و ریاسی متوسط و فلم لث و محقق و منتور و وحسی و رفاع و مکاتبات و عبار و نر جس و بیاض برآمد (۳)

از مطالعه این اسناد چنین برمی آید: که خط عربی از شکل ابتدایی نسخی شکسته در اوایل قرن دوم هجری (۹م) آهسته آهسته به کوفی نزدیکتر گردید و سبک عراقی ، که آنرا محقق و وراقی گفتندی در عصر عباسیان بوجود آمد ، و کاتبان و در بار یان مامون به چودت خطوط پرداختند ، و مردم به آن تفاخر کردند ، تا که از دستگاه برمکیان (بلخی) خطاطی بنام احمد بن خالد احوال برآمد ، و دساتیر و قوا نیسن خط نویسی را ترتیب نمود و بصورت عمومی (۲۴) قلم بسو چود آمد. (۴)

رواج خط عربی (نسخی- کوفی) و یامزوج هر دو در خراسان از روی اسناد کتبی یعنی مسکوکات و سنک نبشته های باقیمانده چنین شرح میشود :

(۱) الفهرست ۱۰

(۲) ادب الکتاب الصولی ۴۱ طبع قاهره ۱۳۴۱ ق

(۳) الفهرست ۱۴

(۶) همین کتاب ۱۲-۱۳

۱- مسکوکات : امرای مسلمان در نصف اول قرن اول هجری بر مسکوکات روم و فارسیان بنام خود سکه زده‌اند ، چنانچه خالد بن ولید در سنه ۱۵ هـ ۶۳۵ م به تقلید سکه رومی بانشان صلیب بحروف یونانی و شکل عربی در طبریه سکه زد و هم معاویه بر حاشیه دینار های فارسیان که شکل شاه فارس و آتشکده دارد بسم الله و نام خود را ضرب کرد، و بعد ازان در سنه ۲۸ هـ در قصبه هرثک طبرستان سکه خط عربی ضرب شد. و هم عبدالملک بن مروان بین سنه ۶۵-۸۶ هـ دینار های دمشق را تنها به خط عربی ضرب و رواج داد ، که از جمله یکی بخت نسخی کوفی آمیز در سنه (۷۳- هـ ۶۹۲ م) در دمشق ضرب شده است (۱) و بر همین سنت در عصر خلفای اموی و عباسی برخی از امرای عربی در خراسان و سیستان سکه زده‌اند، ازان جمله مسکوکات وایلیان خراسان حمید بن قحطبه طایبی ۱۵۱ هـ ۷۶۸ م و عبدالملک بن یزید خراسانی (۱۵۹ هـ ۷۷۵ م) و جعفر بن محمد (۱۷۱ هـ ۷۸۷ م) و علی بن عیسی (۱۸۰ هـ ۷۹۶ م) و هرگمه بن اعین (۱۹۱ هـ ۸۰۶ م) و غسان بن عباد (۲۰۲ هـ ۸۱۷ م) موجود است (۲) و هم درهم غطریفی در سنه ۱۸۵ هـ ۸۰۱ م در کوشک ماخک بخارا بنام غطریف بن عظامامای هارون الرشید ضرب شده بود (۳) و مادر موزه کابل سکه هایی به همین خط عربی نسخی کوفی آمیز داریم که در سنه ۹۰ هـ ۷۰۸ م در کرمان و مرو در سنه ۱۱۷ هـ ۷۳۵ م و ۱۳۲ هـ و ۱۸۲ هـ ۷۹۸ م و ۱۸۵ هـ ۸۰۱ م و ۱۸۷ هـ ۸۰۲ م در بلخ و در سنه ۱۹۳ هـ ۸۰۸ م در هرات و در سنه ۱۸۶ هـ ۸۰۲ م در زرنج و در سنه ۲۰۶ هـ ۸۲۱ م در هرات و در سنه ۲۱۷ هـ ۸۳۲ م در گزه (جزق سیستان) و در سنه ۲۰۱ هـ ۸۱۶ م در سمرقند ضرب شده‌اند (۴) ولی از تمام نوشته های این مسکوکات روشن می‌آید ، که در اواخر قرن دوم هجری (۹ م) خط شکسته ممزوج نسخی کوفی آمیز به طرف کوفی خالص متمایل است، چنانچه بر سکه فضل بن سهل ذوالریاستین که در سنه ۲۰۰ هـ ۸۱۶ م

(۱) تاریخ التمدن الاسلامی ۹۸ جرجی زیدان طبع قا هره ۱۹۰۲

(۲) ز مبادر در معجم الانساب: ۷۷

(۳) تاریخ بخارا ۴۴

(۴) فهرست مسکوکات اسلامی موزه کابل طبع دمشق ۱۹۵۳ م

در مرو ضرب شده دیده میشود (۱) و هم از طرف شاهان اسلامی ماوراء النهر مسکوکاتی بخط کوفی ضرب شده، که از آن جمله سکه سالی بن عبدالله شاه اسرو شنه (۲۸۰ هـ) نصر بن علی ایلیک است و بر آن نوشته اند: (ضرب هذا الفلاس بفرغانه سنه ست وتسعين و ثمانه) (۲) از ملوک خراسان سکه های طاهر بن حسین (۲۰۵ هـ) و طلحه بن طاهر (۲۰۷ هـ) و عبدالله بن طاهر (۲۱۳ هـ) و طاهر بن عبدالله (۲۳۰ هـ) و محمد بن طاهر (۲۴۸ هـ) شاهان آل طاهر خراسان موجود است (۳) و همچنین از شاهان زرنج سیستان سکه های یعقوب بن لیث (۲۵۴ هـ) و عمرو بن لیث (۲۶۵ هـ) و طاهر بن محمد بن عمر و (۲۸۹ هـ) و لیث بن علی لیث (۲۹۶ هـ) و احمد بن محمد بن خلف (۳۲۰ هـ) و از سامانیان بلخی سکه های احمد بن اسعد (۲۰۴ هـ) و اسماعیل بن احمد (۲۷۹ هـ) و احمد بن اسماعیل (۲۹۵ هـ) و نصر بن احمد (۳۰۱ هـ) و غیره، و از آل بانیجور بلخ و اندراب و بامیان سکه های داود بن عباس (۲۳۲ هـ) و محمد بن احمد بن بانیجور (۲۶۰ هـ) و احمد بن محمد بن احمد (۲۷۹ هـ) و احمد بن جعفر بن احمد (۳۷۲ هـ) و از آل فریغون جوزجان سکه ابو نصر محمد بن فریغون (۳۷۷ هـ) و امرای اندراب سکه مکتوم بن حرب (۳۵۹ هـ) و سپهان بن مکتوم (۳۶۵ هـ) و از غزنویان قدیم سکه های سبکتگین (۳۶۷ هـ) و آلپ تگین (۳۵۱ هـ) موجودند، که از مسکوکات قدیم دوره اسلامی در خراسان بخط عربی کوفی شمرده میشوند. (۴) و زواج کامل خط کوفی زاد در افغانستان روشن و مدلل می سازند.

۲- سنگ نبشته ها :

از روی منقورات سنگی قدیم که در شرق افغانستان و وادی سند تا کنون بدست آمده، چنین معلوم میشود: باوجودیکه نفوذ خط کوفی در حدود ۲۰۰ هـ ۸۱۶ م در قلب خراسان ثابت است، ولی

(۱) سروی آرت پرشیا ۱۷۱۷-۱۴۸۰

(۲) مجله باستان شناسی شوروی عدد ۳ سال ۱۹۶۸ م ص ۲۲۴ طبع

مسکو.

(۳) زمباور در معجم الانساب ۲۹۶

(۴) همین کتاب در صفحات متعدد.

در همین اوقات در اراضی شرقی یعنی وادیهای بختیا و گومل و کوزم تادریای سند خطی رواج داشت که شبیه تر بانوشته های نسخی شکسته و ابتدایی فرا مینبوی و کتیبه های جبل سلع مدینه و اوراق بردی مصر است .

مثلا بر کتیبه های وادی توچی (شکل ۲۰ ر ۲۴) مربوط او ا سطر قرن نهم، که ذکر آن گذشت، خط نازیبا ی نامهربان نسخی شکسته دیده میشود ، در حالیکه همین خط عربی بشکل زیبا و مہذب متمایل به کوفی در کتیبه مسجد بمبور (شکل ۲۸) در سنه ۱۰۷ هـ ۷۲۵ م موجود است و ازین برمی آید که نفوذ خط کوفی به وادی سند پیشتر از وادیهای شرقی افغانستان رسیده بود .

افزایش جنبه هنری و تزئینی در خط

خط از مظاهر اجتماعی زندگی انسانیست و مانند دیگر مبادی حیاتی با حرکات سیاسی و اقتصادی و روحی دستخوش تحول و ارتقا است .

در آغاز زندگی کوی و کوچی و روستایی و تشکیل مراتب ابتدایی ملوک طوایف ، همواره خط بحیثیت ضرورت ساده انسانی مروج می باشد ، ولی در هنگام نضج و اقتدار سلطنت این پدیده اجتماعی و مدنی انسانی مانند هنر ها دیگر مقام هنری را احراز می نماید . و در صف هنرهای زیبا قدم می نهد .

ملت های آریایی نژاد آسیای وسطی ، سوابق در خشان مصوری و نقاشی برابریه و کتابها داشتند و نظایر آن بردیوار های نگارین بامیان و هده و تپه سردار غزنه و آلبوگرام و پشاور و غیره در بقایای دوره بودایی افغانستان در مدتده قرن نمایان است ، و هم بر بقایای ابنیه مکتوبه از پنج کنت و سمرقند دیده میشود .

در خطوط ابنیه دوره هخامنشی ایران استعمال رنگ و تزئین را یافته اند و چنانچه گذشت در کتب زردشتی گویند که اوستا بر پوست گاو بخط خوش طلا نوشته شده بود . آثار دینی مانوی نیز نگارین و مصور بود و مورخان دو رساله اسلامی مانند ابن مقفع و البلاذری و ابن ندیم و ابن قتیبه و الصولسی و ابن درستویه از بسا آثار هنری خطوط و کتب مصور خوشخط خبر میدهند . (۱)

هنگام تشکیل خلافت عباسی زدر اواسط قرن ۸م که عربها از دریای نیل تا کنار های سند بر مملکت وسیعی حکم میراندند و مواریت هنری بینزانتین Byzantien و ایران و هنر گندهارا و سفد و مانیان بایشان رسیده بود ، حتما از دیدن ابنیه عالی نگارین و کتب و مواریت هنری این ملل متاثر می شدند . ابن ندیم و طبری و مسعودی از ارسال بتان زیبا ی بامیان و کابل و داور و بست که بجواهر مرصع بودند ، بدر بار بغداد خیر میدهند ، که مدتها این بتان را برای تماشای مردم در قصر خلیفه و بعد ازان سه روز در اداره مرگزی پلیس بغداد به نمایش عامه گذاشته بودند (۲)

(۱) سروی آرت پرشیا ۱۷۰۹ (۲) الفهرست ۴۸۶ و مروج الذهب ۲۴۲

که مورد تعجب و دلچسپی مردم بود و آنرا مثل مسلمانان قرن اول اسلامی نمی شکستاندند .

چون مسلمانان بموجب روایا تدینی خود نمی توانستند ، صورتهای انسانی را در معابد خود نقش کنند ، بنابراین برای تزئین مساجد از هنر خطاطی و نقاشی اشیای بیجان بردیوارها و ابنيه دینی خود کار گرفتند ، و این حرکت هنری ساختن خط از همان اوایل دوره عباسیان و اواسط قرن ۸م آغاز شده بود . زیرا عوامل اقتصادی این دوره نضج فیودالیزم تماما مساعد پرورش این هنر بود .

در پرورش این هنر چنانچه گفتیم باز دست مردم خراسان سپیم بود ، زیرا یحیی برمکی (متوفی ۱۹۰ هـ ۸۰۵ م) به خطاطی علاقمندی فراوان داشت و او بزرگترین خطاط در باره مامون احمد بن ابوالخالد احوال را پرورش داد ، که برای خط عربی قواعدی را ترسیم کرد و خطوط او بسیار زیبا و دلکش بود . و همچنین وزیر دیگر خراسانی فضل بن سهل سرخسی به خطاطی توجهی داشت چنانچه در عصر او قلم الریاسی رواج یافت که مبداءثلث و محقق و رقاع و غبار و غیره گردید (۱) .

توجه به تهذیب خط عربی و هنری ساختن آن ، بعد ازین فراوان گشت و ابن قتیبه (متوفی ۲۷۹ هـ ۸۸۹ م) گوید که خطاطان میکوشیدند تا خط زیبا را با حروف قوی درست بویسند (۲) . و الصولی و ابن درستویه در قرن دهم در کتاب الکتاب مقاصد و قواعد خطاطی و اصول استیتک آنرا شرح دادند ، و ابوبکر الصولی که ادب الکتاب را در ۳۲۵ هـ ۹۳۷ م نوشت گوید : که خطوط احمد احوال را که به قسطنطنیه از طرف مامون فرستاده شده بود بدر ب صومعه آویخته بودند (۳) تا زیبایی آنرا تماشا کنند ، و خلیفه المعتمد در اوایل قرن نهم نامه ای بامپراتور بیزنتین فرستاد آنقدر زیبا و خوشخط بود که امپراتور گفت : « بر هیچ چیز از عرب رشک نمی برم جز این خط زیبا (۴) »

(۱) الفهرست ۱۳

(۲) ادب الکتاب ۲ طبع لیدن ۱۹۰۰ م

(۳) ادب الکتاب ۴۵

(۴) همین کتاب ۴۵

خط عربی کوفی تزئینی در اروپا نیز بواسطه مسلمانان فاتح اسپانیا از راه فرانسه نفوذ کرد و در کتیبه های تزئینی ابنیه جسای گرفت و حتی بردیوار های ابنیه دینی و صوامع مسیحی در ایتالیا و اسپانیا و فرانسه ، آیات قرآنی را نیز بغرض تزئین بخط زیبای عربی نوشته اند. درب کلیسای بزرگ سنت پتر St. Peter

نیز بچنین نوشته آراسته بود ، ولی بعد از آن آنرا ممنوع قرار دادند (۱) و اینگونه تا اثر های هنری اهمیت تاریخی خود را از دست نداده و ارزش تزئینی آن در موزونیت Rhythm و تقارن Symmetry اشکال آن نهفته است (۲) که تاثیر های آن در

هنر تزئین ابنیه انگلستان هم نمایان باشد ، و بقول بر گسی M.S. Briggs این تاثیر ها از راه فرانسه بانگلستان نیز نفوذ کرده بود . و پرو فیسر لیتابی Lethaby آثار آنرا بر طاقچه های پشت محراب Retables و اکثر کلکین های کلیسای و یست منستر Westminster در هنر تعمیر انگلستان نشان داده است . (۳)

و حتی تا اثر هنری خط کوفی بدرجه بی بود که پادشاه مسیحی مرسیا Mercia بنام اوفافا Offa (۷۵۶-۹۶ م)

سکه خود را بدین خط زده بود ، و بر صلیب پرو نزی آیرلندی در قرن نهم میلادی بسم الله بخط کوفی دیده میشود ، و هم در ایتالیا بر شانه راست تصویر حضرت عیسی خط کوفی نمایان است . (۴)

در عصر خلفای عباسی خط عربی از حالت ساده نسخی خود برآمده بوضع بسیار دلکش تزئینی و هنری کوفی متمایل گشت که یک نمونه این تهذیب نخستین ۱۱ سطر کوفی مهنب ، بین نقاشی زیبا بر کتیبه مرمرین مسجد المهدی بغداد در ۱۵۵ هـ ۷۷۱ م موجود است ، و بر خی نظا یسرآن که متعلق به ۱۷۵ هـ ۷۹۱ م یا ۱۹۵ هـ ۸۱۰ م باشد در دربند و باکو از طرف خانیکوف Kanikoff کشف شده است (۵) و در خرا سان هم در حدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲ م آثار

(1) S.P. Scott's History of the Moorish Empire III 29

(2) E. Herzfeld, Encyclopaedia of Islam 1-364, 365.

(3) The Legacy of Islam 178 همین کتاب ۱۵۴ ر ۱۱۴

(۴) مسلم کالکرافی ۲۱ از قدیم ترین نمونه این خط نسخه قرآنیست

در موزه دمشق که بقول دکتر صلاح الدین منجد در سنه ۲۶۷ هـ نوشته شده است .

وعلایم کوفی بسیار خوشخط دیده میشود، که از انجمله يك پا رچه ابریشمین بسیار نفیس مصور و منقوش خراسانی موزه لو وریاریس است، که بران کلمات (عزو اقبال للقا ئد ا بی منصور بختکین اطال الله به ...) نوشته است و این قاید عبدالملك بن نوح سامانی در سنه ۳۵۹ هـ ۹۶۰م کشته شده بود (۱) و نوشته این پارچه ابریشمین خراسانی نماینده رواج پختکی کامل خط کوفی درین سرزمین است . (شکل ۴۷)

در گنجینه قرآن مشهد رضوی در حوت ۱۳۴۸ نسخه قرآنی بدست آمد، که در اصفهان در سنه ۳۲۷ هـ بخط معقلی دارای زوایای گرد نوشته شده و قدیمترین نسخه مکشوفه قرآن در ایران شمرده می شود، که نوعی از خط کوفی متمایل به نسخی است. و در همین گنجینه مکشوفه جدید قرآنی وقفی ابو الحسن عراقی دبیر سلطان محمود بخط نسخی متمایل به ثلث موجود است و نسخه دیگر وقفی محمد بن موسی ۴۰۲ هـ به نسخ آغازی نوشته شده (۲) که از تمام این آثار باقیمانده به تحول خط عربی پی توان برد . اکثر محققانی که بر هنر خطاطی و نقاشی آسیای میانه و ایران تحقیق کرده اند گویند که اثر هنر کتابسازی و نقاشی مانی و مانویان در خطاطی و نقاشی این سرزمین ظاهر است و نسخه های مکشوفه مانویان در تورفان و ترکستان و دیگر مواضع این اثر را بثبوت میرساند . (۳) و حتی از وجود يك نسخه کتاب مانی یا منسوب باو در خزانه غزنه هم خبری داریم و این روایت را ابوالمعالی محمد بن عبیدالله در سنه ۴۸۴ هـ ۱۰۹۲م نوشته است (۴) و نی باید گفت: که هنر نقاشی و مصوری کتاب همواره در ایران و خراسان بوده است که ما از کتاب گهر افشین و غیره در سابق بحث کردیم و هم کتاب مصور شاهان ساسانی رامطهر بن طاهر مقدسی در کتاب البدو والتاریخ (۳۵۶ هـ ۹۶۶م) ذکر کرده و علی بن حسین مسعودی آنرا در (۳۰۳ هـ ۹۱۵ م) در استخر پارس دیده بود، که نسخه آنرا در ۱۱۳ هـ ۷۳۰ م برای هشام

(۱) سروی ۲۰۰۲

(۲) یادداشت نویسنده از روی اصل نسخه های مشهد رضوی.

(3 Persian Art 1820...Moslem Calligraphy 3

(۴) بیان الادیان ۱۷-۱۸ طبع تهران

بن عبدالملك از فارسی به عربی نوشته بودند. (۱) و بنابراین اسناد
توان گفت که مردم این سرزمین کتاب آرایه را تنها از زمانو یان
اموحته باشند ، البته سری الزهر مانی در کتب منقوشه و مذهب
و مصور توان دید.

اما الزهر مانی یا هنر د یکبر خود خط کوفی تزئینی کمتر
دیده میشود و ممکن است آنرا خود مردم عراق و ایران و خراسان بحالت
تزئینی در آورده باشند ، زیرا در اوراق مانوی (شکل ۴۸) خود خط
مانوی مزین و مشجر یا بلند و هندسی نیست ، بلکه صفحات
و حواشی آنرا کل کاری یا مصوری کرده اند ، ولی خط تزئینی کوفی
چنین است که خود حروف آنرا با اشکال دلکش تزئینی در آورده اند
و مامی بینیم که این تمایل تزئین حروف کوفی در قرن نهم و دهم
آهسته آهسته نشو و نما کرده و مخصوصاً برابنیه آنرا نوشته اند و شاید در
کتابها بی که مرجع استفاده مردم بود ، آنقدر در تزئین حروف افراط
نمیکردند .

مثلاً سر لوحه صفحات نخستین دو کتاب قدیم خطی کتاب الا بنیه
بخط اسدی طوسی (۴۴۷ هـ ۱۰۵۵ م) (شکل ۴۹) و ترجمان البلاغه بخط
ازد شیر بن دیلمسپار قطبی در سنه ۵۰۷ هـ ۱۱۱۳ م (شکل ۵۰) هر دو به
کلمات (بنام خداوند بخشا یند ه بخشا یشکر) آغاز می یابد ، ولی
تزئین حروف یکسان است که حرف (ش) کلمه ۳-۴ را از متن بیرون
کشیده و بالای آن بطور گلی آراسته اند ، در حالیکه در متن کتاب هیچگونه
تزئین هنری مشهود نیست ، ولی تزئینات و تکلفات هنری در عین
حروف کتیبه های ابنیه در همین عصر موجود است . که نمونه آن در
خراسان در کتیبه های کوفی مسجد خرد گرد و بنای سنگ بست
تصر سلطان محمود غزنوی دیده میشود (۲)

در مسجد نایین شکل تزئینی بلند زاویه دار خط کوفی نمایان
است که در سنه ۳۵۰ هـ ۹۶۰ م کنایت شده (شکل ۵۱) و بعد ازان
در سنه ۴۱۸ هـ ۱۰۲۷ م در مقبره پیر علمدار آنقدر با گل و شاخ و برگ و اشکال

(۱) التنبیه والاشراف ۹۲ طبع قاهره ۱۹۳۸ م

(۲) سروری آرت پرشیا ۱۸۲۸

تزیینی آمیخته ، که انسان آن نسبتها خطوط و اشکال زیبا و نظرسر
ربایی می پندارد (۱) (شکل ۵۲) وهمین شیوه منقش در قرن ۱۲ م
برطاق مسجد مفك عطاری بخا رادر غایت پیچیدگی بنظر می آید .
(۲)

در خطوط ابنیه چنانچه دیدیم ، تزیین و امتزاج نقوش و گلها و خط -
های هندسی غالب بود ولی در کتابها که مورد خوانش و احتیاج
عامه بودند ، حتی المقدور از سادگی و خوانا بودن خط کار گرفته اند ، و
در پنجاست که کوفی از امتزاج نسخی در بین کتابها انواع متعدد
دارد ، وهم خطی بمیان آمده که این ندیم آنرا فیرآموز (معرب پیر
آموز فارسی) خوانده است ، و از نام آن پیدا است که در بین فارسی
زبانان بوده و دنباله هر حرف آن بانیش قلم و بنازکی مو با حرف
دیگر پیوسته است و جنبه تزیینی آن غالب باشد ، که بد آن
مصحف می نوشتند . ونمونه يك ورق قرآن باین خط در ذخایر مشهد
رضوی موجود است (۳) و دیگر کتاب صفات الشیعه تالیف شیخ صدوق
است که در سنه ۳۶۰ هـ ۹۷۰ م تالیف شده و آنرا بهمین خط پیرآموز
تزیینی ، نصر بن عبدالله قز و ینی در سال ۳۹۱ هـ ۱۰۰۰ م نوشته (۴)
که اکنون در يك مجموعه شخصی تهران است . (شکل ۵۳ و ۵۴)

از قرآن خط کوفی ساده آمیخته بانسخی ذخایر آستان رضوی
مشهد وقفی ابوالقاسم منصور بن محمد هروی وزیر سلطان محمود
در سنه ۳۹۳ هـ ۱۰۰۲ م (شکل ۵۵) و قرآن وقفی ابوالبرکات رازی ۴۲۱ هـ
۱۰۳۰ (۵) (شکل ۵۶) و همچنین قرآن ۴۱۸ هـ ۱۰۲۷ م که بخامه عیسی بن
عبدالله بلخی (۶) نوشته شده (کتابخانه میلان Milan)
پدید می آید ، که در اوایل قرن ۱۱ جنبه هنری خط کوفی قرآنی متما یل
به نسخی در کتابها کم بود و اگر میخواستند آنرا مزین سازند بطور
مشکول می نوشتند . مانند خط عثمان بن حسین و راق غزنوی

- (۱) سروی هنر پرشیا ۱۷۴۴ لوحه ۲۶۶
- (۲) ابنیه و آثار تاریخی اسلام در اتحاد شوروی تاشکند ۱۹۶۳ م
- (۳) گنجینه قرآن ۲۸
- (۴) کتاب و کتابخانه ها ۹ و مسلم کالگرافی ۸
- (۵) گنجینه ۳۵
- (۶) سروی هنر پرشیا ۱۷۲۴

۴۶۶ هـ (۵-۱۰۷۳ م) (۱) گنجینه مشهد رضوی (شکل ۵۷) ولی بر اینیه والواح آنرا زیباتر و با شاخ و برگ و خطوط هندسی و الف های کشیده و زوایای قائمه نوشته اند. و آثار اقدم این گونه خطاطی در غزنه بر قبور سبکتگین و سلطان محمود در اوایل قرن ۱۱ پیدا ست ، و حتی بر قبر محمود دو نوع بسیار زیبای کوفی و رقاع دیده میشود . (شکل ۵۸ و ۵۹)

غزنه که مرکز سیاست و ثقافت آسیای میانه در قرن ۱۱-۱۲ بود، از نظر خطاطی نیز غنی ترین مراکز بشمار می آید و علاوه بر نمونه های نسخه های قرآنی که در صفحات گذشته نشان دادیم مخطوطات خاص این مکتب قرآن نویسی موجودند ، که آیات قرآنی را بخط کوفی مزین هنری بر زمینه مشجر گل کاری نفیس با تشعیر زیبای حاشیه بصورتی نوشته اند، که تمام صفحه گل کاریست و خط آیات قرآنی با سیاهی پخته سایه دار خیلی برجسته بنظر می آید ، و نمونه بسیار زیبای این مکتب غزنه قرآنیست که در رمضان ۵۶۶ هـ جون ۱۱۷۱ م بخط ابوبکر بن احمد بن عبیدالله الغزنوی نوشته شده (شکل ۶۰) و در موزه مصر موجود است (۲) و هم نسخه دیگر قرآن در مجموع چستر بیتی Chester Beatty انگلستان است (۳) که عینا بهمین سبک نقشی گلداز بر تمام زمینه صفحات دارد، ولی خط آن کوفی متما یل بهیر آموزاست (شکل ۶۱) و همچنین قرآنی که در سنه ۵۰۵ هـ ۱۱۱۱ م در بستان کنار هلمند نوشته شده (شکل ۶۲) (کتابخانه ملی پاریس) بهمین سبک نسینی دارد (۴) و هم قرآنی در گنجینه مکشوفه جدید مشهد رضوی بخط و تذ هیب محمد بن عثمان وراق و مذهب غزنوی بدست آمده، که تاریخ وقف آن ۴۱۴ هـ است و یکی از آثار مقتنم مکتب خطاطی کوفی و تذ هیب غزنه شمرده میشود .

در کتیبه های تزئینی کوفی بعد از نوشته های مراقد سبکتگین و محمود ، بسا الواح سنگی و نوشته های دیواری در غزنه موجود است ، مانند نوشته های کوفی دو منار غزنه که یکی بنام بهرامشاه (۵۱۱-)

(۱) گنجینه ۴۹

(۲) سروی هنریر شیبا ۹۳۰ و کالکرافی ۶

(۳) سروی ۹۳۱ کتاب و کتابخانه ۲۱

(۴) سروی ۹۲۷

۵۴۷ هـ (۱۱۱۷-۱۱۵۲ م) و دیگری از سلطان مسعود علاءالدوله بن ابراهیم (۴۹۲-۵۰۸-۱۰۹۸-۱۱۱۴ م) است و هم باستان شناسان ایتالوی در سالهای بعد از ۱۹۶۰ م در عصر سلطان مسعود نمونه های ابیات دری رابه رسم الخط بسیار مزین و فنی بر سنگهای دیواری از زیر خاک بر آورده اند (۱) که آنرا مظاهری متکامل خط کوفی درواخر دوره غزنویان توان شمرد (شکل ۶۲) والواح سنگی که از همین دوره در بست باقی مانده و همچنان پارچه های نوشته های کوفی که بر دیوارهای قلاع غزنویان در لشکری بازار بست دیده میشود، نیز از بقایای خطوط کوفی دوره غزنویان است.

از بقایای جامع اولیاء طرف شرقی بالا حصار غزنه، محراب قدیمی است منقش و زیبا، که با خط کوفی مزین گلداز و خط رقاع (دربین) مزین است و سنگی در آن بخط رقاع نوشته شده، که نام ظهیرالدوله سلطان ابراهیم بر آن منقور است و ازین برمی آید که در عهد سلطنت او (۴۵۱-۴۹۲ هـ ۱۰۵۹-۱۰۹۸ م) بنا شده باشد (۲) رجوع کنید به شکل (۶۴) و خطوط تزئینی کوفی گل دار بهم پیچیده رباط شرف سرخس (۳) در حدود ۴۵۰ هـ (شکل ۶۵) نیز نمودار این سبک خط تزئینی است.

از دو لوحه سنگی قبوریکه در بست باقی است ۵۹۵ و ۶۱۱ و ۱۱۹۸ و ۱۴۱۴ م و لوحه قبر محمد بن اسمعیل غوری متوفی ۲۴ جمادی الاولی ۵۳۰ هـ که از هرات بدست آمده (موزه هرات) پدیدار است که خط ساده کوفی متمایل به نسخی را بدون تزئین و گل پردازی نیز می نوشته اند و نمونه آن در (شکل ۶۶) لوحه مزار واقع هرات نشان داده شده است.

سیر تکامل تزئینی خطوط کوفی برای بنیه شکل غلو و افراط را بخود میگیرد، که در دوره سلجوقیان نمونه آن بر قبر امام یحیی در جوزجان (شکل ۶۷) و محراب اولیاء و منار ها و سنگهای نقاشی شده قصر مسعود سوم در غزنه و بقایای ابنیه لشکری بازار بست و چشت

(۱) کتیبه های کوفی قصر مسعود سوم در غزنه طبع ر و م

۱۹۶۶ م

(۲) ریاض اللواح ۱۲۸

(۳) دکتر عیسی بهنام - مجله هنر ۵۲ بهمن ماه ۱۳۴۵ ش تهران

و مسجد جامع هرات از بنا های عیث الدین محمد سام و منار زیبای جام در قرن ۱۲ موجود اند (شکل ۶۸) که تکامل تزیینی و نفاست هنری خط کوفی رادر دربرزعی عزنو یان و غوریان نمایندگی میکنند و روشن می آید که سوا بق هنری پیش از دوره تیموریان در افغانستان در تحت شرایط اقتصادی و اجتماعی هنر پرور سلطنت های قوی چگونه بوده است ؟

زیرا مادر همین عصر يك کتبه خط عربی نامزین و نسخی شکسته را از بن چاهی در وپهند کناراتک بدست داریم ، که آنرا در ۴۸۲ هـ ۱۰۸۹ م یکنفر فقیه جوزجانی ابو جعفر محمد بن عبدالجبار بن محمد در بنای چاهی نوشته است و اگر این خط را در بهلوی خطوط معاصر ابنیه مجلل سابق الذکر بگذاریم پدید می آید که ارزش هنری خطوط تماماً مرهون پرورش ارباب اقتدار بوده و ابنیه بنا کرده رجال مقتدر ، مظاهر باشکوه هنری خطا طان گشته است .

از کتابهای قدیم زبان فارسی که تاکنون در دست است کتاب الا بنیه تزیینات الادویه بخط اسدی طوسی در ۴۴۷ هـ ۱۰۵۵ م قدیمتر (شکل ۴۹) و کتاب شرح تعرف مکتوب ۴۷۳ هـ ۱۰۸۰ م (موزة کراچی) کتاب دوم (شکل ۶۹) و کتاب هدایة المتعلمین مکتوب ۴۷۸ هـ ۱۰۸۵ م (کتابخانه بادلیان آکسفورد) کتاب سوم (شکل ۷۰) دارای تاریخ معین تحریر شمرده میشوند ، که شیوه خط کتاب الا بنیه بکوفی شبیه تر و اسلوب دومی و سومی به نسخی متمایل است . در حالیکه نسخه خطی ترجمان البلاغه موزة استانبول تحریر ۵۰۷ هـ ۱۱۱۳ م (شکل ۵۰) شبیه تر به کتاب الا بنیه است . و ازین پدید می آید که کاتبان در اختیار شیوه تحریر تابع ذوق و رواج محیط خود بوده و در بین کوفی و نسخی شیوه های مختلف را پدید می آورده اند که بسبب ولت قابل خواندن باشد . و در بین خط کتب ، به تزیین ها و گل کاریهای فراوان هنری نمی برداختند ، الا در آغاز کتاب یا سر فصول که بایک سلیقه و ترکیب و تزیین بسیار مشابه در آغاز هر دو کتاب الا بنیه و ترجمان البلاغه جمله (بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر) بخط کوفی مزین گشش داری نوشته اند . در حالیکه متون هر دو کتاب ازین گونه آرایش های هنری عاریست . و تمایل کاتبان بطرف سلیقه خط نسخی و سادگی آنست و در نوشتن قرآنها هم حتی المقدور

حوانا بودن آنرا رعیت کرده اند. واز پیچ و بابهای بز نینی کوفی که بر ابنیه موجود است در نوشتن قرآن خود داری داشته اند. و اگر هم بتزئین و پیچ و تاب دادن خطمی پرداختند در سر سور ها و پاره ها و منازل قرآنی بوده است .

در همین اوقاتست که خط نسخی در کتاب نویسی بسیار مستعمل است و مامی بینیم که بعد از ترجمان البلاغه ۵۰۷ هـ ۱۱۱۳ م در حدود (۲۵) سال خط نسخی از آمیزش کوفی بکلی تغییر شکل داده و نسخی خالص بمیان آمده است که در نسخه تفسیر ابوبکر عتیق سور - آبادی ۵۲۳ هـ ۱۱۲۸ م بخط محمود بن کرگین ترکی دیده میشود (نسخه خطی اندیا آفس لندن طبع عکسی تهران ۱۳۴۵ ش (شکل ۷) ولی در نسخه خطی المختصر من کتاب الوقف تحریر عبد الله بن علی در ۵۲۶ هـ ۱۱۳۱ م برای ابوبکر عتیق بن محمد بن خسرو (کتاب خانه مرحوم محمد شفیح لاهوری) هنوز هم آثار کوچک کوفی در بین نسخی باقیست (عکس ۷۲) و با یدمو جب رسم الخط بسیار مهذب نسخی هدایة المتعلمین مکتوب ۴۷۸ هـ (نسخه بادلیان اکسفورد) رواج نسخی رادر کتب از او سطر بن پنجم هجری حساب کرد (شکل ۷۰) چون در حدود (۴۷۰ هـ) درجه تهنذ یب و زیبایی نسخی رادر این کتاب می بینیم ، باید خط نسخی متمایل به کوفی ۲۳ صفحه با قی مانده داستان وامق و عذرای عنصری (شکل ۷۳) را مربوط بدوره نسخی + کوفی در حدود (۴۵۰ هـ) بدانیم که نمایندگانه یک دوره خط در افغانستان (۱)

از رسم الخط قرآنی که در سنه ۵۸۴ هـ بخط محمد بن عیسی بن

(۱) این اوراق را مر حوم پر و فیسر محمد شفیح لاهوری در بین دفتین کتاب کهنه المختصر من کتاب الوقف یافت و تشخیص کرد که از نسخه گم شده وامق و عذرای عنصریست و درین ۲۳ ورق کهنه خطی ۳۵۳ بیت آن مثنوی محفوظ است . پرورق اول یک فهرست کتابهای مملو که صاحب سری زکی بن محمد بن علی عبدالحمید البامیا نی بخط تعلیق ابتدایی نوشته شده ، و باید که اصل نسخه مثنوی هم در افغانستان یا بامیان نوشته شده باشد ، که در ملک همین شخص بامیانی بود. اصل عکس این اوراق با شرح و تعلیق پروفیسر مرحوم در ۱۹۶۷ م از لاهور طبع و نشر شده است.

علی نساپوری برای سلطان غوریات الدین محمد بن سام نوشته (۲ مجلد موزه ایران باستان) پدیدمی آید که در خط نسخی شیوه های ریحان و رفاع و توفیح بهم آمیخته شده است (شکل ۷۴)

در کتابخانه خطی کابل مجموعی رسایل متفرقه موجود است که از بمیان بدست آمده و در سنه ۶۱۱ هـ بخط دولتشاه بن حبشی نو لکسی نوشته شده و خط آن نسخی دور از شیوه هنر یست و آثار کوفی در آن مشاهده نیست و ازین برمی آید که از همین اوقات شیوه نسخی و تعلیق آمیزش یافته بود (شکل ۷۵)

در قرن ۱۱ و ۱۲ که آسیای میانه و خراسان در تحت اقتدار سیاسی غزنویان - سلجوقیان - خوارزمشاهیان - غوریان بود، هنر خط نویسی کوفی و نسخی و ثلث بافروغ آنها در خراسان فراوان پرورش دیده بود، و اگر ما بقایای این نوع خطوط را در غزنه و هرات و بست و بلخ و مشهد و سمرقند و دیگر بلاد خراسان - بمعنی و سیح آن وقت - بینیم می فهمیم که قرن ۱۲ زمان ریحان هنری خطوط عربی است که خامه هنروران چیره دست خراسان، این هنر ارزنده و بدیع را از نساپور تا بخارا و سمرقند و شاش و طراز و غزنه و وینهند کنار سند پرو رانده است. حتی بهمت غزنویان و غوریان افغانی این متاع گرانبها در اواخر قرن ۱۲ بقلب هند و دهلی نیز رسیده بود. که در سنه ۵۹۶ هـ ۱۱۹۹ م یک کاپی منارجام غور در مسجد قوه الاسلام بنام منار قطب ساخته شد (شکل ۷۶) که اینک بحیث نمونه نفوذ هنر و رسم الخط تزئینی خراسانی تاکنون در دهلی باشکوه و وقار عظیمی ایستاده و ما می بینیم که بعد از مدت سه قرن هنر خراسان از هرات و غور و غزنه بقلب هند نیز رسیده بود و در تحت اثر قوی محرکات سیاسی و عقیدوی و اقتصادی گسترش و نشو و نما می یافت و اغلب شاهان و مقتدران می خواستند باینای کاخها و منارها و مساجد مجلل و مزین مراتب قدرت خود را تبارزدهند و بران ابنیه معظم بجای نساویر انسانی، خطوط نظریبای بسیار زیبا و نقوش مواد غیر حیه را بنویسند و برای این کار خط کوفی برازندگی تمامی داشت. و حتی تماما بشکل گل کاری و نقاشی بدیعی درآمده می توانست.

خط کوفی با انواع متکامل خود در اینیه بصورت تزئینی و در نسخ و قرآن و کتب دیگر مقارن با خط نسخی نشو و نما نمود، و تا آغاز قرن ۱۳ و خروج مغل در تمام کشورهای اسلامی بافروغ خود مورد

استعمال و تبارز هنری مردم بود. مثلا در کتب مرفد ملك غياث الدين عوری در مسجد جامع هرات رقاع زرخانی بسيز زيبا و ناهي برابنيه رقاع و ريحان و نلت و محقق و نلت خاص نتيبه نو يسي با الف هاي كشيده و هم محقق شجری و نلت صغرا و نلت تعليق نما و ديگر شيو عاي مخلوط اين خطوط ديده ميسود و هم خط نسخي انقذ ز مهد ب و پرورده كر ديد كه شكل كامل هنري را گرفت و نمونه آن در قرآن خط عبدالله صير في ۷۲۰ هـ ۱۳۱۹ م كنجينه مشهد رضوي ديسده ميشود. (شكل ۷۷)

اگرچه چنگيزيان در مدت نيم قرن اول خروج خود، بسا ابنيه ز كتابها را در سمرقند و بلخ و مرو و نسا بوز و هرات و سيستان و ديگر بلاد معمور آنوقت از بين بردند و درين جمله هنرمندان و علما نيز تلف شدند و برخی به ممالك دو ر دست عثمانی و هند گريختند، ولی بعد از يك قرن حکمرانان مغل نيز با ثقافت و هنر خراسانی در ماوراء النهر و افغانستن و ايران آشنا يي يافتند، و درين ميانه برخي از حکمرانان محلي مانند آل کرت هرات و امراي پارس از در مدارا با مغلان پيش آمدند و به حفظ هنر و کلتور خود توجه کردند. چنانچه از آثار اين دوره در هرات نمونه هاي نرانيها ي خطاطي بر مقابر و ابنيه دوره آل کرت باقيست و اين آثار هنري را مايك حلقه وصل و پيوستكي هنري بين دوره قبل از مغل و آغاز نسانس هنري تيموريان ميدانيم، كه مواريت گرانمايه هنري مردم عصر غزنويان و سلجوقيان و غوريان را به رنسانس تيموريان انتقال داده اند.

از آثار خطاطي اين دوره خط نيمت عالي بشيوه قديم بر لوح مزار خواجه شهاب الدين عبدالله غا ورداني هرات است در سنه ۷۴۴ هـ ۱۳۴۳ م و خط توقيع نماي مزار جواني در خاك شيخ ابو العلاء در محرم ۷۵۹ هـ ۱۳۵۷ م و خط توقيع تعليق نما بر مزار طغرل بن اميران فوشنجي در رباط پي غربي هرات از ۷۵۶ هـ ۱۳۵۵ م و خط رقاع تعليق نماي سلطان شاه در سنه ۷۷۷ هـ ۱۳۷۵ م بر ظرف هفت جوش جامع هرات كه با مر سلطان غياث الدين محمد کرت ساخته شده است (شكل ۷۸)

فرا موش نبايد كرد: كه در مدت پنج قرن اول دوره اسلامي، هنگامي كه خط كوفي با انواع آن در عراق و خراسان و ماوراء النهر پرورده ميشد، يك شيوه خاص شمالي آن از قفقاز تا خوارزم در شمال وجود

داشت که پیچیدگی و ابهام و اعوجاج خاصی در آن مشهود است و نمونه قدیم آنرا در سال ۴۷۱ هـ ۱۰۷۸م بر کتیبه چهار سطری مسجد الرشید بن محمد بن ابی بکر در باکو توان دید (شکل ۷۹) و بعد از آن بر کتیبه آرامگاه یوسف بن کبیر در ۵۵۷ هـ ۱۱۶۱م نوعی از این شیوه دیده میشود (شکل ۸۰) و بقایای همین روش مهذب شده بر لوحه قبریست که در ۶۷۰ هـ ۱۲۱۷م کنده شده (۱). و هم در اور کنج کهنه در قرن ۱۲ بالای مدخل عمارت مشهور به قبر فخر الدین رازی (۲) نوعی از آن در کنده کاری کل بخته با نقوش ظریف گل و بونه موجود است. (شکل ۸۱)

حدسی من اینست: که این نوع کوفی نویسی شمالی قفقاز و خوارزم مبداء خط ناشناسی است که نمونه متأخر آن در یک مصحف مشهد رضوی موجود است و دانشمندان گلچین معانی آنرا «خط بابری» اختراعی محمد بابر شاه موسس سلسله تیموری هندی دانند.

خط بابری:

مورخان دوره تیموریان هند مانند عبدالقادر بدایونی در منتخب التواریخ و علاءالدوله قزوینی در نفایس المآثر و ابوالفضل در اکبر نامه و خواجه نظام الدین احمد هروی در طبقات اکبری و خود بابری در تریک خود خبر میدهند: که این پادشاه (۸۸۸-۹۳۷ هـ ۱۴۸۳ - ۱۵۳۰م) خطی اختراع کرده و نسخه قرآن بدان خط نوشته و به مکه فرستاده بود (۲).

در کتابخانه مشهد رضوی مصحفی بخط ناشناخته با کاغذ و تذهیب کشمیری موجود است (نمبر ۵۰) وقفی شاه حسین صفوی در ۱۱۱۹ هـ که نخستین بار در نامه آستان قدس (نوروز ۱۳۴۴ ش) معرفی شد. و دانشمندان گلچین معانی آنرا بهمان خط اختراعی بابر شاه شمرد (۳).

در تحقیق این خط میرمن دانشمند صباحت عظیم جانوا رئیس موسسه تحقیقات شرقی اکادمی او ز بک (تاشکند) در جنوری ۱۹۶۴ به

(۱) مسلم کالگرافی ۲۲-۲۳

(۲) منتخب اراک ۳۴۳ و اکبر نامه ۱۱۸۱ و طبقات ۲۷۲

(۳) گنجینه قرآن ۱۷۸

مجلس بیست و ششم بین المللی مستشرقان در دهلی مقالتی تقدیم داشت که باین خط را در سنه ۹۱۰ هـ ۱۵۰۴ م اختراع کرد و نمونه الفبای آن در کتاب خطی عجایب الطبقات محمد طاهر بن قاسم موجود است که در سنه ۱۶۴۵ م در بلخ بامر سید ندر محمدخان تالیف شده، و نسخ متعدد خطی آن در کتابخانه تحقیقات شرقی آکادمی علوم اوزبکستان محفوظ میباشند. (۱)

درین مقاله عکسی از عین نسخه خط بابری داده شده (شکل ۸۲) که ابتدا بانسخه مصحف آستان قدس (شکل ۸۳) برابری ندارد (۲) و اشکال حروف عجایب الطبقات کلیدی برای حل اشکال حروف این مصحف شده نمیتواند و مابین اشکال هر دو متن را در (شکل ۸۴) نشان داده ایم.

بهر صورت مبدأ خط مصحف مشهور ضوی بیقین معلوم نیست، ولی شباهت تام آن با خط با لای در ب عمارت اورگنج (شکل ۸۱) بنظر می آید و شاید ربطی باشیو شمالی قفقازی داشته باشد.

(۱) مجله سنترل ایشیاز یو یو جلد ۷ ص ۲-۱۹۶۴ م
(۲) عکس چهار صفحه این مصحف شریف بوسیله جناب آقای محمود فرخ دانشمند و شاعر معروف خراسان بمن رسیده است که در اینجا از ایشان صمیمانه تشکر میکنم.

دوره عروج خطوط

در اواخر قرن ۱۴ امیر تیمور در آسیای میانه امپراتوری و سیعی تشکیل داد، که تمام ممالک ماوراءالنهر و افغانستان و ایران را در بر میگرفت. چون مردم این امپراتوری مواریث هنری دو رذ غزنویان و غوریان و خوارزم شاهیان و سلجوقیان را با آثار هنر اسلامی از غرب و هنر چینی و هندی و مغولی از شرق پیش روی داشتند، هنگامیکه شاهرخ پسر امیر تیمور در آغاز قرن ۱۵ در هرات مرکز امپراتوری خود بنشست، وی مواریث هنر را در سمرقند و هرات پرو رانید و این شهر مرکز رنسانس هنری آسیای میانه گردید و مخصوصاً هنر کتاب نویسی بمعراج خود رسید و ابنیه عظیمی که بران کتیبه های زیبا بانواع خطوط تزئینی موجود است ساخته شدند. و این مکتب هنری هرات تا اواخر عصر سلطان هنر پرور حسین بایقرا و اواخر قرن ۱۵ در هرات دوام کرد. و بعد ازان دیده میشود که هنرهای خطاطی، نقاشی، مصوری، کتاب سازی، میناسو رازین پرورشگاه رنسانس هنری به بخارا و اصفهان و تبریز و هندانتقال کردند.

درین رنسانس هنر استعداد خلاق مردم هرات و تمام ممالک امپراتوری تیموریان هرات از مرزهای چین تا تبریز کار میکرد، و بنابراین هرات را دران اوقات مرکزی باید بداشت که خلاقیت هنری تمام این مردم دران جا فعالیت داشت و هزاران هنرمند - خطاط - مصور - مذهب - نقاش - جلدساز - معمار - کاشی ساز - رنگ ساز و غیره در تحت پرورش رجال هنر خواه امپراتوری تیموریان به تخلیق آثار خالدهنری می پرداختند.

رنسانس هنری هرات آثار جاویدانی را در شقوق مختلف هنری آفرید، که این کتاب کو تا ه حوصله شرح آنرا ندارد و باید اندران باره کتابها نوشته و پرداخته آید، و لی من درینجا دو شهکار جهانی این مکتب هنر را یاد آوری میکنم:

اولین اثر خالده این دبستان نسخه خطی شاهنامه فردوسی موزه گلستان تهران است در سنه ۸۲۳ ه ۱۴۲۹م بخط جعفر بایسنغری که از لحاظ خط - نقاشی - مصوری - کاغذ - تذهیب - جلد و صحافی به تشخیص متخصصان بین المللی، گرانبها ترین کتب جهان شمرده

شده و نماینده عالی ترین مرحله کتاب سازی انسا نیست . (شکل ۸۵)

دوم مسجد گوهر شاد آستان قدس مشهد است که بهمت ملکه دربار هرات گوهر شاد و شهزادگان هنرمند و هنر دوست تیموری در ۱۲ سال تحت نظر قوام الدین معمار ساخته شده و از نظر معماری سبک خاص خراسانی و تزئین و کاشی کاری و خطاطی در زمره دوازده بنای بسیار عالی تاریخی دنیا و شهکاهای انسانی گذشته محسوبست و بنای آن در حدود ۸۲۱ هـ ۱۴۱۸ م ختم شده است . (شکل ۸۶)

چون موضوع مشخصی این جستجوی ماتنها خطاطی دوره نیموریان هرات است ، بنا برین از خلاقیتهای دیگر هنری این دوره گذشته و تنها درباره خطاطی نمی شرح میدهم :

گفتمیم که هنر خطاطی در بین ملل مسلمان از قرن ۸ بدینطرف مرا حل تکامل خود را در مدنیت اسلامی بنحو احسن پیمود و بجای هنر مصوری مکتب گندهارا و مانسی و سوابق تصویر سازی امپراتوری یونانی و ساسانی و بیزانتین و جریانهای هنر چینی و بودایی هم ایستاد و بنا برین در ابنیه دینی بطور تزئینی بکار رفت . اگر چه شاهان در کاخهای شاهی خویش گاهی دیوارهای نگارین و مصور هم داشتند که بر بقایای قصرهای لشکری بازار بست تصاویری نمایان است (شکل ۸۷) و هم بیستی مورخ دربار غزنه از یک خانه مصور و نگارینی که شهزاده مسعود در باغ عدنانی هرات ساخته بود خبر میدهد ، ولی این عمل شهزاده مورد باز پرس ورنجش پدرش سلطان محمود واقع گردید (۱) و از همین داستان می دانیم که گویا برابنیه دولتی تصاویر رنگین را با احتیاط بکار می بردند ، ولی ابنیه دینی و معابد و مقابر ازان خالی بود ، و بجای تصاویر ، انواع خطوط تزئینی و گل کاری ها و نقوش غیر جاندار را بکار می بردند که همین عامل دینی و اخلاقی محرك پرورش و ایجاد و رواج انواع خطوط تزئینی در هنر اسلامی گردید ، و هزاران نسخه خطی مزین و منقش و مطلا را از قرآن نوشتند و یا بر ابنیه خود انواع خطوط تزئینی و نقاشی های گوناگون را باقی گذاشتند و همین نظر دینی مویذ پیدایش خطوط و خطاطان بسیار ماهر چیره دست و خلاق گردید و برابنیه دینی هنر در قالب عقیده دینی ریخته شد ، و توجه به هنر خطاطی در عصر تیموریان

(۱) تاریخ بیستی ۱۲۱

بدرجه بی بود که شهزادگان این خاندان مانند بایسنقر و ابراهیم
و بدیع الزمان نیز خطاطان ما هستند.

از آغاز قرن ۸ تا قرن ۱۶ در مدت ۷ قرن از خط کوفی و نسخی
ساده اوایل دوره اسلامی شروع هنری بوجود آمد، که نامهای انواع
آن خطوط به پنجاه میرسد، و لی در قرن ۱۵ م «اقلام سته» ذیل
بطور خطوط اساسی وجود داشت:

نکار من خط خوش مینویسد بغایت خوب و دلکش مینویسد
مناشیر و محقق، نسخ و ریحان رقا و ثلث هر شش مینویسد

برابنیه و کتب دوره تیموریان خط کوفی با انواع تزئینی آن نمودار
است از جمله خط مشجر مشکو ل بیرونی کتیب گور امیر تیمور را در
سمرقند ۸۰۷ هـ ۱۴۰۴ م هم در مدرسه الغیبک ۱۴۲۰ م و مرقد
خواجه احمد یسوی در ترکستان زقرن ۱۴ هم بر برخی از ابنیه
تیموریان در هرات و بلخ و کوهستان هرات و انواع معقلی و مقفل و
هندسی آن درخشت کاریهای مسجد گوهرشاد و مدرسه الغیبک و شاه
زنده سمرقند و دیگر ابنیه آن وقت و همچنین در سرسورهای
قرآنی مکتوب این عصر توان دید. و ازین برمی آید که کوفی نویسی
درین عهد به تکامل نهایی خود در سیده بود. (شکل ۸۸)

در بهلوی تکامل و تنوع هفت قرن خط کوفی، تهذیب و هنری شدن
نسخی نیز جریان داشت و در کتابهای فارسی روش کوفی مخلوط با
نسخی در جریان این قرون دیده میشود، ولی چون نسخی جنبه
تزئینی کمتر داشت بر ابنیه آنرا نمی نوشتند و از تهذیب و هنری
گردیدن کوفی و نسخی بود که ثلث با فروع خود محقق و ریحان
و رقا بوجود آمد، و برای نوشتههای دفاتر و مناشیر خطی از امتزاج
نسخی و فروع ثلث بنام توقیع یا مناشیر رواج یافت که نوشتن
آن سهل و زود و بدون تکلفات هنری و بدیعی بود. و نمونه اینگونه خلط
و امتزاج فروع ثلث را در نسخه کتاب التفهیم البیرونی (کتابخانه
مجلس تهران) توان دید که در ۵۳۸ هـ ۱۱۴۳ م نوشته شده است.
(شکل ۸۹)

خطاطان و هنر مندان خلاق در امتزاج این شیوه ها و پیدایش
اسلوبهای خصوصی هنری در هر عصر دستی داشتند و بنا برین

امتیاز انواع این خطوط ممزوج و تعیین نام هر شیوه دشوار است. برابریه و مقایره و کتب مر بوطنسا نسس تیموریان در مملکتی که مورخ دربار آن عصر عبدالرزاق سمرقندی آنرا خراسان گوید نمونه‌های ذیل دیده میشود :

اول : انواع متعدد و متکامل کوفی که چند نمونه آن گفته شد.
دوم: ثلث بسیار بخته و متکامل مانند هفت ورق قرآن بخط شهزاده بایسنغر بن شاهرخ متوفا ۸۳۷ هـ ۱۴۳۳ (شکل ۹۰) و شصت ورق قرآن بخط شیخ محمد طفرانی تحریر ۸۰۹ هـ ۱۴۰۶ م و شانزده ورق قرآن بخط جلی ریحان و رقاع شهزاده ابراهیم سلطان بن شاهرخ تحریر ۸۲۷ هـ ۱۴۲۳ م (شکل ۹۱) و قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید متوفا ۹۲۳ هـ ۱۵۱۶ م (شکل ۹۲) و قرآن به خط نسخ و ثلث و رقاع بسیار عالی عبدالله طباطبائی مروارید متوفا ۸۴۵ هـ ۱۴۴۱ م (شکل ۹۳) در گنجینه قرآن مشهد رضوی .

بر اینیه نیز انواع متکامل و بسیار زیبای خط ثلث نمایان است مانند خطوط ثلث و ریحان و محقق و رقاع منارها و مسجد جامع و گازرگاه هرات و اینیه دیگر آن شهر و ثلث تعلیق نمای بسیار عالی لوح مزار سید حسن ابدال در قندهار و خطوط متعدد ثلث و ریحان با بایسنغر بن شاهرخ بر پهلوی ایوانها و پیشانی و گنبد های مسجد گوهرشاد مشهد در سنه ۸۲۱ هـ ۱۴۱۸ م (شکل ۸۶) اینیه دوره تیموری در گازرگاه هرات و مشهد رضوی و سمرقند و بخارا در استعمال اقسام خطوط ثلث و کوفی و معقلی و ریحان و رقاع و نسخی و محقق و توقیع مظاهر بر جسته هنر خط نویسی رنسانس تیموریان است، و از آن جمله سنگ تاریخ مصلاهی هرات بخط جلی ثلث بسیار عالی عصر شاهرخ است که در چهار سطر بزبان فارسی بامر ملکه گوهرشاد در سنه ۸۴۱ هـ ۱۴۳۷ بقلم جلال جعفر نوشته شده است (شکل ۹۴) و این شخص فرزند خطاط معروف جعفر با بایسنغر است که نمونه‌های خطوط بندر و پسر هر دو بر اینیه هرات موجود است، همچنین قبر شیخ الاسلام محمد بن احمد ۸۳۸ هـ ۱۴۳۴ م در گازرگاه خط ثلث بسیار عالی دارد. و مادر اینجا نمونه بسیار عالی خط ثلث را از بقایای بنای محرابی در هرات گرفته ایم (شکل ۹۵) که در قصبه حوض کرباس غربی شهر هرات در مسجد

کوچک کهنه یی باقی مانده است و آنرا نمونه بسیار گرانبهای خطاطی و سبک تزئین بنا از هرات دوره تیموریان گفته میتوانیم ، که شاید خط یکی از اساتید مانند جعفر یاسررش باشد .

وعم بر بالای محراب مسجد بلند و مدرسه میر عرب بخارا خط ریحان جلی بسیار عالی کتبه نویسی از قرن ۱۶ (شکل ۹۶) و بر اطراف طاق نماز گاه بخارا نمونه معقلی قرن ۱۶ (شکل ۹۷) و در مدرسه میر عرب بخارا و مسجد بی بی خانم سمر قند اواخر قرن ۱۴ نمونه

بسیار عالی جلی ثلث (شکل ۹۸) و همچنین ثلث جلی و متوسط متمایل بریحانی بولوح مرمرین حکیم ترمذی در قرن چهارده و خط رقاع ریحانی بسیار عالی در مقبره جنوبی او زگند ۱۱۸۶ م نمایان است . (شکل ۹۹)

در اینجا باید یاد آوری کرد : که از آغاز قرن ۱۴ در ترکستان شیوه خاصی در ثلث و ریحان و رقاع و نسخی بوجود آمده بود که «شیوه ترکستانی» باشد و آنرا مخلوطی از ثلث و ریحان و محقق توان گفت که نمونه آن قرآن با ترجمه ترکی چغتایی بخط محمد بن شیخ یوسف ابازی سید الخطاط ۷۳۷ ۱۳۳۶م گنجینه قرآن مشهد رضوی است (شکل ۱۰۰) و در همین گنجینه قرآن بخط ثلث شیوه ترکستان قرآنی از قرن ۱۶ نیز موجود است (شکل ۱۰۱) که این شیوه خاص ترکستانی را در خطوط قرن ۱۴ - ۱۵ در آسیای میانه فراموش نباید کرد مخصوصاً نمونه بسیار زیبای جلی متمایل به تعلیق در تاریخ یکی از بناهای شاه زنده سمرقند در ۷۶۲ ۱۳۶۰م و بر سنگ مرقد قشمر بن عباس در سنه ۱۳۳۴م بر بالای ایوان قبر بیان قلی خان در بخارا ۱۳۵۹ م. (شکل ۱۰۲) .

سوم : چنانچه گفته شد خطوط عربی در خراسان تحول یافت و در طول قرن سیزده علاوه بر اقلام سته يك قلم جدید دیگر (که کاملاً حصول ذوق و سلیقه مردم خراسان بود) متدرجاً بوجود آمد ، که آنرا تعلیق گفتند و مخلوطی بود از نسخ و رقاع و تویع و چون این خط در مراسلات سرکاری و عامه استعمال گردید آنرا ترسل هم گفتند و مولانا جامی گفت :

کاتبان را هفت خط باشد بطرز مختلف
ثلث وریحان و محقق ، نسخ و توفیق و رفاع
بعد ازان تعلیق آن خطست کش اعل عجم

از خط توفیق استنباط کردند ، اختراع
تعلیق نسبت به خطوط دیگر پیچیده بود و بنا برین فا آنی آنرا بازلف
خویان تشبیه نمود: «ای زلف تو پیچیده سر از خط تو رسم» خط تعلیق
بر کتیبه و اینیه نوشته نمی شد ، و گاهی در کتب و عموماً در مراسلات
استعمال میشد .

از صفحه اخیر نسخه خطی طبعات الصوفیه کتابخانه نا فد
باشا در استانبول که با نسخی پخته به خط دمتاش بن عبدالله در شعبان
۶۷۲ هـ ۱۲۷۲ م غالباً در خراسان نوشته شده ثابت می آید که خط
نسخی درین زمان متمایل به تعلیق کشته بود ، زیرا درین صفحه اخیر
نسخه سظوری مشابه به خط تعلیق از قلم همین کاتب دیده میشود (شکل
۱۰۳) و بنا برین آغاز تعلیق را یک قرن پیش از خروج امیر تیمور باید
دانست ، زیرا برکور همین امیر در سمرقند خطی که تعلیق نسخ آمیز
متمایل به ثلث باشد دیده می شود و هم نمونه نسخ تعلیق آمیز صفحات
اخیر نسخه اسرار التوحید کتابخانه سلیم آقادر استانبول است که در
سنه ۷۰۰ هـ ۱۳۰۰ م به خط محمد صالح برای فاضی علی جوینی در
خراسان نوشته شده ، که آن را نمونه رواج تعلیق گفته می توانیم .
(شکل ۱۰۴)

از کتیبه مرقد قثم بن عباس در سمرقند نیز پدید می آید که در حدود
۱۳۳۴ م خط نسخی و ثلث ماوراء النهر نیز به تعلیق متمایل بود و با در اشکال
(۴۹-۵۰-۶۹-۷۰-۷۵) نمونه های تحول خط نسخی و کوفی را به
تعلیق بالتدریج دیده می توانیم و شاید نمونه تبدیل تدریجی نسخی به
تعلیق همان قباله زمین باشد که دکتر هورنل Hoernle
یافت و مر گلیوت Margoliouth تاریخ آن را ۴۰۱ هـ ۱۰۱۰ م خواند (۱)
و هم بیلین Belin در کتیبه فارسی مسجد کهنه ارض روم بر
دیواری نوشته منقوری یافته بود که در سنه ۳۱۵ هـ ۹۶۰ م نوشته شده (۲) و خط

(۱) جورنال ایشیاتیک سوسائتی ۷۶۱ بابت اکتوبر ۱۹۰۳ م

(۲) همین مجله ۲۷۶ طبع ۱۸۵۲ م

مدور متمایل به مسح و نستعلیق (۶) (توفیق) داشته است. که حلقه وصل بنا کوفی زاویه دار شمرده می‌شود، و از اسناد جدیدی که در باره قدمت شیوه تعلیق بدست آمده، سطور آخرین نسخه ترائیست که در حوت ۱۳۴۸ ش از ذخیره فرآبهای آستان رسمی مشهد در یک پسخانه مسدود یافته شد و این عبارت در آخر آن به خط تعلیق حو شده میشود: «فرغ من کتبه یوم الثلث السابع من ذی الحجه روز بهمن من شهر اسفند از مدرسه خمس عشر و اربع عاشر» واقف این نسخه قرآن ابوالوعانام داشت که در همین سنه ۱۰۱۵ هـ وقف کرده است (۱). و ازین هم برمی آید که خط تعلیق در اوایل قرن پنجم هجری هم نوشته می‌شده، و هم شیوه‌های توفیق و تعلیق گاهی با هم آمیخته بود.

ازین اسناد حدس باید زد. که بادی خط تعلیق قدیمتر است و در قرن ۱۳ - ۱۴ راه خود را به رواج عمومی و هنری شدن تزئینی گشوده است. که نمونه‌های آن را در خطوط بسیار استادانه زیبای تعلیق نویسان دوره نیموریان خواجه تاج‌الدین و خواجه اختیار عروسی منشی سلطان حسین بایقرا و عبدالحمی منشی ابوسعید میرزا و خواجه عبدالله بروازید عروسی توان دید. (شکل ۱۰۵ - ۱۰۶).

چهارم: در نصف اخیر قرن ۱۴م از امتزاج و تلفیق هنری نسخ و تعلیق خطی بسیار زیبا و دارای ارزش بدیعی به وجود آمده بود. که آنرا نستعلیق گویند، و نام آن هم دلالت بر آمیزش نسخ و تعلیق دارد. اگرچه واضع نستعلیق را میرعلی تبریزی قبله الکتاب (حدود ۷۹۰ هـ ۱۳۸۸ م) دانند و خطاط سلطان علی مشهدی گفته است:

نسخ تعلیق کرخفی و جلی است

واضع الاصل خواجه میرعلی است

وضع فرمود او، ز ذهن دقیق

از خط نسخ و ز خط تعلیق

مگر به قول ابوالفضل علامی در دیباچه (مرقع شاهی) بر خسی از قطعات خط نستعلیق پیش از عصر یسوی یعنی ۷۷۱ هـ ۱۳۶۹ م

(۱) این نسخه را نویسنده این سطور در حمل ۱۳۴۹ دیده‌ام.

بنظر آمده و خود نویسنده این سطور هم نمونه های نستعلیق را پیش ازین عصر دیده ام . چنانچه کتاب مجمع النوادر تالیف محمد عوض بن بختی شوع بخط نستعلیق نگاشته ۷۸۵ هـ ۱۳۸۳ م دیده شده ، که معاصر میرعلی است در کمال نفاست و نضج ، و باید پیش ازین عصر مراتب آغاز و پختگی را طی کرده باشد . و هم نسخه خط نستعلیق بسیار مهذب و پخته زیبای طبقات - الصوفیه انصاری در کتابخانه نورعثمانیه استانبول بقلم نستعلیق نیمه جلی درویشی صوفی در ۸۳۹ هـ ۱۴۳۵ م موجود است (شکل ۱۰۷) که معاصر اواخر عمر میرعلی تبریزی باشد . و اگر واضح آن خط زامیر علی بدانیم نتوانیم گفت : که در همان عصر نستعلیق نویسان معاصرش هم بدان درجه پختگی و نضج هنری نستعلیق رسیدند . و ازین روست که غلام محمد هفت قلمی دهلوی مولف و تذکره خوش نویسان ، در حدود ۱۲۳۹ هـ ۱۸۲۳ م می نویسد : « که پیشتر از میرعلی تبریزی هم خط نستعلیق می نوشتند ، لیکن این مرد بزرگوار قواعد در خط نستعلیق مقرر نمود . » (۱) بنابراین زمان آغاز نستعلیق هنری واحد و ۷۰۰ هـ ۱۳۰۰ م تعیین باید کرد ، در حالیکه اساس آن در خط تعلیق پیش از سه قرن گذاشته شده بود .

ما سندی در دست داریم که نمونه نستعلیق نویسی را در اواخر قرن هشتم هجری بخط یک هروی نشان میدهد ، بدین معنی که نسخه خطی کتاب عجایب المخلوقات فارسی به نستعلیق خالص مورخ ربیع الاول سنه ۷۹۰ هـ در کتابخانه ملی پاریس موجود است (۳۳۲ تکمله فارسی) که در آخر آن نوشته اند : بتا ریخ غره ربیع الاول سنه ۷۹۰ بخط العبد احمد هروی عقی عنه .»

این کتاب برای کتابخانه سلطان احمد خان (شیخ اویس ایلکانی ۷۸۴-۸۱۳ هـ) نوشته شده است (یا دداشتهای قزوینی ۷-۲۰۳) بهر صورت در عصر تیمور و شاهرخ خط نستعلیق که زیباترین خطوط بوده و هم زاده قره تاناک مردم خراسان است ، در مملکت تیموریان و اوج کاملاً یافت و برابریه و کتب مستعمل گردیدند در دربار تیموریان شاگردان میرعلی که استاد و مرتب این خط

(۱) تذکره خوش نویسان ۴۳ طبع کلکته ۱۹۱۰ م

بود (شکل ۱۰۸) بعد از عبدالله پسر هنر مندش پرورش یافتند ، که از انجمله مولانا جعفر و پسر ش جلال و مولانا اظهر متوفی ۸۸۰ هـ ۱۴۷۵ م و پسرش محمد و سلطان علی بن محمد مشهدی و میر علی هروی و محمد او بهی و سلطان محمد خندان و سلطان محمد نور و دیگر مشاهیر نستعلیق نویسندگان (شکل ۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲) که بعد از قرن ۱۶ سبک نستعلیق ایشان از هرات به ماوراء النهر و ایران و هند و عثمانی نیز انتقال یافت.

نقائس آثار هنری نستعلیق نویسی برابنیه تیموریان در هرات فراوان است . مانند لوح قدیم مرقد ولانا جامی منسوب بخط میرعلی هروی و لوح مزار شیخ زین العابدین خوانی ۸۲۸ هـ ۱۴۲۴ م و لوح سنگ مرمر با خط نستعلیق بسیار جلی و عالی در رواق حوض زمزم گازرگاه هرات و قطعات سنگ مرمر مرقد هرات ۸۵۹ هـ ۱۴۵۴ م و الواح نستعلیق گازرگاه بر قبر رستم محمد خان و خط نستعلیق سلطان علی مشهدی بر گور امیر غیاث الدین منصور پدر سلطان بایقرا ۸۸۲ هـ ۱۴۷۷ م و چهار قبر دیگر شهزادگان تیموری بخط همین سلطان علی . و چند مرگیه در اندرون گنبد آرامگاه شهزاده بایسنقر در خیابان هرات و دو بیت بقلم بسیار قوی جلی نستعلیق بر مرمر سفید مرقد پیر هرات بخط حسن خان شاملو . (شکل ۱۱۴) درین عصر عموماً کتابها را به نستعلیق خوش می نوشتند و نستعلیق نویسندگان مکتب هرات ، آثار گرانمایه و شهبکار های خطی بوجود آورده اند ، که از انجمله جعفر بایسنقری شهبکار هنری خود یعنی نسخه نقیص شاهنامه بایسنقری را در سنه ۸۳۳ هـ ۱۴۲۹ م نوشت که در موزه گلستان تهران است . (شکل ۱۱۵) و هم سه ورق مجموعاً خطوط نستعلیق و ریحان و نسخی و لث و رقاع و شکسته و نستعلیق با مضای اوست در موزه ملی تهران (شکل ۱۰۹) و هم هشت نمونه دیگر خط او بر کتب و دوا این شعرا و البم هادر موزیم های دنیا موجود است .

پنجم: خط تعلیق و نستعلیق در طول قرن ۱۵ و خروج امیر تیمور در پهلوی نسخ و فروع لث در سر تاسر مملکت تیموریان رواج داشت و کاتبان دفاتر و امور عامه در ضمن جابک نویسی از امتزاج و در هم شکستن هر دو خطی بوجود آوردند که آنرا شکسته یا شکسته نستعلیق گویند.

اسلوب شکسته نو یسی نیز در طول قرن ۱۵-۱۶ رنک فنی و هنری
درفت و مامی بینیم که در عصر تیموریان هرات علاوه بر افلام سته
اساسی و دو قلم تعلیق و نستعلیق یک قدم نهم شکسته مستغلا افزود.
شد و استاد جعفر با یسنغری در اوراق نمونه خطوط مذکوره
خویش که در موزه ملی بهران است در نظر بسیار زیبا و نفیسی را
به همین شکسته نستعلیق هم نوشته است (شکل ۱۰۹) که یختگی این
شیوه زادر عصر شاهرخ میرساند. وبعد ازان میرزا فصیحی هروی ،
شفیعیای هروی و مرتضی قلی شا ملو هروی و در ویش عبد المجید طالقانی
و غیره از هنرمندان نامور این طریقه اند و برخی از شکسته نویسان
چون شیوه خاصی داشتند، آنرا شکسته آمیز و منسوب به شفیعای
هروی خط شفیعیه هم گفته اند.

ولی خط شکسته برای کتاب و کتیبه نویسی کمتر استعمال شده
و رواج آن تا کنون هم برای مراسلات عامه و دفتری بوده ، و گاهی
بظور نمونه هنری و تزئینی بر قطعات زیبا نوشته شده است (شکل
۱۱۶) .

خوشنویسان متأخر

ترباره خوش نویسان و خطاطان متأخر افغانستان چند کتاب درین باب اخیر نشر شده که شرح حال نمونه های خط خطاطان متأخر را به تفصیل نوشته و آورده اند:

۱- عمر خط در افغانستان در دوران اخیر تألیف بهائلی عزیز الدین یوسفزائی طبع کابل ۱۳۴۲ ش که خود را سابقاً معاصر هنر خط اند و درین کتاب تذکره خطاطان و خطاطان افغانستان را نوشته و نمونه های فراوان انواع خطوط خود را داده اند که از آن مهارت او در اکثر خطوط قدیم و جدید ظاهر است و قدرت خامه او مسلم .

۲- گنجینه خطوط در افغانستان زحمات آخوند میرمحمد علی هروی طبع کابل ۱۳۴۶ ش که وی نیز از اساتید هنر خطاطی است و انواع خطوط را بقلم خود نوشته است .

۳- تعلیقات پردیبا چه دو ست محمد کتابدار از مرحوم فکری سلجوقی هروی ، که کتابی مفید است و در آن ذکر برخی از خطاطان متأخر با نمونه های خطوط ایشان آمده است ، این کتاب از سنه ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ در مجله آریانا طبع کابل نشر گردیده و در سنه ۱۳۴۹ یکجا مظهر کتاب علاحه هم انتشار یافته است که قسمت اخیر آن بعد از وفات مرحوم فکری بهمت فرزند هنرمند او حسین وفا سلجوقی نشر گردیده است. این پدر و فرزند هر دو از خوش نویسان و خطاطان توانمابه معاصرند.

برای اینکه کتاب حاضر از ذک خطاطان گرانمایه متأخر و معاصر خالی نماند ، نمونه های خطوط برگزیدگان گرامی این گروه را نیز آورده ایم:

شکل ۱۱۷ : نمونه خط میر عبدالرحمن هروی استاد نستعلیق در قرن سیزدهم هجری .

شکل ۱۱۸ : نمونه خط مرحوم سید عظامحمد قندهاری استاد نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .

شکل ۱۱۹ : نمونه خط مرحوم میرزا محمد یعقوب کابلی استاد نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .

- شکل ۱۲۰ : نمونه خط مرحوم شیخ محمد رضا هر وی
استناد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۱ : نمونه خط باغلی محمد داود حسینی
استناد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۲ : نمونه خط باغلی سید محمد ایشان حسینی
استناد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۳ : نمونه خط باغلی عزیز الدین فوفلزانی
استناد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۴ : نمونه خط باغلی آخوند محمد علی هر وی
استناد خطوط در قرن چهارم هجری .
- شکل ۱۲۵ : نمونه خط باغلی حسین وفا سلجوقی جوان
هنرمند معاصر .

رسم الخط پښتو

زبان پښتو که بیش از ۱۵ میلیون گوینده در افغانستان و پشونستان دارد
با وجودیکه از سنه قدیم آریاییست ولی آثار خطی آن از زمان کهن باقی نمانده
و معلوماتی نداریم ، که قبل از رواج خط و حروف عربی (نسخی - کوفی)
این زبان چه رسم الخطی داشته است ؟

از آثار یافته شده خطوط آرامی - یونانی - دیوه ناگری - خروشمی
در باره خط قدیم پښتو سراغی بدست نمی آید .

از سنک نو شته های نوچی و جغتو و روز کان که بخط شکسته
یونانی و یک لهجه شرقی دری قدیم (تخاری) است میدانیم ، که در محیط
زندگانی افغانان خطوط یونانی و شاردان + ناگری و خروشمی رواج
داشت . ولی معلوم نیست که آثار ادبی قدیم پښتو در اوایل اسلام بکدام
خط نوشته می شد ؟

از آثار ادبی کهن زبان پښتو که از قرن ۷-۸-۹م باقی مانده رو سن
می آید . که این زبان در غز نه و غور و در بارهای سوربان غور و
نودیان ملتان و هم در قبایل پښتون کوه سلیمان ، لسان ادب و شعر
بوده . ولی از رسم الخط کهن آن ، قبل از رواج خط عربی خبری
نداریم .

در سنک نوشته بیستون پارس که با مرداریوش هخامنشی (۵۲۲ -
۴۸۶ ق م) بخط میخی و زبان فرس قدیم کنده شده ، دستون چهارم
(سطر ۶۳-۶۴) یک حماسه اخلاقی مضبوطست ، که به عقیده برخی
از دانشمندان یک قطعه سه مصرعی است ، که هر مصرع آن
شش هجا دارد . (۱)

الفاظ و کلمات این سه مصرع منظوم اگر بغور و دقت تحلیل گردد ،
باندک تحول لهجوی عینا به پښتوی امروزی بر میگردد ، و میتوان آنرا
به مصرعهای شش هجا یی پښتو تبدیل کرد ، در حالیکه اصالت
کلمات و ریشه های کهن آن بجا باشد ، و در پښتو هم امروز باندک
تحولی مستعمل !

(۱) کنجکا و بیهای علمی و ادبی طبع تهران ۱۳۲۹ مقاله دکتور معین

این سه مصراع در اصل کتا به بخط میخی چنین است : (۱)

𐭠𐭣𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩

𐭠𐭣𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩

𐭠𐭣𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩𐭥𐭥𐭦𐭩

اگر به خط امروزی بنویسیم ، چنین میشود :

نی‌اپیکه اوم (نه -یی-ا-پی- که -وم)

نی دروجنه اوم (نه-یی- درو -جه - نه -وم)

نی زورکره اوم (نه-یی- زور-که-ره -وم)

تقطیع متن فرس قدیم بخط انگلیسی چنین است :

مصراع ۱	naiy	a	rai	ka	â	ham = ۶
	نی	ا	ری	که	آ	هم
مصراع ۲	naiy	drau	ja	na	â	ham = ۶
	نی	درو	جه	نه	آ	هم
مصراع ۳	naiy zür		ka	ra	â	ham = ۶
	نی		کا	را	آ	هم

اکنون باید دید، که چگونه این متن قدیم به آسانی به پنتو بر میگردد ؟

نی (نه یی) (دهیچا اپیکی او مانع نهوم)
 نی (نه یی) درو جنه وم (نه ماد جا سره دروه در لوده)
 نی (نه یی) زور کره وم (نه پرچا زور کپ ونکی وم)
 چون اصل کتابه همه بخط میخی قدیم عهد هخامنشی است ، بنابراین

(۱) نوشته های فرس قدیم در خط میخی ۶۷ طبع دانشگاه پهلوی شیراز ، از نورمن شارپ واو لدرشن ۱۲۹ تا لیف کنت طبع امریکا ۱۹۳۵ م.

نوان کفت : که یک نمونه نو شسته کلمات و جمله بندی بسیار قریب به پښتو در خط میخی قدیم موجود است ، وهم در رسم الخط یونانی عروج عصر عروج کوشانیان در اوایل عهد میلادی در زبان تخاری بالمهجه شرفی در ی قدیم ، که بسیار نزدیک به پښتو بود ، رسم الخط برخی از کلمات مشترک پښتو و تخاری در سنگ نو شته ها باقی مانده که از آن لافل شکل مخطوط برخی از کلمات پښتو را تو ان دریافت .

مثلا در سنگ نو شته بغلان کلمات : (۱)

۵۳۱۳۵ ایند (بهره روز)
 ۵۹۲ بگ (عظیم)
 ۵۹۲ ایر (اور = آتش)
 و در سنگ نوشته روزگان :
 ۶۷۲ میر (= لمر = آفتاب)
 ۶۷۲ زمیگ (= زمکه = زمین)
 ۵۵۰ ش (۵) شاه حوی (شاهزاده)

چون بعد از دوره خطوط قدیم ، در عصر اسلامی بافتوح عربی رسم الخط کوفی و نسخی با قرآن و اسلام بافغانستان آمد ، و این رسم الخط قرآن بقایای خطوط قدیم را بشد نوسرعت در نوردید ، بنا برین با ید کفت : که اگر مطلبی را بزبان پښتو می نوشته اند ، شاید بهممان رسم الخط نو وارد کوفی یا نسخی بود .

از قدیمترین کتاب نوشته شده تذکره الاولیاء سلیمان ماکو بسن بارک خان (ساکن ارغسان قندهار) که در سنه ۶۱۲ ق تالیف شده و فقط هفت صفحه آن بدست آمده ، و در سنه ۱۳۲۰ ش در کتاب پښتانه شعراء (جلد اول طبع کابل) عین آنرا عکاسی و نشر کرده ام ، و حتما

(۱) هفت کتیبه قدیم طبع کابل ۱۳۴۸ ش از حبیبی .

کتابت بعد از سال هزارم ق است بدین می آید، که کتابهای پبنتو را
بخط زایج الوقت می نوشته اند.

حظ این صفحات تذکرة الاولیاء مخلوطی است از نستعلیق +
سخی بسیار ابتدایی و نابخمه و سازبیا ، که خواندن آن هم مشکل است،
و نوشتن این صفحات را بعد از سال هزارم قمری عجزی تخمین
نوان کرد . (شکل ۱۲۷)

اما قدیمترین کتاب دارای تاریخ کتابت که بزبان پبنتو باقیمانده ،
همان نسخه واحد خطی خیرالبیان تألیف بایزید انصاری مشهور به
بیر رویشان (۹۲۱-۹۸۶ ق) صومئ نبرد آزماي آزادخواه قون د هم
است ، که بخط فقیر بهار تویی (۱) بناریخ ۲۰ رمضان ۱۰۶۱ ق برای
بیبی خیر خانون نوشته شده و نسخه خطی واحد آن اکنون در
کتابخانه نوبنکن المان غربیست ، و خط آن نستعلیق متوسط است،
که ارزش عذری فراوان ندارد (شکل ۱۲۸)

بهر صورت از ملا حظة صفحات تذکرة الاولیاء و خیر البیان و برخی
از نسخ قدیم پبنتو که در حدود سال هزارم عجزی کتابت شده
میدانیم ، که شیوه نسخی + نستعلیق را در نوشتن پبنتو بکار
می برده اند و همین شیوه در تمام نسخ قدیم کلیات خوشحال خان ختک
& آثار منظوم و منثور دود مان او هم دیده میشود .

چنین بنظر می آید، که پیش از پیر رویشان ، مردم با رسم الخط
پبنتو کمتر آشنایی داشتند ، و چون مردم پبنتو زبان، قرنها
با حمله آوران شرقی و غربی دست بگریبان بودند، با کتاب و نوشتن
کمتر سرو کاری داشته اند ، و اندرین کیر و دار تحمل فرسا
رسم الخط پبنتو نیز مهجور مانده بود .

دولت شاعر پبنتو درباره مرشد خود پیر رویشان (حدود ۹۸۰ ق)
گوید :

افغانی لفظ مشکل و ، لوست کوپین نشه

ور ته و شوه کنند ه د یا رلس حرفونه

یعنی : «لفظ افغانی مشکل بود، خوانده و نوشته نمی شد ، پس ۱۳

(۱) در اصل توی است که آنرا سهواً طوسی خوانده اند، ولی
تویی منسو بست به توی نام جایکه در وادی ماوراء خیبر بود.

حرف آنرا برتیب داد. « و از بس برمی آید ، که اصوات مخصوص
 پښتورا باشکال خاص در الفبای عربی و فارسی جای داده باشد .
 کتاب خیر البیان بایزید به چهار زبان پښتو - عربی - فارسی -
 پنجابی تألیف شده . و در آنجا زان ، یزید ۱۴ صفحه را وقف شرح
 اصوات خاص پښتو نموده و اشکالی را بیان داشته که مادر شکل (۱۲۶)
 در ستون خاص نوشته ایم . و لسی این رسم الخط خیر البیان با نسخه
 عمای خطی مخزن اسلام اخوند درویزه که در همان عصر در مقابل
 خیر البیان تألیف شده نفا و نسی دارد ، و در شیوه خط هم اکس
 نسخ قدیم خطی مخزن برسم الخط نسخی اند . و تفاوت اشکال حروف
 خاص پښتو را در جدول (۱۲۶) ملاحظه کرده میتوانید .

در قرن ۱۲ و ۱۱ هجری دو مرکز کتاب نویسی پښتورا میشنا سیم .
 که یکی در ملتان بود و در آنجا مخصوصا نسخه های
 مخزن اسلام اخوند درویزه (متو ف ۱۰۴۸ ه) را که یکی از مخالفان
 سرسخت بایزید پیر رویشان است می نوشته اند ، و من نسخه های
 متعدد مخزن اسلام زاده ام ، که در ملتان بخط که تیان متعدد
 نوشته است مثلا در ۱۱۴۴ ق و ۱۱۶۷ ق .

مرکز دوم کتاب نویسی در کورپه ختک و مقر خاندان خوشحال
 خان بود ، که بسا نسخ خطی کلیات خوشحال خان در اینجا
 به امر افضل خان بن اشرف خان بن خوشحال خان بقلم شیخ محمد اعظم
 نو مسلم بخط نستعلیق ملیحی نوشته شده است . و از آن جمله نسخه
 بیست در حدود ۱۵۰۰ صفحه که عمین شخص بتاریخ ۱۸ جمادی
 الثانیه ۱۱۴۲ ه بامر اسد خان ختک نوشته و اکنون در نسخ خطی
 کتابخانه عامه کابل موجود است .

در جمله نسخ قدیم پښتو ، دیوان دولت مرید پیر رویشان (حدود
 ۱۰۵۸ ه) و سلوک الغزاة تألیف ملا مست زمند (حدود ۱۰۰۰ ه)
 هم در کتابخانه خطی کابل موجود بود . و هم کتابی منظوم بسبک
 خیر البیان در قندهار نزد مر حوم دوست محمد پریخ بود ، که این
 نسخه هائیز بخط نستعلیق نوشته شده اند .

در قرن ۹-۱۰ ه از هنگامیکه نسخه های خطی پښتو باقیمانده ،
 شیوه نستعلیق رسم متبع کتابان پښتو بود ولی گاهی در نسخ خطی
 مخزن اسلام اخوند درویزه عبارات پښتو را به رسم الخط نسخی و فارسی
 را به نستعلیق نوشته اند ، و بعد از آن هم تا حدود ۱۲۰۰ ه گاهی به

نستعلیق وزمانی به خط نسخ دیده میشود ، مثلا نسخه های دیوان پبنتوی احمدشاه بابا به نستعلیق خوشی موجودند (نسخه خطی کتابخانه عامه کابل و نسخه خطی کتابخانه تاشکند) ولی بعد از آغاز قرن ۱۳ اکثر نسخه هارابه خط نسخی خوبی نوشته اند. وهنگامیکه فن طباعت درهند و افغانستان رواج یافت ، نیز تمام کتب پبنتو رابه خط نسخ نوشته و طبع کرده اند ، وهم در اروپا حروف پبنتو را به شیوه نسخ زیبا ساخته اند، که نمونه آن چاپ گلشن روه تالیف راورتنی (طبع هر تفورد ۱۸۶۰م) و پبنتونخواها رو بهار تالیف دار مستتر (طبع پاریس ۱۸۸۸م) است . وهم کلید افغانی تالیف بادی هیوز (طبع لا هو ۱۸۹۳) .

در نوشتن شیوه نسخ یانستعلیق خط پبنتو با فارسی و عربی فرقی ندارد ، ولی چنانچه گفتیم پیرو بنیان در اوقات تالیف خیر البیان چند صفحه آن کتابرا به املا ی اصوات مستعمل در پبنتو اختصاص داد، و شاید این اشکال را از روایات قدیم رسم الخط پبنتو درین رساله شرح داده باشد .

اخواند درویزه نیز درباره اشکال اصوات مخصوص پبنتو چنین شرح میدهد :

و دیگر معلوم باد که چون حروف در الفاظ افغانی وهندوی ثقیل می آیند بنا بران علامتی بران آورده میشود تا معلوم گردد، که این همان حرف ثقیل است . چنانچه ب چون ثقیل شود ، سه نقطه در تحت او ایزاد گردد پ میشود. و گاهی ت چون ثقیل شود جزمک در تحت آن داده پ میشود و گاهی ج چون ثقیل شود ، سه نقطه در تحت او نهاده ج میشود ، و گاهی چون ثقیل تر شود ، سه نقطه برفوق او نهاده خ میشود . و گاهی د چون ثقیل شود، جزمک در تحت او ایزاد گردد پ میشود. و گاهی و مهمله چون ثقیل شود، جزمک در تحت آن ایزاد گردد پ میشود. و گاهی ز معجمه چون ثقیل شود سه نقطه برفوق او داده و میشود ، و چون ثقیل تر شود یک نقطه برفوق و یک نقطه در تحت ایزاد گردد ، پ میشود، و گاهی س مهمله چون ثقیل شود ، یک نقطه برفوق و یک نقطه در تحت آن نهاده پ میشود ، و گ عربی چون عجمی شود ، سرکشش کاف را اندکی طرف تحت کج کرد، ک

عجمی میشود . . ۴۰ (۱)

در املای حروف پښتو که اصوات خاص این زبان را نمایندگی میکند، و در عربی و فارسی آن اصوات نیست هشت حرف خاص موجود است :

پ - خ - خ - ح - پ - د - ز - بن - ن

ازین حروف خاص در شرح با لاذکر (خ - بن) نیست، و تامدتی حرف اول را (خ) یابدو نقطه بالا و پایین و حرف دوم را هم به شکل پ نوشته اند در رسم الخط خیرالبیان این حروف را چنین می نوشته اند :

پ - خ - خ (یک نقطه زیر شکل د) - د - ز (ز) - بن (بین دیک نقطه) - بن
اما در رسم الخط خاندان خوشحال خان چنین است :

پ (ط ز ی ر آن یک همزه) خ (ح در بین دو نقطه و یک همزه) خ (ح زیر آن همزه) د (بالای د یک همزه) د (بالای ر یک همزه) ز (ز) بن (ش) ن (بالای نون یک همزه) . (برای شرح رجوع به شکل ۱۲۶)

دواوین و کتابهای چاپ شده پښتو درین قرن اخیر تماماً به نسخی نوشته و طبع شده، و تاکنون همین شیوه نسخی در چاپ و قلم متبع است .

در شیوه نسخی پښتو ، کو چکی کشش های حروف با گردی دواویر و خانه ها و سادگی نوشته بدو ن رعایت تزئین مراعات شده و امروز استاد ترین خطاطان این شیوه جناب استاد عزیز الدین پوپلزایی است .
(عکس ۱۲۹)

در شماره های شمس النهار که بعد از ۱۲۹۰ از بالا حصار کا بل زبان دری و خط نستعلیق خوب میرزا عبدالعلی چاپ و نشر میشد نیز دیده میشود که اگر کلمه پښتوی اسمی و یا جمله ای ازین زبان در ضمن انشاء دری آید ، آنرا به نستعلیق نی ، بلکه با نسخی خوب و دلگشی می نویسند ، و لی بالعکس بر مهر سر منشی دربار امیر شیر علی خان (محمد نبی واصل) به نستعلیق بسیار زیبا و پسندیده کلمات پښتو (لوکنبل) را با دبیر الملک نوشته اند .

بهر صورت : رسم الخط متبع و مروج زبان پښتو نسخی بود ، ولی گاه گاهی با نستعلیق هم نوشته اند . و این امر البته به ذوق و مهارت کاتب مربوط بوده است .

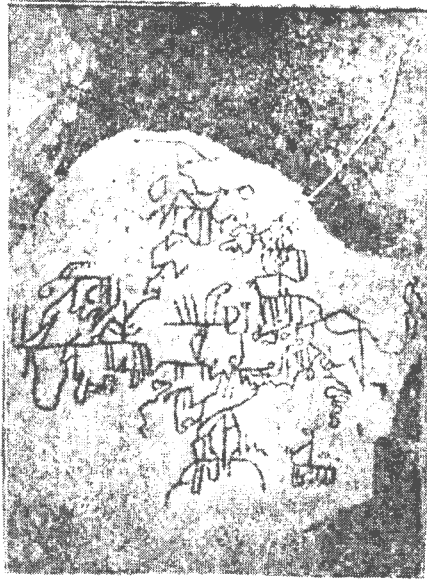
(۱) مخزن ۱۳۷ طبع پشاور ۱۹۶۹م

LynSc

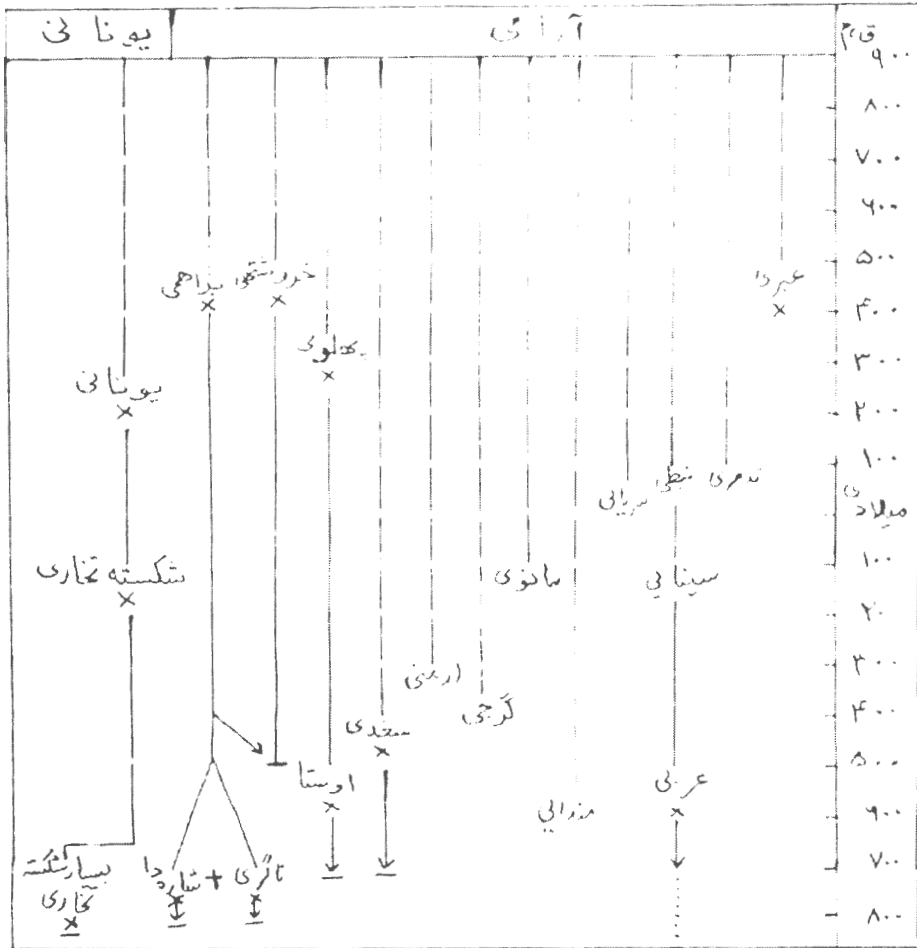
1000



↑
شکل (۶)
برصخره کوه
هزار سم
سنگان



← شکل (۱)
برصخره کوه
دره الی شنگ
لغان



شکل سوم پیدایش خطوط

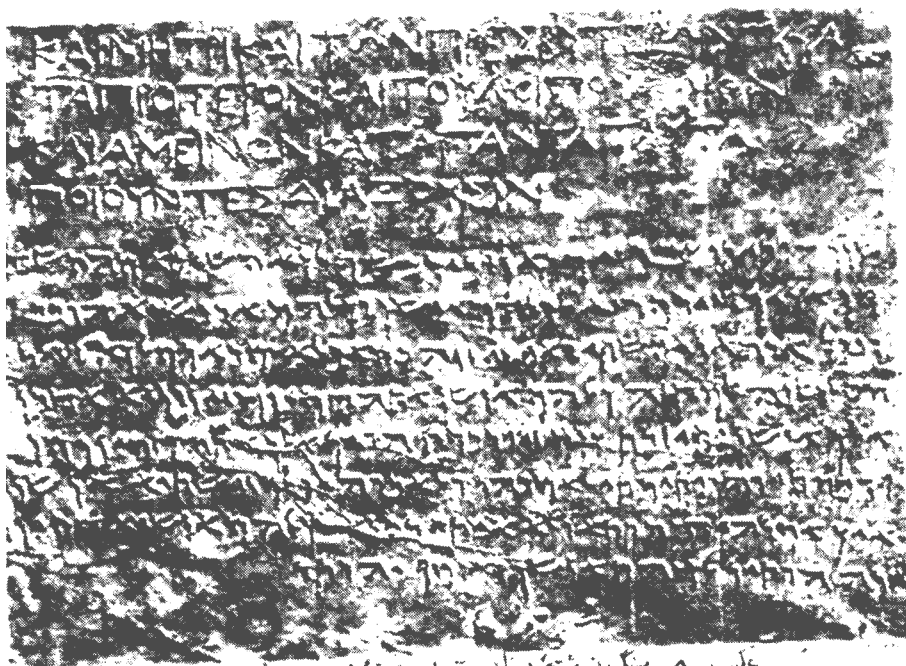
- ۱ علامت خطوطی که در افغانستان قدیم بوده
- ۲ تبدیل خطوط برایشه اصل
- ۳ دوام خطوط و تحول آن بشکل دیگر
- ۴ دوام آن تا کنون در افغانستان
- ۵ قطع استعمال خطوط در افغانستان



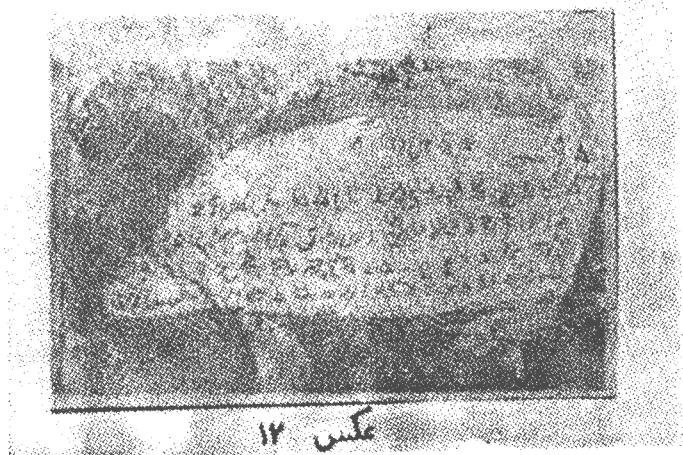
شکل ۴

کتیبه آرامی مکشوفه از تکسیلا
که چون مارشل در حفريات آنجا کشف
کرد ، و تاريخ آنرا به حدود ۵۰۰-
ق ، م ميرسانند .

عکس اين سنگ نوشته بسيار
قديم از کتاب رهنمای تکسیلا تالیف
چون مارشل گرفته شده است .



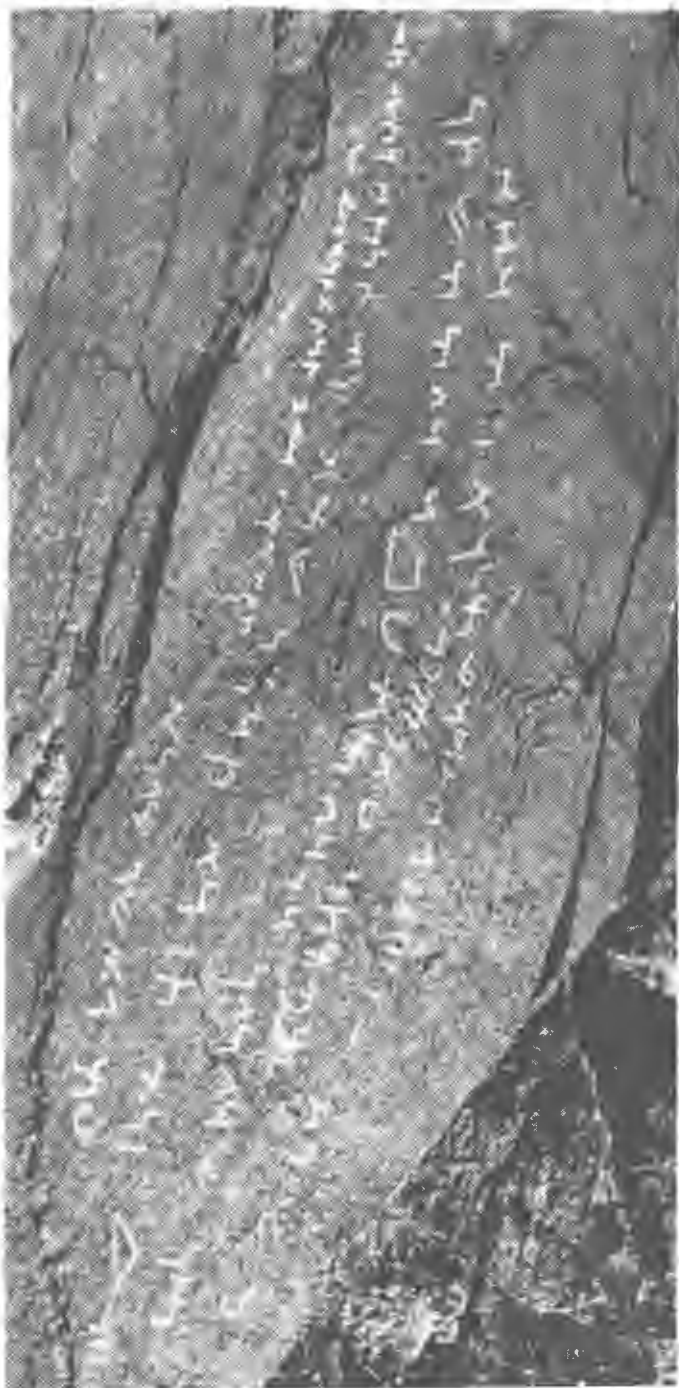
عکس ۵ سنگ نوشته یونان و آرامی اشوکا در تندهار



عکس ۱۲



سنگ نوشته آرامی درونته



۷- سنگ نوشته آرامی لقمان



کیداره ←

→ ورهران



← پیرو

عکس v خطوط بر اھی بر مسکوکات کیداریان

ΤΡΙΒΑΛΛΟΣ
 ΚΑΙ ΣΤΡΑΤΩΝ
 ΣΤΡΑΤΩΝΟΣ
 ΕΡΜΗ ΗΡΑΚΛΕΙ

شکل (۱۸) کا پی در اصل

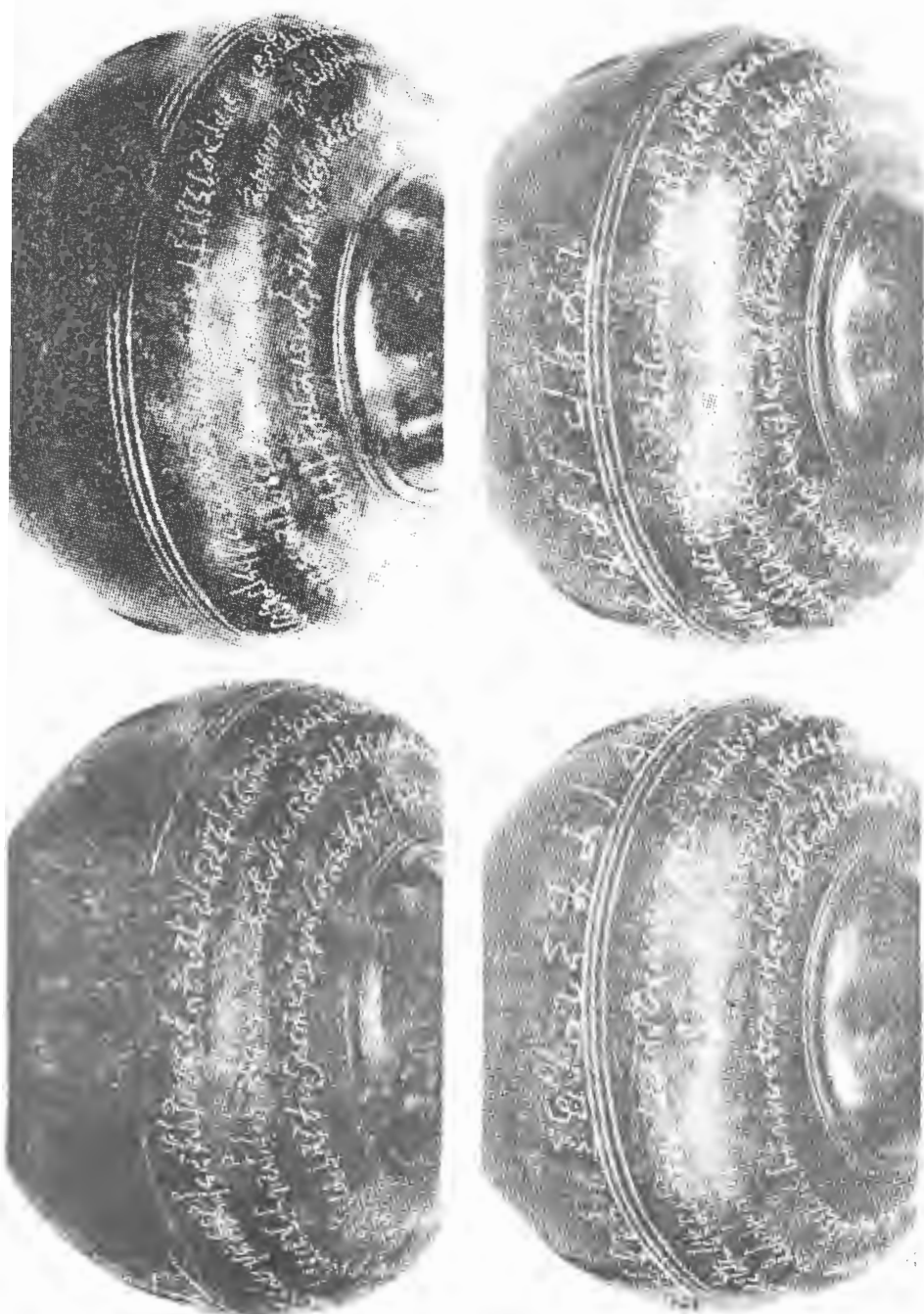
موجودہ خط یونانی قبل از میلاد در افغان سستان کہ در طرف تریپالیوس در جنوب در آئی خانم
 نوشتہ شدہ است

ΑΝΑΡΧΗΤΟΙΣ ΦΑΣΑΥΤΑΡΑΛΑΧΤΕΡΩΝΑΝΑΚΕΙ
 ΡΗΜΑΤΑ ΑΡΓΗΝΤΙΩΝ ΠΥΘΟΙΕΝΗΓΑΘΕΑΙ
 ΕΝΕΒΕΤΑΥΤΩ ΛΕΠΡΧΟΣ ΕΠΙΦΡΑΔΕΛΣΑΝΑΤΡΑΥΑΣ
 ΕΙΣΑΤΟ ΤΗΛΑΥΓΗΝΗ ΕΟΥΕΝ ΤΕΜΕΝΕΙ

ΠΑΙΣΛΗΚΩΣ ΜΙΟΣ ΕΥΒΟΥ
 ΗΒΩΝΕ ΓΚΡΑΤΗΣ
 ΜΕΣΟΣ ΔΙΚΑΙΟΣ
 ΠΡΕΣΒΥΤΗΣ ΕΥΒΟΙΛΟΣ
 ΤΕΛΕΥΤΩΝΑΛΥΡΟΣ

شکل (۱۹) کا پی در اصل

کتیبہ 'پتیریکی' یونانی در آئی خانم، ولایت تخار شمال شیرازی افغان سستان



شکل ۱۱ نوشته های خروشته‌ی برطرف‌مکشوف از خوات وردگن

شکل ۱۳. حروف یونانی در نوشته های مکتوبه افغانستان				
عدد	یونانی	کتوبه	الکسیه	امثله
۱	Α α Δ δ Α Δ Ο ο	آ-آ فتحه	A - A	ΒΑΓ (تا) ΤΑΔ- (تا) ΒΑΓ (خان) γαν (خداوند)
۲	Β β ϐ ϑ	ب	B	Βοσαρ (بوسر) (نام) ΚΑΜΟΒΑΡΓ (بید) (نامور) ΚΑΜΟΒΑΡΓ (نامور)
۳	Ρ ρ ϱ ϰ	پ	P	ΡΟΥΡ (پور) (پور) ΒΑΓΡΟΡ (پور) پور ϰΟΡ پخپور
۴	Φ φ ϕ ϕ	ف	F	ΦΡΕΙΣΥΑΡ (پرستار) ΦΑΡΡ (پر) (پر) ΦΡΟΜΑΝ (فرمان) ϕΖΡϑ (بزرگ) (بزرگ)
۵	Τ τ ϰ ϱ	ت	T	ΤΑΔ (ستاد) (استاد) ΑΟΤ (اوت) (واو عطف) ΑΟΤ (پر) (پر) Δοοσαρμα (بزرگ) ΒΣΤΑΝΙΔ (بسترا نید) (گسترانید)
۶	Θ θ ϑ ϑ	ث-ث خ	TH	ΘΑΡΓΓΗΘ (اسکیت) (سنگی)
۷	Χ χ ϰ ϱ	خ	KH	ΧΡΟΠ (خشون) (سلطنت) ΧΑΡΑΝ (خاگان) (خان)
۸	Δ δ ϑ ο	د	D	ΚΙΡΔ (کرد) (ساخت) ΚΙΡΔ (کرد) (دوره) (تقویت)
۹	Ρ ρ ϱ ϰ	ر	R	ΧΙΡΟΜΑΡ (خرگومن) (خرمین) ΡΕΑΟ (سرای) (سرای) (دور)
۱۰	Ζ ζ ϱ ϰ	ز	Z	ΖΑΖ (از) (از) (زول) ΖΑΖ (از) (از) (زمین)
۱۱	Σ σ ϱ ϰ	س-س خ	TS	ΣΧ (سوی) (پیر) (سوی) ΣΧ (سوی) (سوی) (زاو)

۹۵) ساد (جاه) موروم سنکه (جامعه) ۵۰۵۰۵ سرای ۵۵۵ سر	S	س	С Э С С < Л ۲ ۲	۱۲
۹۸) سا (شاه) ۵۵۵۵ اشک (هستم) ۵۵ شاه ۵۵۵۵ X ۵۵۵۵ خشون	SH	ش	Ш ۵ ۵ ۵ X ۵ ۵ ۵	۱۳
۹۱) سال (بناد) ۵۵۵۵ کونسا	X	س	Ш - ۵ X	۱۴
۹۵) کید (آه) ۵۵۵۵ کله (نام) ۵۵۵۵ کله ۵۵۵۵ کله	K	ک	К С К X ۵ X	۱۵
۹۲) گ (یک) ۵۵۵۵ گومل (بیلوان زاده)	G	گ	Г ۲ ۲ ۲ Г ۲ ۲	۱۶
۹۳) ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ تغییر ۵۵۵۵ الخ	GH	ع	Г ۲	۱۷
۹۴) ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ (بغلان) موروم سنکه (جامعه)	NG	نگ	Г ۲	۱۸
۹۵) مال (وقت) ۵۵۵۵ الخ ۵۵۵۵ مالیر (تھا در)	L	ل	Л ۲ ۲ ۲ X ۲ X	۱۹
۹۶) ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ (فرمان) ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ ۵۵۵۵	M	م	М ۲ ۲ ۲ ۲ ۲	۲۰
۹۷) ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ (مهره ور) ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ (بنایین) ۵۵۵۵ کوسان	N	ن	Н ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲	۲۱
۹۸) ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ (پور) ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ (تقوی)	H	ع	Х ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲	۲۲
۹۹) ۵۵۵۵ (هست) ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ (بدین) ۵۵۵۵ (اور) آتش) در کتیه سرح کومل بغلان ۵۵۵۵ ۵۵۵۵ (خدائی)	E	س	Е Е Е	۲۳

<p>ω^εαδ ω^εαδ (صفا) (۱) ω یک (یک) ω^εαδ (نیایش)</p>	ω	و	ω ω	۲۴
<p>۱. و او خفیف مانند Xωαδh خوردی (خدا - شاه) ω^εαδ ۲. ضمیه: مانند κα^εαδh^εکنک (در حالت اضافی) ω^εαδ^εω^εαδ^ε بزرگ ۳. و او معروف: مانند ω^εαδ^εپور π^εω^εαδ^ε (نجات دهنده) مهمه د گوئل (جای) ۴. الف مضموم: مانند ω^εαδ^ε - ω^εαδ^ε اوت - اود (و او عاطف - و) ۵. فاصله بین کلمات: مانند ω^εαδ^εω^εαδ^ε (شاه بزرگ) ۶. خاتمه کلمات: مانند ω^εαδ^ε (ما) (ماه) ω^εαδ^ε (آب) ω^εαδ^ε (عظیم)</p>	<p>0 u</p>	<p>و ا - ضمه</p>	<p>0 ε 0 ε ε ε</p>	<p>۲۵</p>
<p>Xωαδh خودی κα^εαδh^εکنشکی α^εαδh^ε اندیز (فراوان)</p>	ا	ی کسره	h	۲۶
<p>۱. کسره: HIA پد (به) KIA کد (که) ω^εαδ^ε (معبد) ۲. اصناف و نبوت بعد از نام ω^εαδ^ε Bω^εαδ^ε Bω^εαδ^ε گرت یعنی پس شیرو گرت ۳. ری معروف: ω^εαδ^ε (بزرگ) خبره ویا ω^εαδ^ε (بزرگ)</p>	"	"	<p>ا) ر (ا x</p>	<p>۲۷</p>

1. 2. 3. 4. 5. 6. 7. 8. 9. 10. 11. 12. 13. 14. 15. 16. 17. 18. 19. 20. 21. 22. 23. 24. 25. 26. 27. 28. 29. 30. 31. 32. 33. 34. 35. 36. 37. 38. 39. 40. 41. 42. 43. 44. 45. 46. 47. 48. 49. 50. 51. 52. 53. 54. 55. 56. 57. 58. 59. 60. 61. 62. 63. 64. 65. 66. 67. 68. 69. 70. 71. 72. 73. 74. 75. 76. 77. 78. 79. 80. 81. 82. 83. 84. 85. 86. 87. 88. 89. 90. 91. 92. 93. 94. 95. 96. 97. 98. 99. 100.

۱۰۰ کتب و ۱۰۰ کتب



شکل (۱۵) سنگ نوشته اول روزگان

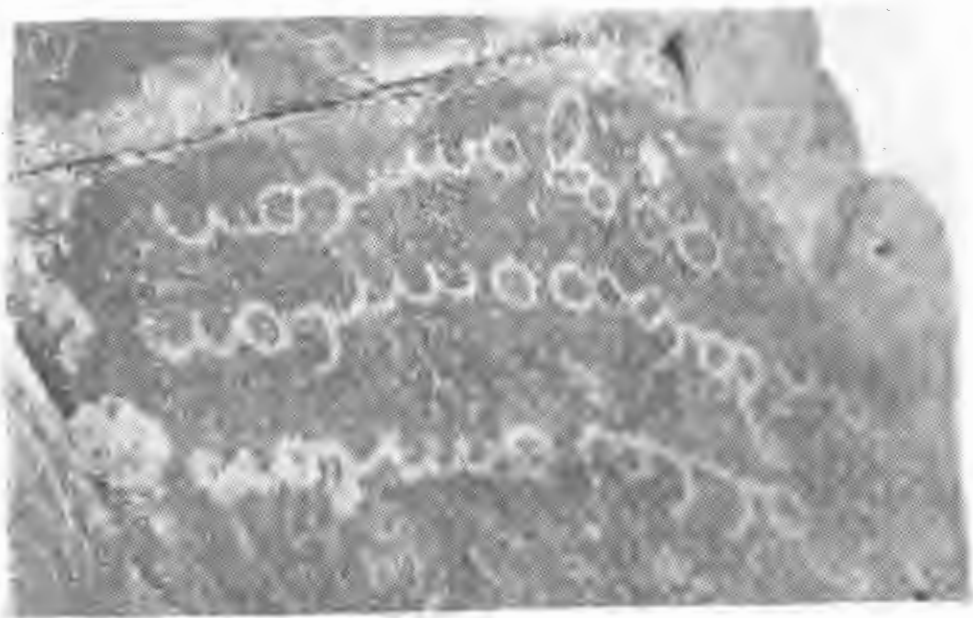


کتیبه دوم روزگان

| | | | | | | | | | | | |
|---|---|-------|-----|------|-----|------|-----|------|-----|---|--------------------------------|
| ۱ | [| bozro | (۵) | pa | (۵) | zōōō | (۵) | pyrd | (۵) |] | دوخوانش
نوشته اول
روزگان |
| | | pyrd | (۵) | zōōō | (۵) | | | | | | |
| ۲ | [| patka | (۵) | pa | (۵) | zōōō | (۵) | pyrd | (۵) |] | |
| | | pyrd | (۵) | zōōō | (۵) | | | | | | |

| | | | | | | | | | |
|---|-------|-----|-------|-----|------|-----|------|-----|-----|
| ۱ | patka | (۵) | patka | (۵) | zōōō | (۵) | pyrd | (۵) | ... |
| ۲ | + | | | | zōōō | (۵) | | | " |

دوخوانش نوشته دوم روزگان ↑



NAMW (0) BOD

NAMW (0) DHARMA

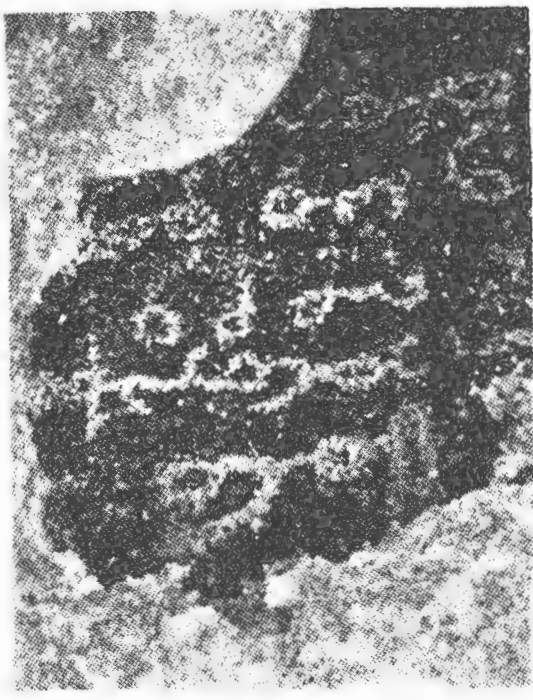
NAMW (0) SANGA

عکس ۲- نوشته اول

جفتو بحروف انگلیسی



جفتو
دوم
عکس
عکس



عکس
عکس
عکس
عکس
عکس

Boke
Doroshpa
no p (o)
ej no pa (o)
ator

←
نقل خطی عکس ۱۶
نوشته دوم جفتو



شکل ۱۷ يك حصه سنگ نوشته دشت ناور

1. (OM NAMAH SAMVAT SARE ASHTATRIMSAM) TITAME
SAMVAT 38 BHADRA -

2. (PADA MASA SUKLA PAKSHA SAPTA) MYAM SUDI TATRA

3. DIVA - (SE) MAINA - CHANDRA BHUPA *

4. SA YA DDA

5. KULA - NARAPA KHOJANA - PUTRA

1-2 (a) XSHON (a) X + i ÷ B ÷ MAH (a) ASHAG (a)

MAHSHAN (a) M... NIBIXT (a)

3-GOMAL (a) BAQ (a) POR (a) WIG (a) MINAM (a)

GOMAN (a) KALD (a) BO-

3-STARANIDAM KIRD (a) GILIRANIDAN (a)

MALIZ (a) OD (a) NIBIXT-

4-BIHAR (a) FZRAQ (a) BOSTARANID (a)

FROMAN (a) GOKA....

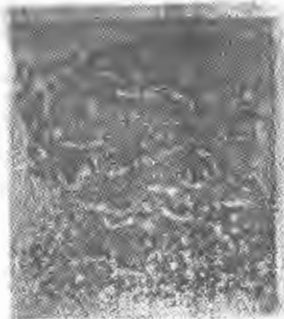
5- STAR (a)

مربوط شکل ۱۹
خوانش متن
تغاری کتیبه
تغاری انگلیسی

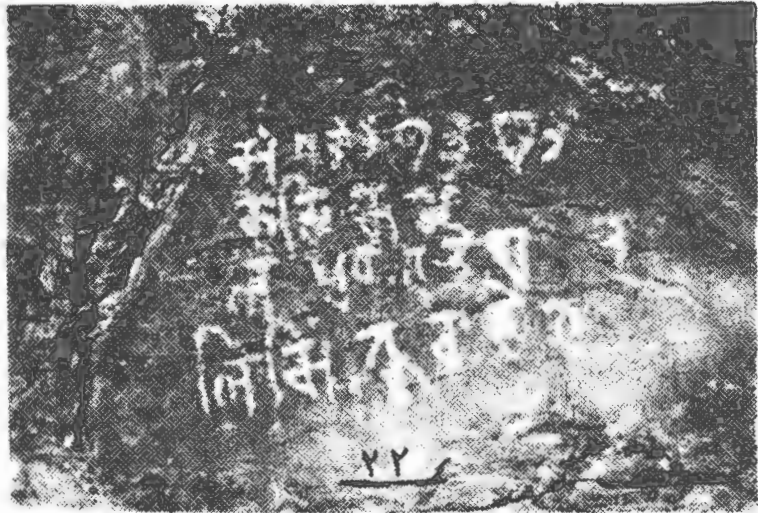
مربوط شکل ۱۹
خوانش قسمت
سنسکرت طرف
جیب نوشته
تغاری

- 1- Z (0) XSHON (0) X ÷ J ...
- 2- E ÷ MAH (0) WIG (0)
- 3- WRMZD (0) OD (0) MIR (0)
- 4- HALD (0) KIRD (0) KOSHÂN (0) Geo-
- 5- MAL (0) BÂG (0) PAR (0) STAR (0)
- 6- GOMAN (0) (Geo)KAD (0) SHAH (0)
- 7- (B)OSAR (0) ----- XĀÂN (0)
- 8- MAN (0) XĀN (0) KAZAL (0)
- 9- SĀUND (0) SARĀI (0) BOST-
- 10- ARĀNID (0) FROMĀN (0)
- 11- STAR (0)

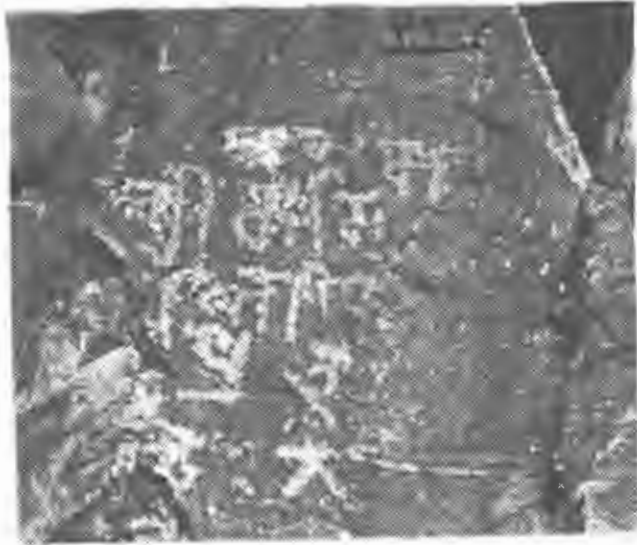
مربوط شکل ۲۰ خوانش سنگ نوشته نمبر ۲۰ بحروف انگلیسی



عکس ۲۱ متن تزاری ←
برسنگ پارچه جدا شده
از کتیبه سوم توجی



شکل ۲۲ نوشته دیوه ناگری لغمان نزدیک نوشته آرامی نمبر ۷



شکل ۲۳ نوشته دیوه ناگری لغمان نزدیک نوشته آرامی نمبر ۷

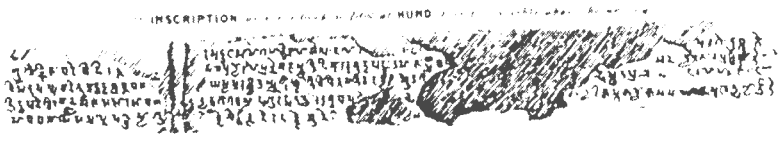
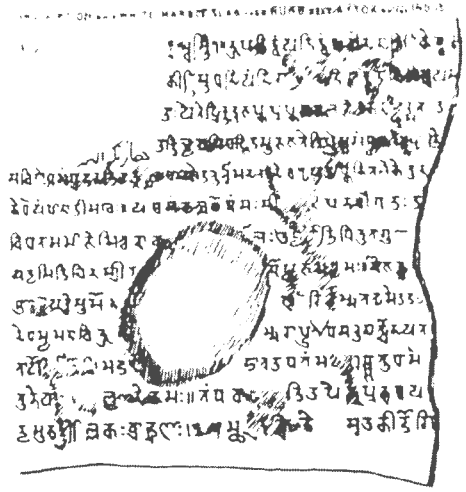


شکل ۲۴ سنگ نوشته عربی و سنسکریٹ توچی

1. (OM NAMAH SAMVATSA) RE DVĀRĪMSATI
2. (TA. ME) SAMVAT 38 KĀRTI -
3. (KA) MĀSA BAHULA TITHAU DVI (TI-
4. (YA) YĀM VADI & ATRA DIVA-
5. (SE) ----- (۱۰۱)

ترجمہ
 اوم . سلام . در سال ۳۶ سمودرما
 کارتیکہ (ستمبر و اکتوبر) بروز
 دوم نصف تاریک .
 پنجمین روز

خوانش و ترجمہ نو شتہ سنسکریٹ نمبر ۲۴ تو چی کہ
 زیر نوشتہ عربی ۲۴۳ ق نوشتہ شدہ است .



شکل ۲۵ دوسنگ نوسته دیوه ناگری ویهند از کتاب کابل
 الکسنر بر نس

حدید در دست راست و طلا در دست چپ (۱۳۳۳ هـ)

نمونه خط پهلوی ساسانی بر سکه اردشیر یکم در حدود ۲۲۴ م که چنین خوانده میشود: مُرد یَسْتی بَی اَرَشَتِی مَلان مَلان اَبیران مَنو شتر من بیزدان یعنی: خدایپرست خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران که تبار او از اعدایان است. (سنگ شناسی ۱۳۶)

پسند کرد و در دست راست و در دست چپ (۱۳۳۳ هـ)

بسم الله الرحمن الرحیم (۱۳۳۳ هـ)

۱۳۳۳ هـ (۱۳۳۳ هـ)

نمونه خط اوستا (دین دیره) از نسخه خطی پارسا که در سنه ۷۷۴ هـ ۱۳۳۳ م بخط مهریان کهنه نوشته شده و در کوپه‌هاگ موجود است و تاکنون نسخه قدیمتر کشف نشده است. (گاتها ۵۶)

شکل (۲۹)

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, consisting of approximately 15 lines. The text is densely packed and appears to be a continuous passage. Some characters are underlined or have small marks above them, possibly indicating specific words or grammatical structures. The script is somewhat difficult to decipher due to its cursive nature and the quality of the reproduction.

۲۴ منجای از اوستا (بستا) محفوظ در اکسفورد

| | |
|---|---|
| <p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا الْقَلْبُ
 لِدِينِ اللَّهِ بِنِجْمِ الْحَجَّازِيِّ اللَّيْلِيِّ أَغْفِرُ لَكَ
 وَإِذَا خَلْتَهُ فِي رَحْمَةِ مَلِكٍ وَأَتَى مَعَهُ
 اسْتَغْفِرُكَ إِذَا قَرَأَ هَذَا الْقَلْبُ
 وَفِي أَمِينٍ وَكَيْفَ هَذَا
 كَلَّمَ (الْكَتَابُ) فِي جَدِّي الْآ
 خِر (د) مِنْ سِنْتِ أَحَدِي وَ
 ثَلَاثِينَ .</p> | <p>سَمِ الْاَلَا الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْقَلْبُ
 الْاَلَا الدَّخْرُ الْاَلَا حَلَا الْعِلْمِ الْعَمَلِ
 ١٨ د حَلَا فَرْدِي د ١٥٥٥ ١٥٥٥
 ١٥٥٥ ١٥٥٥ ١٥٥٥ ١٥٥٥ ١٥٥٥
 وَ كَلَّ اَمْرِي وَ كَيْفَ هَذَا
 لِكَلِّ اَمْرِي وَ كَيْفَ هَذَا
 حَرَمٌ سَلَّمَ اَهْلِي
 الْقَلْبُ</p> |
|---|---|

نسخة خط عربي بريك لوجه قبر، موجود در موزه قايمره، منقود سنة ١٣١٥ هـ
 (تاريخ اللغات السامية ٢٠٣)
 شكل (٢٧) ٣٨

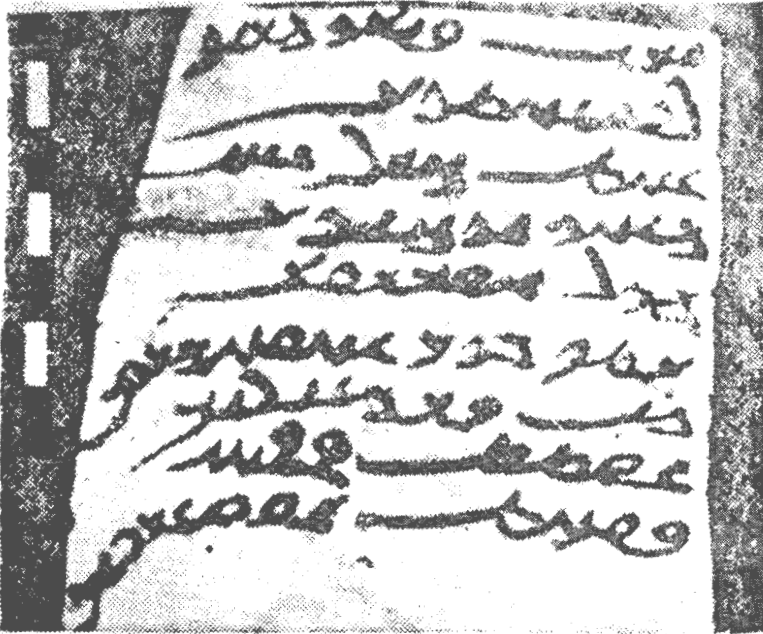
الله الا لا اله الا الله
الله الا لا اله الا الله
الله الا لا اله الا الله
الله الا لا اله الا الله
الله الا لا اله الا الله

شکل ۲۸ سنک نوشته کوفی بمورد ۱۰۷ هـ

LETTER FORMS IN
TOCHI VALLEY INSCRIPTIONS

| NO B | | NO A | |
|-------|---------------------|-------|------------------------------|
| (A) | 𐰀 (I) | (A) | 𐰀 |
| (Ka) | 𐰁 (Kha) | (Ka) | 𐰁 |
| (Cha) | 𐰂 (Ca) | | |
| (T) | 𐰃 (Ta), (Ti) | (T) | 𐰃, (Ti) 𐰃 |
| (Tra) | 𐰄 (Tra) | (Dra) | 𐰄, (Dra) 𐰄 (Thau) 𐰄 |
| (Di) | 𐰅 (Di) | | |
| (Na) | 𐰆 (Na) | | |
| (Pa) | 𐰇 (Pa), (Pha) | (Ma) | 𐰈 (Ma) |
| (Me) | 𐰉 (Me), (Myā) | | |
| (La) | 𐰊 (La), (Ra) | (Ya) | 𐰋 (Ya), (La) 𐰋 (Ra) 𐰋 (Va) 𐰋 |
| (Sa) | 𐰌 (Sa) | (Sa) | 𐰌, (Ha) 𐰌 |
| (3) | 𐰍 (3), (7) 𐰍, (8) 𐰍 | (2) | 𐰎 (2), (3) 𐰎 |

شکل ۲۹ حروف دیوه ناگری کتیبہ های وادی توچی



ترجمه نمونه سغدی

- (۱) خداوند پنج (بنجکنت) (۲) دیوا شتیج را (۳) هشت سال است (سال ۸ حکومت) (۴) ماه نیسان (۵) روز خور روز (یازدهم) (۶) وگرفت اغو شمريك (اسم خاص) (۷) از فر ماندار (۸) اوت (اسم خاص) (۹) پوست ونیز واریاک (نوعی از پوست) (از تاریخ زبان فارسی ۱۲۷۸)

فهرست جزایر آرامی و پهلوی و سغدی

| ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ |
|----|----|----|----|----|----|----|
| ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ |
| ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ |
| ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ |
| ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ |
| ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ |
| ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ |
| ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ |
| ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ |
| ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ |
| ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ |
| ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ |
| ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ |
| ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ |
| ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ |
| ۱۶ | ۱۶ | ۱۶ | ۱۶ | ۱۶ | ۱۶ | ۱۶ |
| ۱۷ | ۱۷ | ۱۷ | ۱۷ | ۱۷ | ۱۷ | ۱۷ |
| ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ |
| ۱۹ | ۱۹ | ۱۹ | ۱۹ | ۱۹ | ۱۹ | ۱۹ |
| ۲۰ | ۲۰ | ۲۰ | ۲۰ | ۲۰ | ۲۰ | ۲۰ |

۱- خط فارسی ۲- آرامی جزیره النیل ۳- سنگ نوشته های پهلوانیک
 ۴- خط قبایله های اورامان ۵- سنگ نوشته ها و سنگ های ماسا
 ۶- خط پهلوی کتابی ۷- خط سغدی



٢ الآله شرحو برامت منقوو و خلاصه / مصدر / ١٩٢٢

١٠٠٠٠٠
٣٣
١٩٢٢

نقش ز بد

قرائت لیتسبرسکی :

(بب) ٢ الآله شرحو برامت قیوم بر مراد

بر سعد و سترو و (شر) یجو (بتمیمو

قرائت لیتان :

(ببصرد) الآله شرحو برامت منقوو و

و شرحو الخ

(تاریخ اللغات السامیه

٣٤ - نقش حراک

١٠٠٠٠٠ کلمو سد / المد طول

سد / ٤٦٣ بعد مفسد

حس

بعم

١- انا سر حیل بن ظهر بنیت ذا المرطول

٢- سنة ٤٦٣ بعد مفسد

٣- بعاً م (تاریخ اللغات السامیه) ١٩٢

٣- خیر

ما عرفت رسول الله صلى الله عليه وسلم
 في بيته من بيت النبوة ليلة
 ليلة القدر من شهر رمضان المبارك
 في السنة التي ولد فيها رسول الله
 في مكة المكرمة في شهر ربيع الثاني
 في يوم الاثنين الثاني عشر من الشهر
 في الساعة الثالثة من الليل
 في بيت آمن بن عبد مناف
 في مكة المكرمة في شهر ربيع الثاني
 في السنة التي ولد فيها رسول الله
 في مكة المكرمة في شهر ربيع الثاني
 في يوم الاثنين الثاني عشر من الشهر
 في الساعة الثالثة من الليل
 في بيت آمن بن عبد مناف
 في مكة المكرمة في شهر ربيع الثاني
 في السنة التي ولد فيها رسول الله

كتاب النبي صلى الله عليه وسلم الى التجاني

خوانس شكل ٣٥

- ١ - من محمد رسول الله . الى النجا
- ٢ - شى عظيم الحبشه . سلام على من
- ٣ - اتبع الهدى . اما بعد : فاني احمد لي
- ٤ - ذلك الله الذي لا اله الا هو الملك
- ٥ - انقنوس السلام المؤمن المهيمن .
- ٦ - و اشهد ان عيسى بن مريم زوج
- ٧ - الله . وكلمته القاها الى مريم البتو
- ٨ - لطيفة الحصينة ، فحملت بعيسى من ر
- ٩ - وحء ونفخه ، كما خلق آدم بيده . و
- ١٠ - انى ادعوك الى الله وحده ، لاشر
- ١١ - يك له ، ولمولاة شى طاعته ، وان
- ١٢ - تسبعنى و توفن بالذى جاءنى فانى ر
- ١٣ - رسول الله . وانى ادعوك و جنو
- ١٤ - ذلك الى الله عزوجل ، و قد بلغ
- ١٥ - ت ونصحت فاقبلو نصيحتى والسلام
- ١٦ - على من اتبع (كذا) الهدى .

الله
رسول
محمد

(الوثائق السياسيه ٤٥)

خواتم شكل ٣٦

- ١ - بسم الله الرحمن الرحيم . من محمد عبدالله و
- ٢ - رسوله . الى المقوقس عظيم القبط سلام
- ٣ - على من اتبع الهدى. اما بعد: فاني
- ٤ - ادعوك بدعاية الاسلام ، اسلم تسلم .
- ٥ - يوتك الله اجرًا مرتين .
- ٦ - فان توليت ، فعليك اثم القبط.
- ٧ - «يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة
- ٨ - سواء بيننا و بينكم ، الانعبد الا الله
- ٩ - ولا نشارك به شيئاً، ولا يتخذ بعضنا
- ١٠ - بعضاً ارباباً من دون الله ، فان
- ١١ - تولوا فقولوا اشهدوا بانامنا-
- ١٢ - لمون.»

الله
رسول
محمد

(الوثائق السياسية ٧٢)

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 وصحبه أجمعين
 أما بعد
 فقد حضر هذا الاجتماع
 المبارك
 في يوم الاثنين
 الموافق
 ١٤٤٥
 هـ
 الموافق
 ٢٠٢٤
 م
 في الساعة
 ١٠
 صباحاً
 في
 قاعة
 الاجتماعات
 بدار
 السلام
 في
 حي
 النور
 في
 مدينة
 الرياض
 حضر
 الاجتماع
 كل
 من
 حضر
 الاجتماع
 في
 يوم
 الاثنين
 الموافق
 ١٤٤٥
 هـ
 الموافق
 ٢٠٢٤
 م
 في
 الساعة
 ١٠
 صباحاً
 في
 قاعة
 الاجتماعات
 بدار
 السلام
 في
 حي
 النور
 في
 مدينة
 الرياض



- ١ - بسم الله الرحمن الرحيم . من محمد رسول الله الى
- ٢ - المنذر بن ساوى . سلام عليك . فاني احمد الله
- ٣ - اليك الذي لا اله غيره ، واشهد ان لا اله الا
- ٤ - الله . وان محمد عبده ورسوله اما بعد : فاني اذكر
- ٥ - ك الله عزوجل ، فانه من نصح فانما ينصح نفسه . وانه من
يطع ر
- ٦ - سلى و يتبع امرهم فقد اطاعنى ، ومن نصح لهم فقد نصح لى و
- ٧ - ان رسلى قد اثنو عليك خيرا واني قد شفعتك فى
- ٨ - قومك . فاترك للمسلمين ما اسلموا عليه . وعفوت عن اهل
- ٩ - الذنوب ، فاقبل منهم ، وانك مبهما تصلح فلن نعزلك عن عملك ، و
من
- ١٠ - اقام على يهوديته او مجوسيته فعليه الجزية .

الله
رسول
محمد

، الوثائق السياسية ٨٠

يا ايها الذين امنوا انفقوا مما رزقناكم من قبل ان ياتي يوم لا يبيح ليه ولا غلّة و لا
 شلطة والتكفرون هم الظالمون الله لا اله الا هو العلي القوي (م)
 قرآن كريم كتابت خط قرن دوم صهرى روى پوست أمر
 مسرّوب بخط مبارک حضرت عثمان رضى الله عنه محفوظ در کتابخانه نسخ خطى افغانستان

يا ايها الذين امنوا انفقوا مما رزقناكم من قبل ان ياتي يوم لا يبيح ليه ولا غلّة و لا
 شلطة والتكفرون هم الظالمون الله لا اله الا هو العلي القوي (م)
 قرآن كريم كتابت خط قرن دوم صهرى روى پوست أمر
 مسرّوب بخط مبارک حضرت عثمان رضى الله عنه محفوظ در کتابخانه نسخ خطى افغانستان

مشكل ۴۱ سورة ۲ آيت ۷۵۴

فَاذْهَبْ إِلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ
 وَرَأْسِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 لَعَلَّكَ تَلْقَاهُمْ مِنْ دُونِ
 آلِ الْكَافِرِينَ إِنَّكَ عِنْدَ
 رَبِّكَ عَلِيمٌ مُّذْتَكِرٌ
 فَطَمَّ مِنْ آلِ الْكَافِرِينَ

فاذا هم خملون يحسرة على العباد ما ياتيهم من رسول الا كانوا بهـ
 يستهزؤن الم يروا كم اهلكنا قبلهم من القرون ..

(قرآن عظیم- سورہ یس- آیت ۳۰)

شکل ۴۳-۴۴

صفحه یی از قرآن شریف منسوب به خط حضرت حسن بن علی بن ابی
 طالب رضی الله عنه محفوظه موزه مشهد رضوی دارای ۱۲۲ ورق پوست آهو،
 هر صفحه ۷ سطری، نوشته سال ۴۱ هـ که واقف آن شاه عباس صفوی است
 ووقف نامه آنرا مرحوم شیخ بهایی نگاشته .



عهد نامه مجعول منسوب به خط
حضرت علی رض از مجله ایران شهر



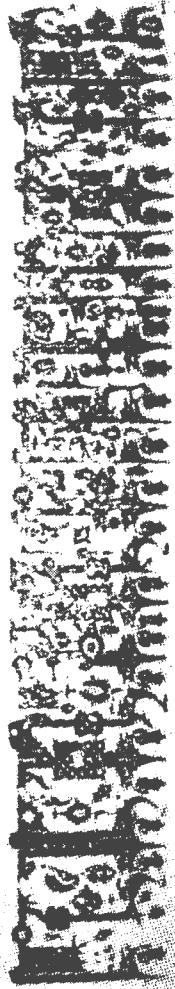
۴۹ صفحه اول کتاب الابنیه ۴۴۷ هـ

بِأَمْرِ رَبِّكَ بِالْحَقِّ يَدْعُوهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 خیز کو یہ محمد بن حمر الراوی بیان کرتے ہیں کہ
 بسیار دیدم مزدانشان روز کار و کارواند شرح
 بلاغت و بیان حلصاعت و اجازت و خوبی و خوبی
 امیر و امیر و عروص و معرفت الفایده و فوائد
 فہمنازی دیدم و بفایرہ روی یک کورہ مزدعرا
 مخصوص دیدم و مکر عروصی کے ابو یوسف و ابو
 العالی و شریعہ بسیار سے کردہ اندہ و اما اندر
 ہائیں اجناس بلاغت و اقسام صناعت و
 شناختن سخنان باعترابہ و معانی بلندیاہ
 کتابی دیدم بسیار سے ازادہ راموتی باشند و فرزند
 زعمکیار و مجتہد بودہ و از کمالی چند ساز

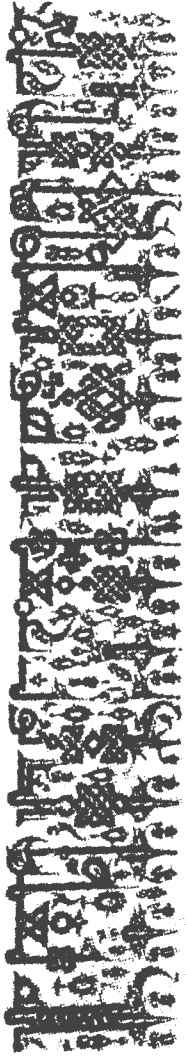
۵۰ صفحه اول ترجمان البلاغہ ۵۰۷ هـ



۵۱ نمونہ خط کو فی مسجد نا بین ۲۵۰ ھ



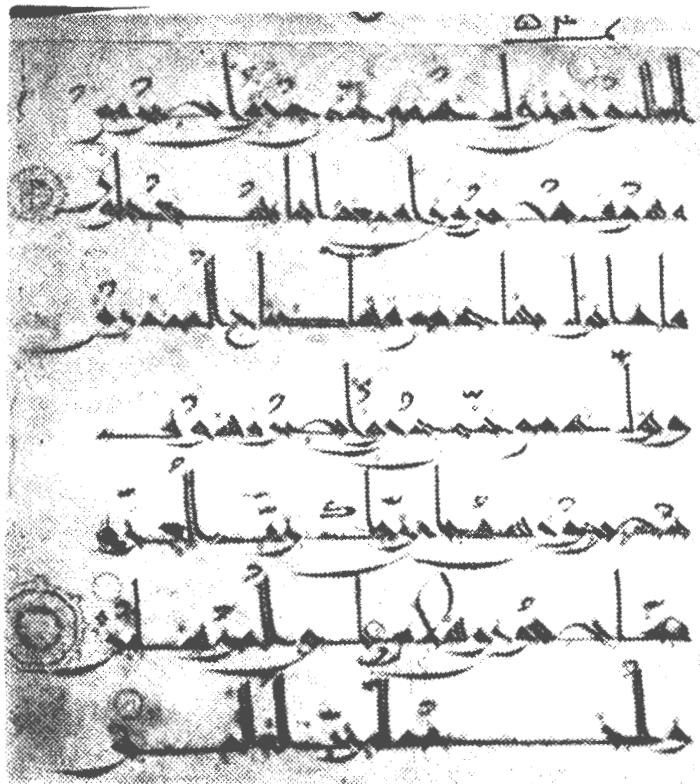
۵۲



۵۳ خطکوی فیروزبسی مقبره پیر علمدار ۴۱۸ هـ
(از سروی آرت پرشیا)



خط پیر آموز کتاب صفات الشیعه نوشته ۳۹۱ قمری



قرآن عظیم به خط پیر آموز قرن ۴ ه در مشهد رضوی

الحمد لله
 سئله ابو القاسم منصور بن محمد بن
 علي المشهد طوس في شهر ربيع الاول
 سنة ثلث وتسعين وثلثمائة
 انما لوجه الله وطلبنا المرضاة
 لا يباع ولا يوهب ولا يهدى
 عذر الله له ولو اذله

۵۵ صفحه آخر قرآن عظیم بخط ابوالقاسم منصور هروی
 وزیر سلطان محمود، نوشته ۳۹۳ ق درآستان رضوی مشهد
 (از گنجینه قرآن)

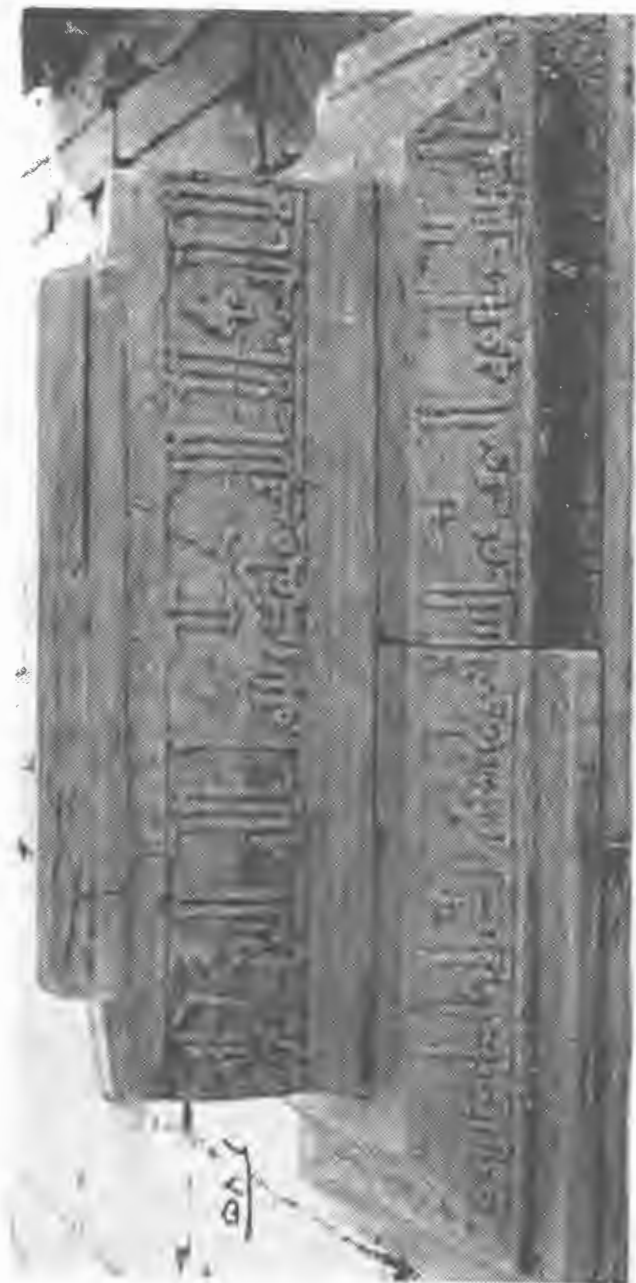
٥٦
وَلَوْ أَنزَلْنَا الْبُحُرَ
الْمَلَأْنَاهَا كَمَا مَلَأْنَا
الْمَوْتَىٰ وَوَجَّهْنَا عَلَيْهِمُ
كُلَّ سَنٍ فَلَا مَأْكُونًا
لَّهُمْ فِيهَا إِلَّا نَارًا
وَلَكِنَّا كَثُرْنَا قُلُوبَهُمْ

٥٦ خط ابو البركات دازی ٤٢١ ق قرآن شریف آستان
رضوی مشهد

(گنجینه قرآن)



۵۷ قرآن شریف به خط عثمان وراق غز نوی ۴۶۶ قدراستان
 رضوی مشهد
 (از گنجینه قرآن)



۵۸ نوشته آرامگاه امیر سبکتگین در غز نه حدود ۳۸۷ ق

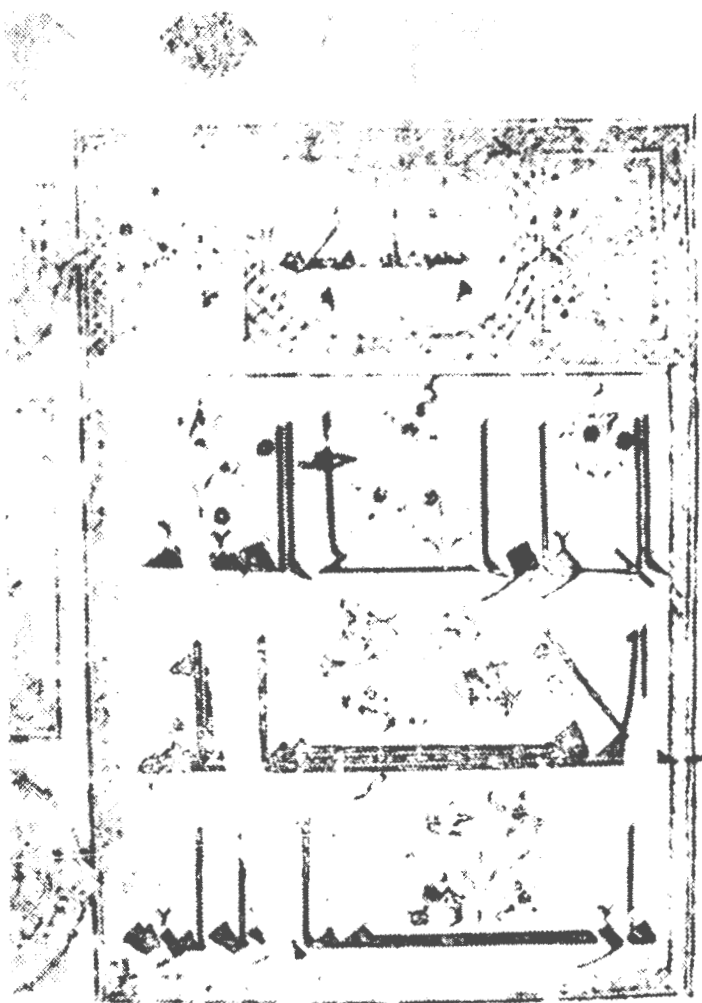
۵۸ نوشته قبر سلطان محمود در غزنه حدود ۴۲۱ ق خط کوفی



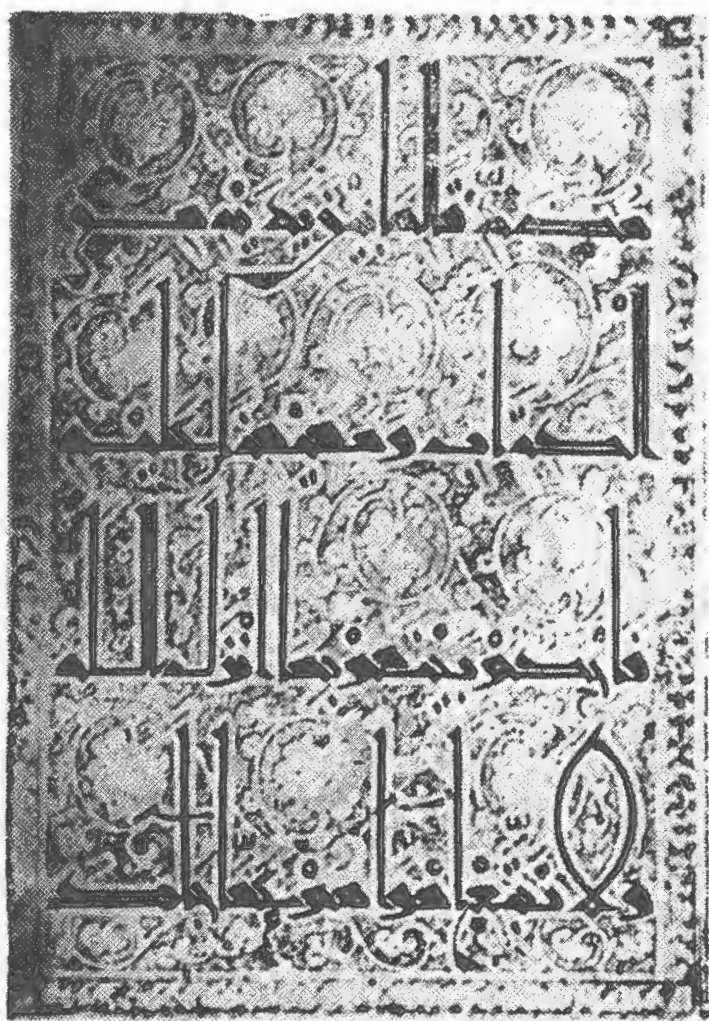


۵۹ خط رقاع قبر سلطان محمود درغزانه
حدود ۴۲۱ هـ

عینا نقل بخط شیخ محمد رضا هروی



صفحه قرآن عظیم به خط ابوبکر بن احمد غزنوی
۵۶۶ق در هوزة مصر . (از سروی هنر پرشیا)



٦١ تالیق خط کوفی با پیر آموز در قرآن شریف
مجموعه چستر بیٹی لندن (از سروی هنر پرشیا)



۶۲ قرآن عظیم که در ۵۰۵ق در شهر بست نوشته شده در
کتابخانه ملی پاریس . (از سروی هنر یرشیا)

۶۳



سنگ کوفی



سنگ کوفی



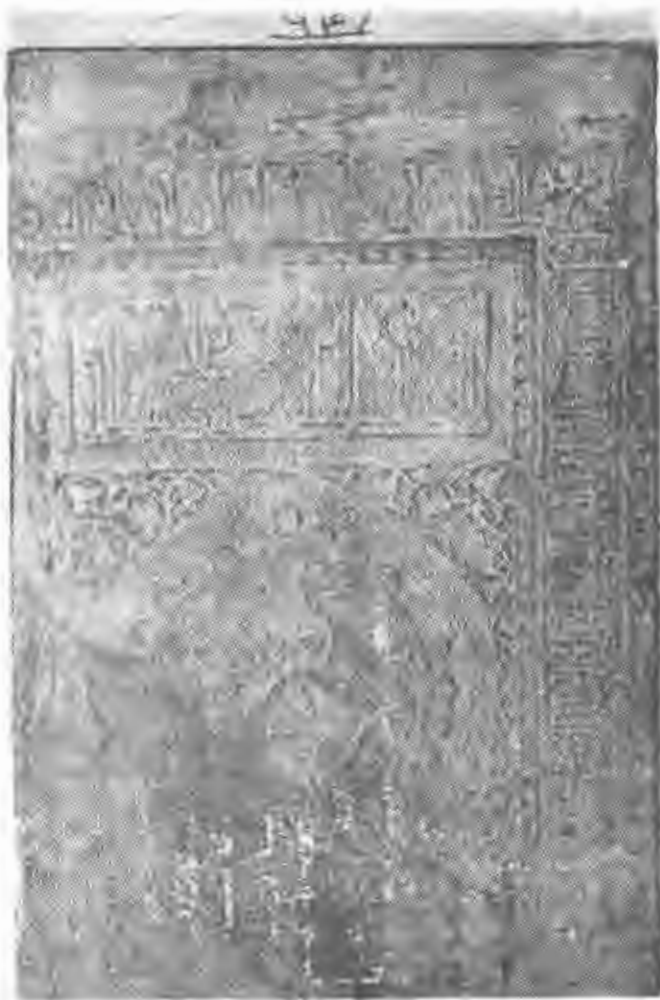
سنگ کوفی

سنگ کوفی

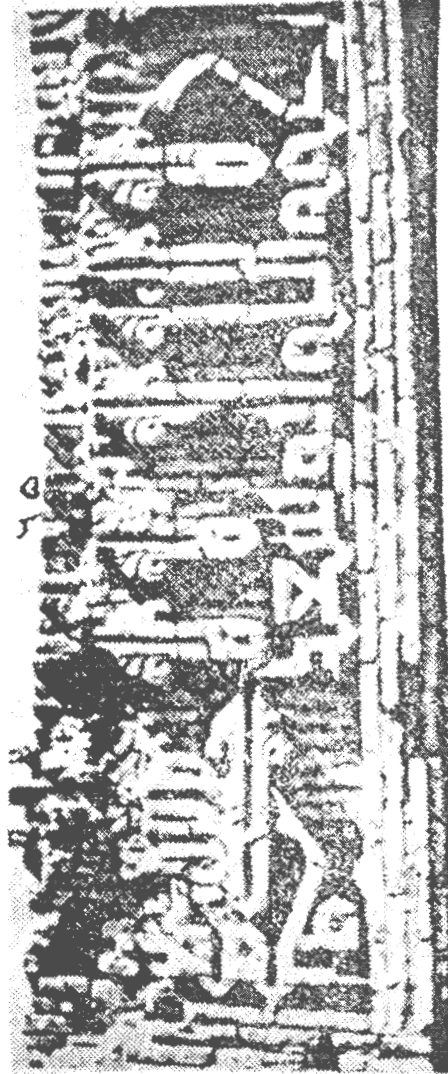


سنگ کوفی

۶۳ نمونه های خطوط کوفی عبارات زبان دری از بقایای
قصر مسعود سوم در غزنه حدود ۵۰۰ ق



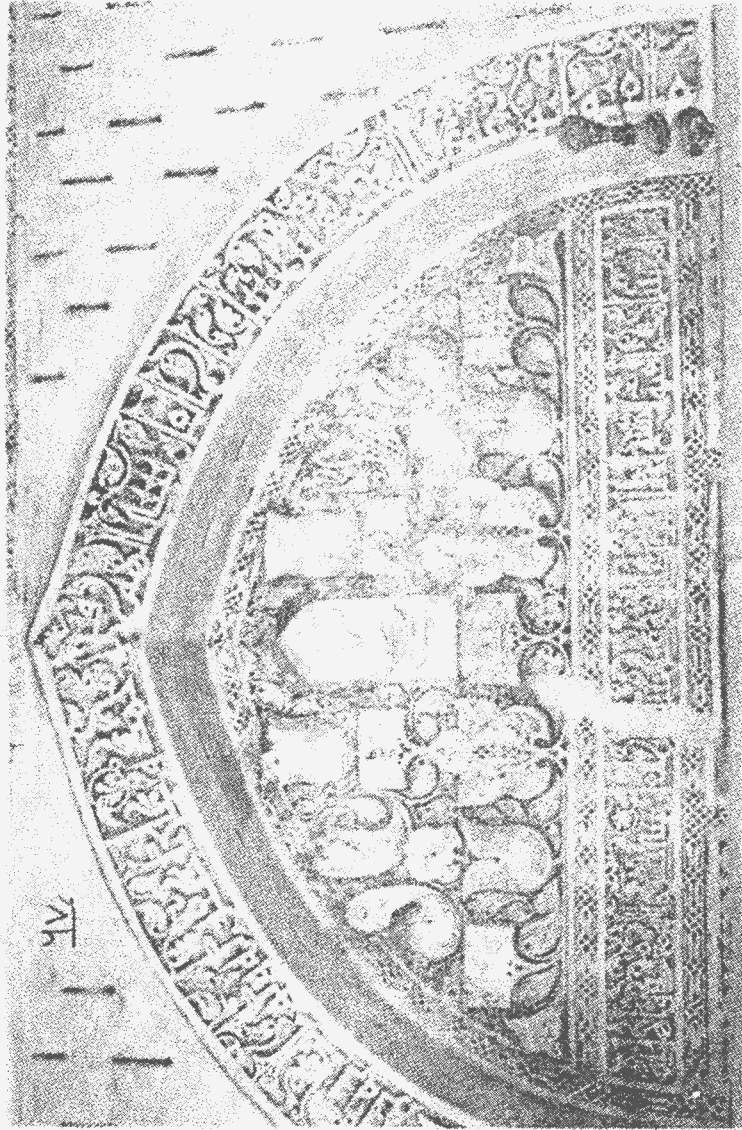
۶۴ خطوط کوفی جامع اولیا در غزنه



خط کوفی تزئینی رباطشرفسرخس در حدود ۴۰ ق
(از مجله هنر و مردم ۵۳)

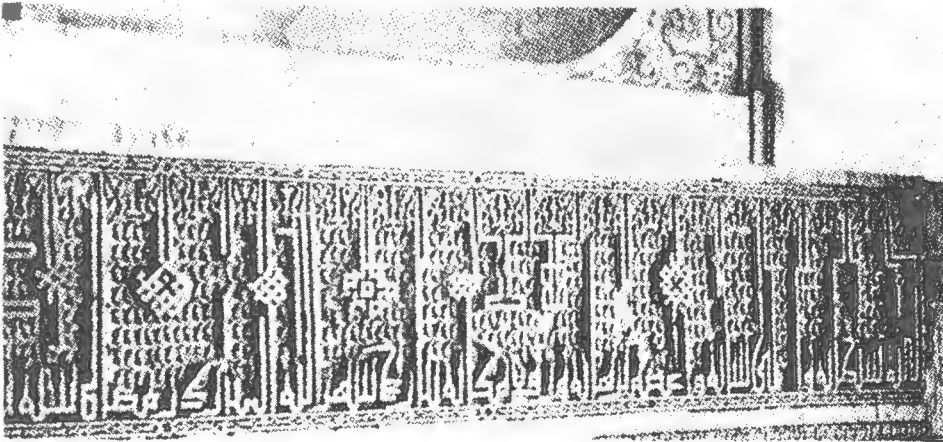
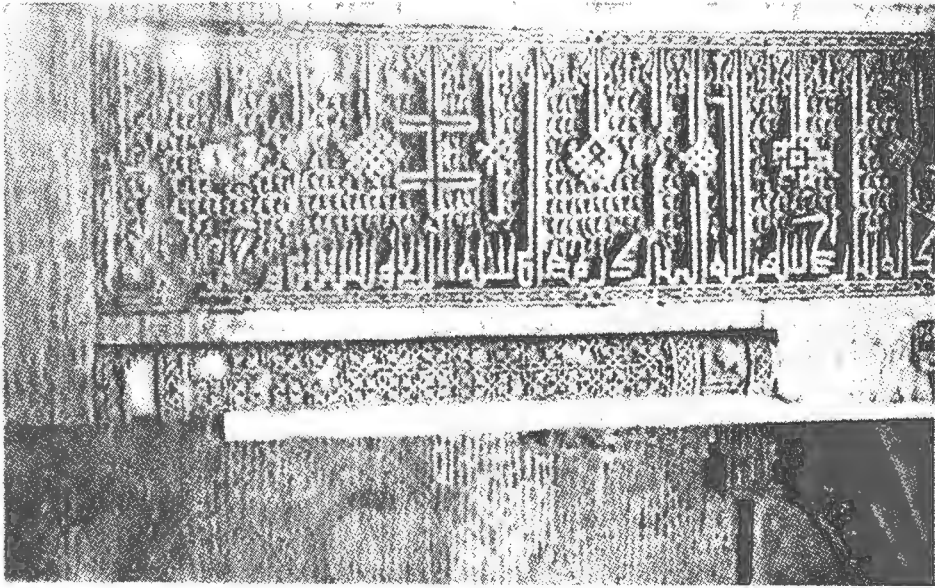


- ٦٦ نمونه خط كوفي متمایل به نسخی هرات ٥٣٠ هـ
از سنگ مزار درخواجه عبدالله طاقی - موزه هرات .
- ١ - بسم الله
 - ٢ - الرحمن الرحيم .
 - ٣ - هذا قبر الشيخ
 - ٤ - الرضى العابد محمد بن اسمعيل
 - ٥ - الغوري ، بتاريخ يوم الاربع
 - ٦ - العشرون من جمادى الاول (كذا)
 - ٧ - سنة ثلثين و خمسينا نه ...
 - ٨ - له ولوالديه وللمن ...



تکامل خط تزئینی کوفی بر مزار امام یحیی در جوزجان حدود ۴۳۰ ق

نمبر ۶۸



خوانش ٦٨

- كتيبة بناء مسجد هرات در عصر غياث الدين محمد سام غوري ٥٩٧ هـ
- ١ - السلطان المعظم ، شهنشاها الاعظم ، مالك رقاب الامم ، مولى ملوك العرب وا لعجم ، سلطان ارض الله ، حافظ بلاد الله ، معين خليفه .
 - ٢ - غياث الدنيا و الدين ، معزالاسلام والمسلمين ، نظام العالم ، ابو الفتح محمد بن سام قسيم امير المؤمنين انار الله بر ها نه ..
 - ١ - (امر) ببناء هذه المسجد من خالص ماله السلطان المعظم ، شهنشاها الاعظم ، مالك رقاب الامم ، مولى ملوك العرب والعجم ...
 - ٢ - ...الله سلطانه،واعلى شانهاواعظم برهانها ورفع مكانها ، بتاريخ شهر الله المبارك رمضان سنه سبع و تسعين و خمسمائه .



که این سر کوه من را از کرد من هم امید دارم از آن کوه مرانه بود این
 روانه دامن حد که بود و در آن کوه کوهی با یک
و جیب ما کتب با مندر آهنگر **فانت منی موصع النظر**
 گفت هر کجا با منی با عاید همه هم مرانجان در این اما معنی هم
 آن است هم از انوار این سوره فهمت نیست یعنی هر که در این سوره
 با منی و نظر تر با منی هر چه در ظاهر و این موقوف است و از جمله این که
 و از آن یک المسمی اکور طبت با ذکر در هم کوی در حوض است همه در
 و یکا منی سوره این سوره حسان مثال کسند که اندر سوره هم این کرم بر آمد
 و در معنی است که هر کجا که اندک راقب بعد باشد فرخاند دوست
 با منی باشد و این سوره با با ذکر در اندر جوف است حسان این سوره
 که یک سوره اولی که در همه این سوره و همه این سوره و این معنی بود
 که این سخن از الیوم سید در سال الیوم و الیوم انان

الحمد لله وصلی علی محمد وآل محمد
 منزه عن الفناء الذي مله من الفناء
 من السقط عن الفناء من الفناء

وقع الفناء من الفناء
 من السقط عن الفناء من الفناء
 استجبه من الفناء من الفناء
 عند الملك من الفناء من الفناء

۶۹ صفحه آخر شرح التعرف موزه کراچی ۴۷۳ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سانس براند از اهر آفرید که از برین و آسمانست را فرید به طهارت متوج
 اندرون و ما سنسار معدنی و نباتی و حیوانی برافزید ازین جهان
 که همه خلق را اعی آسمانی و زمینی است و ما برین جهان
 خیزید و آتش و هوا و آب و خاک را برین دایره جبرها را از
 قیادت الله اجتناب نمایند و ما برینست که از این جهان
 فریدند و ازین اجسام معدنی و نباتی و حیوانی را بعد از آنکه واسطه
 نثار در نظر بندند و حکمت خویش و شایسته الله زمر العالمین
 و از جمله بر جنات آدم را بر کف زمین و ما باشد که در این
 فریدند و هر کس را و آتاست که در حاکم آدم را بخورد و نوسن و این
 که میان اینها را بر آفرید و هر کس را که در این جهان
 فرستاد تا خلق و را آنگاه که در این جهان و همه را فرزند و هر
 که در این جهان آفرید و نوسن و در این جهان و در این جهان
 و کسب و آفرید و در این جهان و کسب و آفرید و در این جهان

۷۰ صفحه اول کتاب هدایة المتعلمین ۴۷۸ ق
 نسخه کتابخانه بادکیان آکسفورد

وعدہ کردہ استغفار و توبہ ان کے لئے ہے کہ وہ اپنے گناہوں سے توبہ کر لیں اور اللہ سے
 توبہ کی توفیق حاصل کر لیں۔ حرکت و حواسہ المومنین و عملوا الصالحات منہم عدما
 کی یہ تفسیر ہے کہ جو ایمان لائے اور اللہ سے توبہ کر لیں اور اللہ سے توبہ کر لیں اور اللہ سے
 انرا واجب انکار ہے اور انرا انہوں نے نہیں کیا ہے اور انہوں نے اللہ سے توبہ کر لیں اور اللہ سے
 انما تکلمت منہم چیز ہے کہ ان میں سے کسی نے اللہ سے توبہ نہیں کی ہے اور انہوں نے اللہ سے
 جنات میں کی گئی تھی اور انہوں نے اللہ سے توبہ نہیں کی ہے اور انہوں نے اللہ سے توبہ نہیں کی ہے
 مولا انہوں نے جو کچھ انہوں نے اللہ سے توبہ نہیں کی ہے اور انہوں نے اللہ سے توبہ نہیں کی ہے
 راستہ کی سبب یا انہوں نے اللہ سے توبہ نہیں کی ہے اور انہوں نے اللہ سے توبہ نہیں کی ہے
 دوسری بار انہوں نے اللہ سے توبہ نہیں کی ہے اور انہوں نے اللہ سے توبہ نہیں کی ہے
 اور انہوں نے اللہ سے توبہ نہیں کی ہے اور انہوں نے اللہ سے توبہ نہیں کی ہے

واحد اہل المراد

تم السبع الیادس جملہ دینہ و بتلوہ فی السبع

انہا الذی اسما لکف مومنین فی القدر و سؤلہ

و فرجہ کی کہانہ محمود بن کر کے کس کی تفسیر ہے اور اللہ سے توبہ کر لیں اور اللہ سے توبہ کر لیں

و فرجہ

حسانہ لہو علی علیہ و صلی علی رسولہ المصطفیٰ من ربہ وآلہ اجمعین

۷۱

صفحة آخر تفسیر سور آبادی ۵۲۳
نسخة اند یا آفس لندن

في عهد محمد بن الحسين واما الحسن واما الحسين
 في السورة فيسورة ثلث اسماء الله الحسنة
 ثلثه وما طسب احسن قول ابو طالب وعمره
 وكذلك ذات لهب وقال ابو بكر فان ثلث واسم الله
 حسن وهو قول عيسى بن عمر والاعشى واما ما
 وقال قوم الخطيب وقال آخرون من مفسد فيسورة
 الاخلاص باسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد فردا
 عمرو بن العلاء وجماعة يروى عن النبي صلى الله عليه وسلم انه
 اسم الصمد ولم يكن له طفوا احد وما للاخضر واليومان
 وابو بكر الوقف آخر السورة لانه اسم ان يقول ذلك
 سورة الفلق باسم الله الرحمن الرحيم قالوا
 الوقف آخر السورة سورة الناس
 باسم الله الرحمن الرحيم والناظر آخر السورة
 واسم اعلم جميع ذلك ثم الكتاب المنه
 من كتاب الوقف محمد بنه و توفيقه و صلى الله عليه
 واله اجمعين وكسه عبد الله بن علي احمد خط من حقه
 شرح الشريز الجيب الرشيد ابو بكر عتيق بن محمد بن
 رزقه الله العلم والادب برحمتك يا ارحم الراحمين
 في المنتصف من شهر رمضان سنة ست مائة وخمسين



٥٥٦ - النفاص من كتاب الوقف

این نسخه مخصر کتاب الوفاء در ۵۲۶ هـ بخط عبد الله بن علی نوشته شده که نه‌وازه نسخه‌ی اواسط قرن ۶ هـ است .

این نسخه برای ابوبکر عتیق بن محمد بن خسرو نوشته شده . که ظاهراً همان مولف تفسیر سوره‌آبادی باشد ؛ که در کتاب السیاق عبدالغافر امام ابوبکر عتیق بن محمد متوفی ۴۹۴ هـ است .

در بدین حساب باید نویسنده همین نسخه ۵۲۶ هـ نباشد .

اگر چه مرثوی محمد شفیع مرحوم بن هردن ابوبکر عمین را بکنفرشمرده ولی بین وفات ابوبکر عتیق سوره‌آبادی مفسر . و این ابوبکر عتیق فاصله سی ساله موجود است . چون در ۵۲۶ هـ این نسخه‌ی جوان رسید مستحق دعای رزوه الله العلم والا دب بوده بنا برین باید سال وفات سوره‌آبادی ، او قات پیدا یش وی باشد .

| | | |
|----|---------------------------------|------------------------------|
| ۷۰ | بشارت ترا خرم شاد ماز | بها پیش خیز از اقصای کجین |
| ۷۱ | بسنوید و امق مراح او بگفت | بسجید راه هم لادری نهفت |
| ۷۲ | چو شد جامه زوز فرخده چاک | برآمد قریب تیرد کوزان مغاک |
| ۷۳ | بگفت نشنند هر دو بوزان | شده بخزینشان ز هر کس رضای |
| ۷۴ | بشامس ز بعد له برود بسیم | شده طبع دلستان از آرزو درم |
| ۷۵ | بهر هر دو ز کشتی برور آمد از | ز دریا سویه نشهر شامس فرزند |
| ۷۶ | بنان دازن مکران میگل از بهارو | بجود ناه بت خان خرابش نو |
| ۷۷ | بر و رانجه صرد مان سر | شده زنده به آن میگل نامور |
| ۷۸ | ز به سیران بت نرد ندی قیران | بچه نیک بی دجه بد بیشتر رضای |
| ۷۹ | ارو خواستند به همه راسیه به پیش | طرفته بدندش در اب رای کویلی |
| ۸۰ | مناز بود این مکر شاه و | بهر گل بیاد شاد و در سر |

نمبر ۷۳ به صفحه آینده رجوع شود

| | |
|-----------------------------|------------------------------|
| بیا شمی بی آزاد و ایمن بجان | بیدارد در خرم (و) شادمان |
| بسنجید را ه هم اندر نبفت | بسنند بد و مق هر انج او بکفت |
| برا مد شب تیره گون از معا ک | جو سد جائه روز ور خنده چا ک |
| شده سخو نباشان زهرکس نهان | بگشتمی نسنند هر دو جوان |
| نشد هیچ د گمان نذان ره در م | بنا مس رسید ند هر دو بهیم |
| ز دریا سوی شبر شامس شد ند | چون هر دوز گشتمی برون آمدند |
| بود نام بت خانه تا بشنوی | چان دان کی آن هیگل از پهلوی |
| شدندی بدان هیگل نامور | برو زان همه مر دمان سر بسر |
| بد (و) نیک بردی به پیش نماز | عهه پیش آن بت شدندی فر از |
| گرفته بد ندش دل آرای خویش | ازو خوا سنندی همه رای خویش |
| بهیگل بیا ده شد ندی بر او | چنان بود آیین کی شاه و سپاه |

نمبر ۷۳

نیم صفحه از کتاب خطی و امق و عذرای عنصری (منوفا ۴۴۱ ه) که يك نسخه ناقص آن دارای ۳۵۳ بیت در سبک پهلوی بدست آمده و تاریخ نو شمن آن بین ۴۰۰ - ۵۰۰ تخمین می شود. این کتاب خطی پیش از ۵۲۶ ه در ملک سری زکی بن محمد بن علی عبد الحمید بامیانی بود (طبع لاهور ۱۹۶۷ م به ترتیب و حواشی دکتر محمد شفیع مرحوم)

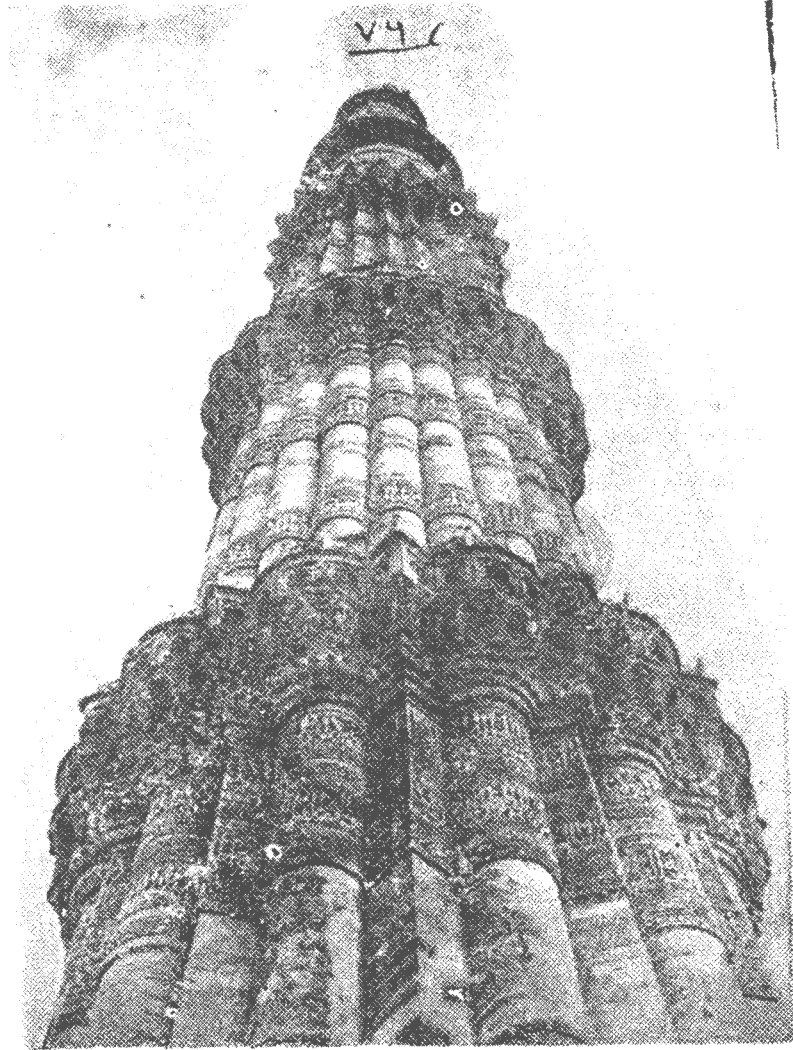


۷۴ صفحه آخر قرآن شریف بخط محمد بن عیسی که برای سلطان غور
غیاث الدین محمد سوم نوشته شده ۵۸۴ ق .
(موزه ایران باستان - از مجله هنر و مردم)

حوای تغان رفوها بد تا بدای این بنده هزار هزار نیکی بنویسد
 و هزار هزار بوی گل کند از ساقه او و نافع روی بدست
 راست دهند و عذاب کورش نباشد و فتنارش کورش
 نباشد و تنگی مارگی کورش نباشد حسرت ز دست او برآید
 حلی لیس علی و سلم کی جوای عمر و بن و شمشه است درد ویای سفد
 له او را سفید هزار میراست از هر هوسری سفید هزار روینا
 و بر هوسری سفید هزار در داشت و اندر هر دهانی سفید هزار
 نیاست به روز باری سفید هزار اکت حوای امر و هر شنبه که ان
 بدیکری به اندام این در شفته رو یا بیا است و از تقسیم این نوشته
 که است سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان
 الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک
 سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک
 سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک
 سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک
 سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک
 سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک سبحان الذی لا یلیق له الشک

در این سوره نوبی یابد از حق بکنه نویسد را بد علی همان یاد دارد و یاد روی در روی
 با حلی آمدن صفی طبر از سال کیست از ساقه رضی الله عنه که بیاید بوی عای که باه و لعنه کند امری شوی

۷۰ نمونه خط رساله دری بخط دولت شاه تو انکی که از بامیان بدست آمده
 ق ۶۱۲



۷۶ خطوط کو فی قطب منار دہلی ۵۶۶ ق .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 عَدُوَّ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَصَدْرٍ رَسُولُهُ
 الْبَيْتِ الْأَكْرَمِ وَخَيْرِ عَالَمٍ لَمْ يَمُنْ
 إِلَّا بِشَدِيدِ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ وَآلِيَّ
 مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 كُنْتُ عِنْدَ اللَّهِ الصَّامِعِ
 شَهْرَ رَجَبِ عَشْرِ رُبْعِ سَنَةِ

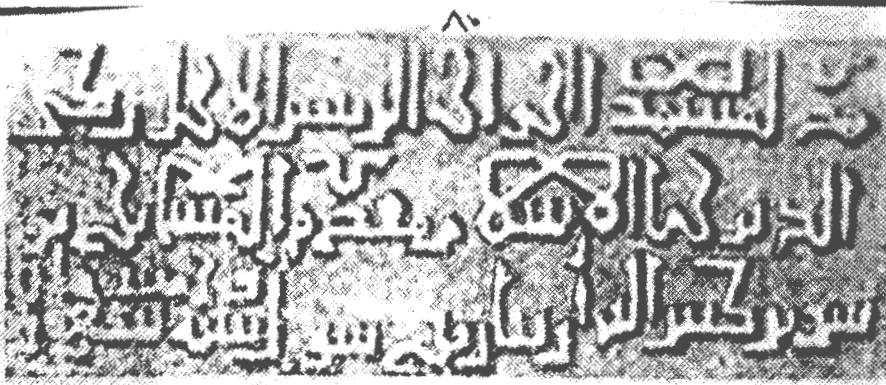
۷۷ صفحه آخر قرآن بخط عبد الله
 صير في ۷۲۰ ق گنجینه مشهد
 رضوی .



۷۸ خط رقاع نمای سلطان شاه بر ظرف هرات ۷۷۷ ق



۷۹ نوشته مسجد الرشید بن محمد در باکو ۴۷۱ ق
(از مسلم کالگرافی)

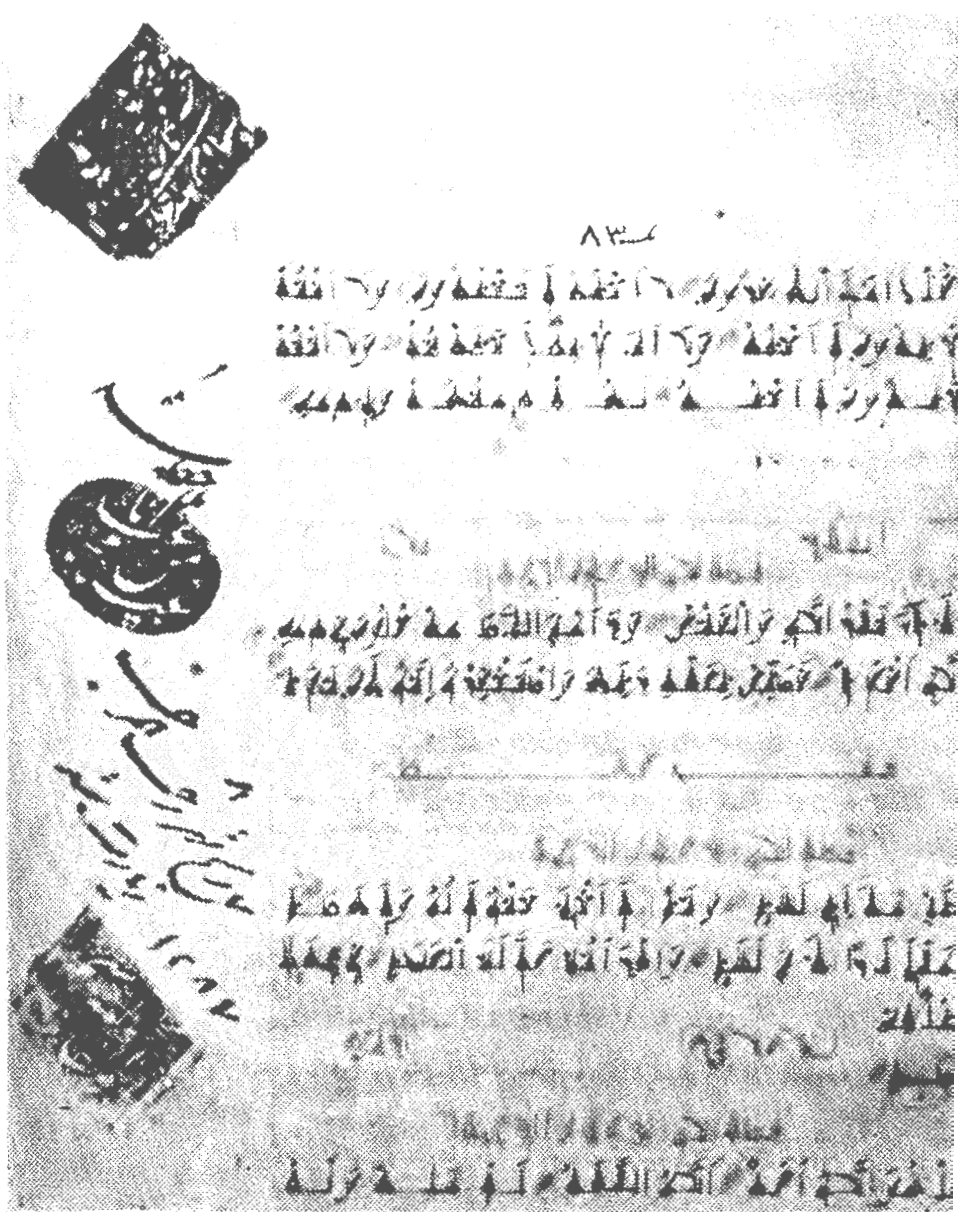


۸۰ کتیبه قبر یوسف بن کبیر در باکو ۵۵۷ ق
(از مسلم کالگرافی)



۸۱ نوشته بنای مشهور به قبر فخرالدین رازی (۱) در اورگنج کهنه

قرن ۱۲ م



۸۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

۸۳ يك صفحه از قرآن عظیم بخط ناسخخانه در مشهد رضوی که دران
سوره قل یا ایها الکافرین۔ اذا جاء نصر اللہ۔ تبیت یدا۔ قل هو اللہ
احد نوشته شده است .

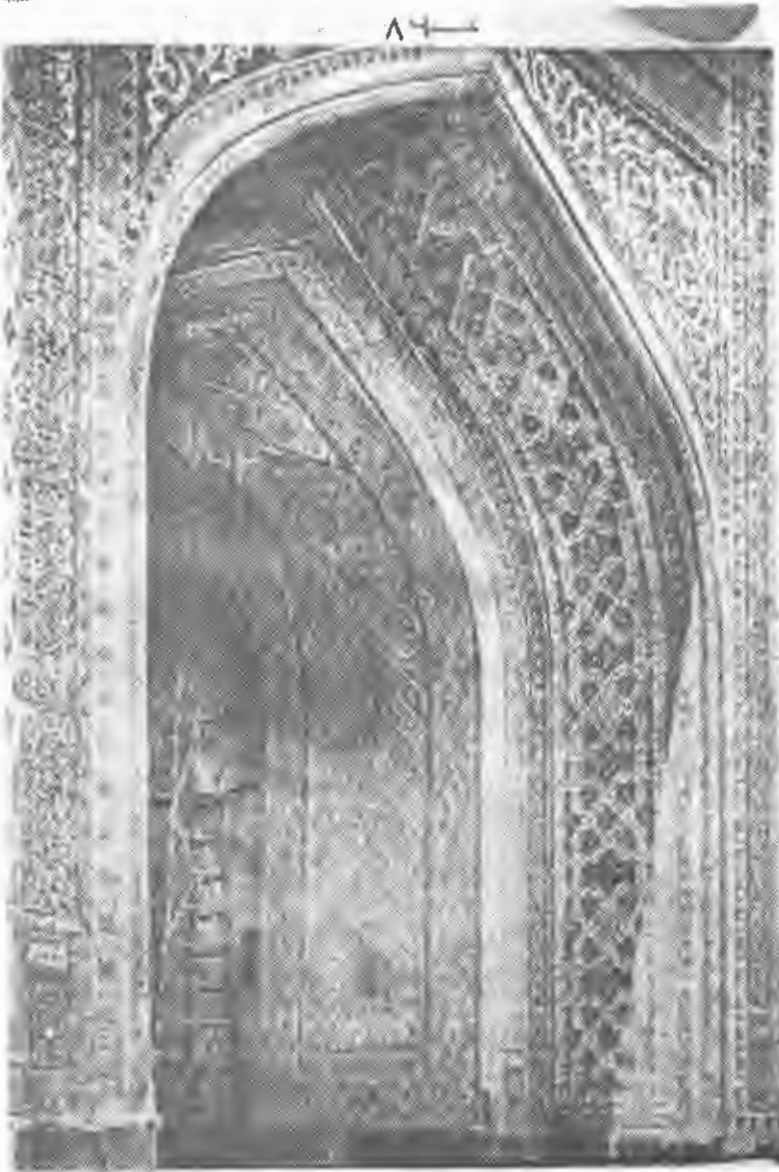
جدول مقایسه‌ی حروف عربی و خط بابری با خط مصحف مشهد

| عربی | بابری | مشهد | عربی | بابری | مشهد | عربی | بابری | مشهد |
|------|-------|------|------|-------|------|------|-------|------|
| ا | ا | ا | ز | ز | ز | ح | ح | ح |
| ب | ب | ب | س | س | س | ک | ک | ک |
| ت | ت | ت | ث | ث | ث | ل | ل | ل |
| ث | ث | ث | ص | ص | ص | م | م | م |
| ج | ج | ج | ض | ض | ض | ن | ن | ن |
| ح | ح | ح | ط | ط | ط | و | و | و |
| خ | خ | خ | ظ | ظ | ظ | ه | ه | ه |
| د | د | د | ذ | ذ | ذ | لا | لا | لا |
| ذ | ذ | ذ | غ | غ | غ | ی | ی | ی |
| ر | ر | ر | ف | ف | ف | | | |

* در عکس چهار صفحه که بمن رسیده حرف ظ نیست.



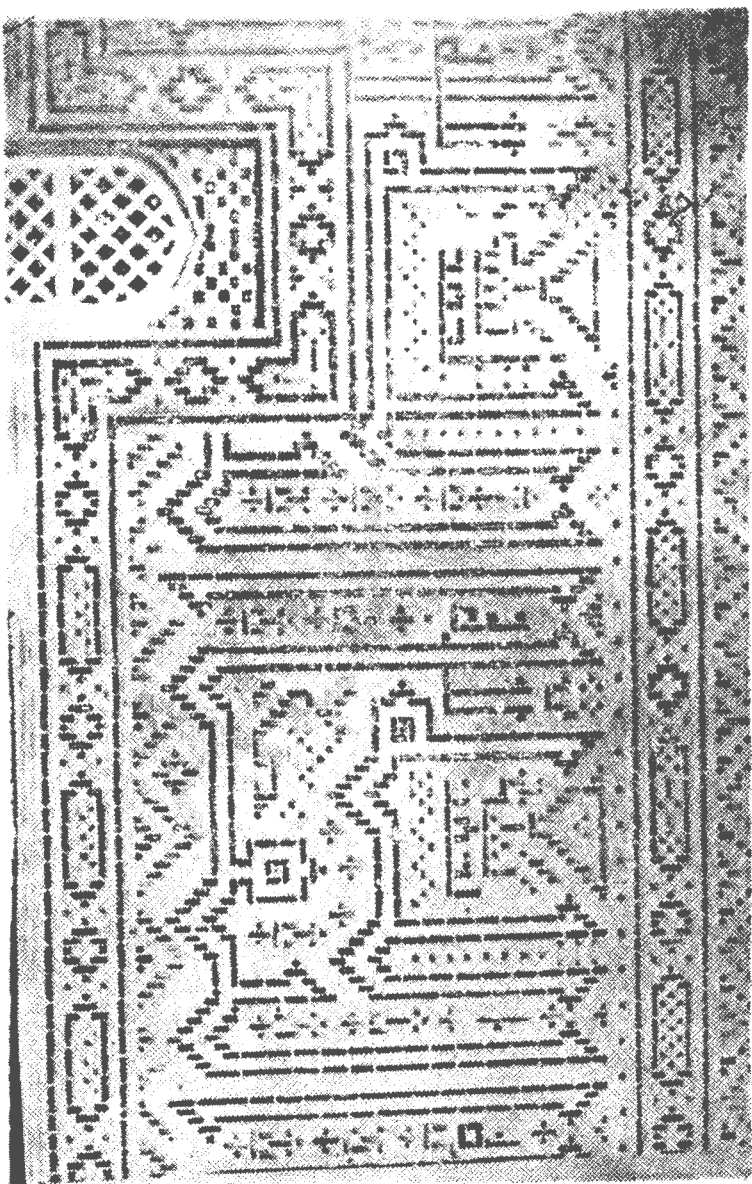
۸۵ صفحه اول شاهنامه بایسنقری
۸۸۳ ق در موزه گلستان تهران
(از سروی هنر پرشیا)



۸۶ ایوان مسجد گوهرشاد در مشهد رضوی که برپهلوی چپ آن
امضای شهزاده بایسنقر بن شاهرخ باخط او موجود است .
(از سروی هنر پرشیا)



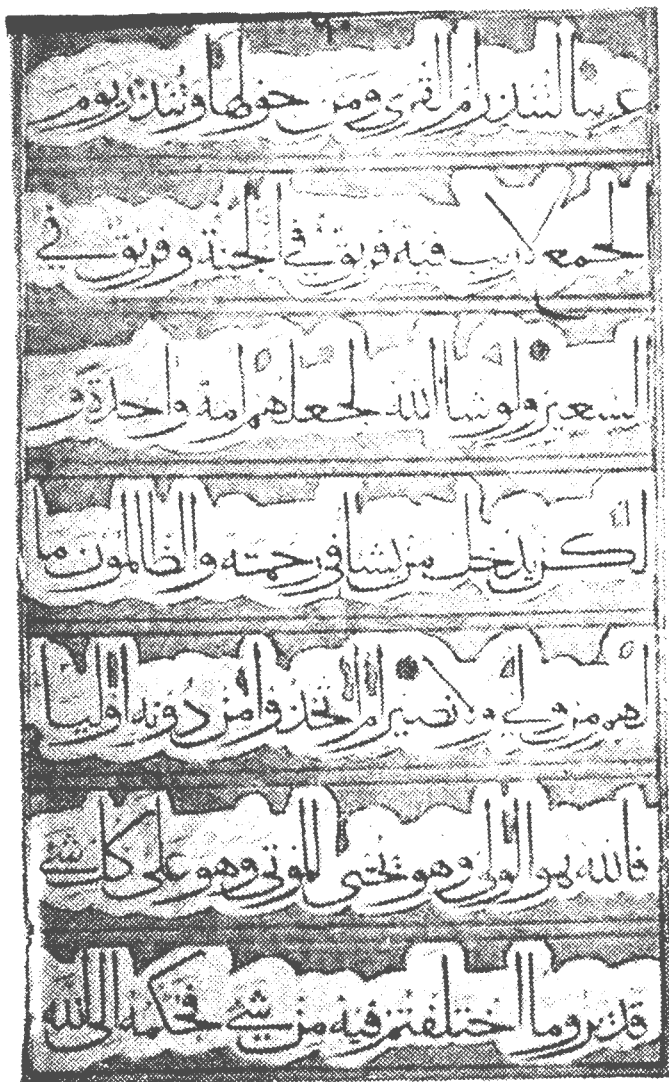
۸۷ بقایای نقوش و خط بریکسی از دیوار های لشکر گاه پست



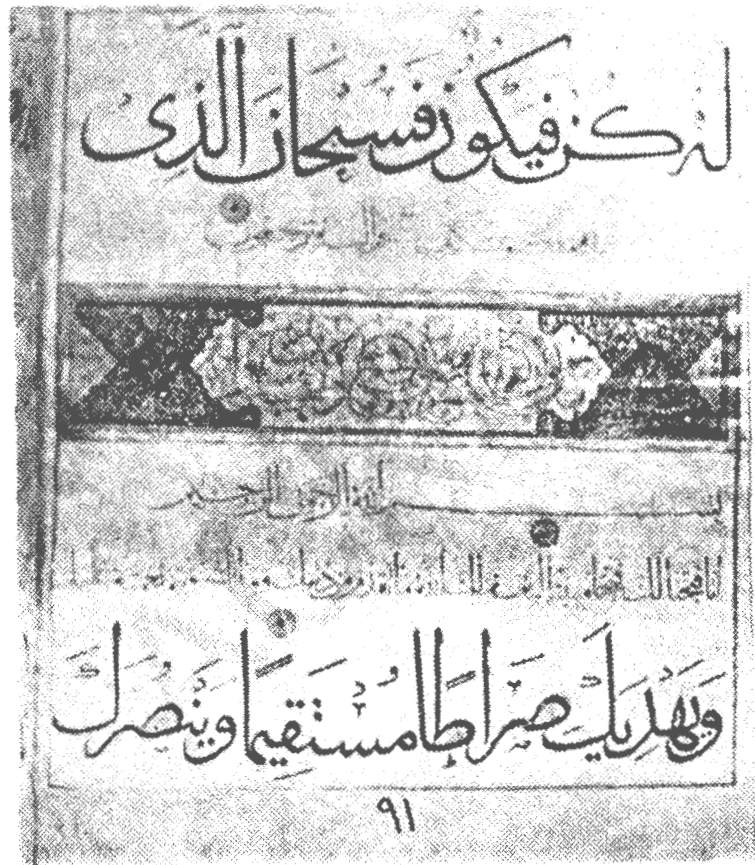
خط کوفی بین خشت کاری بر گره‌های تیمور در سمرقند

۱۹۹ جرم ثقلی در نهایت بود سه سما و هفت اوستخ است و اول نام
 خانه گوشت در او بنیط کو بدی کسری در اولی هم سر و سر و سر و سر
 و در فن و بنا او چشم تکب تکب کسرت در اولی اصغر هم در چشم
 و مسا او و اناست چشم فادیم کی چشم بد می سیری شود که اولی
 برکن بود دسر بودی مکنه دلون او یکو سطلی در دسه و تنور کرد
 سطلی و سیرالمان ترشوز کی الدن و آب از دهانه ای باد کسرت
 و کن بسا و ند بر سطلستان لبنان و سطلی بر بد و لونه است کسرت
 و دیگر ناوانست چشم چگونه باشد اگر چشم رانست بود سطلی است و در ط
 چشم که نوز سطلی که باشد خط چشم است ... اگر سطلی را با سطل
 ان اناست او با جان خنکی باشد و ان خط طوطی باشد کی عرض و بعد
 سکا کسرت باشد از سطلی سطلی سطلی که بعد سطلی کی کسرت از بعد ای چشم ز
 اگر سطلی سطلی سطلی سطلی بودی و مسا او رانست سطلی فادیم سطلی
 و صورت سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی
 اب بود عن کرده باشد و سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی
 و اگر کسی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی سطلی

۱۸۹ مترج خط ثلث بانسخی در کتاب التفهیم ۵۳۸ ق کتابخانه
 مجلس تهران



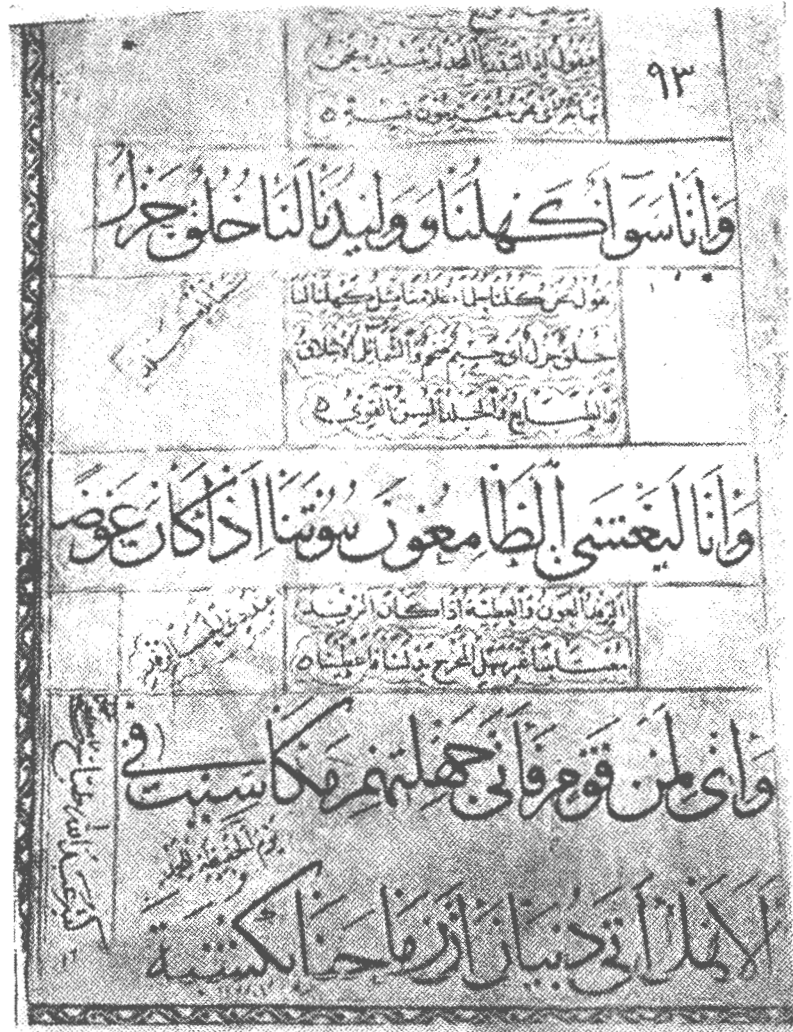
۹۰ يك صفحه قرآن بخط باسنقر
میرزا اشیرزا ده هرات در مشهد



صفحة قرآن عظیم بخط ابراہیم سلطان بن شاہرخ ۸۲۷ قدر مشہد
رضوی (از گنجینہ قرآن)



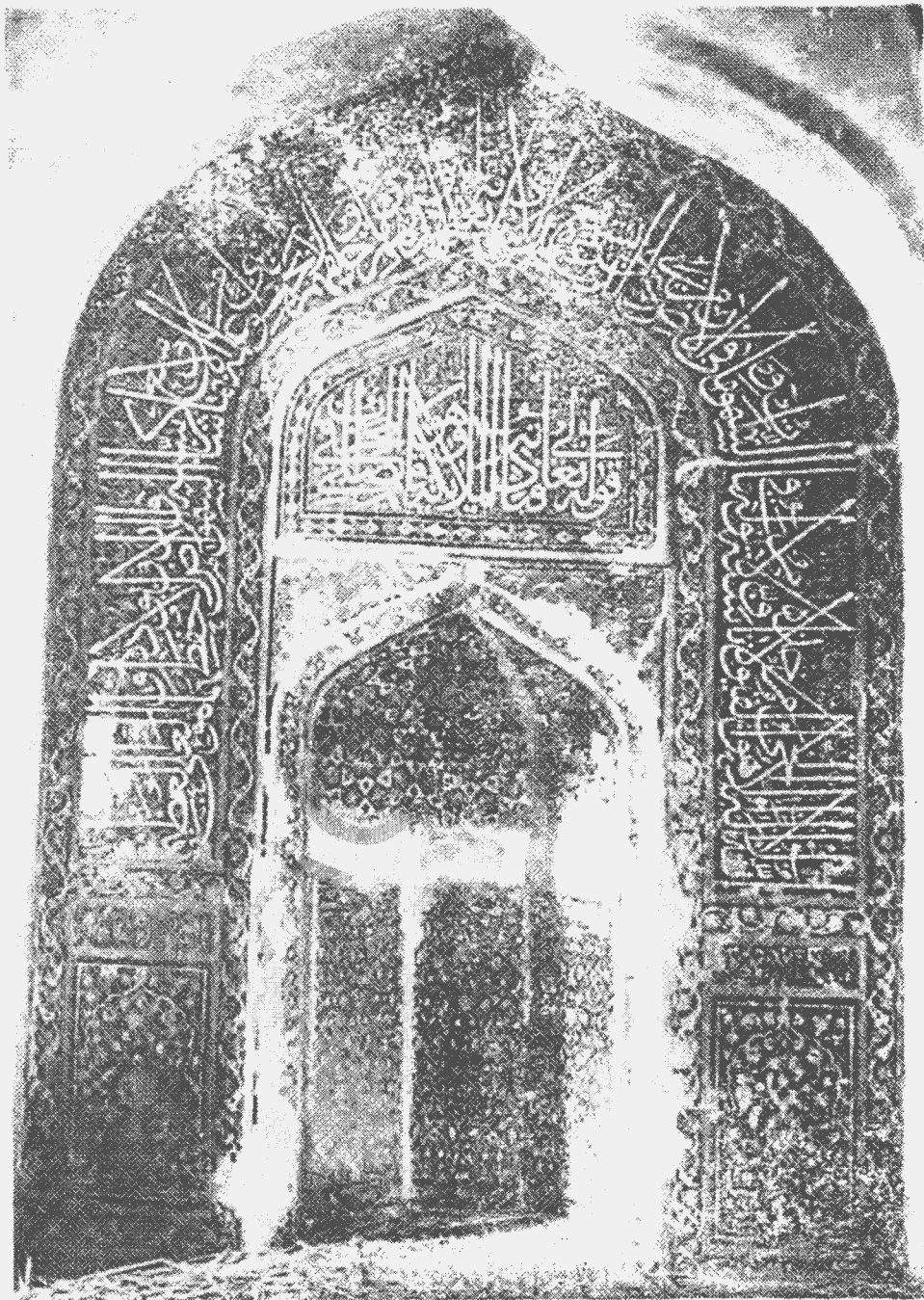
صفحه اول قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید حدود ۹۰۰ ق ۱ ز
کنجینه قرآن در مشهد رضوی

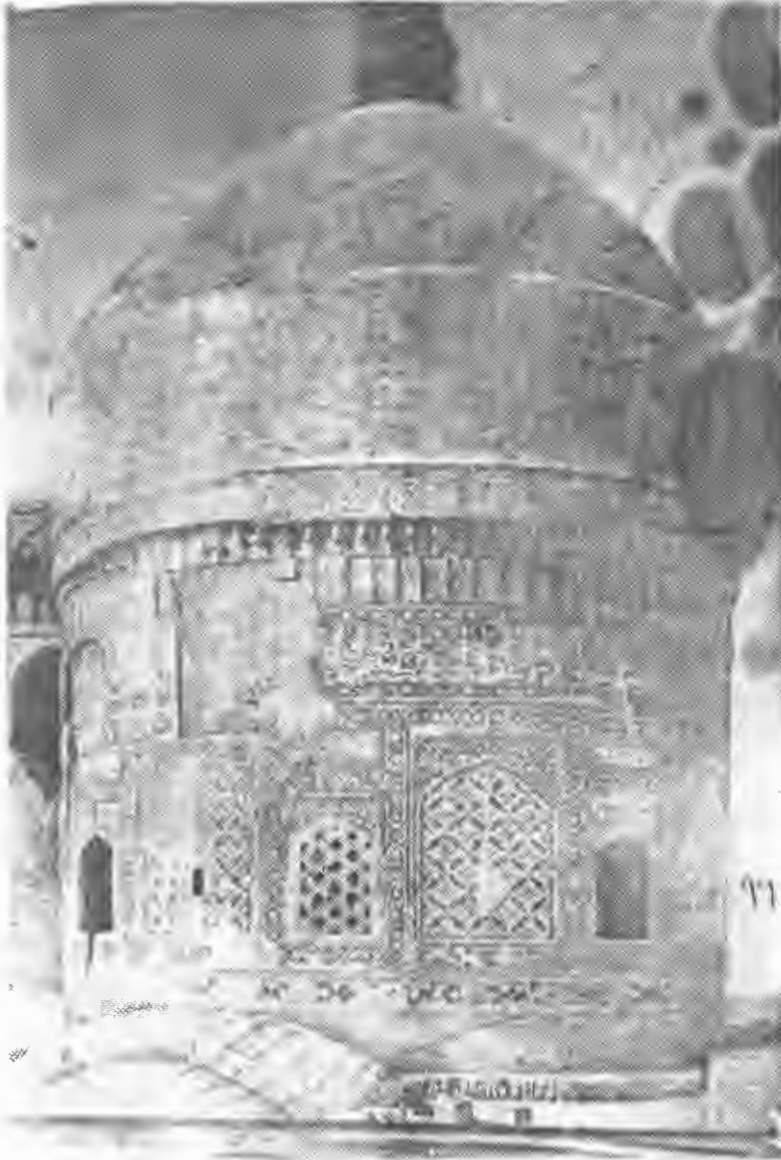


٩٣ خط عبدالله طباخ هروی ٨٤٥ ق در گنجینه قرآن مشهد رضوی

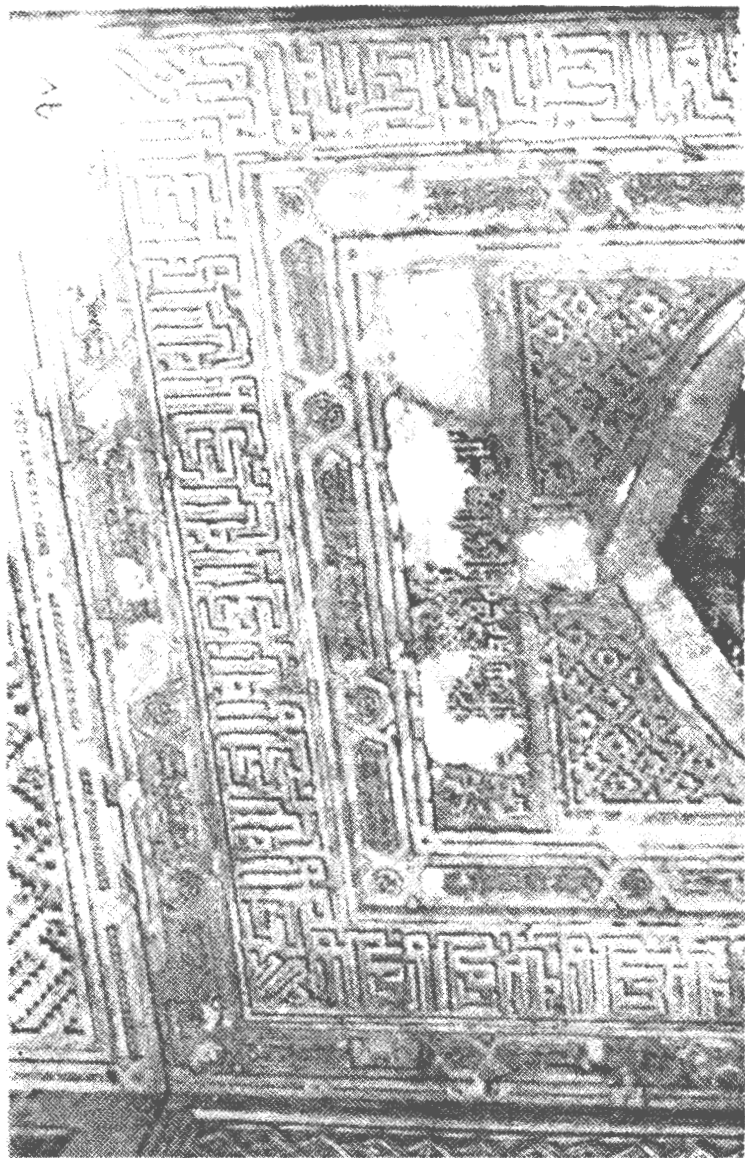
— ۱۱۴ —



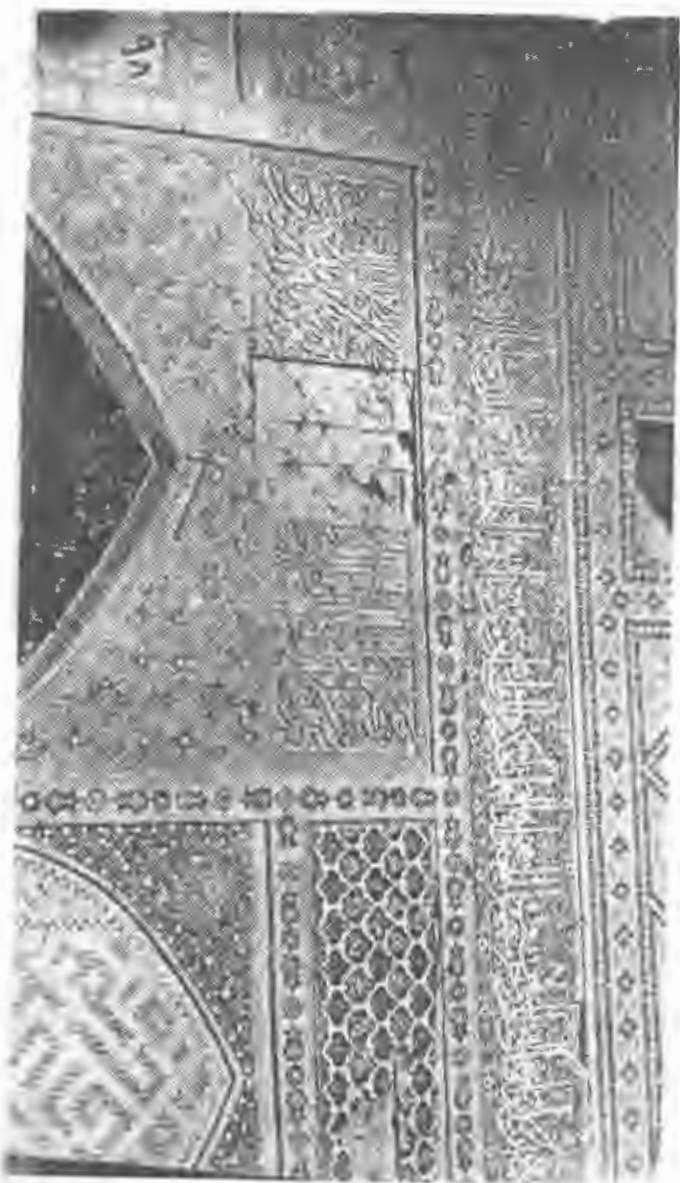




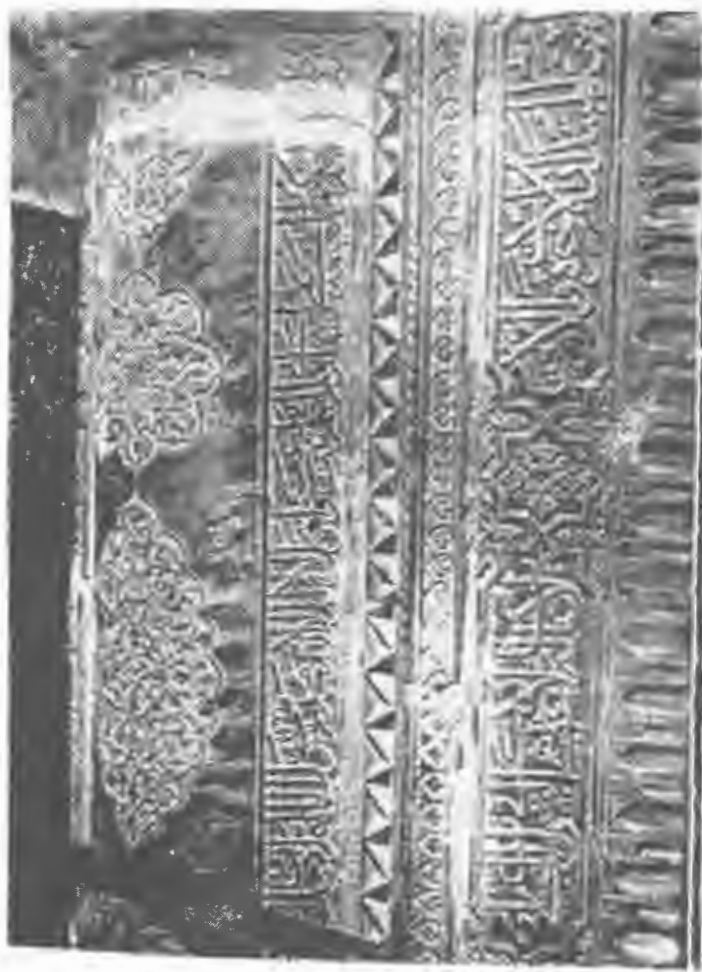
۹۶ نو شته جلی مدرسه میر عرب بخارا ۹۲۴ ق



۹۷ نمونه خط معقلی قرن ۱۶ برطاق نماز گاه بخارا



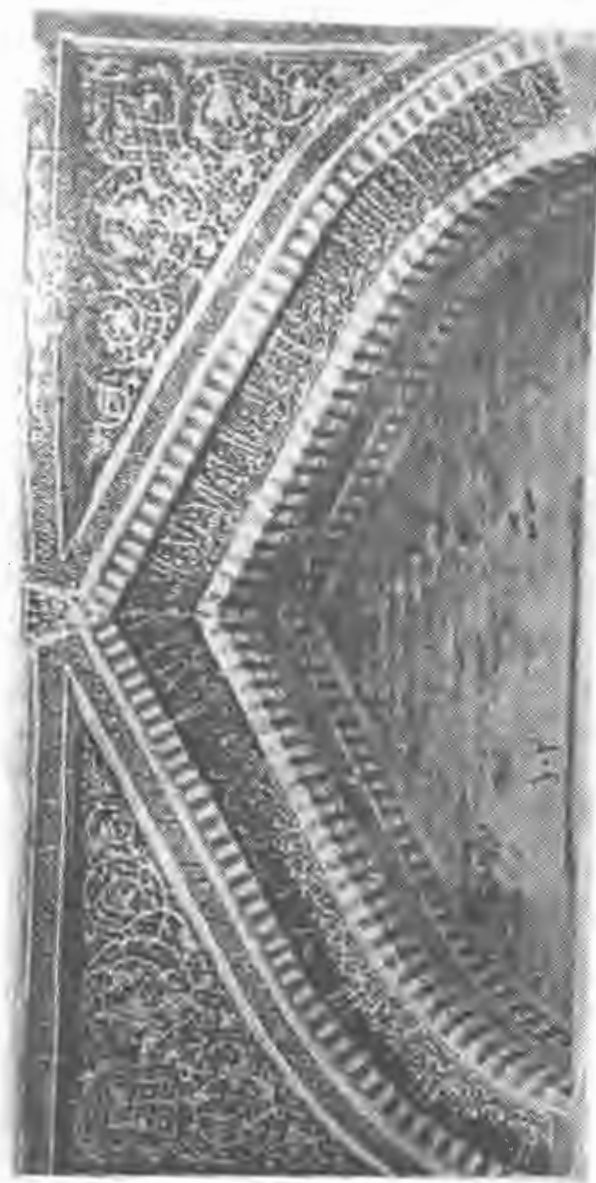
۹۸ تلت جلی مسجد بی بی خانم در سمرقند اوایل قرن ۱۴



۹۹ کتیبه نزار حکیم تر مدی دوتومه قرن ۱۴



۱۰۰ - ۱۰۱ شیوہ ثلاث ترکستانی قرن ۱۶
(۲ منجینہ قرآن مشہد رضوی)



۱۰۲ نلث متمایل به تعلیق بر ایوان قبر بیان قلی خان در بخارا قرن ۱۴

والحمد لله رب العالمين
 والعاقبة للمتقين ولا عدوان الا على الظالمين
 وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه
 الطيبين الطاهرين المنتجبين
 الاخيار وسلاما ليها كما
 ووقع الفراغ وتحررت
 العبد الضعيف
 الى رحمة الله
 رمضان المبارك
 وليلة الجمعة
 ثامن عشر
 شهر ربيع
 الثاني سنة ١٢٤٥

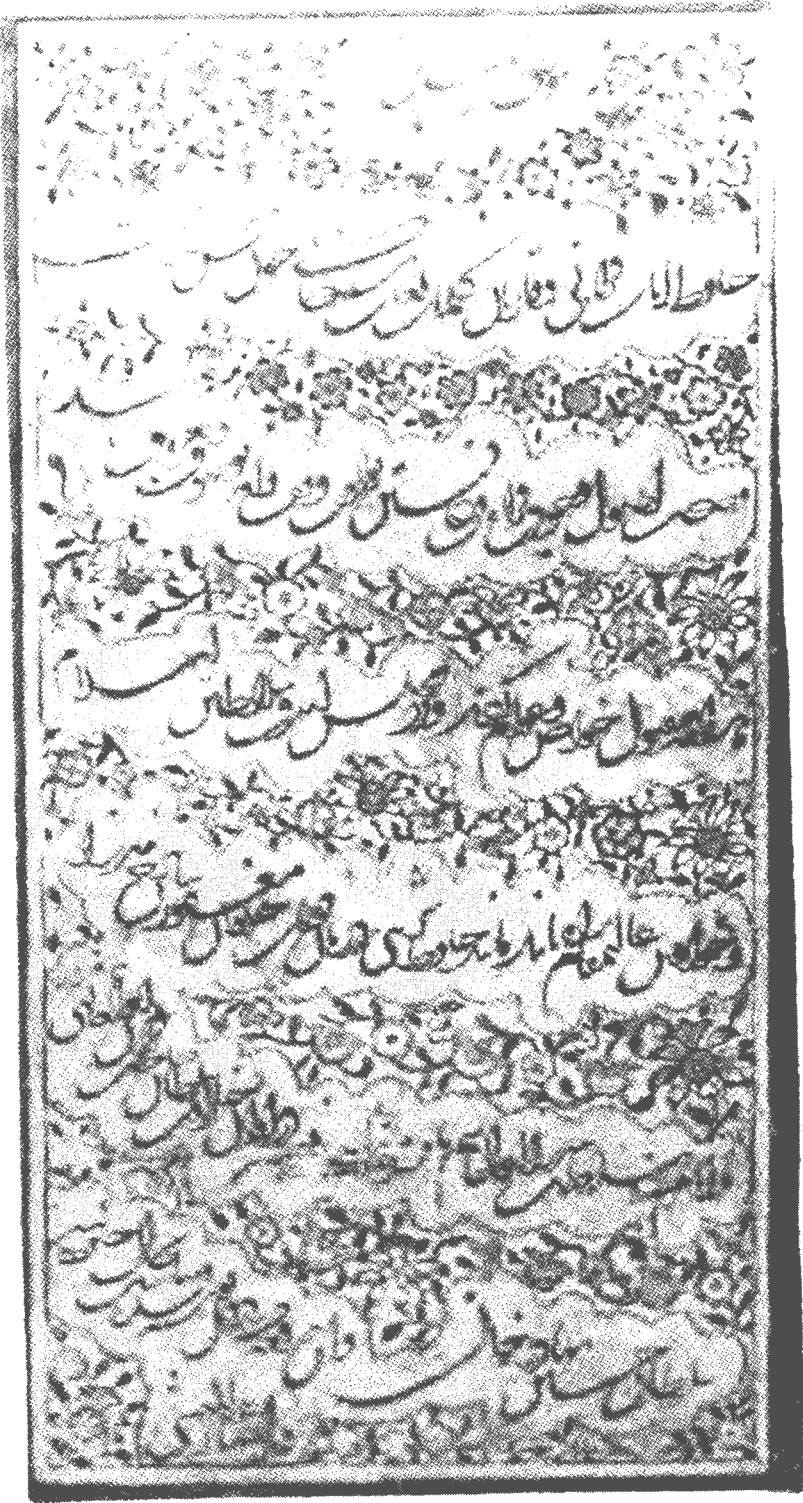
١٢٤٥

عینت در هیچ حالت از ما و از کلام اسلام منقطع
 نگردد و ما را در دیگر اوقات که در حق ما کلام آن حضرت
 مبارک و جا کران مقدس خشنود در وقت عذرت او مستغنا
 کرد انداخته که فرمود است که جواب کهن بر منسوب به شیخ خطای
 و زلات ما باشد و دل ما را بر محبت خویش و حق ما را بر حضرت
 دوستان خویش و حق دل را در ما را یک طرفه العین و کم از آن
 بما و خلق باز مکه دار فواج تا که نزدین و دیا و اوت ما است
 خدمت دوش تو حضرت است و محبت تو ما را در حق ما را در
 تنویر و در حمد و وا محمد صلی الله علیه و آله و سلم
 هذا کتاب استکبید العبد الضعیف
 المحتاج الی رحمة الله تعالی علی فی القاصح لیس علی
 الجوی لنفسه متع به و قد وقع الفراغ من استکاب
 محمد صالح در سنه ۷۰۰ ق شیوه نسخی ممزوج به تعلیق
 ۱۰۴

۱۰۴ صفحه اخیر اسرا و التوحید کتابها نه تسلیم آغا استا نبول بخط
 محمد صالح در سنه ۷۰۰ ق شیوه نسخی ممزوج به تعلیق

۵۰
مطهر و معجز است که در کتب معتبره و معتبره در دسترس است
علاصه فخریه: شرح المومنین و المومنین و المومنین و المومنین

تعلیق تزیینی خواجه تاج الدین مثنوی
(از کتاب و کتابخانه)



۱.۶ نمونه تعلق خواجه اخبار مروی

از سخاوتش فی ازم خود تمام بیفکند
وانشد نالقه ان گان رینه قد ماکل
سند عریای محمدی لاکتب البحر تسیر
او در عیب قلب تا وید لاکتب عادل تزیید
او شاطن اثر ب تزیید سبحان من عرفنی قریب

سبحان من الهمنی قیل
غم کتاب الطبقات محمد
در منه علی بد آئید الضعیف
در ویش صوفی لوم اللاح
تأمن عریس رضی
۱۳۹

صوفیه - نور عثمانیه استانبول
اصول - صوفیه - اخیر طبقات



بَلَدًا لَا يَكُونُ فِيهَا شَرٌّ إِلَّا شَبَّهَا النَّارُ الشَّكْرُ قَابِلٌ

بَلَدًا لَا يَكُونُ فِيهَا شَرٌّ إِلَّا شَبَّهَا النَّارُ الشَّكْرُ قَابِلٌ

فِي النَّارِ فَيَكُونُ ابْنُ الْآخِرَةِ وَلَا يَكُونُ ابْنُ الْآخِرَةِ إِلَّا فِي النَّارِ

فَقَدْ كَانَتْ قَدْرَتُهَا عَلَى النَّارِ
فَمَا كَانَتْ قَدْرَتُهَا عَلَى النَّارِ إِلَّا فِي النَّارِ
أَلَا كَيْفَ تَكُونُ فِي النَّارِ إِلَّا فِي النَّارِ

بَلَدًا لَا يَكُونُ فِيهَا شَرٌّ إِلَّا شَبَّهَا النَّارُ الشَّكْرُ قَابِلٌ
فِي النَّارِ فَيَكُونُ ابْنُ الْآخِرَةِ وَلَا يَكُونُ ابْنُ الْآخِرَةِ إِلَّا فِي النَّارِ
فَقَدْ كَانَتْ قَدْرَتُهَا عَلَى النَّارِ
فَمَا كَانَتْ قَدْرَتُهَا عَلَى النَّارِ إِلَّا فِي النَّارِ
أَلَا كَيْفَ تَكُونُ فِي النَّارِ إِلَّا فِي النَّارِ

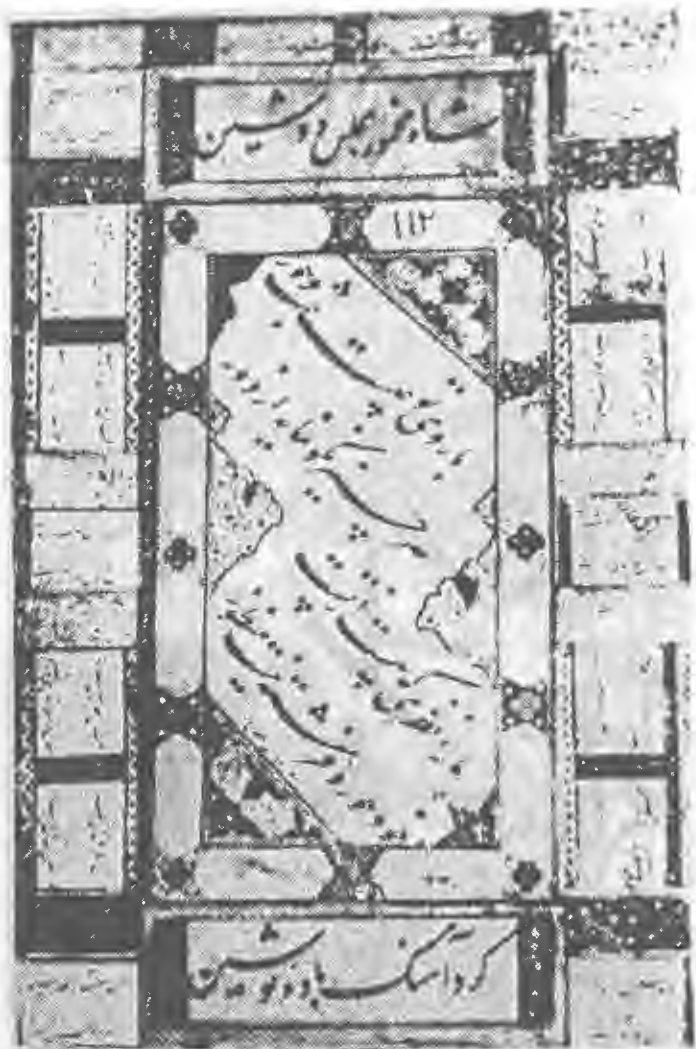
۱۰۹ نمونه خطوط جعفر باسنقری هروی در کتابخانه ملی تهران
ثلث نستعلیق رقاغ شکسته

| | |
|--|---|
| <p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p> | |
| <p>وَأَمَّا أَنْتَ يَا مَعْزُومَ فَاعْرِضْ</p> | <p>عَلَى اللَّهِ مَا كُنْتَ تَعْبُدُ</p> |
| <p>سُبْحَانَ مَنْ لَا يَلْبَسُ الْأَلْبَامَ وَلَا يَتَّكِبُ الْأَكْبَامَ</p> | |
| <p>وَاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ وَالسَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالنَّارِ</p> | <p>وَالسَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالنَّارِ وَالسَّمَاءِ</p> |
| <p>السُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ</p> | |
| <p>وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ</p> | <p>وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ</p> |
| <p>سُبْحَانَ مَنْ لَا يَلْبَسُ الْأَلْبَامَ وَلَا يَتَّكِبُ الْأَكْبَامَ</p> | |
| <p>وَاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ وَالسَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالنَّارِ</p> | <p>وَالسَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالنَّارِ وَالسَّمَاءِ</p> |
| <p>السُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ</p> | |
| <p>وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ</p> | <p>وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ</p> |
| <p>سُبْحَانَ مَنْ لَا يَلْبَسُ الْأَلْبَامَ وَلَا يَتَّكِبُ الْأَكْبَامَ</p> | |
| <p>وَاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ وَالسَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالنَّارِ</p> | <p>وَالسَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالنَّارِ وَالسَّمَاءِ</p> |
| <p>السُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ</p> | |
| <p>وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ</p> | <p>وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ وَالسُّبْحَانَ</p> |

۱۱۰ نمونه خطوط جعفر مروی در کتابخانه ملی تهران - نسخی وریحان
(سروی هنرپرستیها)



۱۱۱ خط نستعلیق میرعلی هروی



۱۶۲ نستعلیق سلطان محمد نور



۱۱۳ نستعلیق علی مشربی



۱۱۴ نستعلیق جلی حسن شاه ملوک ۱۰۴۹ق بر مزار خواجه عبدالله انصاری مرآت



۱۱۵ يك صفحه شاهنامه مؤلفه گلستان تهران بخط جعفر باينقرى
۸۳۳ق (سروى هنرپر شيان)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

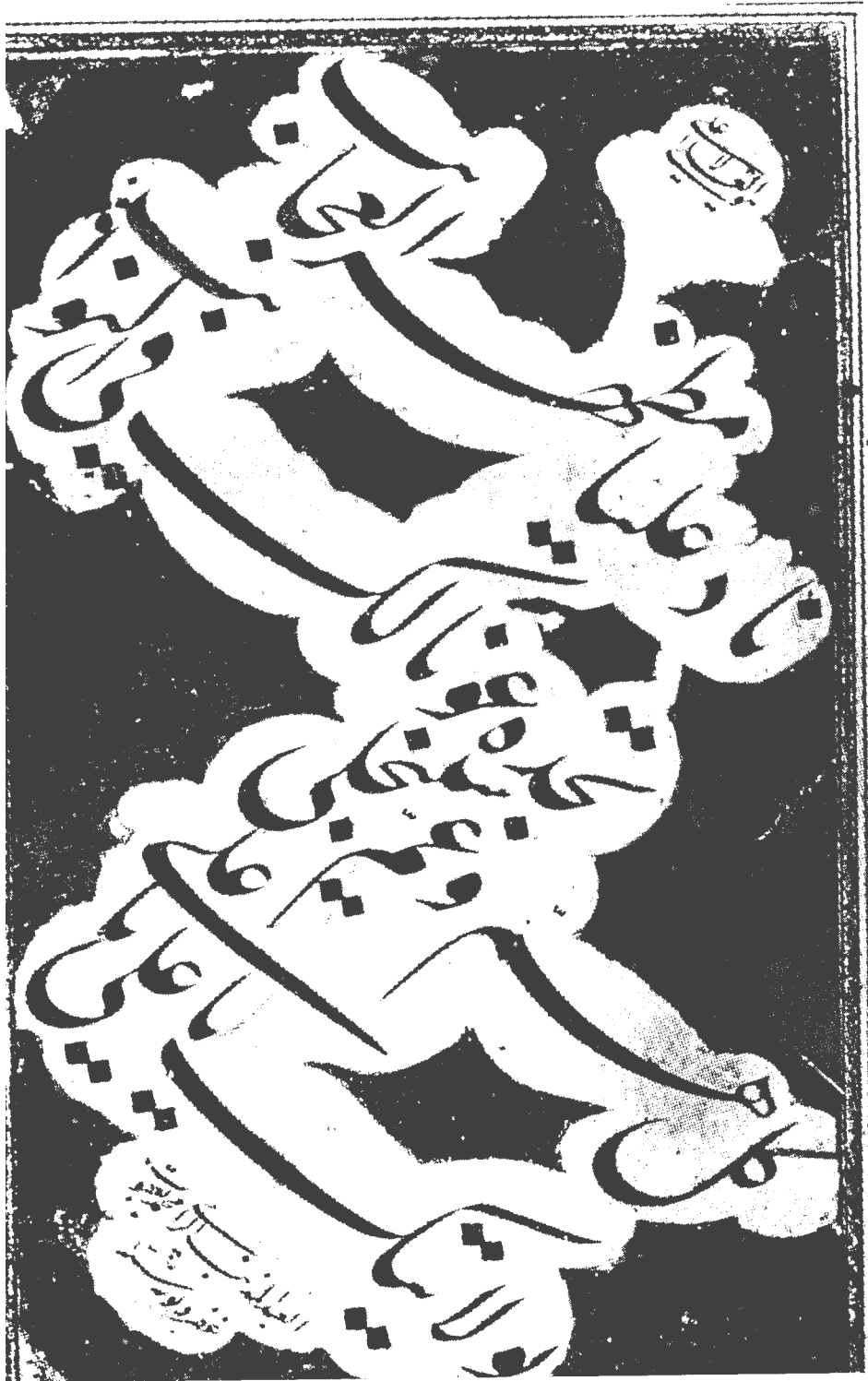
والصلاة والسلام على من لا نبي بعده

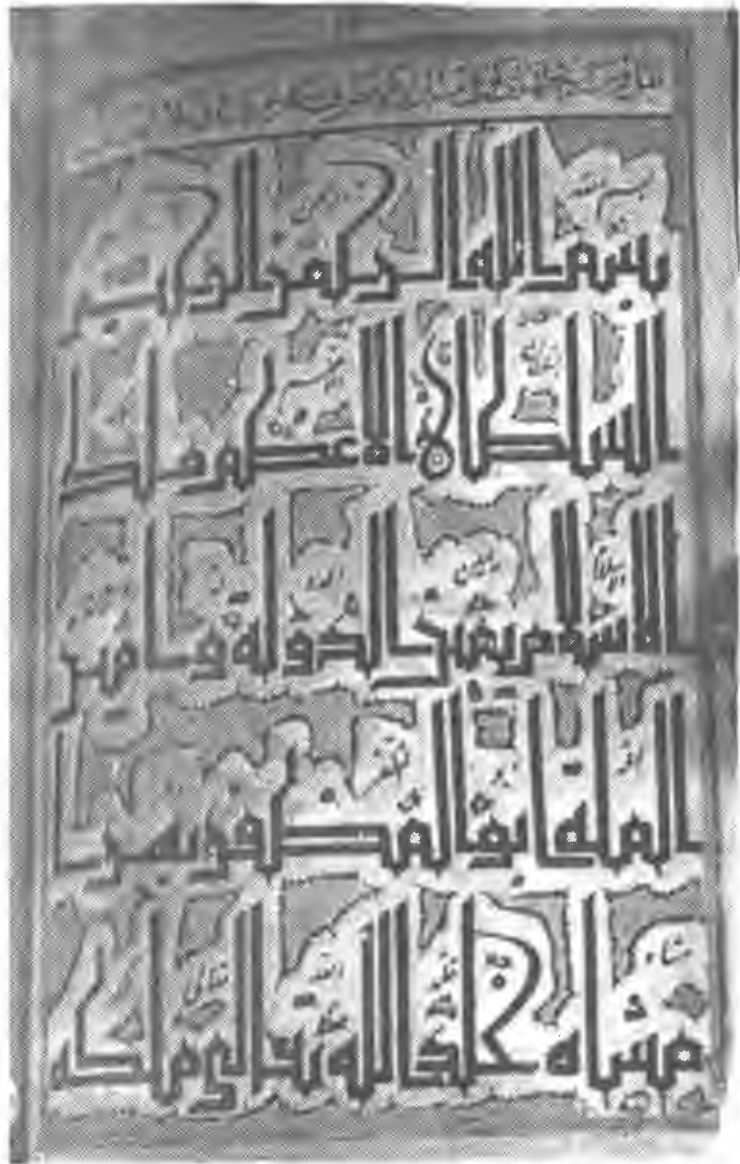
محمد وآله الطيبين الطاهرين

خط سلیقہ درویش عبد المجید طالقانی

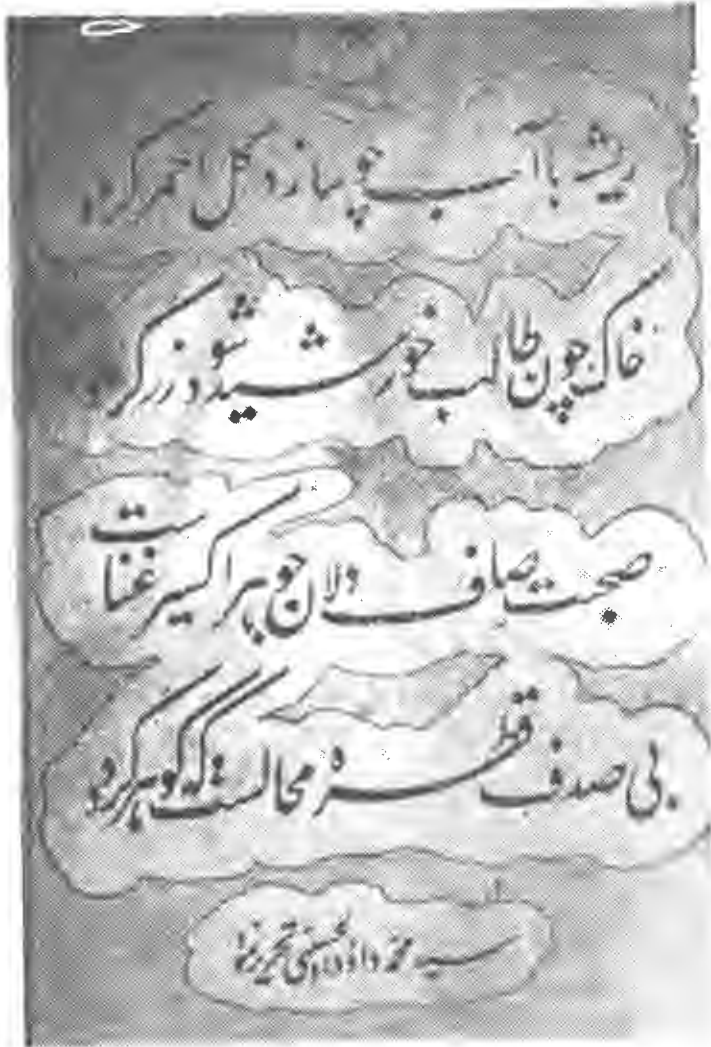


نمبر ۱۱۸





۱۲۰ نمونه خط کوفی ونستعلیق
وثلث شیخ محمد رضا هروی ۱۳۲۶ ق



نمبر ۱۶۱



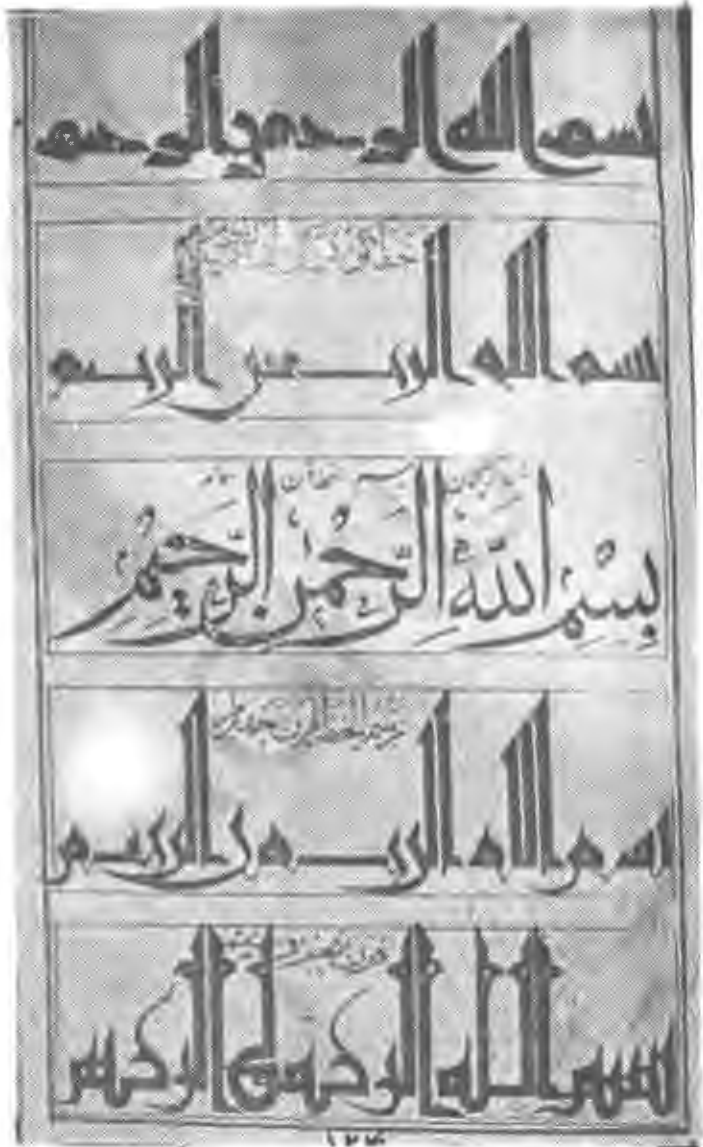
کہ پادشاہ دور رس بہت جہان یم

غلام سہ ماہ تابان یم
لوی احمد شاہ بابا

کہ ہر چوپہ چسار در و مم

آخر پانی و خزان یم

پروش عماد السی قلمی شد
عزیز الدین و کلی ففلازی



نمونه خطوط اخوند محمد علی هروی

بماند سالها این نظم و ترتیب

ز ما هر ذره خاک افتاده جا

غرض نفس است که ما با زمانه

که هستی انبیا بی نیت است
حسین فاضلوی

| شکل
نمونی | در
خیرالبیان | در
مخزن | درخاندان
خوشالخان | امثله |
|--------------|-----------------|------------|----------------------|-----------------------|
| ت | ت | ت | ط | غت = غط |
| ش | ش | ش | چ | خوک = چوک |
| ح | د | خ شخ | ج | حما = دما = جما |
| د | د | د | د | دپر = دُپر |
| ر | ر | ر | ر | زره = زُرّه |
| ب | د | ب | ژ | رسپړی = رسپڼی = رسپړی |
| بن | بن | بن | ش | بناغلی = شاغلی |
| ن | ن | ن - نر | ن | رنا = رنړا = رنّا |

خطاط معاصر

اکنون که داستان آفرینش خط را در افغانستان شنیدید و نمونه های انواع خطوط مروجه دور های تاریخی را هم دیدید ، ما خوانندگان گرامی خود را به تماشا پدیدة هنری خط در عصر حاضر می آوریم. مواریت هنری گلدشتگان ما درین عصر نیز خوشبختانه زنده اند ، و مهمل بزرگ این هنر در وقت استادقادر القلم عزیزالدین فوفلزا ئی قند هاری ولد مرحوم حاجی نظام الدین خان ساکن کابل اند ، که باوجود داشتن مرتبه اولین در صف خوشنویسان این زمان ، نویسنده مورخ و شاعر نیز میباشند .



برای اینکه در پایان این کتاب نمونه های زنده هنر خطاطی را در کشور عزیز ما نشان داده باشیم ، از استاد گرامی موصوف خوا هس کردیم که نمونه های انواع خطوط خامه توانای خود را ضمیمه این کتاب فرمایند .

استاد دانشمند این خواهش ما را پذیرفته و (۳۵) قطعه از نمونه های مختلف خطوط خود را برای تکمیل و تزئین این کتاب بما سپردند ، که با تشکر در صفحات آینده آنرا عکاسی کرده ایم ، و خوانندگان محترم دیده می توانند که فروغ هنر کهن هنوز در افق وطن می درخشد ، و کشور عبدالله مر وارید و بایسته تر و میر عبد الرحمن و سید عطا محمد شاه از وجود هنر مندی چون استاد عزیز خالی نیست .
خدای توانا بر برکات خامه اش بیفزاید .

سلطان عجل و دانش جامی کہ یافت خلد

از بادہ وصالش، ارواح قدس جامی

تیا رخ فوت اورا، اعجل خواستم گفت

آہ آرزو جامی، آہ آرزو جامی

قطعة تیارخ فوت مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی بنا سبت احتفال پنجصد و پچاسین
سال ولادت آنجناب کہ در سال ہزار و پصد و چهل و ۱۳۴۳ ش
کابل برپا شد تحریر گردید . عزیز الدین وکیلی فوفلانی

ہر احترامہ بعالم کسب و امکان

پر مقصدی دہا سیر عبد الرحمن

ہر سہارہ چہ لہر کشند سی لہ

پر دہن سنی می امیر و سح دوستان

بجواب یکی از قطعات مشہور جناب سید عطاء محمد خان قندھاری قلمی شد

العبد الحقیر الفقیر المذنب عزیز الدین و کلبی فوفلزانی

بازمانده‌های چینه‌ها را در آنجا پیدا کردیم

در آنجا کشف شد

تقریباً ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در ایران کشف شد

در آنجا کشف شد

بازمانده‌های چینه‌ها را در آنجا پیدا کردیم

تقریباً ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در ایران کشف شد

لَكَ وَنَهْ مُسْتَقِيمٍ خَيْلٍ مَكَانٍ

كَخَزَانٍ رَابَعِي رَاشِي كَهَبَهَارٍ

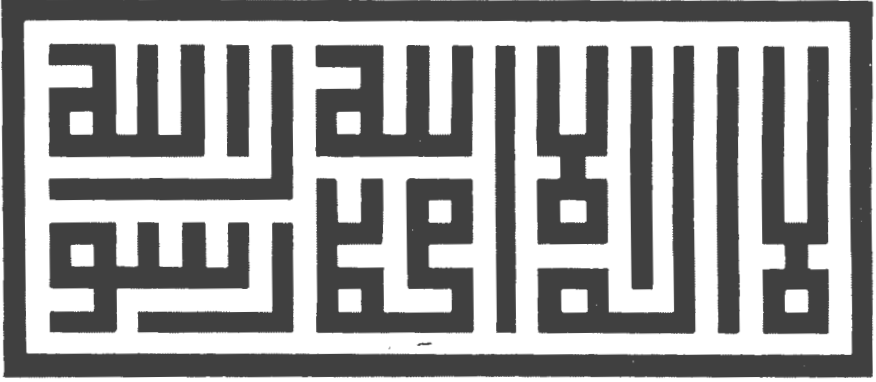
ليكونكي : عزيز الدين وكيلى بولجى

لَكَ وَنَهْ مُسْتَقِيمٍ خَيْلٍ مَكَانٍ

ليكونكي : عزيز الدين وكيلى بولجى

كَخَزَانٍ رَابَعِي رَاشِي كَهَبَهَارٍ

٤- نمونه خط ثلث و نسخ بسبك عثمانى شعر رحمان بابا افغان



خط معقلی کوفی (۵) --- >

رشته بار چنانکه گل عمره
 خاچن طاهر شیرین
 صحبت صابون چو بر آینه
 وطن را می رسد که تو بر همه

(۶) خط توفیق خراسانی

آن نیمه مان که بسینوایی یاید

وان جامه که کو دکد ای بی یاید

چون لذت تحیت که اسیلمی را

از باعیا ت خلیل الله خان خلیلی

لشکر شکنی جهانگشایی یاید

بخط عزیزالدین وکیلی نوقلرانی ذرائی

۱۳۲۷

(۷) نستعلیق

(۸) تعلیق

۲

بطریق کاری شریف و کیمین لورمه صد و پنجاه هجرتی سی

عزیزالدین وکیلی نوقلرانی

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

و ب ر خدا توکل کنند توکل کنندگان

تفسیر: شما هر قدر بنده سید بن سید فخر البدر است، در توکل و توکل کننده متوجه که در همه اشکال و احوال و وقت و مکان است که توکل کنید.

۹-سطر اول ناک - دوم نستعلیق - سوم شکسته آمیز (طرز مناشیر)

هو المعز
دین بهار در سر می چاشند
که راه سخن گل های بهستان

ز بون با ده کون به عمار عم ندند
بهر راه بهرستی می کسان

خط عزیز الدین و کلمی قفرائی
۱۳۴۶

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِ وَالْعَرْشِ الْعَظِيمِ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ وَبِحَبْلِ عِمَامَتِكَ وَبِأَنَّكَ تَعْلَمُ
 سِرِّي وَأَعْلَمُ خَيْرًا لِي مِنْ عِلْمِي وَتَعْلَمُ مَا فِي قَلْبِي وَتَعْلَمُ مَا فِي
 كَلْبِي وَتَعْلَمُ مَا فِي رَجُلِي وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَتَعْلَمُ مَا فِي
 عَيْنِي وَتَعْلَمُ مَا فِي لِسَانِي وَتَعْلَمُ مَا فِي كَفِّي وَتَعْلَمُ مَا فِي
 يَدِي وَتَعْلَمُ مَا فِي رِجْلِي وَتَعْلَمُ مَا فِي عِظْمِي وَتَعْلَمُ مَا فِي
 عَظْمِي وَتَعْلَمُ مَا فِي عَظْمِي وَتَعْلَمُ مَا فِي عَظْمِي وَتَعْلَمُ مَا فِي

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِ وَالْعَرْشِ الْعَظِيمِ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ وَبِحَبْلِ عِمَامَتِكَ وَبِأَنَّكَ تَعْلَمُ
 سِرِّي وَأَعْلَمُ خَيْرًا لِي مِنْ عِلْمِي وَتَعْلَمُ مَا فِي قَلْبِي وَتَعْلَمُ مَا فِي
 كَلْبِي وَتَعْلَمُ مَا فِي رَجُلِي وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَتَعْلَمُ مَا فِي
 عَيْنِي وَتَعْلَمُ مَا فِي لِسَانِي وَتَعْلَمُ مَا فِي كَفِّي وَتَعْلَمُ مَا فِي
 يَدِي وَتَعْلَمُ مَا فِي رِجْلِي وَتَعْلَمُ مَا فِي عِظْمِي وَتَعْلَمُ مَا فِي
 عَظْمِي وَتَعْلَمُ مَا فِي عَظْمِي وَتَعْلَمُ مَا فِي عَظْمِي وَتَعْلَمُ مَا فِي

عَزِيزِ الْحَبِيدِ وَكَفِيٍّ فَخْرٍ فَطَرْتَنِي

۱۵- خط تتر نینی موفی

قلم ایوانه کج و درم دور

ساده سیرم خط و قلم درم دور

بنویسند سیرم کج و درم دور

صحنه صحنه صحنه درم دور

لائحه و نظمه سیرم کج و درم دور

جَاهُ الْفَيْضِ وَتُرُقِي كَرِي

حَوِيٍّ سَلْوِيٍّ ، عَرَفْتِ وَعَرَفَانِي

فَا لِحَاثِ الْبِرِّ سَعِيٍّ طَبِيعِ

دَائِمًا فَيْضِهِ وَتُرُقِي كَرِي

خَطِّ رَقْعِهِ بِقَامِ عَزِيزِ الدِّينِ وَكَيْلِي فَوْقَ لَزَائِي

استاد عشقوله و نبودك شوه حكر و نه
 ستاپه لاسره كنبه بايا اخلی سر و نه
 كه هر خومی د دنیا ملكونه د پرشی
 ز ما خچه هر نشی داستانبكلی باغونه
 در قیب د ژوند متاع به تارپه تار كرم
 چه په تور و پنبستانه كا گذار و نه
 ناتره راسمه ز رگی ز ما فارغ شی
 بی له تامی اند پنبنی د زره مار و نه
 د دهلی تخت هر و مه چه را یاد كرم
 ز ما د پنبكلی پنب تو خواد غر و سر و نه
 كه تمامه دنیا یو خواته بل خوایی
 ز ما خو خویس دی ستاتش دگرونه
 "احمد شاه به دغه ستا قدر هر پینكا
 كه ونیسی د تمام جهان ملكونه

لیکنی، عزیزالدین و کیلی پولزی ۱۳۲۲

۱۸- خط نسخ پنبنو. غزل احمد شاه بدالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
فَأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ
لَهُ كُفُوًا أَحَدًا
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
فَأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ
لَهُ كُفُوًا أَحَدًا

۱۹- خط دیوانی دارای حروف تساج بسبک منشیان قدیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (بسم الله الرحمن الرحيم) دالله چه دیرزیات مهربان پوره رگم لرویکدی

بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بِسْمِ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ ۝ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۝ (بسم الله رب العالمین چه دالونکدی عالیا نونجی لوی حکمت لغم) دیرزیات مهربان پوره رگم لرویکدی

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ۝ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ

مٰلِکِ یَوْمِ الدِّیْنِ ۝ اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاکَ (ممالک دتولو امور ددورجی دجزاری) خاام تاند عبادت کورو اوخاص له تاغنه

نَسْتَعِينُ ۝ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝

نَسْتَعِیْنُ ۝ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ ۝ (نستعین غوارو) ونسید مومونته لاره سسمه

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ۝ غَيْرِ

صِرَاطَ الذِّیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ ۝ غَیْرِ (صراط دوهغو کسانوچه انعام کری تا) پرهغو بناندی نه

الْمَغضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝

الْمَغضُوبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّیْنَ ۝ (لامه دوهغو بناندی کسانوچه غضب کری شوی پرهغو بناندی اوند دلا ره دوهغو بناندی کسانوچه) گزاهان دی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۱۳۵۰ هـ - ۱۳۹۱ ق

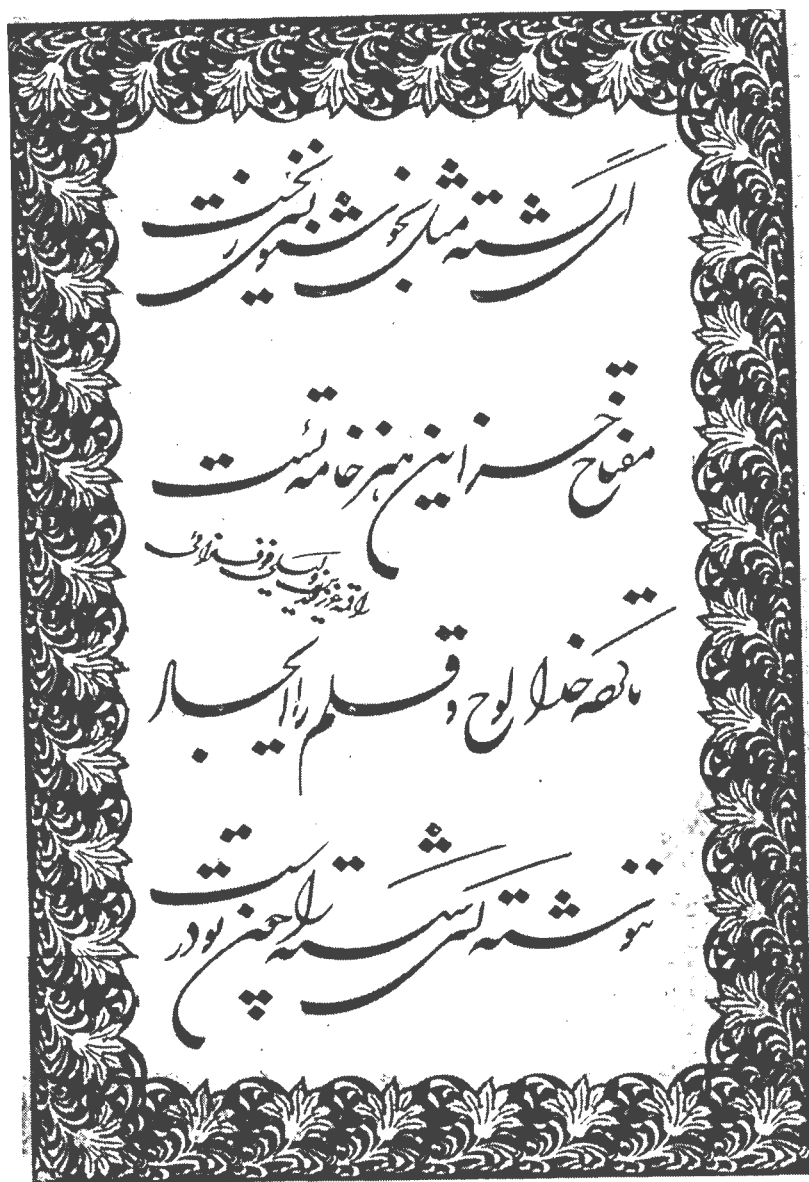
۲۰- خط نسخ (فرآنی) بسبک ممتاز مکتب عالی عثمانی



۲۱- خطایوفی وشکسته طرز مناشیر باصنعت حواتمی



۲۲- طفرای خط دیرانی با حروف تاج و صنعت تزئین حاشیه



۳۳ - خط شکسته باتز فین حاشیه

۲۷- خط توفیق شیوه خراسانی <

در دنیا اگر کسی است با درویشی

خلایق منعم کفایت درویشی

چرا که در دنیا هر چه هست
در دستان درویش است

چرا که در دنیا هر چه هست
در دستان درویش است

خط دیوانی عربی بیت پنجم در: ان بابا

(۲۸) خط دیوانی عربی بیت پنجم در: ان بابا

صبحه من مع عفتی با گل خوش قسمت
بازگرم لنگه درین باغ نسیم چهره ساقی
گنجینه بدیده از راستی بحکم و با
چو عاقبت سخن باغ معسومین قسمت

عزیزانیه و سید و فطما تحریک زیو

۱۳۴۷

۲۹- يك شیوه از خط مناشیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۰- خطثلث ونسخ بر اساس استادى مکتب عالی عثمانى

و انگر که سپاسی به آواز به

که هم که نرسیده به آواز به

غمی زمانه آفریننده

اولی شایسته یکبار به

۳۱- شیوه مناشیر شعر استاد خلیلی

بجز مکرر رسالته
بجز مکرر رسالته
بجز مکرر رسالته
بجز مکرر رسالته

۳۲- تعلیق سبک خراسانی



۳۴ قطعه هفت قلم خامه استاد عزیزالدین فوفلزائی که باستقبال قطعه
خط آخوند محمد علی عطار هرروی نگاشته اند .

لا تتركوا من طاعة الله والرسول شيئا ولو كره الباطل
الذين آمنوا وهم الذين آمنوا وهم الذين آمنوا وهم الذين آمنوا

من الله والرسول والذين آمنوا وهم الذين آمنوا وهم الذين آمنوا
من الله والرسول والذين آمنوا وهم الذين آمنوا وهم الذين آمنوا

من الله والرسول والذين آمنوا وهم الذين آمنوا وهم الذين آمنوا
من الله والرسول والذين آمنوا وهم الذين آمنوا وهم الذين آمنوا

من الله والرسول والذين آمنوا وهم الذين آمنوا وهم الذين آمنوا
من الله والرسول والذين آمنوا وهم الذين آمنوا وهم الذين آمنوا

(۳۰) نمونه دیگر از خط تعلیق (دیوانی) عربی بقلم خطاط هفت قلمی
عزیزالدین وکیل فوفلرائی

فهارس اعلام

رجال ، اماکن *، طوایف ، قبایل ، خاندانها ،
کتب، رسایل ، زبانها ، خطوط ، انجمن ها و غیره

مرتب

حبیب الله رفیع

* نامهای اماکن توسط ستاره (°) مشخص شده است .

«آ»

- * آب ما هیان (حوض) ۲۸
 * آتن ۱۸
 آثار الباقیه (کتاب) ۷۱،۲۶
 * آرا ۴۲،۲۹
 آرامی (خط) ۱۵،۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷
 نا ۷۲،۶۷ تا ۶۵،۶۱،۲۲،۲۱،۱۸
 . ۱۱۶،۸۲
 آرامی (زبان) ۷ تا ۶۷،۲۵،۱۸،۱۱
 آرامیان ۷
 آرت خاندان کوشان (کتاب) ۴۲
 * آریانا ۷۱ (نیز رك : آریانه)
 آریانا (مجله) ۱۱۴،۱۷،۱۰،۵
 آریین ۱۵
 * آریانه ۵۸،۵۴،۲۵،۲۱،۱۴،۳،۱
 . ۷۰،۶۹،۶۸،۶۷
 آریانه انتیکوا (کتاب) ۲۸،۲۵،۲۱
 * آریانه و بیجه ۲
 آریا بی ۱۱۶،۹۰،۷۷،۷۱،۲
 آرس ۲۳
 * آستان رضوی مشهد ۱۱۰،۹۵
 * آستان قدس مشهد (رك : آستان
- رضوی) ۱۰۵
 آستان قدس (نامه) ۱۰۳،۱۰۲
 * آسیا ۷،۳،۲
 * آسیای میانه ۹۶،۹۳،۹۰،۷۱،۱۶
 . ۱۰۸،۱۰۴،۱۰۰
 * آشور ۷۴
 آشور بانیپال (کتابخانه) ۷۴
 آشوری (خط) ۷
 آشوری (زبان) ۷
 آشوریان ۷
 آشوکا ۹ تا ۲۷،۲۲،۱۸،۱۷،۱۳
 . ۶۱،۴۷،۳۷
 * آکسفورد ۵۰،۲۵
 آل بانیجو ر ۸۸، ۶۹
 آل طا هر ۸۸
 آل فر یغون ۸۸
 آل کرت هرات ۱۰۱
 * آمو ۲۱،۱۸
 آنده ۳۸
 * آی خانم ۱۸،۱۷،۱۵
 * آیر لیند ۹۲،۵

«الف»

- ابراهيم سلطان ابن شاهرخ ۱۰۶،
 ۱۰۷ .
 ابن درستويه ۹۱،۹۰ .
 ابن طيفور احمد بن ظاهر ۸۱ .
 ابن قتيبه ۹۱،۹۰ .
 ابن مقفع ۹۰ .
 ابن نديم ۷۶،۷۷،۸۱، تا ۸۴،۸۶،
 ۹۰،۹۵ .
 ابنه و آثار تاريخي اسلام در اتحاد
 شوروي (کتاب) ۹۵ .
 ابوالبرکات رازی ۹۵ .
 ابوالحسن عراقي ۹۳ .
 ابوالعباس الوليد بن عبدالملك
 خليفه اموي ۸۴ .
 ابوالعلاء (شيخ) ۱۰۱ .
 ابوالفضل ۱۰۲ .
 ابوالفضل بن عميد ۷۶ .
 ابوالفضل علامي ۱۱۰ .
 ابوالقاسم منصور بن محمد هروي
 ۹۵ .
 ابوالمعاني محمد بن عبیدالله ۹۳
 ابوالوفا ۱۱۰ .
 ابوبکر (رض) ۸۳ .
 ابوبکر اصولي ۹۱ .
 ابوبکر بن احمد بن عبیدالله
 الفزنوي ۹۶ .
 ابوبکر عتيق بن محمد بن خسرو
 ۹۹ .
 ابو جعفر محمد بن عبدالجبار بن
- محمد ۹۸ .
 ابو سعيد ميرزا ۱۱۰ .
 ابو سليمان ۷۶ .
 ابو سهل بن نو بخت ۷۶ .
 ابو معشر بلخي ۷۶ .
 ابومنثور ثعالبی ۷۵ .
 ابو نصر احمد (امير) ۶۹ .
 ابو نصر محمد بن فريفون ۸۸ .
 ابو يعلى حمزه حسن ۸۳ .
 ابهي دهرمه ۷۹،۲۸ .
 ابهي سازه پرسته ۴۳ .
 ابی منصور بختکين ۹۳ .
 * اتحاد شوروي ۱۶ .
 * اثره فل گونه ۴۸ .
 * اتک ۲۹،۳۱،۶۴،۹۸ .
 اتهر ۳۱ .
 احمد بن ابوخالد احوال ۹۱
 احمد بن اسد ۸۸ .
 احمد بن اسماعيل ۸۸ .
 احمد بن جعفر بن احمد ۸۸ .
 احمد بن خالد احوال (رك: احمد
 بن ابوخالد احوال) ۸۶ .
 احمد بن محمد بن احمد ۸۸ .
 احمد بن محمد بن خلف ۸۸ .
 احمد هروي ۱۱۱ .
 احمد يسوي (خواجه) ۱۰۶ .
 اخبار خراسان (کتاب) ۸۲ .
 اخبار ماوراء النهر (کتاب) ۸۲
 اختلاف الزبيجه (کتاب) ۷۶ .

- * اسكندريه ٧٦ .
- اسلام (دين) ١،٣،٤،١٧،٢٨،٤٤،٤٨،٥٣،٥٨،٦٣،٦٧،٦٨،٦٩،٧١،٧٣،٧٧،٧٨،٧٩،٨١،٨٢،٨٣،٨٥،٨٨،٩٠،٩١،٩٩،١٠٠،١٠١،١٠٤،١٠٥ .
- ١١٨،١١٦،١٠٦ .
- اسماعيل بن احمد ٨٨ .
- اشكانيان ٦٥،٧٥،٧٧ .
- اشكانيان (كتاب) ٧٧ .
- اشك بلخي ٦٥ .
- * اشنغر ٣٢،٣٨ .
- اشوغه ١٨ .
- * اصفهان ٨٥،٩٣،١٠٤ .
- اظهر (مولانا) ١١٢ .
- اغو شمريك ٧٢ .
- افشين ٧٨،٧٩ .
- افغانان ١١٦ .
- * افغانستان ١،٢،٣،٤،٥،٧،٨،٩،١٢،١٤،١٦ تا ١٨،٢٠،٢١،٢٣،٢٤،٢٥،٢٧،٢٨،٣٤،٣٥،٣٦،٣٧،٣٨،٤٠،٤١،٤٢،٤٣،٤٤،٤٥،٤٦،٤٧،٤٨،٤٩،٥٠،٥١،٥٢،٥٣،٥٤،٥٥،٥٦،٥٧،٥٨،٥٩،٦٠،٦١،٦٢،٦٣،٦٤،٦٥،٦٦،٦٧،٦٨،٦٩،٧٠،٧١،٧٢،٧٣،٧٤،٧٥،٧٦،٧٧،٧٨،٧٩،٨٠،٨١،٨٢،٨٣،٨٤،٨٥،٨٦،٨٧،٨٨،٨٩،٩٠،٩١،٩٢،٩٣،٩٤،٩٥،٩٦،٩٧،٩٨،٩٩،١٠٠،١٠١ .
- ١٠٤،١١٤،١١٦،١١٨،١٢١ .
- افغانها (نيز رك : افغانان) ٨٠ .
- افغانى (رك : بينتو) ١١٩،١٢١ .
- افلاطون ١٨ .
- * اكاديمى اوزبك ١٠٢ .
- اكبر ناه ١٠٢ .
- اكشه بيكه ٣٥ .
- * اكوره خيك ١٢٠ .
- اكروكليس ١٢ .
- اختيار هرورى (خواجه) ١١٠ .
- * اخميم سعيد مصر (كليسا) ٨٣ .
- اخوند درويزه ١٢٠،١٢١ .
- ادب الكتاب الصولى ٨٦،٩١ .
- * اراكوزيا ٢٣،٤٤ .
- ارتبان ٦٥ .
- ارداويرا فنامه (كتاب) ٧٥ .
- اردشير بن ديلمسپار قطبي ٩٤ .
- ارساس ٦٥ .
- ارسطو ١٨،٢٠ .
- ارشك ٦٥ .
- * ارغسان قندهار ١١٨ .
- * ارغنداب ٩،١٠،١٨،٢١،٢٣ .
- ٦٩ .
- * ارمن (ارمنستان) ٧٧ .
- * اروپا ٢،٤،٩٢،١٢١ .
- ارهت ها ٤٦ .
- ازيس ٣٠،٤١ .
- ازيس اول ٨ .
- * اسپانيا ٩٢ .
- * استانبول ١٠٩،١١١ .
- * استخر پارس ٩٣ .
- اسحاق راهب ٧٦ .
- اسد خان ختيك ١٢٠ .
- اسدى طوسى ٩٤،٩٨ .
- اسرار التوحيد (كتاب) ١٠٩ .
- اسرائيل ولفنسون (دكتور) ٦٨ .
- ٨٣ .
- اسروشنه ٧٨،٨٨ .
- اسكندر زومى ١٤،١٥،١٦،٢٠ .
- ٧٥،٧٦،٧٧ .

- * اکرور ۴۱ .
- اگنی سالا ۴۲ .
- اکی سیلوس ۴۲ .
- اکی شله ۴۲ .
- الابنيه عن حقايق الادويه ۹۴، ۹۸ .
- البدو والتاريخ ۹۳ .
- البلادري ۸۵، ۹۰ .
- البيروني ۲۶، ۵۷، ۷۸، ۱۰۶ .
- البتكين ۶۹، ۸۸ .
- التفهيم ۷۱، ۱۰۶ .
- التنبيه والاشراف ۷۵، ۹۴ .
- الرياسي (خط) ۸۶، ۹۱ .
- الصولي ۹۰، ۹۱ .
- المعتبي ۲۲، ۶۳ .
- المغبيك ۱۰۶ .
- المهرست (كتاب) ۷۶، ۷۷، ۸۱ ،
- ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۹۰، ۹۱ .
- انكسندر برنس ۶۴ .
- المختصر من كتاب الوقف ۶۹ .
- المعتمد (خليفه) ۹۱ .
- النهطمان (كتاب) ۷۶ .
- الوثايق السياسيه ۸۳ .
- الهلال (مجله) ۸۳ .
- * الى شنتك ۶، ۷ .
- الياس ۶۹ .
- * امب ۳۱ .
- امراي پارس ۱۰۱ .
- امري القيس ۸۳ .
- * امريكا ۱۱۷ .
- امويان ۷۰، ۷۷، ۸۷ .
- انتني ماکوس ۱۲ .
- * انجمن تاريخ (افغانستان) ۵۸ .
- * انجمن شاهي آسيائي بنگال ۱۲ .
- * اندراب ۸۸، ۶۹ .
- * اندوس ۱۲ .
- انديا آفيس لندن (کتابخانه) ۹۶ .
- انصاري (خواجه عبدالله ، رك :
- پير هرات) ۱۱۱ .
- * انگلستان ۹۲، ۹۶ .
- انگليس (ملت) ۳۰ .
- انگليسي (خط) ۱۱۷ .
- انگليسي (زبان) ۱۶ .
- انند پاله ۷۸
- * اوبهاره ۴۰
- اوت ۷۲
- * اوزمان ۷۷
- * اوركنج ۱۰۲، ۱۰۳
- اورل ستين ۴۰، ۵۰
- اورو موجه ۳۹
- اوزاهاريس نيتي ۷۵
- * اوز گند ۱۰۸
- * اوسلو (يونيوورستي) ۲۵
- اوستا (كتاب) ۲، ۶۷، ۷۵، ۷۷، ۹۰
- اوقا ۹۲
- اوگره بوت ۷۸
- اوله وردهه ۴۱
- اولد پرشن (كتاب) ۱۱۷
- اولياکه کو سولو که ۴۶
- اوی جيته سنمها ۵۰
- اويس ۲۳
- اويدا ۳۱
- اياز ۳۰

| | |
|-----------------------------|--|
| ایران‌شهر (مجله) ۸۵ | ایاس ۳۰ |
| ایزو فراطیس ۱۸ | ایاسه ۴۱،۳۰ |
| ایست ایندویست (مجله) ۵ | ایاسیه کهموی (ملکه) ۳۷ |
| ایس - کی (رک: کتاب خروستهی) | * ایبت آباد ۳۷ |
| ۲۶ | * ایتالیا ۹۷،۹۲،۵ |
| ایشوه رکه ۴۶ | * ایدک ۶۳،۵۷ |
| ایمن نوبخت ۵۵ | * ایوه ۳۳ |
| اینته وهریا ۴۶ | * ایران ۷۴، ۶۹، ۶۵، ۵۳، ۲۳، ۲، ۹۴، ۹۳، ۹۰، ۷۶، ۷۷، ۱۱۲ |
| ایندره ۴۱ | ایران از آغاز تا اسلام (کتاب) |
| ایندره دیوه ۴۰ | ۷۷ |
| ایندره شینه ۴۵ | |
| ایو کراتید یس ۲۲ | |

•••

«ب»

| | |
|--|---------------------------|
| * باکو ۱۰۲،۹۲ | بابر ۱۷، ۱۰۳ |
| * بالا حصار کابل ۱۲۲ | بابرنامه ۵۷ |
| بالی کینه ۴۷ | بابری (خط) ۱۰۳، ۱۰۲ |
| * بامیان ۲۱، ۲۵، ۲۷، ۷۹، ۸۰ | * بابل ۱۲، ۷۴، ۱۴ |
| ۸۱، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰ | بابلی (یان) ۸ |
| بایزید انصاری ۱۲۰، ۱۱۹ | * باجور ۲۹ |
| بایسنفر شاهر ح ۱۰۷ | * باختر ۲۰، ۱۵، ۱۴، ۲ |
| بایقرا (سلطان) ۱۱۲ | باختری (زیان) ۵۳ |
| * بتکره ۴۹ | باختری یونانی (شاهان) ۱۵ |
| * بخارا ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸ | * بادلیان اکسفورد ۹۹ |
| بختی شوع ۱۱۱ | بازک خان ۱۱۸ |
| بدیع الزمان ۱۰۶ | بارکزایی ۴ |
| براهمی (خط) ۱۲، ۱۳، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۸، ۴۷، ۶۱، ۸۲ | باستانشناسی شو روی (مجله) |
| * برتانیه ۶۹، ۲۶ | ۸۸ |
| بردی (اوراق) ۷۴، ۸۴، ۸۹ | * باغ شاهمی ۲۸ |
| | * باغ عدنانی هرات ۱۰۵ |

- * بلخ ۲۱، ۲۵، ۶۶، ۶۹، ۷۵،
 ۷۷، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶،
 بلخیان ۴۷
 * بلژیک ۱۱
 * بلوچستان ۴۷
 بله جیا ۴۳
 بله سمی ۴۴
 * بلهیکه ۳۱
 * بمبئی ۸۵
 * بمپور ۷۰، ۸۹
 * بنج (کوه) ۳۸
 * بنون ۵۷
 * بها دو ۴۱
 بهار ۸۵
 بهاسه ۱۳، ۶۶
 * بهاولپور ۴۳
 بهاوله ۴۳
 بهرامشاه ۹۶
 بهگه وت ۳۹
 * بهلول (شهر) ۴۱
 به همه لینه ۴۷
 * بهیم نگر ۲۲
 بودا ۱۰، ۱۶، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱،
 ۳۲، ۳۶، ۴۱، ۴۸، ۵۶، ۷۹، ۸۰
 بوداو رمه ۳۳، ۳۵
 بوداها ۳۰، ۳۶، ۴۵، ۴۶
 بودا نیان (رك: بوداها) ۴۱، ۷۷
 بودایی (دین) ۹، ۱۱، ۱۶ تا ۱۸،
 ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۲،
 ۴۰، ۴۵، ۸۰، ۸۱، ۹۰، ۱۰۵
 بوداها بله ۱۳
- برزکب ۷
 برزمهر ۵۵
 برز مهر پور ۵۵
 برگس ۹۲
 * برگول (کوه) ۵۶
 * برلین ۷۶، ۸۵
 * برما ۴۱
 برمکیان بلخی ۸۶
 برنس ۶۴
 برنیت (دكتور) ۹
 بروکلین ۸۱
 برهان قاطع ۳۶
 برهما ۱۲، ۴۱
 برهمن واسو دیوه ۴۰
 برهمی (نیزرك: براهمی) ۲۷،
 ۶۶
 برهمی (زبان) ۴۲
 * بریکوت سوات ۶۳
 بریهت سمیتا ۴۷
 بزرگ بن شهر یار ۷۸
 * بست ۹۰، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰،
 ۱۰۵
 * بغداد ۷۶، ۷۸، ۸۵، ۹۰، ۹۲
 * بغلان ۲۷، ۳۶، ۵۳، ۵۴، ۵۵
 ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۱۸
 * بگرام ۱۷، ۲۱، ۹۰
 بک شاکیشکی نا مو برگ
 ۵۴
 * بگ لنگ (رك: بغلان) ۵۴
 بلاش اول ۷۷
 بلانندی ۴۳

- بود هار کشيته ۳۳، ۳۵
 بود ها گو شه ۳۵
 بود ها ميترا ۳۵
 بود هه پويه ۳۵
 بود هه سا کيا موني ۴۷
 بود هه ور مه ۳۸
 *بود هي ستوا ۳۸، ۴۰، ۴۶
 بود يزم ۲۷، ۲۸
 *بودي ستوا (نيز رك: بودهي
 ستوا) ۲۸، ۲۹
 بوذا سف (رك: بود ا) ۷۷
 بورو ۴۲
 بور يته ۳۶
 بور يهان بيرو ني (نيز رك:
 البير وني) ۷۰
- بوسر ... خا قان خيل ۵۹
 بوسه ور من ۳۵
 بوير ۲۵
 بياض (خط) ۸۶
 بيان الاد يان (کتاب) ۹۳
 بيان قلى خان ۱۰۸
 *بيت المقدس ۶۸
 *بيد ادى ۳۰
 بيست مقاله قزو يني (کتاب) ۸۵
 بيستون پارس (کتيبه) ۱۱۶
 بيلين ۱۰۹
 *بيما ران (قریه) ۳۰
 بينزا نتين ۹۱، ۹۰، ۱۰۵
 بيو هلر ۲۱، ۲۵
 بيهقي ۱۰۵

«پ»

- *پانود هيري ۳۸
 *پاتهييار ۳۹
 *پاجا ۳۲، ۳۸
 پادزي هيوز ۱۲۱
 *پارت ۶۵
 پارتها ۷۷
 پارت هي (شا هان) ۱۷، ۲۳
 پارت هي (زبان) ۷۷
 *پارس ۱۴، ۲، ۷۵
 پارسي (زبان) ۶۷، ۶۸
 *پاريس ۳۹، ۱۲۱
 *پالا تود هيري ۴۹
 پالي (زبان) ۴۲
 پانني ۲۳
- *پتنه ۲۲، ۳۴
 پتنها نان (کتاب) ۶۳
 پتيکه ۴۶
 *پختيا ۸۹
 پرا کريت (زبان) ۱۰، ۲۱، ۲۲،
 ۲۴، ۲۷، ۵۴
 پر تهوه (رك: پهلوي) ۶۵
 پرت يي که بود ها ۴۶
 پر يسکا ۷۵
 پر نسيپ ۲۵، ۶۴
 *پر وان ۶۹
 پرويز ناتل خانلري (داکتر) ۷۲
 *پشاور ۲۳، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵

| | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| بور داؤد ۷۵، ۷۷ | ۳۸، ۴۰، ۴۱ تا ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۹۰، |
| پونیه مه ۳۹ | ۱۲۲ |
| * پوروا شا مه ۴۸ | پشاور (کتاب) ۴۲ |
| * پوهنځی ادبیات و علوم بشری ۴ | پشاوریان ۲۹ |
| پهلوی (خط) ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، | * پشکلاوه تی ۳۵، ۳۲ |
| ۷۲، ۸۲ | * پشین ۵۱ |
| پهلوی (زبان) ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، | پښتانه شعراء (کتاب) ۱۱۸ |
| ۳۶، ۵۳، ۵۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۷، | پښتو (خط) ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، |
| پیا مبر (نیز رک: محمد) ۸۲، ۸۵، | ۱۲۱ |
| پی په له کبه ۳۳ | پښتو (زبان) ۵۳، ۵۴، ۱۱۶، |
| پیتهو مقدس ۱۹ | ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، |
| پیر آموز (خط) ۹۵، ۹۶ | ۱۲۲ |
| پیر رو بنان ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱ | پښتون (قوم) ۱۱۶ |
| پیر علمدار ۹۴ | * پښتو نستان ۷۰، ۱۱۶، |
| پیر گر یمال ۱۹ | * پلخمري ۵۴ |
| پیرو ۱۳، ۶۶ | * پنجاب ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۵، |
| پیر وچ ۶۶ | ۳۹، ۴۹، ۷۸ |
| پیر هرات ۱۱۲ | پنجابی (زبان) ۱۲۰ |
| * پیلانہ (قریه) ۳۵ | * پنجتار ۳۸ |
| پیه دسی ۱۰ | * پنج کنت ۷۱، ۹۰ |
| | * پنجکوره ۴۰ |

«ت، ث»

| | |
|----------------------------------|-------------------------------------|
| تاریخ بیهقی ۱۰۵ | تاج الدین (خواجه) ۱۱۰ |
| تاریخ زبان فارسی (کتاب) ۷۲ | تاریخ ادبیات عرب ۸۱ |
| تاریخ سنی الملوك الارض والانبیاء | تاریخ افغانستان ۶۵ |
| | تاریخ افغانستان بعد از اسلام ۷۰، ۷۶ |
| تاریخ سیستان ۶۸ | تاریخ التملن الا سلامی ۸۷ |
| تاریخ لغات سامی ۶۸ | تاریخ اللغات السامیه ۶۹، ۷، |
| تاریخ یمینی ۶۳ | ۸۳، ۸۴ |
| تاریکه ۱۳ | تاریخ بخارا ۸۷ |
| تازیان (نیز رک: عرب) ۷۱ | تاریخ بغداد ۸۱ |

تیمور نامہ ۵۷
 تیمور یان ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳
 تیمور یان ہرات ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۲
 تیموری ہند ۱۰۲
 نلت (خط) ۸۵، ۸۶، ۹۱، ۹۳،
 ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸،

«ج»

جام (منار) ۹۸، ۱۰۰
 جامع او لیاہ ۹۷
 جاو لیا (معبد) ۴۵
 جامی (مولا نا) ۱۰۸، ۱۱۲
 جبل دروز شام ۶۸، ۸۲
 جبل سلع مدینہ ۸۹
 جرجی زید ان ۸۷
 جزق سیستان ۸۷
 جعفر (مؤلف) ۴۲
 جعفر بایسنغری ۱۰۴، ۱۰۷،
 ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳
 جعفر بن محمد ۸۷
 جفتو ۶، ۱۶، ۵۶، ۵۷، ۱۱۶
 جفر اقیای قدیم ہند ۱۱
 جلال آباد ۱۰، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۰
 جلال جعفر ۱۰۷، ۱۱۲
 جلال ہمایی ۷۹
 جمال گر ہی ۳۲، ۳۸
 جمال مینہ ۱
 جمنا ۲۲، ۳۳، ۴۰
 جور نال ایشیاتک سوسائیتی ۱۰۹
 جوز جان ۶۹، ۸۸، ۹۷، ۹۸
 جون مار شل ۸، ۹، ۴۲، ۴۶، ۴۷
 جی (شہر) ۷۶
 جیلیم ۱۴، ۳۶
 جیمس پر نسیپ ۱۳، ۲۴
 جیہ پالہ ۷۸
 جیہ پالہ دیوا ۶۳
 جینہ ۴۸
 جی ہو نی کہ ۴۷
 چار سدہ ۳۳، ۳۵، ۴۳
 چچ (رک: کشتہ پہ چو کہسہ)
 چستر بیٹی (مجموعہ) ۹۶
 چشمت ۹۷
 چک ۳۶
 چنگیز یان ۱۰۱
 چین ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۴۱، ۵۰،
 ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۱۰۴، ۱۰۵
 چینا ب ۴۳
 چینی (خط) ۷۴
 چینی (زبان) ۷۱، ۸۰
 چینیان ۱۱

«ج»

چہل زینہ ۱۷
 چچ (رک: کشتہ پہ چو کہسہ)
 چستر بیٹی (مجموعہ) ۹۶
 چشمت ۹۷
 چک ۳۶
 چنگیز یان ۱۰۱
 چین ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۴۱، ۵۰،
 ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۱۰۴، ۱۰۵
 چینا ب ۴۳
 چینی (خط) ۷۴
 چینی (زبان) ۷۱، ۸۰
 چینیان ۱۱

((ح))

- | | |
|----------------------------|----------------------------|
| حسین با یقرا (سلطان)، ۱۰۴، | * حبشه ۸۳ |
| ۱۱۰ | حبیب اللہ خان (امیر) ۴ |
| حسین صفوی (شاه) ۱۰۲ | حبیبی (عبدا لحي) ۵۸، ۵۶، ۱ |
| حسین وفا سلجو قی ۱۱۵، ۱۱۴ | ۱۱۸ |
| حفصہ ۸۵ | * حجاز ۸۴ |
| حکیم تر مذی ۱۰۸ | حجاز یان ۶۸ |
| حمزہ بن حسن اصفہا نی ۷۵ | * حران ۶۸، ۸۲ |
| حمید بن قحطیہ طایی ۸۷ | حسن (امام) ۸۳، ۸۵ |
| * حوض زمزم ۱۱۲ | حسن ابدال ۳۵ |
| * حیرہ ۸۳ | حسن خان شا ملو ۱۱۲ |
| * حوض کر باس ۱۰۷ | حسین ابن علی ۸۵ |
| حیی بن عمار ۷۰ | |

«خ»

- | | |
|---------------------------------|-----------------------------|
| خرو شتمی (خط) ۹، ۸، ۱۲، ۱۳ | خالد بر مکی بلخی ۸۲ |
| ۱۶، ۲۱ تا ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۳۹ | خالد بن ولید ۸۷ |
| ۴۰ تا ۴۶، ۴۴ تا ۵۲، ۵۷، ۶۵، ۱۱۶ | خاندان گو ۵۸، ۵۹ |
| خرو شتمی انسکر پشنز (کتاب) | خان قزل ۵۹ |
| ۲۵ | خا نیکوف ۹۲ |
| * خزانه الما مون ۸۴ | * ختن ۲۱، ۲۲، ۵۰، ۵۱ |
| خسرو دوم ۶۵ | * ختن قدیم ۵۰ |
| * خلتسی ۴۷، ۴۸ | ختنی (خط) ۷۹ |
| خلیج فار س ۷ | * خرا سان ۳، ۶۵، ۷۷، ۷۸، ۸۱ |
| خلیفہ مو چہ وت ۳۰، ۳۱ | ۸۲، ۸۷، ۸۸، ۹۱ تا ۹۴، ۱۰۰ |
| * خوات ۲۶، ۲۷، ۲۹ | ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸ |
| * خوا تاي ۳۶ | ۱۰۹، ۱۱۱ |
| خواجہ نظام الدین احمد هرو ی | خرا سان خو تاو ۶۶ |
| ۱۰۲ | خرا سانیان ۷۷ |
| * خوا رزم ۱۰۱، ۱۰۲ | خرو تہی ۲۵ |
| خوار زمشا هیان ۱۰۰، ۱۰۴ | خرو شته ۲۵ |
| خودو خیل ۳۳، ۳۸، ۳۹ | |

| | |
|----------------------|------------------------------|
| خود و به که ۳۶ | * خبیر ۲۱، ۸۲، ۱۱۹ |
| * خوده چه ۳۶ | خیزر ۷۸ |
| خوده چه ویها ره ۴۰ | خیر البیان (کتاب) ۱۱۹ تا ۱۲۲ |
| خو شعا لخان ۱۲۰، ۱۲۲ | خیر خا تو ن (بی بی) ۱۱۹ |
| خوره ایزوت ۶۶ | |

((د، د، د))

| | |
|------------------------------|---------------------------|
| داتیا ۳۳ | * در یای نیه ۵۰ |
| دار مستتر فرا نسوی ۱۲۱ | دهشه وه هره ۲۹ |
| دار یو ش هخا منشی ۷۵، ۸ | دفتر افشین ۷۹ |
| ۱۱۶ | دقیقی ۶۸ |
| * دانشگاه پهلوی شیراز ۱۱۷ | * دلف ۱۹ |
| دانیل بود گو یس ۱۱ | دلفوس ۱۹ |
| داؤد ۶۹ | دمتا ش بن عبدا لله ۱۰۹ |
| داؤد بن عباس ۸۸ | دمترا ته ۴۳ |
| * داور ۹۰ | د، م، دتلوب ۸۳ |
| دبیر الملك ۱۲۲ | * دمشق ۷، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۹۲ |
| دپنبتو نخوا هارو بهار (کتاب) | دمنه ۴۳ |
| ۱۲۱ | دنکن فور پس ۶۲ |
| * دجله ۷، ۲، ۷۸ | دوست محمد پریش ۱۲۰ |
| درا نی ۴ | دولت ۱۱۹ |
| در خم ۴۵ | دو لشمه بن حبشی تولکی ۱۰۰ |
| * در گئی ۳۳ | * دو کی ۴۷ |
| * در وازه گنج ۴۱ | دهامه پده ۲۲ |
| * درو نته ۱۰، ۱۱ | دهرم داسه ۴۴ |
| درونی په دره ۴۳ | دهرمه ۲۸، ۵۶ |
| در ویش عبدالمجید طالقانی ۱۱۳ | دهر مه را جیکه ۴۶، ۴۹ |
| درویش صوفی ۱۱۱ | دهره میکه ۳۰ |
| دری (زبان) ۳۰، ۵۳، ۵۴، ۵۷، | ده مه ۲۹ |
| ۱۱۸، ۱۱۶، ۹۷، ۷۹، ۶۸، ۶۳، ۵۹ | * دهلی ۱۳، ۱۰۰، ۱۰۳ |
| ۱۲۲ | * دیبل ۷۰ |

| | |
|----------------------------|-------------------------|
| دیو دو توس ۱۴ | دیبا لکه ره ۴۰ |
| دیوه پتړه کنشکا ۴۳ | دیعترا یوس ۲۲ |
| دیوه نا کری (خط) ۸، ۱۱، ۱۲ | دین دبیره (خط) ۶۵، ۶۷ |
| ۱۱۶، ۶۴، ۶۳ | دینکرت ۷۷ |
| دیوی ۳۱ | دیو اشتیج ۷۲، ۷۱ |
| دهیری ۳۳ | دیوان احمد شاه بابا ۱۲۱ |
| ذوالر یا ستین (رك: فضل بن | دیوان دو لت ۱۲۰ |
| سهل) ۸۶، ۸۷ | دیوان مختاری ۷۹ |

((و))

| | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| ۱۱۲، ۱۰۹ | را پسون ۲۵ |
| رود کی ۶۸ | *را تپی تره (تالاب) ۳۹ |
| *روزگان ۱۶، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۱۱۶ | *را چر ۳۲ |
| روزن فیلد ۴۲ | راجن دا میجه ده ۴۱ |
| *روم ۸۷، ۹۷ | راجه تر نکینی ۲۹ |
| *رو ما ۵ | راور تی ۱۲۱ |
| رو من (یان) ۴۴ | *راول ۴۰ |
| رومی (زبان) ۷۶ | *راو لپندی ۳۱ |
| رو می کیسره ۲۹ | *رباط شرف سر خس ۹۷ |
| رومی نی میتره ۴۶ | *رباط هرات ۱۰۱ |
| رهنمای تکسیلا ۹ | رحیم عقیفی (دکتر) ۷۵ |
| ریا سی (خط) ۸۶ | رستم ۷۱ |
| ریاض الا لواح ۹۵ | رستم محمد خان ۱۱۲ |
| ریحان (خط) ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷ | رقاع (خط) ۸۶، ۹۱، ۹۶، ۹۷، ۱۰۸ |
| ۱۱۲، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷ | ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸ |

((ز،ژ))

| | |
|----------------------|--------------------------|
| زر دشت ۶۷، ۷۵، ۹۰ | *زابیل ۳۴، ۵۶ |
| زد شتیا ن ۳۶، ۶۵، ۷۶ | *زا بلستان (رك: زابل) ۶۶ |
| *زرنج ۶۸، ۶۹، ۸۷، ۸۸ | *زاوول (رك: زابل) ۵۶ |
| زند ۷۵ | *زبد ۸۲ |

| | |
|----------------------------|-------------------------|
| زور نال ازيا تيك (مجله) ۷۹ | زيمباور ۸۷، ۸۸ |
| * ژوب ۲۲ | * ژنو مس ۱۸ |
| زيو نيسس ۴۷ | * زيلم ۴۸ |
| | زين العا بدین خوافی ۱۱۲ |

((س))

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------|
| سدو ۴۰ | سا بهو تی ۱۵ |
| سد هنی ۱۳ | ساتر ایها ۲۱، ۲۲ |
| سراج الا خبار افغا نیه ۴ | سا رویه ۷۵ |
| سراج الملة والدين ۴ | ساسا نیان ۱۷، ۶۶، ۹۳، ۱۰۵ |
| سرا وول ستین ۲۹، ۵۰ | سا سانی (رک: ساسا نیان) ۶۵ |
| سر اولف کیرو ۶۳ | ساکه ۱۴، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۳۹، ۴۰ |
| * سرخ کوتل ۱۵، ۱۷، ۲۷، ۵۴، ۵۷، ۵۸ | ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹ |
| * سر کپ ۴۵، ۴۷ | ساکه (زبان) ۲۹ |
| سرنند یا (کتاب) ۵۰ | سا کیا مونی ۲۷، ۳۴، ۴۴، ۴۶ |
| سرود استیوا ده ۳۴، ۴۸ | * سالم پور ۳۸ |
| سرودا ستیوا دین ۲۳، ۲۷، ۴۲، ۴۷ | سا ما نیان بلخی ۶۸، ۸۸ |
| ۴۷ | سا می (زبانها) ۶۷ |
| سروری آرت پر شیا ۸۵، ۸۸، ۹۰ | * سا نچی (معیله) ۱۳ |
| ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶ | * سا هو سرای (سودا گرسرای) |
| سر یا نی (زبان) ۸۲ | ۵۹ |
| سعد ۸۶ | سایر بن عبد الله ۸۸ |
| * سفد ۲، ۷۱، ۷۴، ۹۰ | سبط ابن جو زی ۸۵ |
| سفدی (خط) ۷۱، ۷۲ | سبکتگین ۶۳، ۶۸، ۶۹، ۸۸، ۹۶ |
| سفدی (زبان) ۷۱ | سبک شنا سی ۸۵ |
| * سفد یا نه ۱۴، ۷۱ | * سپین غر ۳۴ |
| سفا ۳۲ | * سپین وام ۵۷، ۶۳ |
| * سکا تلند ۸۳ | سترا تیر ۴۵ |
| * سکاره د هیری ۴۳ | سترا بو ۱۵ |
| سکلندر ۲۰، ۷۶، ۷۷ | سترا تون ۱۹ |
| * سکستان ۱۶ | ستین کو نو ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۴۲ |
| | ۴۳، ۴۷، ۴۹ |

- سلجوقیان ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۱
سلطان احمد خان ۱۱۱
سظا نشا ۱۰۱
سلطان علی مشهدی ۱۱۲، ۱۱۰
سلطان محمد خندان ۱۱۳
سلطان محمد نور ۱۱۳
سلوك الغزاة ۱۲۰
سليم آغا ۱۰۹
سليمان ماكو ۱۱۸
- * سمر قند ۷۱، ۸۷، ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹
* سمنگان ۶، ۵
سمنيه (رك: بودا نيان) ۷۷
* سنت پيتر (كليسا) ۹۲
سنترل ايشياريو يو ۱۰۳
* سنجو لي (تل) ۷
* سند ۸، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۲۹، ۳۷، ۳۸، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۷۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۰۰
- سنسكر يت (زبان) ۸، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۴۷، ۵۳، ۵۴
۵۹، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۸
۷۰، ۷۹، ۸۰
سنگه ۵۶
سنگار ۱ مه ۶۲، ۶۷
- سنگها ور مه ۳۵
سنگهوره كشيته ۳۰
سنگه ميتره ۲۸، ۳۸، ۴۸
* سوا بي ۳۷، ۴۸
- * سوات ۲۲، ۲۲، ۳۳، ۳۵، ۴۰
۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۶۸
سو تي ۷
سورا شترين ۱۷
سوره بود هي ۳۶
سور يان غور ۱۱۶
* سور يه ۷
سو فيتيس ۱۵
سوند دال در تاريخ (كتاب) ۷۴
سو نك يون ۱۰
* سويس ۵
* سوي ويهار ۴۳
- سهلان بن مکتوم ۸۸
* سه ويرا ها ۴۸
سیتی ۱۴
سیتی ۳۰
سيد حسن ابدال ۱۰۷
سيد عطا محمد قند هاری ۱۱۴
سيد محمد ايشان حسینی ۱۱۵
- * سيستان ۱۴، ۲۲، ۳۶، ۶۵، ۶۹
۸۷، ۱۰۱
* سيلون ۱۲
سيلون لوی ۷۹
سيليو كيد ۱۶
سينارت ۲۵
سينها متره ۳۵
- سی هاره كشيته ۴۵
سی هی ليكه ۳۵
سی -يو- كي ۱۰، ۱۱

((ش))

- شا پور ۱۷
شا پور سوم ۶۶
شماره دا (خط) ۶۸، ۶۳، ۶۱، ۵۸
شماره دا - ناگری (خط) ۸۲، ۷۰ ،
۱۱۶
- * شا ش ۱۰۰
* شالا (معبد) ۴۳
* شا لی (دره) ۵۵
* شام ۶۸
* شاه پور (قریه) ۴۵
- * شا هجی د هیری ۴۱
* شاه داور ۴۱
* شا هرڅ ۱۰۴ ، ۱۰۷ ، ۱۱۱ ، ۱۰۱
۱۱۳
- شاه زنده سمر قند ۱۰۸ ، ۱۰۹
شا هنامه با یسنغری ۱۱۲
شا هناما فرود سی ۱۰۴
* شتو هده ۸۰
شرا مانه گو تمه ۳۱
شر او ستی ۴۸
شراو که پو ته که ۳۲
شر او که ها ۳۶
- شرح تعرف ۹۸
شر حیل ۸۲
شر منه دهر مه پری یه ۳۵
شره منهسد هرهه ره ته ۳۵
شری تیله که ۶۴
شفاء ۸۵
- شفیعا ی هروی ۱۱۳
شفیعه (خط) ۱۱۳
* شکر دره کیمبل پور ۴۲
شکسته (خط) ۱۱۲ ، ۱۱۳
شکمت پرت ۷۸
- شلوم بر ژه ۱۷، ۱۰
* شله تک ۱۱ ، ۶۱
شمال (ملک) ۷
شمس النهار (جریده) ۱۲۲
* شور وی ۱۸
شور یده ور مه ۳۴
شهاب الدین عبد الله غا وردانی
۱۰۱
- * شهباز گر هی ۲۲
- شهر ستا نی (علی اکبر) ۴
* شهر ناپر سان ۳۸
شیخ الا سلام محمد بن احمد ۱۰۷
شیخ او یس ایلکا نی ۱۱۱
- شیخ محمد طغرا بی ۱۰۷
شیلدز ۸
شیرا ۴۵
* شیر تلا ۵۹
- شیر علی خان (امیری) ۱۲۲
شیزو گر تک ۵۵
شیوه ر کس کیته ۴۱
شیوه ر کشیته ۳۰
شیوه سینه کشتتر په ۴۳

((ص،ض،ط،ظ))

- صا حب سري زكى بن محمد بن
على عبدا لحميد البيا ميانى ۹۹
صبا حت عظيم جانو ۱۰۲۱
صد وق (شيخ) ۹۵
صفات الشيعه (كتاب) ۹۵
صلاح الدين منجد ۹۲
ضحى الاسلام (كتاب) ۸۱
*ضلع جيلم ۳۵
*ضلع هزاره ۴۱
طا هر بن حسين ۸۸
طا هر بن عبد الله ۸۸
طا هر بن محمد بن عمر ۸۸
طا هر يان پو شنكى ۶۹
طبرى (شخص) ۹۰
- طبرى (كتاب تاريخ) ۷۵، ۷۸
۷۹
طبريه ۸۷
طبقات اكبرى (كتاب) ۱۰۲
طبقات الصوفيه ۱۰۹، ۱۱۱
*طراز ۱۰۰
طغرل بن اميران فوشنجهى ۱۰۱
طغرى (خط) ۱۰۱
طلحه بن طا هر ۸۸
*طور سينا (شبه جزيره) ۸۳
*طوس (؟) ۱۱۹
ظلمو ۸۲
ظهير الدوله سلطان ابرا عيم ۹۷

((ع))

- عبا سى (رك: عبا سيان) ۸۱
عبا سيان ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۸۸
۹۲، ۹۱
عبدالحى منشى ۱۱۰
عبد لرزاق سمر قنلى ۱۰۷
عبدالعلی (ميرزا) ۱۲۲
عبدالقا در بدا ونى ۱۰۲
عبدالله ۱۱۲
عبدالله (امير) ۷۸
عبدالله الوليد امير المؤمنين
۸۴
عبدالله بن جبر ۶۸
عبدالله بن خير (جبر؟) ۸۴
- عبدالله بن طا هر پو شنكى ۸۱
عبدالله بن على ۹۹
عبدالله طبياخ هر وى ۱۰۷
عبدالله عدويه ۸۵
عبدالله صير فى ۱۰۱
عبدالله مر واريده ۱۰۷، ۱۱۰
عبدالمطلب بن هاشم ۸۴
عبدالملك بن مروان ۸۴، ۸۷
عبدالملك بن نوح سا ماني ۹۳
عبدالملك بن يزيد خراسانى ۸۷
عتا بى ۸۱
عثمان (رض) ۸۵

| | |
|-------------------------------|-----|
| عثمان بن حسين وراق غزنوی ۹۵ | ۱۲۲ |
| *عثمانی (مملکت ترکیه) ۱۰۱، | |
| علاء الدو له قز وینی ۱۰۲ | |
| علی بن ابو طالب ۸۳، ۸۵ | ۱۱۲ |
| علی بن الحسین ۸۵ | |
| علی بن حسین مسعودی ۹۳ | |
| علی بن عیسی ۸۷ | |
| علی بن موسی ۷۰، ۸۵ | |
| علی جوینی (قاضی) ۱۰۹ | |
| علی گره ۶۹ | |
| علی نشا پوری ۱۰۰ | |
| عمر (رض) ۸۳ | |
| عمر بن خطاب (رک: عمر (رض)) | |
| عربی (خط) ۵۸، ۵۹، ۶۵، ۶۸، ۸۵ | |
| عمر بن شیبہ ۸۴ | |
| عمر زئی ۳۳ | |
| عمرو ۸۳ | |
| عمر وبن لیت ۸۸ | |
| عیسی (ع) ۹۲ | |
| عیسی بن عبدا لله بلخی ۹۵ | |
| عیسی بہنام (داکتر) ۹۷ | |
| عجا ئب الطبقات ۱۰۳ | |
| عجا ئب المخلوقات ۱۱۱ | |
| عجایب الہند ۷۸ | |
| عجم ۸۱، ۸۲، ۱۲۱، ۱۲۲ | |
| *عراق ۹۴، ۱۰۱ | |
| عراقی (سبک خط) ۸۶ | |
| عرب (ہا) ۷۹، ۷۷، ۸۲، ۹۱ | |
| *عربستان ۷ | |
| عربہا ۹۰ | |
| عربی (زبان) ۵۹، ۶۳، ۶۸، ۶۹ | |
| ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۷، ۸۲، ۸۳، ۸۷ | |
| ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۸، ۱۰۰ | |
| ۱۰۸، ۱۱۶ | |
| ۷۱، ۷۴، ۷۷، ۸۲، ۸۳، ۸۷ | |
| ۹۴، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲ | |
| عزیز الدین فو فلزایی ۱۱۴، ۱۱۵ | |

((غ))

| | |
|------------------------------|--|
| غبار (خط) ۹۱، ۸۶ | |
| غرد اخبار ملوک فرس و سیر ہم | |
| ۷۵ | |
| *غزد ہیری ۳۲ | |
| غز نویان ۶۳، ۶۸، ۸۸، ۹۷، ۹۸ | |
| ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴ | |
| غزنہ ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۵ | |
| ۱۱۶ | |
| غزنی (رک: غزنہ) ۱۱۶، ۲۱، ۵۶ | |
| غسان بن عباد ۸۷ | |
| غظریف بن عطا ۸۷ | |
| غظریفی (درہم) ۸۷ | |
| غلام محمد دہلوی ۱۱۱ | |
| *غور ۵۵، ۱۰۰، ۱۱۶ | |
| غور یان ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴ | |
| غیاث الدین محمد ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱ | |
| غیاث الدین منصور (امیر) ۱۱۲ | |

غیاث الدین محمد سام (رك): غیاث الدین غوری (رك): غیاث الدین
 غیاث الدین محمد (محمد) ۱۰۱

((ف))

| | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| ۸۸ | فارسی ۸۷، ۷۶ |
| سر عنک اساطیریو نان وروم ۱۹ | فارسی (زبان، نیز، رك: دری) |
| فسیحی هروی (میرزا) ۱۱۳ | ۳۶، ۵۸، ۷۵، ۷۶، ۹۴، ۹۵، ۹۸، |
| فضل بن سهل سر خسی ۸۶، | ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱، |
| ۸۷، ۹۱ | ۱۲۲ |
| فقیر بہار نوی ۱۱۹ | فارسیان ۸۷ |
| فکری سلجوقی ۱۱۴ | فتح جنک ۳۱ |
| فن تحریر (کتاب) ۶۱، ۶۹، | فنون البلدان ۸۵ |
| فنیقیان ۸، ۷ | فخر الدین رازی (۵) ۱۰۲ |
| فوشک ۲۹ | فوات (دریا) ۸۲، ۷ |
| فوشه ۶ | فرانسه ۱۰، ۱۷، ۹۲ |
| فهرست مسکوکات اسلامی ۸۷ | فرا نسوی (زبان) ۱۰، ۱۹ |
| فیر آموز (رك: پیر آموز، خط) ۹۵ | فردوسی ۷۵ |
| | فوس قدیم (زبان) ۱۶، ۱۱۶، ۱۱۷ |

((ق))

| | |
|-------------------------------|---------------------------------------|
| ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲ | قاآنی ۱۰۹ |
| ۱۰۵ تا ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱ | قا مونس هندوستانی به انکلیسی |
| قوغه بی ۱۱، ۶۱ | ۶۲ |
| قوه بلغسون ۷۱ | قا هره ۷۴، ۷۶، ۸۲، ۸۶، ۸۷ |
| قزاقستان ۵۶ | ۹۴ |
| قسطنطنیه ۹۱ | قبط ۸۳ |
| قنقاز ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳ | قبطی (زبان) ۷۶ |
| قند سنک ۳۳ | قبه صخره بیت المقدس ۸۴ |
| قند عمار ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵ | قتم بن عباس ۱۰۸ |
| ۱۲۰، ۱۰۷، ۵۶، ۲۲، ۲۰، ۱۸، ۱۷ | قرآن (کتاب مقدس اسلام) ۱۷، ۱۷، ۱۸، ۱۷ |
| ۸۲ | ۶۳، ۷۸، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۹۲، ۹۳ |

((ك))

- * کابل ۱، ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۷، ۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱
- ۲۱، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۴۴، ۵۴، * کتا بخانه شنا هی ۷۵
- ۵۸، ۶۹، ۸۱، ۹۰، ۱۱۴، ۱۱۸ * کتا بخانه عامه کابل ۱۲۰
- کابل (کتاب) ۶۴ * کتا بخانه مجلس تهران ۱۰۶
- کا پلشاه ۷۸ * کتا بخانه مشهد رضوی ۸۵
- کاباشا هان ۳۶، ۴۸، ۵۷، ۶۳، ۱۰۲
- ۷۸، ۷۸ * کتا بخانه ملی پاریس ۹۶، ۱۱۱
- * کاپیسا ۱۱، ۸۱ * کتا بخانه نور عثمانیه ۱۱۱
- * کا پیشا (رك: کا پیسا) ۳۷ کتاب مانی ۹۳
- کار سنکه داسه کو تمومه ۳۴ کتاب مزدك ۷۹
- * کا شیه پیه ۳۰ کتاب مکه ۸۴
- * کا لدره ۳۳، ۴۵ کتاب وکتا بخانه ها (کتاب) ۹۵
- * کانکرا (رك: پنجاب) ۲۲، ۳۹، ۹۶
- ۴۹ کتز یاس ۷۵
- * کا نمیا ره ۴۹ * کتیکله ۴۰
- * کا نیزه ۳۳ کتیبه های خرو شتهوی (کتاب)
- کاوو سی ۷۸ ۵۰، ۲۸
- کپه (شهرزاده) ۴۴ کتیبه های کوفی قصر مسعود
- کتاب الکتاب ۹۱ سوم ۹۷
- کتاب الو زراء والکتاب ۷۶ کد فیسس ۴۹
- کتاب المهند ۵۷، ۷۸ * کرا چی ۷۰
- * کتا بخانه باد لیان اکسفورد ۹۸ کرش ایبا سشه ۴۹
- * کتا بخانه تا شکند ۱۲۱ * کر مان ۶۹، ۸۷
- * کتا بخانه تحقیقات شرقی اکادیمی * کر نالی ۲۲، ۳۳
- علوم اوز بکستان ۱۰۳ * کر نول (رك: کر نال) ۱۲
- * کتا بخانه تو بنکن آلمان ۱۱۹ کر یسه کوی ۳۳
- * کتا بخانه خطی کابل ۸۵، ۱۰۰ * کسوه ۳۹

- کوشا ۳۶
 کو شانی (نیز رک: کوشا نیان)
 ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۵۷،
 ۵۹، ۶۸، ۶۹
- کوشا نی (زبان) ۵۳
 کوشا نیان ۱۳، ۱۷، ۲۱، ۲۳، ۲۷،
 ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۰، ۴۲، ۴۴،
 ۴۵، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۶۶، ۱۰۵، ۱۱۸
- * کو شان شهر ۲۸
 * کو شک ماخک بخارا ۸۷
 کوفی (خط) ۱۷، ۵۹، ۶۹، ۷۰،
 ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹،
 ۹۳، ۹۴ تا ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۷،
 ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۸
- * کو کچه ۱۸
 کو لی (پرو فیسر) ۹
 کونو (رک: ستین کونو) ۶۵
 * کو هسان ۱۰۶
 * کوه سلح مدینه ۸۳
 * کوه سلیمان ۱۱۶
 * کوه مغ ۷۱
 * کوه هات ۳۱
 * کمپناه ونه ۳۵
 کهو جه پتره ۵۹
 کهو شانہ ۴۶
 کیداره ۱۳
 کیداره کو شانہ شا ۱۳
 کیدار یان ۱۳، ۶۶
 کمبیرج هستری آف اندیا ۱۲
 * کیمبل پور ۴۲
 کی نه و یو ۱۹
- کشتج (کتاب) ۷۶
 کستره په ۳۶، ۳۷، ۴۶
 کستره په چو کپسه ۴۶، ۴۷
 کستره په لیا که ۴۸
 * کشمیر ۲۷، ۶۱، ۷۸، ۱۰۲
 * کشیمی ۴۶
 * کلب افسران ۴۰
 * کلکته ۹، ۱۰، ۲۵، ۱۱۱
 کلپنه ۲۹
 کلیات خو شا لخا ختک ۱۱۹،
 ۱۲۰
- کلی ار خوس ۱۹، ۲۰
 کلپله و منه ۷۱، ۷۹
 کلید افغانی ۱۲۱
 کمو ش ۱۲
 که گو لیه ۲۶
 کنجکاو بیای علمی واد بی
 (مجموعه) ۱۱۶
 کنت ۱۱۷
 * کنر ۴
 کننگیم ۱۱
 کنیشکا ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۱،
 ۴۱، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۴، ۵۵
 کنیشکه (رک: کنیشکا)
 * کو پنهاک دنمارک ۶۷
 کو جوله کره کد فیسس ۲۳
 کو چیان ۵۷
 کورت (جنرال) ۲۵
 * کورم ۳۴، ۸۹
 کو روش ۸
 کوز گا شکی پور ۵۵
 کو شانہ مہارا جه ۳۹

((ك))

| | |
|--------------------------|-------------------------------|
| ۱۰۵، ۹۰، ۸۱ | کا تنها ۶۷، ۷۵، ۷۷ |
| *گند هاره (رك: گند هارا) | *گاز رگاہ هرات ۱۰۷، ۱۱۲ |
| *گنگا ۲ | کا نسیگیم (؟) ۵۵ |
| گو پتا (عصر) ۷۹ | *گجرات ۱۷ |
| گوپته (خط) ۶۱ | *گد روز یا ۱۴ |
| گودود مان ۵۸، ۵۹ | *گر دیز ۶۸ |
| گودو هره ۴۴ | *گر گان ۷۷ |
| گو کد ۵۸ | گره نه و هریه که ۳۷ |
| گو مان ۵۸ | *گزہ ۸۷ |
| گومل ۵۷، ۵۹، ۶۸، ۸۹ | گشتا سب ۷۵ |
| گومل بقیور ۵۸ | گلچین معا نی ۱۰۲ |
| گومنه ۳۷ | گلشن روہ ۱۲۱ |
| گونلو فر یس ۱۶ | *گلکت ۲۷، ۸۰ |
| گو هرا فشین ۷۹، ۹۳ | گنجینه خطوطدر افغا نستان ۱۱۴ |
| *گوهر شاد (مسجد) ۱۰۵ | گنجینه قرآن ۹۶، ۹۵، ۱۰۲ |
| گوهر شاد (ملکہ) ۱۰۵ | گنجینه مشہد رضوی ۱۰۱، ۹۶، ۱۰۱ |
| گیر شمن ۷۷ | ۱۰۷، ۱۰۸ |
| | *گند هارا ۲۲، ۲۸، ۳۱، ۴۴، ۸۰ |

((ل))

| | |
|------------------------|-------------------------------------|
| *لمکان (رك: لغمان) ۶۲ | لارد کر زن ۴۱ |
| *لندن ۲۱، ۲۶، ۶۴ | *لار کانه ۲۲، ۴۹ |
| لود یان ۱۱۶ | *لان- بو ۱۱ |
| *لور لابی ۲۴، ۴۷ | *لاهور ۲۹، ۶۳، ۹۹، ۱۲۱ |
| *لور یان ۳۵ | *لداخ ۲۲، ۴۵، ۴۸، ۴۹ |
| لو کنبل (رك: دیرالملک) | *لشکری با زار ۹۷، ۱۰۵ |
| لو یس رو پرت ۲۰ | *لغمان ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۲ تا ۱۲ تا ۱۲۲ |
| لو یس دو پری ۵ | ۸۱، ۶۳ |
| لویک بوسر ۵۵ | لله (جنرال) ۳۶ |
| | * لمبا که (رك: لغمان) ۱۱ |

لیدن ۷۸ ، ۹۱
لیه ۴۸

نینا بی ۹۲
نیت بن علی نیت ۸۸

((م))

- مجله آسیا بی بنکال ۲۵
مجله آسیا بی پاریس ۲۷
مجله آسیایی شاهی انگلستان ۸۳
مجله پا کستان قدیم ۷۰
مجله سکه شنا سی ۶۶
مجله مستشرقین آلمان ۸۳
مجله مسکوکات ۱۳
مجله هنر ۹۷
مجموع النوادر ۱۱۱
مجوس ۷۹
محقق (خط) ۸۶، ۹۱، ۱۰۱، ۱۰۶
۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹
محمد (ص) ۷۰، ۸۵
محمد اسحاق صدیقی ۶۹
محمد اعظم (شیخ) ۱۲۰
محمد او بی ۱۱۲
محمد بابو شا ۱۰۲
محمد بن ابی بکر ۱۰۲
محمد بن احمد با نیجور ۸۸
محمد بن اسما عیل غوری ۹۷
محمد بن اظہر ۱۱۲
محمد بن شیخ یوسف ابازی سید
الخطا ط ۱۰۸
محمد بن طاہر ۸۸
محمد بن عبد الملک زیات ۷۹
محمد بن عبدوس جمہشیا زی ۷۶
محمد بن عثمان غزنوی ۹۶
- ماورای ۲۲
مادر زبان دری (کتاب) ۳۶، ۵۴
مادر ۵۸
مارگوس ۲۷
ماریک = ماریک = ۲۷
ما شور ۱۸
ما مون (خلیفہ) ۸۶، ۹۱
ما نسیہرہ ۲۲، ۳۰، ۳۷
مانوی (رک: مانویان) ۹۰
مانوی (اوراق) ۹۴
مانویان ۹۳، ۹۴
مانی ۹۳، ۹۴، ۱۰۵
مانیان ۹۰
مانی کیالہ ۲۲، ۲۵، ۳۱، ۳۵
۳۷، ۴۰
مانی گولہ ۴۷
ماوراء النہر ۳، ۷۸، ۸۸، ۱۰۱
۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۲
ما ہجیہ ۲۱
ماعی فہ تیہ ۳۴
ما یتر یہ ۲۹
ما یرہ ۳۵
متورا (نیز رک: مانو رای) ۲۷، ۳۷
۳۷، ۶۱
متورہ (نیز رک: ما تورای) ۵۱
متہورہ (نیز رک: ما تورای) ۴۰
۴۲

- محمد بن عیسی ۹۹
محمد بن قاسم ۷۰
محمد بن موسی ۹۳
محمد حمید الله حیدر آبادی
(داکتر) ۸۳
محمد داؤد حسینی ۱۱۵
محمد رضاء هر وی (شیخ) ۱۱۵
محمد زائی ۴
محمد شفیع لا هوری ۹۹
محمد صالح ۱۰۹
محمد طاهر بن قاسم ۱۰۳
محمد علی هروی (آخوند) ۱۱۵
محمد عوض ۱۱۱
محمد فریفونی ۶۹
محمد نبی واصل ۱۲۲
محمد یعقوب کابلی (میرزا) ۱۱۴
محمود بن گرگین ترکی ۹۹
محمود غزنوی (سلطان) ۶۸، ۶۳
۱۰۵، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳
محمود فرخ ۱۰۳
محمود هدایت ۷۵
مختاری غزنوی ۷۹
مخزن اسلام ۱۲۰، ۱۲۲
*مد راس ۱۲
مرآة الزمان ۸۵
مرتان شاه ۶۶
مرتضی قلی شاملو هروی ۱۱۳
*مردان ۳۲
مرسیا ۹۲
مرقع شامی ۱۱۰
مرگلیوت ۱۰۹
- *مرو ۱۰۱، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۱، ۷۹
مروان بن محمد ۷۰
مروج الذهب ۷۵، ۹۰
مریک ۵۵
مستزمند (ملا) ۱۲۰
*مسجد الرشید ۱۰۲
*مسجد المسیدی ۹۲
*مسجد بی بی خانم سمرقند ۱۰۸
*مسجد کهنه ارض روم ۱۰۹
*مسجد گوهر شاد ۱۰۶، ۱۰۷
مسجد مفاک عطاری بخارا ۹۵
مسعود (شهبزاده) ۱۰۵
مسعود سوم ۹۷
مسعود علاء الدوله بن ایراهیم
۹۷
مسعودی ۷۵، ۹۰
*مسکو ۸۸
مسلمانان ۸۷، ۹۱، ۹۲
مسلم کاکرا فی ۹۲، ۹۵، ۹۶
۱۰۲
مسیح ۲۳، ۹۲
مشجر مشکول (خط) ۱۰۶
*مشهد ۱۰۰، ۱۰۷
*مشهد رضوی ۹۳، ۹۵، ۱۰۲
۱۰۳
*مصر ۷۴، ۷۵، ۸۴، ۸۹
مطهر بن طاهر مقدسی ۹۳
معاویه ۸۷
معتصم عباسی ۷۸
معجم الانساب ۸۷، ۸۸
معقلی (خط) ۹۳، ۱۰۶، ۱۰۷

۶۳، ۵۹، ۵۸، ۴۹، ۴۸، ۴۵
 * موزه تکسیلا ۴۶
 * موزه قا هره ۸۳
 * موزه کابل ۱۰، ۶۹، ۵۲، ۸۷، ۸۰
 * موزه کراچی ۹۸
 * موزه کلکنه ۳۷، ۳۵، ۴۹
 * موزه گلستان تهران ۱۰۴، ۱۱۲
 * موزه لا هور ۴۹
 * موزه لوور پاریس ۹۳
 * موزه متورای هند ۳۷
 * موزه متهوره (رك) : موزه متورای
 هند) ۴۰
 * موزه مصر ۶۸، ۹۶
 * موزه ملی تهران ۱۱۲، ۱۱۳
 * موزه واتیکان روم ۷۵
 * موزه هرات ۹۷
 * موزیم ایشیا تک سو سا یسی
 بنگال ۶۴
 * موزیم پشاور ۳۳، ۳۸، ۳۹ ،
 ۴۰
 * موزیم لاهور ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵،
 ۴۲، ۴۳، ۴۸، ۶۳
 موزیم ۴۶
 * موزیم جود پرو ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶،
 ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴،
 ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰
 * موزیم (رك) : موزیم ۴۶
 موزیم ۳۹
 * موزیم بن ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵،
 ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹
 موزیم ۳۰
 موزیم ۳۰
 موزیم ۳۰
 موزیم ۳۶
 موزیم ۲۶، ۲۷، ۲۸

۱۰۸
 معین (دكتور) ۷۷، ۱۱۶
 مغل ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴
 مغولستان شمالی ۷۱
 مغل (خط) ۱۰۶
 مغل قس ۸۳
 مغل نبات (خط) ۸۶
 مغل بن حرب ۶۹، ۸۸
 * مغل ۱۰۲
 * مغل ۱۴، ۱۱۶، ۱۲۰
 مغل گوهر شاد ۱۰۷
 * مغل کند (کوتل) ۳۳
 مغل خراسانی ۸۱
 * مغانی د هیری ۳۵
 م. دیا کو نو و ۷۷
 * مغل قطب ۱۰۰
 مغل شیر (خط) ۱۰۶
 مغل التوارین ۱۰۲
 * مغل لای (مغل) ۴۱
 مغل بن ساوی ۸۳
 مغل (خط) ۸۶
 * مغل ۷۸
 مغل لین ۷۴
 * مغل ۱۲
 مغل وت ۳۰، ۳۱
 * مغل چای ۳۸
 موریان (خاندان) ۱۷، ۹، ۲۱، ۴۴
 * موزیم استانبول ۹۸
 * موزیم ایران باستان ۱۰۰
 * موزیم برتانی ۳۷، ۸۵
 * موزیم پشاور ۳۵، ۳۶، ۴۲، ۴۴

- | | |
|--------------------------------|-------------------------|
| میر عبدا لر حمن هروی ۱۱۴ | مها سینه ۴۲ |
| میر عرب بخا را ۱۰۸ | مها کشتنر په رجو له ۲۷ |
| میر علی تبریزی قبله الکتاب ۱۱۰ | *مہتر لام ۱۱، ۶۱ |
| ۱۱۱ | *مہتر لمک (مزار) ۱۱ |
| میر علی هروی ۱۱۲ | *مہر ۴۳ |
| میر محمد علی هروی ۱۱۴ | *مہر با جور ۲۹ |
| میرید رخ ۳۳، ۴۴، ۴۵ | مہر داد ۲۳ |
| میر یدر کوس ۴۴ | مہر داد دوم ۶۵ |
| میرہ ۴۴ | مہرو گ ۷۸ |
| میسون ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱ | مہرہ ۵۵ |
| میشع ۱۲ | *میان کلی ۲۹ |
| *میلان (کنا بخانه) ۹۵ | میترا ۴۵ |
| میلیت ۱۸ | میتره ورد هنہ ۴۱ |
| مینا ند روس ۴۰ | میخی (خط) ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۸ |
| مینا ندرہ ۴۰ | *میر زیارت ۳۸ |

((ن))

- | | |
|--------------------------------|-------------------------|
| *نسا ۷۷ | نافذ پاشا ۱۰۹ |
| نستعلیق (خط) ۱۱۰، تا ۱۱۴ ، | ناکہ ده ته ۴۳ |
| ۱۱۹ تا ۱۲۲ | ناگری (خط) ۱۳، ۶۱، ۶۸ |
| نسخ (خط) ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲ ، | ناگری (زبان) ۶۱، ۶۳، ۶۵ |
| ۱۲۱ | نامه تنسر ۷۵ |
| نسخی (خط ، رک: نسخ) ۶۳، ۶۹ | *ناور ۵۷ |
| ۷۰، ۸۳، ۸۴، تا ۸۷، ۸۹، ۹۲، ۹۳، | *ناو گرام ۳۸ |
| ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۶، | *نا بین (مسجد) ۹۴ |
| ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۸، | نبطی (خط) ۶۸، ۸۲، ۸۳ |
| ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲ | نجاشی ۸۳ |
| *نشا پور ۶۹، ۸۱، ۱۰۰، ۱۰۱ | ندر محمد خان ۱۰۳ |
| نصر بن احمد ۸۸ | ندہ دیا کہ ۳۷ |
| نصر بن عبدا لله قزوینی ۹۵ | نرجس (خط) ۸۶ |
| نصر بن علی ایلك ۸۸ | نروا نای ۲۹ |

- | | |
|---------------------------|---------------------------|
| نو شا ده ۵۵ | * نفر کوت ۷۸، ۵۷ |
| نوشته های خرو شتهی (کتاب) | نفا یس الما ثر ۱۰۲ |
| ۳۵ | * شماره ۸۳ |
| نوشته های فرس قدیم در خط | * ننگر هار ۱۰، ۲۸، ۸۰، ۸۱ |
| میخی ۱۱۷ | نوبخت ۵۸ |
| * نو شهره ۳۸ | نو بخت بهار ۵۸ |
| نو کونز وک کنار نک ۵۵ | نوبل ۲۵ |
| * نوه چه (شهر) ۴۶ | نور من شارپ ۱۱۷ |

(۹)

- | | |
|---------------------------------|---------------------------|
| ولید بن عبدا لملک ۸۶ | * وادی نیل ۷۴ |
| وگره مر یگه ۲۶ | واره شا هی ۱۳ |
| ویدا ۲۱ | وا سشته ۳۲ |
| ویشپا سی ۳۶ | واسود یوه ۲۴ |
| ویشپا سیه ۳۶ | وامق و عذرای عنصری ۹۹ |
| ویلسون ۲۱، ۲۸، ۲۵ | وجیشکه ۲۹ |
| ویما شا ۵۷ | * ودهی تیره ۳۲ |
| ویما کد فیسس ۴۹ | ورا قی (خط) ۸۶ |
| ویما کو تپی سه ۴۹ | * وردک ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۹، ۴۷ |
| ویمه کد فیسس ۴۷ | وار هه میسیره ۴۷ |
| وینا یا (کتاب) ۲۸، ۷۹ | * ور هران ۱۳، ۶۶ |
| * ویهاره ۲۶، ۳۶، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۷ | * وزیر ستان ۵۷، ۵۹، ۶۸ |
| ۴۷ | وشی (خط) ۸۶ |
| * وینهده ۴۸، ۶۴، ۶۸، ۹۸، ۱۰۰ | وشی شو که ۳۸ |
| | ولخش ۷۷ |

((۵))

- | | |
|---------------------------|------------------|
| هخامنشی (دوره) ۲۱، ۱۸، ۲۲ | هارون الر شید ۸۷ |
| ۱۱۷، ۹۰ | هاکن ۷۹ |
| هخامنشیان ۷، ۸، ۹، ۶۵، ۷۵ | هپتل خو تاو ۶۶ |
| هدایة المتعلمین ۹۸، ۹۹ | هیبه دهیه ۴۸ |

- ۸۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۲۱
- هند سی (خط) ۱۰۶
- هند وارو پایي (نژاد) ۲
- هند وان ۳۲، ۶۱
- * هندو ستان (نیز رك: هند) ۲،
- ۱۴، ۵۷، ۷۸
- * هندو كش ۴، ۲۲، ۶۶
- هندو ی (زبان) ۱۲۱ (نیز رك: هندی)
- هندی (خط) ۵۸، ۶۳، ۶۶، ۶۸،
- ۷۶، ۷۷
- هندی (زبان) ۲۳، ۵۴، ۵۸، ۷۷،
- ۷۸
- هندو ها (نیز رك: هندوان) ۲۲
- هنر خطدرافغانستان (كتاب) ۱۱۴
- هنر و مردم (مجله) ۷۴، ۷۵
- هورنل (دكتور) ۱۰۹
- هوره شده ۴۴
- هونان هفتلی ۱۳
- هونان یفتلی (رك: هونان هفتلی)
- ۶۴، ۶۶
- هوو یشكه ۲۴، ۲۶، ۲۷
- هیر کلیس ۱۸، ۱۹
- هیرو غلیقی (خط) ۷۴
- هیمه ۳۱
- هیون تسنگ ۱۱، ۱۵، ۵۳، ۸۱
- * هده ۴۸، ۹۰
- * همده ۲۱، ۲۵، ۲۸
- * هزات ۶۶، ۶۹، ۸۷، ۹۷، ۹۸
- ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷،
- ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳
- * هر تفورد ۱۲۱
- * هر تك طبر ستان ۸۷
- * هر ثمه بن اعین ۸۷
- هرما یو س ۲۳
- هر مس ۱۸، ۱۹
- * هر پرود ۶۵
- * هزار سم ۶۰
- * هزاره (وادی) ۴۳
- * هسپا نیا ۵
- هشام بن عبد الملك ۹۳، ۹۴
- هشتپو نه مر یكه ۲۶
- هفتا لی (عصر) ۶۵
- هفتا لیان ۵۵، ۶۵، ۶۶
- هفت کتیبه قد یم ۵۴، ۵۶، ۵۷،
- ۵۸، ۱۱۸
- * هلمند ۱۸، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۶۵،
- ۶۶، ۶۹، ۹۶
- * هما لیا ۶۵
- * هند ۲، ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵،
- ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴،
- ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۳۷، ۴۱، ۴۸،
- ۵۰، ۵۴، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۷۴،

((ی))

- یاددا شتهای قز وینی ۱۱۱
- یاشه ۳۴
- یا کو بی ۴۸
- یحیی (امام) ۹۷
- یحیی بن خالد بر مکی ۸۲، ۸۶،
- ۹۱



۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۵، ۶۶،
 ۶۸، ۸۲، ۸۴، ۱۱۶، ۱۱۸
 یونانی (زبان) ۱۰، ۱۴، ۱۶، ۱۷،
 ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۹، ۳۳، ۳۴،
 ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۵۳، ۵۴، ۶۷،
 ۶۸، ۸۲، ۸۷
 یونانیان ۱۴، ۲۰، ۴۴
 یونانیان یا ختر ۲۲، ۳۹، ۴۴،
 ۴۵
 یونانی یا ختر (شا هان) نیز در:
 یونانیان باختر ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷،
 ۱۸، ۲۲، ۳۰
 یونانی یا ختری (خط) ۱۷، ۲۱
 یوره راجه فره وسته ۳۷
 یویه چی ۲۴
 یهودیان ۸۵

یزد کرد ۸۱
 یسنا ۷۵
 یعقوب لیث صفاری ۶۸، ۶۹
 ۸۸
 ین (شا هان) ۷۴
 یوه یلیا که ۳۲
 یوره شا ۳۰
 یوره سه که ۴۶
 یوسف بن کبیر ۱۰۲
 یو سفزای ۳۳، ۳۸
 یوله میره ۴۷
 یونان ۲، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰،
 ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۴۲، ۷۴
 یونانی (خط) ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳،
 ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰،
 ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۴۱، ۴۳، ۵۴



A short History of

**Calligraphy
And
Epigraphy**

in AFGHANISTAN

By

Prof. ABD-AL-HAYY HABIBI

**published By the
Historical and Literary Society
of
AFGHANISTAN Academy**

KABUL

1971

Government Printing House